

دار و مجله



چنگا بن - ۴ - کال - ۱۳۴۶



پیام عرب شهید

سائرهراتی

لاله گون از خون پاکم شد همه دشت و دمن
از برای حفظ دین و حفظ خاک خویشتن
رونتایید هیچ از اعدای دین خویشتن

ای عرب ای نسل پاک از خالد خود یاد آر
سربکفت گیر از بلال اندر فلسطین یاد آر
فتح و نصرت از تو میباشد یقین ای جان من

تو از آن قومی که اجداد تو نیکو نام بود
تو از آن خبلی که نامش فخر مصر و شام بود
پس تو هم مردانه قربان شو بدامان وطن

ای عرب ای نور چشم جمله قوم مسلمین
خون ما قربان تو بادا و هم قربان دین
خویش را چون آفتاب و دشمنت چون ذره بین
تا که یک فرد مسلمان زنده باشد در زمین
میکند جان را نثار دین پاک ذوالمنن

نغمه سرکن تو الا ای ساربان سوی حجاز
جهد کن با ضربت شمشیر خود کوتاه ساز
دست استعمار تا سوی تو میگردد هراز
چون مدد گارت بود هر جاخدای بی نیاز
میرسی بر منزل مقصود ای قوم کهن !

شرح روی جلد : اعلیٰ حضرت معظم همایونی و جلالتمآب
نیکولای پودگورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی
در میدان هوایی بین المللی کابل .

فهرست مضامین این شماره

صفحه	نویسنده	مضمون
۳	فیض محمد عاطفی	بحرانها و آشوب ها
۴	غنی اثر بنتلی	عالیترین احساس بشر
۶	دگر من ارکانحرب غلام نبی	اساسات تکتیکی و تهنیکی حرب گریلا
۷	دگر من ارکانحرب محمد یحیی نوروز	اتحادیه های نظامی
۹	دگر وال ارکانحرب عبدالقدیر «خلیق»	اساسات و پرنسیب های مدافعه
۱۴	« از کانحرب نور محمد ار سلا »	قوماندانیت و مسئولیتهای آن
۲۱	« عبدالقیوم «ترین»	جریان رو و د عظیم زندگی
۲۲	بریدمن عبدالواسع « نبی »	حرب در طول تاریخ
۲۵	« محمد عزیز «حیدری»	معلومات عمومی راجع به مواد مسموم
۳۱	« عبدالواسع « روئین »	میشلری نامه نگار معروف
۳۷	میر جمال الدین فخری	وینستون چرچیل
۴۲	توریالی عثمانی	فرانسه و اردو های آن
۴۷	سید فضل احمد چخان سوری	پلان پنجسالهء نظامی امریکا
۵۲	دگر من سید عبدالغنی	مدافعه هوائی پاسیف
۵۸	جگتورن اختر محمد لودین	شرق وسطی
۶۷	بریدمن عبدالحکیم	باصقین و بتکانگک ها در « پلی مه »
۸۱	دگر وال محمد نعیم انوری	باجغرافیای جهان
۱۵	بریدمن عبدالله	قربانیان اتومی در هیروشیما
۷۷	سردار محمد «ولی»	آیا پوهیزی؟
۷۹	آمال الدین طاهری	طفل و ارتباطات فامیلی آن
۸۳	فیض محمد عاطفی	مطالعات اجمالی در ژئوپولیتیک
۸۸	آقامحمد «بیغرض»	زما دمطالبو خوتسکی
۹۲		اخبار اردو
۹۷		مشغولیت های فکری



نویسنده: فیض محمد
(عاطفی)

بحرانها و آتشو بهما...

خاور میانه بار دیگر مرکز بحرانها و آشوبهای خوتین گردید تاثیر این حوادث و حملات اسرائیل بر اعراب، دنیای آشفته ما را آشفته تر ساخت. جهانیان با بیصبری و اضطراب تمام، جریانات جنگی و اوضاع سیاسی آنجا و در آنجا را تعقیب می کنند و مشکل اینجا است که فیصله های موسسه ملل متحد که اسرائیل نیز یکی از اعضای آن است، تاثیر مثبت و کامل خود را تا کنون نمایان نساخته و عرب ها هنوز هم مورد تجاوز و حملات قوای اسرائیل قرار می گیرند.

شک نیست که موسسه ملل متحد بزرگترین ملجأ و مقام استوار است که بالخاصه در اوقات بحرانی و بروز فجایع و حوادث خطرناک، نقش موثر و انسانی خویش را همیشه بازی نموده و در راه استقرار صلح و سلم گیتی قدمهای بزرگی برداشته است اما فیصله های این موسسه در پیرامون بحران های شرق وسطی و بالخاصه معضله یهود تا کنون بصورت قاطع صورت نگرفته و خاور میانه با موجودیت اسرائیل کانون خطر بزرگی برای دنیای ما که تشنه صلح و آرامش میباشد، گردیده است.

قاعده برای یافتن طرق حل صحیح در هر امری باید بعلت حقیقی توجه داشت زیرا با تشخیص علت راه چاره و درمان مشکلات بدرستی پیدا شده میتواند متأملانه در قسمت مسائل اختلافی بین عرب ها و اسرائیل زیاده تر بعملول ها متوجه شده اند نه علت حقیقی و غائی که همان غصب و تصرف اسرائیل بر اراضی و وطن عربها است کمتر توجه بعمل آمده است و به جرأت میتوان گفت که بحرانها و آشوبها از همین عدم توجه بعلت اصلی ناشی میشود.

موضوع متار که اعراب و اسرائیل در نظر تمام مبصرین سیاسی جهان امریست موقتی و البته بحرانها و آشوبهای بزرگتری را نیز در کمین دارد مادر این دقایق خطیر و بحرانی باز هم یقین داریم موسسه ملل متحد و زمامداران بزرگ جهان با توجه و اهتمام خاصی که برای حفظ صلح و آرامش جهان دارند میتوانند با تشخیص علت های

حقیقی و فیصله های عادلانه و واقع بینانه خاور میانه را از چنگال این بحرانها و آشوبها نجات داده و به تجاوز اسرائیل و سرپیچی آن از دستورهای موسسه ملل متحد خاتمه بخشند.

دنیای ما صدمات جنگهای خانمان بر انداز و تپاه کن را فراموش نکرده و امروز جهانیان بخوبی دریافته اند که با جنگ و ستیز نمیتوان مشکلات بشریت را حل نمود. امید داریم بحرانها و آشوبهای خاور میانه از راه عقل و درایت و انصاف و عدالت حل گردد و سایه شوم جدالها و کشمکش ها که جز برابادی و بدبختی دیگر ار مغالی با خود ندارد ازین سر زمین ها رخت بر بندد و صلح ثابت و پایدار در این گوشه جهان مستدام و مستقر باشد.

وظیفه عالیترین احساس بشری است

در پناه دیواری انسانی افتیده بود ، قلب داشت طپیدن می کرد ، با کرامت بود و بشر نامیده میشد و از پامانده بود . او موجود علیل و فرد نا توانی بود ، زخمهای پنهان و پنهان او را مجروح جامانده جلوه میداد و خون های یخ کرده اش شیرهای گلگونی در چهره آما سیده او تشکیل کرده بود ، بسختی نفس میکشید و با شکنجه و التهاب دقایق واپسین را انتظار داشت .

انعکاس گرمی از دیوار مخربه او را در بازوان تب و حرارت می سوزانید و هیکلش را به سوز و گداز انداخته بود و روحش را آزار میداد و اذیت میکرد ، جوان بود ، بازوان سطر و جسم نیرومند داشت ، پنجه های دستش بیش از آهن گداخته با قدرت و توان احساس می گردید و رنگی شبیه فولاد داشت .

قامت بلندش با اینکه بین زمین و دیوار دو قات و خمیده بود باز هم بلندی قامتش بخوبی آشکارا می نمود که شخصی است جسیم ، با قدرت و توانا و از هر رهگذر توان جسمی او قابل ستایش است . عسکر است و با تمام معانی یک فرد ورزیده و با قدرت .

دانه های عرق و قطرات سفیدی که از حرارت خورشید و شکنجه درد و زخم بر پیشانی این مرد سرخ با خون آمیخته بود چون دانه های یا قوتی تلالود داشت و جبین او را گوهر افشانی کرده بود . او مردی بود و با افتخار می زیست و با کرامت و شهادت میخواست تا جان دهد .

گویا درین هنگامه که بین زندگی و مرگ در جدال بود و به حیات گذشته و حالیه فکر میکرد ، صحنه از دست رفته حیاتی را میباید و به تماشای خوبی ها و نیکوئی ها می سنجید ، روح او بفکر گذشت زمان بود .

او میدید کودک خورد سالی امت و از خود قدرت ستجش و میزان خوب و بد را ندارد ، دستش را بر کف پدر گذاشته و آهسته و ملایم پایه پای پدر بطرف باز ارجه قریه روان می باشد .

چیز های خورد اما رنگین او را بخود جلب میکرد . خوردنی ها بیشتر او را به اشتها می آورد و باز پنجه های خورد و بزرگ توجه خورد سالی او را بخود زیادتر معطوف می نمود .

اثر یفتلی

سالهای کودکی او در بین چهار دیوار منزل کوچک شان سپری گردید، گلهای خود رو و سبزه های نوری ریز داخل حویلی ساعت ها او را مشغول میکرد، از صدای کیبوترو زیرانی خروس های بیشتر متلذذ میشد و شبها جز از اندیشه کود کانه چیز دیگری نداشت. سالهای درس و تعلیم فرا رسید دستش با قلم آشنائی پیدا کرد و بغلش دسته از کاغذ و کتاب گرفت. مونس حافظ شد و انیس سعدی گردید او را نزد ملا قریه به تدریس واداشتند و به فرا گرفتن دروس دینی مجبور نمودند تا فرایض دینی و سنن شرعی را بیاموزد و بحیثیت و زندگی نوین آشنا شود.

شاید ماهی گذشت و با فصلی سپری شد. پلان مکتبی در قریه پی ریزی گردید، کتاب و قلم رسید، معلم و استادی گماشته شد.

درس خانه مسجد به مکتب اساسی تبدیل گردید، چوکی و تخته سیاهی در میان آمد، و توام با کوشش معلم و اهتمام والدین و زحمت کشتی خود به مراحل درسی آهسته آهسته بلندتر رفت و ارتقا یافت، او می پنداشت که که از آن به بعد خوشبخت خواهد بود، عمرش را در امید واری و شادکامی سر خواهد داد. مثنی و به صلاح خواهد بود. از سر نوشت خود و از خدائی که این سر نوشت را با رحمت فرموده راحی و شاکر خواهد بود.

اما چه حیف که حساب زندگی و کلید معمای آفرینش دور از پنجه قدرت ماست، چه واضح است که معلومات هر چه بیشتر پیشرفت کند باز هم به هیچ نمی رسد و برای حوادث روزگار دلایل و علتی می تراشیم و خموش میشویم و در قبال پیش آمدها جز از تحمل و حوصله، زانو زدن از ناتوانی دور از عقل و اندیشه است. عمرش به مرحله مکلفیت رسید. او را به عسکری جلب کردند و به کتاب جلب و احضار راه یافت. هم قاغوش دیگر برادران گردید و هم قروانه

سایرین گشت. روزها در ته اشعه زربین خورشید به تعلیم پرداخت، حرارت و شدت آفتاب در و حله نخستین پوست دست و گردنش را سوزانید، آبله ها کرد، آب گرفت و پوست پرداخت.

سردی های زمستانی، شدت وحدت خنک او را چون برگ های بیدلرزانید قلبش را بیشتر به تسکین انداخت پنجه های دست و پایخ کرد و با آتش عشق و شهبامت مردانه اش گرمی گرفتند.

دوره دوسالش تکمیل شد، با تکا شجاعت و قدرت علمی و جسمی به استخدام مجددش کوشیدند و او را در ردیف رتبه داران هم عنان ساختند.

از آن هم گذشت کلاه افسری بر سر گذاشت و یونیفورم صاحب منصبی بر تن کشید، خود را خوشبخت یافت، با افتخار احساس کرد اما بار مسئولیت وظیفوی و وجدانی بر شانهای ورزیده او گرانی انداخت و به تحمیل آن رنج ها کشید تا خود را ازین بار وزن وزن برهاند و حق وطن و قوم را ادا کند.

در بهاران زندگی گنهای بسی از امید چیدن کرد و در قبال هر گنهی زائوی امید بر زمین زده با هزاران عشق و علاقه و وظیفه وجدانی خود را ایفا و آنچه سر ادا حاصل داشته، رعایت بزرگان و آمرین را اخذ نموده است.

او امیدها داشت، آرزوهای دروغ می پروراند، ناز می کرد و انجام میداد. تا اینکه بزواتم سر بوظه او در گیر و دار زندگی و ناملازمات وقت و وز سان وظیفه گرفت، در یک شب تاریک و ظامانی، شبی که ستارگان فلکی چادری از ابر بر رخ کشیده بودند و جبینی فلک از انده و ماتم گرفته و بر چین بود، بادهای سهمگینی می وزید و باران سخت و شدید یاریدن داشت، بر دشمن شمشخون زد و به تار و مار اعدا پرداخت. دشمن را خافل گیر کرد، مضمحل گردانید به فرار مجبور ساخت و به شکست و

مغلوبیت مواجه نمود.

آنها را از بین برد و در حالیکه به تعقیب فراریان پرداخته و میخواست آخرین آرزوی خود را که امحا آنها بود تحمیل بدارد خود زخمها برداشت خونها ریخت از هوش رفت و جا مانده گردید؛ ولی با اینهم استمداد و کمک رفقا را نپذیرفت و از نجات خود گذشت و وظیفه اصلی و مرام ملی خود را مقدم شماریده توصیه تعقیب داد و امحا اعدا را در میدان مجاربه مقدم از وجود خود دانست.

او بشر زخم خورده بود که پهلوی به خاک داده و تسکیمه بر دیوار شکسته گذاشته بود. او انتظار داشت تا خبر خوش فیروزی را دردم واپسین بشنود و بعد با افتخار جاودانی ره آخرت در پیشگیرد.

در آنحال به او نزدیک شدم، سرش را از دیوار بر بالای بازو گذاشتم و به جای سنگ و کلوخ دامان کرتی را بالشت آن ناز پرورد نام وطن کردم. دست بر پیشانی اش گذاشتم و نتیجه بر بالای قلبش نهشتم و با دستمال به پاک کردن جبین و چهره اش پرداختم. او حرکتی نکرد و دیدگان خونین خود را باز نمود چشم بر دیده ام دوخت و با عجله که ناشی از ناتوانی و ضعف بود پرسید: نتیجه چه شد دشمن بکجا رفت؟

گفتم آرام باش، تسکانی بخود نده تاخیر ریزی تجدید نشود، خوش و راحت کننده خبری است، دشمن امحا گردیده و تاج افتخار نصیب تو و جزواتم تست.

آهی که با ناله هم آهنگ بود از گلو کشید، شکر گفت و جان سپارید. چشمش گرفتم و راستانش ساختم. رفتم تا برای شهید پر شهامت و صاحب افتخار وظیفه اجرا کنم.

او مرد ولی با تمام سردانگی، شهامت و افتخار وظیفه وجدانی را با جان شرفین خود توأم بپایان رسانید. ختم

- ۲- تعلیم و تربیه سرعت حرکت
- ۳- تعلیم و تربیه شنا وری
- ۴- تعلیم و تربیه بالا شدن به ارتفاعات
- مورد نظر ذریعہ رسمان
- ۵- تعلیم و تربیه خیز زدن در از و بلند
- ۶- رفتار های حبری
- ۷- تعلیم و تربیه اجرای آتش

اساسات تخنیک و تکتیکی

حربهای گریلا (پارتیزنی)

۷- تعلیم و تربیه عمومی قوت های پارتیزانی (گریلا)

الف- نیرو های پارتیزانی عبارت از قوتهایی اند که بوظایف خصوصی استخدام میشوند. از نیرو و لازم است تا این نیروها دارای چنان خواص و قدرت محاروبی باشند که حرکات مورد نظر را در مناطق مطلوبه به انسیاتیف شخصی یا عباره دیگر مستقلا انجام بدهند.

برای اینکه یک نیروی پارتیزانی بطور مستقل بتواند از اجرای وظایف محوله بخوبی بدرشود میبایست اساسات تعلیم و تربیه ذیل را پیروی نمایند . اساسات مورد نظر را میتوان به شکل ذیل خلاصه نمود:

- ۱- تعلیم و تربیه نشانجی گری (تعلیم و تربیه انداخت)
- ۲- تعلیم و تربیه تاکتیک
- ۳- « « سترو اخفاء
- ۴- « « کوعنوردی
- ۵- « « شناوری
- ۶- « « سرعت در حرکت
- ۷- « « رفتار در شب
- ۸- « « بالا رفتن ذریعہ رسمان
- ۹- « « خیز زدن (پرش)
- ۱۰- « « مکیاژ (تبدیلی قیافه)
- ۱۱- « « کشف
- ۱۲- « « تبلیغات و پرو پاگند
- ۱۳- « « تخریب
- ۱۴- « « رانندگی
- ۱۵- « « مخابره
- ۱۶- « « تحکیمات
- ۱۷- « « خریطه
- ۱۸- « « عکاسی
- ۱۹- « « استنو گرافی

از جمله اساسات متذکره سه مواد اخیر الذکر مخصوص يك عده پرسونل محدود میباشد .

ب: در حربهای تدافعی امر وزی استراتیژی عمومی قوتهای پارتیزانی برای اینکه کتله های بزرگ مردم را به فعالیت وادار سازند فرا گرفتن لسان یازبان دشمن و سایر خصوصیات منطوقی که دشمن ارتباط دارد ضروری است .

۸- انواع تعلیم و تربیه قوتهای گریلا
الف: تعلیم و تربیه سیاسی: فعلا در پلان تعلیم و تربیه حرکات پارتیزانی تعلیم و تربیه سیاسی دخیل بوده و پرسونل آن نوام با فرا گرفتن تعلیم و تربیه عسکری از تعلیم و تربیه سیاسی نیز برخوردار میشوند .

هدف از تعلیم و تربیه سیاسی اینست که در مورد اجرای حرکات محتمله ای که توسط قوتهای گریلا انجام میشود پس از تفهیم ، اعتماد و عقاید پارتیزان هادر موضوع متذکره حاصل و تأمین میگردد . که بدینوسیله سویه معنوی و مورال آنها تضمین ودر ارتقای روحیه عالی آنها در جریان حرکات کمک شایانی مینماید که در نتیجه آنس ، مجادله و مبارزه آنها بصورت مستدام امکان پذیر میگردد . خصوصیات فوق در هنگام استراحت و بیکاری بشکل کنفرانسها و میتینگ ها به قوای گریلانی تشریح و توضیح میشود .

ب: تعلیم و تربیه عسکری: نظر به ایجاب وضعیت بعضی از خصوصیات تعلیم و تربیه عسکری به پرو گرامهای تعلیم و تربیه پارتیزانی داخل شده که پرسونل پارتیزانی به اساس در نظر داشتن مطالب ذیل رسانیده میشوند:

۱- تعلیم و تربیه کوهی

- ۹- تعلیم و تربیه بوکس (مشت زنی)
- ۱۰- تعلیم و تربیه مبارزه بر چده و تیغ
- ۱۱- تعلیم و تربیه پیاده گری
- ۱۲- تعلیم و تربیه معلومات در خصوص اسلحه دست داشته
- ۱۳- تعلیم و تربیه اصول محاربه با سلاح جارحه (چاقو، پیش قبض و غیره)
- ۱۴- تعلیم و تربیه تجمع (بمنظور اجرای هجوم به سرعت تشکیل مرکز ثقل)
- ۱۵- تعلیم و تربیه معاونت سلاح
- ۱۶- تعلیم و تربیه اجرای آتش مؤثر
- ۱۷- تعلیم و تربیه ستر و اخفاء
- ۱۸- تعلیم و تربیه تحکیمات
- علاوه بر موضوعات فوق الذکر فهمیدن خصوصیات آتی به منظور اجرای حرکات محاروبی قطعات پارتیزانی نیز لازم است .
- ۱- اتساع و انبساط
- ۲- گرفتن زنجیرا خپور به داخل دلگی
- ۳- رفتار تفریبی
- ۴- تعرض و عقب نشینی
- ۵- کشف
- ۶- وظایف پلشقراول
- ۷- ارتباط مخابره
- ۸- استفاده از اراضی
- ۹- تخمین مسافه
- ۱۰- تکتیک باصقین
- ۱۱- اجرای حرکات مخفی
- ۱۲- حمله (هجوم)
- ۱۳- تعرض در شق
- ۱۴- امنیت اردو گاه
- ۱۵- معلومات در مورد سلاحهای خصوصی و اسلحه جدید
- ۱۶- داخل موضع شدن اسلحه ثقیل و خصوصی

(التهبا)



محمد یحیی نورو ز دگرهن
ارکان حرب

III پیمان سنتو

در سالهای متعاقب حرب جهانی دوم سه موضوع برجسته و مهم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطقه تاریخی و حساس شرق میانه را تحت تأثیر گرفته بود :

۱/ آرزوی تاریخی روسیه برای دست یافتن به آبهای گرم و آزاد بحر مدیترانه و بحر هند ،

۳/ تأمین امنیت منبع سرشار و بزرگ نفت در ممالک عربی و ایران از طرف دول غرب ،

۳/ نهضت های آزادی خواهی مردم عرب بر علیه ممالک استعماری و جنبش اتحاد اعراب .

حرکات دولت شوروی متعاقب حرب عمومی دوم از راه فشار آوردن بالای ترکیه که کنترل آبناهای بوسفور

و دارد انزل یعنی مخرج شو روی به بحر مدیترانه را بدست داشت به مقصد تصرف یا اشتراک در کنترل این آبناها جهان غرب را نگران ساخت . چون دست یافتن دولت شوروی در شرق میانه برای مفاد چند جانبه دول غرب ضرر به مدهش محسوب میشد ، برطانیه و امریکا با عقد پیمان های جدا گانه با ممالک این منطقه به آنها کمک اقتصادی و نظامی فراوان نمودند تا ممالک مذکور را بمقابل تجاوز محتمله شوروی تقویه نموده باشند .

از جانب دیگر بروز معطلی در بیرون کشیدن قوت های تمرکز داده شده شوروی در ایران و تیرگی روابط بین این دو کشور بنا بر عوامل مختلفه ، توجه دول غربی را باین ناحیه

جلب نمود و تصور نمودند که شاید آرزوهای قدیم تر از های روسیه برای دست یافتن به بحر هند از طرف دولت شوروی تعقیب گردد و از این راه منافع جهان غرب در اطراف خلیج فارس و نیم قاره هند به مخاطره افتد و بناء در صدد مقابله باین احتمال توسعه جوئی بر آمدند .

و نواحی آن بوجود آورد.

به مقصد اینکه دول غرب بالخاصه امریکا و برطانیه که مفاد سیاسی و اقتصادی هنگفت در شرق میانه دارند با این تهدید سه گانه مقابله منظم و متحد اجرا کرده بتوانند ، با اثر پیشنهاد و اینسبای تیف دولت برطانیه که نفوذ ، مفاد و تجربه تاریخی آن در شرق میانه از امریکا بیشتر بود و با حمایت و تقویه موثر امریکا در سال ۱۹۵۱ اتحادیه نظامی ممالک پکت بغداد بوجود آمد .

شاملین آن ترکیه ، عراق ایران و پاکستان از خود منطقه بوده بر- انیه که مفاد اقتصادی و نفوذ سیاسی تاریخی در شرق وسطی داشت نیز رسماً عضو آن گردید ممالک متحده امریکا بحیث حامی و کمک دهنده عمومی اتحادیه های که بر ضد اتحاد شوروی تأسیس میگردد حمایت خود را از اعضاء آن اعلام نمود تا چندی اعضا این پیمان به تشکیل شوراها پرداخته روابط نظامی و اقتصادی بین خود را تقویه نموده از کمک های نظامی و اقتصادی قابل ملاحظه برطانیه و مخصوصاً امریکا استفاده نمودند. در سال ۱۹۵۸ در حالیکه هنوز تعاون متقابل و همکاری های نظامی و اقتصادی بین اعضاء پیمان به پختگی و سویه همکاری های اعضا اتحادیه اتلا نیتیک نرسیده بود وقوع کودتای عراق موقف سیاسی

آن کشور را عوض کرد و متعاقباً دولت عراق رسماً از پیمان خارج گردیده و این موضوع حتی سبب تغییر نام اتحادیه از پیمان بغداد به سنتو یعنی سازمان پیمان مرکزی گردید . خارج شدن عراق يك يك حلقه مهم از زنجیر اتحادیه را از بین برد چونکه عراق علاوه بر اهمیت آن بحیث يك مملکت مستقل دارای قوای نظامی منظم و قابل اعتماد از سالهای بعد از حرب عمومی اول به بعد ، دایماً مرکز نظامی مهم برطانیه در شرق وسطی بود . اتحادیه بدون عضویت عراق هم موجودیت رسمی خود را حفظ کرد. اما حرب هند و پاکستان در ۱۹۶۵ این پکت را در معرض امتحان بزرگی قرار داد و عملاً ثابت گردید که اعضا دیگر پیمان به هم پیمان نظامی خود پاکستان جز همدردی شفاهی و فرستادن چند نفر صحنه و یکمقدار ادویه چیز دیگری نتوانستند بلکه اوضاع سیاسی آن زمان و افکار عمومی مردم جهان را که بر علیه مداخله دست خارج در آن حرب بود بیشتر اهمیت دادند و حتی در این اواخر هر سه مملکت منطقوی عضو پیمان یعنی ترکیه ، ایران و پاکستان به همکاری های تخنیکی ، فرهنگی اقتصادی و نظامی با اتحاد شوروی که در حقیقت مملکت هدف این اتحادیه بود پرداخته اند پاکستان از این هم قدم فراتر گذاشته در زمان حرب هند و پاکستان و بعد از آن

کمک نظامی از جمهوریت مردم چین دریافت نموده است .

II پیمان سیاتو

از بین رفتن امپراطوری جاپان در شرق اقصی بعد از انقلابهای اتومیک اگست ۱۹۴۵ و تسلیم شدن بلا شرط کشور مذکور به امریکا متحدهین آن خلای بزرگی در موازنه قوتها در این ساحه و وسیع جهان بوجود آورد . ممالک متحده امریکا که مقتدرترین دولت فاتح جاپان محسوب میشد از سمت شرق و اتحاد شوروی که بالا استفاده از خلای موجوده در ماههای اخیر حرب از راه چین و کوریا در شرق اقصی داخل گردیده بود از سمت غرب بغرض تأمینات آینده ، مشغول تأمس منطقه نفوذ در آنجا گردید .

مستعمرات سابق فرانسه برطانیه و هالیند که سالهای جنگ و تماس با جاپان روح ضد استعمار و ملیت را در آنها ترزیق کرده بود از ضعف داخلی و مصروفیت کشورهای استعماری متذکره در اروپا و مناطق دیگر دنیا استفاده نموده بنای تأسیس دولت های مستقل را گذاشتند . دول دارای مستعمرات مذکور با وصف تحمیل خونریزی های طولانی و نیرنگ های دیپلوماسی نتوانستند دوباره سلطه شان را کاملاً در ممالک مذکور قائم نمایند . در طی سالهای ۵۱ - ۱۹۴۵ نفوذ و تأثیر کمونیست ها در چین بالاخره (بقیه در صفحه ۵۵)

اساسات و پرنسیب های

مدافعه هم آهنگ با تعرض

ترجمه و نگارش: عبدالقدیر خلیق
دستورال ارکان حرب



مدافعه همانا تقویه و تحکیم اراضی اشغال شده و دفع و طرد نمودن تعرض و ضربه های متقابل دشمن و تأمین حمایه در حین عقب نشینی برای قوتهای ماسمی باشد. غایه اصلی و اساسی مدافعه طرد نمودن تعرض قوتهای فائق دشمن، تحمیل ضایعات زیاد محافظه اراضی اشغال شده قطعات دوست و فراهم آوردن زمینه مساعد برای گذشتن آنها به تعرض میباشد. مدافعه فرصت های مساعد تری را نسبت به تعرض از نگاه استعمال و استفاده اراضی جهت تأمین تستروستر و اخفا برای افراد و وسایط و اجرای

اتخاذ نمایند. و از همین نقطه نظر است که مدافعه یک شکل محاربه اجباری و موقتی و مقهور آرزوهای متعرض می باشد. هدف و غایه مدافعه اینست تا از قوای انسانی و مواد و متریال *Material* حربی در آن قسمت های جبهه که آنقدرها مهم نیست تصرف به عمل آمده و باین تصرف یک قوه قوی ضربه دهنده را در استقامت - هدف اصلی استخدام و بکار اندازد.

مدافعه وقتی آغاز می گردد که تعرض ناممکن و یا خود غیر قابل عملی و تطبیق باشد؛ و مقصد و غایه

مغلوبیت و امحای مکمل دشمن صرف بواسطه یک تعرض متکی به عزم و اراده قوی امکان پذیر می باشد مگر اجرای یک تعرض دوامدار بدون اختلال و انقطاع، درستاً سر جبهه از طرف هیچ یک قوای امکان پذیر نیست. پرنسیب های اکمال و ازدیاد قوای انسانی و مواد حربی باتشکیل قوای فائق منحنی پرسونل و لوازم حربی به استقامت هدف تعرض اصلی که بدون آن یک تعرض امکان پذیر نخواهد بود، ضرورت این را بار می آورد که قوتها ترتیبات داشتن یک مدافعه را در خط دوم جبهه

مانوره‌ها تا مین می‌دارد. تحکیم اراضی توسط قوای انجنیری تأثیرات آتش دشمن را تقلیل می‌نماید.

در مدافعه احضار و تنظیم پلان سیستم آتش آسان تر است و اینکار بنویه خویش طور خیلی ها مؤثرانه دشمن را با تأثیر آتش از مسافتات خیلی ها دور خنثی ساخته و آتش را باستقامت اصلی نکاتف می‌دهد.

نقاط مقاومت تولیهای پیاده موتردار اساس مواضع مدافعه را تشکیل می‌دهد. این نقاط مقاومت دران حصصی از اراضی واقع و انتخاب می‌گردند که فواید بیشتری را برای متعرضین تا مین بدارد و هر یک نقطه مقاومت در مدافعه برای - مدافعه چار چاپیر و خصوصاً برای مقابله کردن و محاربه نمودن بمقابل تانکهای دشمن احضار ساخته میشود.

در باره سترواخفا نمودن نقاط مقاومت دقت زیادی بخرچ داده میشود نقاط مقاومت یک تولی پیاده موتردار مرکب از نقاط مقاومت بلوک و محلهای آتش اسلحه تقویه میباشد و هم موضع مذکور عنصری از ساحه تاکتیکی کندک پیاده محسوب میشود. بزرگی نقاط مقاومت تولی پیاده موتردار به قدرت و ظرفیت محاربه‌ی تعداد عناصر مربوطه، اراضی، قوت و تشکیلات قوتها و کریکتر دشمن مربوط می‌باشد.

اسلحه آتش بار جزو تام‌های مادون با کثافت آتش‌های جناحی و قیچی که در زمان تعرض پیاده و تانک اجرا می‌شود رول بس مهمی را در بزرگی نقطه مقاومت بازی می‌کند. یک نقطه مقاومت تولی پیاده موتردار یک تشکیل آن پوره و مکمل بوده و با اسلحه و وسایط مختلفه از قبیل تانک و توپچی (۶ الی ۹) اسلحه دافع تانک نیز تقویه شده باشد دارای بسک جبهه تا به ۱۰۰۰ مترو عمق ۵۰۰ متر خواهد بود. نقاط

مقاومت بلوکها بصورت قدمه دار بطرف راست و چپ یا بطرف پیشرو یا خود به عقب ترتیب گردیده و این امر منحصر به اراضی بوده و هر کدام این نقاط از یک دیگر تا حدود ۳۰۰ متر فاصله خواهد داشت.

این نوع ترتیبات مدافعه تولی پیاده موتردار، یک مدافعه چار پیر را تضمین نموده تعرضات پیاده و تانک را که از هر یک استقامت اجرا شود عقیم و مغلوب می‌سازد. فاصله‌های بین نقاط مقاومت تولی‌های پیاده موتردار بین ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ متر می‌باشد.

کرکتر مدافعه از همه اولتر به وسایل حربی و وضعیت محاربه استناد می‌نماید.

مثلاً یک اردوی که بمقابل یک اردوی دارای قوه ذروی محاربه می‌کند باید ترتیبات تدافعی ضد اسلحه اتومی را اتخاذ نماید.

اردوهای عصری صاحب یک تعداد زیاد تانک و زره‌پوش‌ها میباشد بنأ ترتیبات مدافعه که امروز اتخاذ می‌گردد باید در مقابل تانکها مؤثر باشد. و هم فراموش نباید کرد که تعرضات تانک و پیاده توسط اسلحه طوپچی و طیاره نیز تقویه میگردد. پس برای اینکه در مقابل بمباران طوپچی و ضربه‌های طیارات دشمن مقاومت لازمه را بخرچ داد لازم است ترتیبات مدافعه ما در مقابل طوپچی و قوای هوائی دشمن نیز اتخاذ گردد.

تقلیبات هوائی مودرن و هیلکوپترها در تعرض به مقصد پیاده نمودن قوتهای ایربورن (Airborne) (قطعات پیاده شده از هوا) استخدام میگردد که همین امر سبب این میشود تا مدافعه و ترتیبات تدافعی ما بمقابل قوتهای ایربورن نیز مجهز باشد. ترتیبات این شکل مدافعه یک ترتیبات اساسی بوده و قوی بودن

مدافعه را که اساس احتیاج می‌باشد تا مین می‌دارد. پلان (Pattern) و شکل مدافعه نظریه و وظیفه قطعات و وضعیت تعبوی محاربه تعیین و نشیت میشود. در پلان مذکور موضعی قطعات مادون در بالای امور انجنیری و تحکیماتی استناد مینماید مدافعه نیز مانند دیگر اوپراسیون‌های عسکری موضعی قطعات و قدرت آتش ستیر یوتایپ (Stereotype) یعنی آتش ثابت را تحمل کرده نمی‌تواند و به همین سبب نقاط مقاومت و موضعی آتش در مدافعه عمقاً بصورت قدمه دار ترتیب میشود تا دشمن را به چندین لانتحت آتش گرفته بتواند که مهمترین این نوع آتش‌ها، آتش جناحی و آتش برمه کننده و خاصاً آتش‌های دافع تانک می‌باشد. برای اینکه ساحه مدافعه خوبتر تحکیم شده بتواند تپه‌ها و ادیها (دره‌ها) و محال مسکون تماماً بحال نقاط و محلهای مقاومت در آورده میشود. خط اصلی مقاومت توسط چشم انتخاب و تعیین می‌گردد تا بالعمل دیده شود که قطعات مدافعه کننده در کدام محلات میتوانند مؤثرانه در مقابل تانکها محاربه نمایند.

استعمال ماهرانه اراضی تنها منحصر به انتخاب و ترتیب خود نقاط مقاومت و موضعی آتش و یا خود خط آتش می‌باشد. کموفلاژ و سترواخفای دقیق حتمی بوده و بایست در بین حصه و وضعیت اراضی نیز مدنظر گرفته شود.

زمان و فصل سال، روز و وقتیکه برای اجرای امور انجنیری داده شده میباشد از فکتورها (Factors) و عوامل مؤثره ایست که به پروگرام حجم و مقدار این امور تأثیر می‌نماید. قوتهای را که قوماندان برای تعمیر و ساختمان موضعی مدافعه استعمال کرده می‌تواند متعلق به قوت دست داشته او میباشد. تجارب میدان حرب

نشان میدهد که بیش از دوثلث پرسونل و وسائط محاربوی را نباید درین کار مشغول ساخت زیرا قسمت باقی ماند یعنی ثلث سومی به غرض تطبیق وظائف محاربوی شان استخدام خواهند شد.

تنظیم و تحکیم اراضی با امور انجینیری امکان این را باری آورد که چنان مدافعه را ترتیب نمود تا بتواند بمقابل ضرب های اتومی بمبارد مان های هوائی، طویچی، تانک و تعرضات پیاده مقاومت نماید.

تیت ساختن قوتها در میدان محربه به مضبوط بودن مدافعه کمک می نماید و هم این تیت ساختن قوتها برای اینست تا بواسطه انفلاق و ضربه یک بم بیش از یک قوت متضرر ساخته نشود. مگر فراموش نباید کرد که این تیت کردن قوتها به حدی زیاد نباشد که مغایر اساسات تاکتیکی گردیده و هم در عین زمان به سیستم آتش قطعات نقصی را وارد گرداند همچنان این تیت گردانیدن نباید مانع یک مانوره مستور و سریع قوتها در اثنای محاربه گردد.

موقیت مدافعه بیشتر و اکثراً به مؤثر بودن سیستم آتش مربوط می باشد، و این سیستم آتش تمامی زون ها (Zones) و یا خود مناطق تحت تأثیر عموم اسلحه آتشین و بالخصوص از آتش های دفاع تانک را در پیشروی خط اصلی مقاومت خالیگاه های بین قطعات خورد، جناحین عمق موضعهای مدافعه را احتوا می نماید و این سیستم آتش با یست آتش های جناحی و مائل را دارا بوده و امکان این را بار آورد تا سرعت ممکنه این آتشها در آوان های بحران ناک به هر یکی از نقاط مطلوبه تکائف و تمرکز داده شده بتواند و این مانور آتش مفهوم آتش عرضانی و عمقانی را دارا می باشد. آتش طویچی، هاوان تانک دفاع تانک و ماشیندار باید با سیستم

یک عمل چون یک زخم است، میخارد و تیر می کشد و خود را ظاهر می سازد و با صراحت سخن می گوید.

از روزی که بشر بوجود آمده خیلی کم شادمانی کرده است. ای برادران گناه اصلی ماهمین است. و وقتی ما بهتر راه شاد بودن را آموختیم صدمه زدن بدیگران و رنج دادن دیگران را بهتر از یاد خواهیم برد.

موانع از نزدیک کوار دینه شده بتواند یعنی به عبارت دیگر موانع تأسیس شده همواره بواسطه آتشها و پلان آن تقویه گردد و رنه مرامی که از سیستم موانع متصور است استحصال شده نمی تواند. گویا آتش و موانع جز ولاینفک یک عنصر می باشد موانع دفاع تانک و انتی پرسونل در پیشروی خط اصلی محاربه در داخل خالیگاههای موضعهای مدافعه و جناحین تعبیه و تأسیس می گردد. این موانع طوری تنظیم می گردند تا پیشرفت دشمن را متوقف ساخته توانسته و بدین صورت تأثیر آتشها را بالای آن از زیاد بخشد که این عمل به ذات خود ضایعات دشمن را از نگاه قوه انسانی و مواد ما لزمه حربی زیاد ساخته و نظام محاربوی آنرا شکستانده و برهم می زند.

سیستم آتش وقتاً مکمل تصور شده می تواند (اکمال سیستم آتش تکمیل بودن سیستم مدافعه را ارائه میدارد) که تا آنکه، موثرهای زره پوش و دیگر اسلحه آتشدار موضعهای مدافعه خود را اشغال و پلان

آتش و جبهه خانه بصورت مکمل اکمال گردیده باشد. در زمره فکتورهای بودن مدافعه رول بس مهمی را بازی می کند همانا فعالیت های تدافعی است که آنها عبارت از تحمیل آرزوهای مدافعین در بالای خصم، تاخیر نمودن و ایستاده کردن عملیات آن با خلق نمودن شرایط نامساعد برای عملیات دشمن در ساحه محاربه می باشد. فعالیت مدافعه وی توسط استقلالیت حرکت (Initiative) یا نسیاتیف قطعات دوست، جز و تا سها و قطعات کوچک تمامی صتوف و معاونات ما عرانه مانوره آتش قطعات و وسایط سرتاسر جبهه و عمق ساحه مدافعه استحصال شده می تواند هر قوماندان باید بدون اخذ هدایت از قوماندانان مافوق استقلالیت حرکت را از خود نشان دهد قوماندانان را لازم است که بالاستفاده از هر فرصت مساعد ضایعات بزرگی را بدون اینکه در پلان و اراده خودش کدام تغییری رونما گردد، بر دشمن تحمیل نماید اجراء یک مانوره آتش مستورانه و باسقین وار بغرض خنثی ساختن پلانها و اراده دشمن یک امر حتمی و ضروری محسوب می گردد. علاوه تا مانور آتش های باسقینی ما قطعاً و اسلحه قوتهای دوست را به یک وضع مساعد آورده که این امر موجب شکستاندن قوتهای دشمنیکه از نگاه پرسونل و تعداد بیشتر و قوی تر باشد می گردد. فعالیت های مدافعه بیشتر خود را در تعرض های مقابلیکه اجرا خواهد شد ظاهر میسازد.

چنانچه یک تعرض مقابلیکه در وقت مساعد آن اجراء می شود ولو که باقوه کمی هم صورت گرفته باشد باز هم موجب امحای دشمنیکه در داخل موضعهای مدافعه نفوذ کرده باشد می گردد. یک فکتور بس مهم دیگریکه در ثابت بودن ترتیبات مدافعه رول مهمی را بازی میکند همانا موضوع جرأت

حوسله متانت و ثبات قطعات در مدافعه و پایداری آنها در مقابل آتش ها و فشارها تکیه بر آنها تحمیل میگردد بوده و این فکتور ماهیت حیاتی را بر قوتهای مدافعه کننده دارا میباشد چنانچه محاربات تدافعی که از طرف قوتهای متخلف جهانی در حرب دوم صورت گرفته شاهد خوب این ادعا می باشد. و امثال این جسارت ها در مدافعه ستالین گراد و لینن گراد و بسیار جاهای دیگر بکثرت دیده شده است. چنانچه در پرتو همه چه جسارت ها فولاد تانکهای دشمن نیز کدام سانهی را باز نیاورده است موضعهای مدافعه بعضاً در حال پیشرفت اشغال و بناء در محاربات کاتیم پوره زری در تماس مستقیم با دشمن، در تحت فشار قوای هوائی، در زیر آتش های طوپچی و هاوان، آتش های تانک و اسلحه خفیه دشمن آغاز میگردد. بمجردیکه قوماندان جز و تاسهای فوراً اورتیبات لازم را برای اشغال و تقویة موضعهای اشغال شونده میگیرد. بعداً نامبرده امور ترصد و پلان سیستم آتش را ترتیب و تنظیم نموده و قطعات خود را به وظائف دفع و طرد و تعرضات باسقینی موظف خواهد ساخت. سپس به امور تنظیم ساحه محاربه و احضارات آن، احضار شبکه مخابره و کوار دینه نمودن با قوماندانان قطعات مجاور توام با تنظیم امور آتش و حرکت برای مقابله نمودن در مقابل تعرضات دشمن و اسحای آنها در بین خالیگای قطعات مشغول می گردند. امورات انجینیری تحکیماتی در موضعهای مدافعه به مجردیکه قطعات به مدافع آغاز می نمایند، شروع می گردد. کشف دوا مدار از آغاز تعرض دشمن متماداً اجراء می شود. و قطعات کوچک همواره برای محاربه کردن

حاضر ساخته می شود. برای اینکه در مقابل تعرضات باسقینی همواره احضارات موجود باشد برای عموم هاوانها، تانکها و طوپها مرتبات و وظیفه دار موجود می باشد. علاوه بر قوماندانان جز و تاسهای خورد، طوپها هاوانها و ماشیندارهای وظیفه دار را تعیین می سازد. در مقابل تیم های خورد کشف دشمن با اسلحه آتشین حاضر باش، که به سرعت موضعهای انداخت خود را تبدیل کرده میتواند مقابله کرده می شود.

براستی که من رحیمانی
را که از رحم خود لذت
میرند دوست نمیدارم؛ زیرا
آنان فاقد شرمند. ترجیح
می دهم که در چنین مواعی
صورتتم را ببوشانم و قبل از
اینکه شناخته شوم فرار کنم.
و از شما هم تقاضا دارم چنین
کنید.

آن چه شما عشق مینامید
یک مشت خوشی سفیهانه و
زود گذر است و از دواج شما
این خوشیهای سفیهانه را
پایان بخشیده و یک شفاهت
ابدی را بجای آن باقی میگذارد.

اگر شما دشمنی دارید بدی
او را با خوبی پاداش ندهید
زیرا این امر موجب شرمساری
او میگردد ولی باو وانمود
کنید که او با این عمل بد خود
برای شما خدمتی انجام داده
است. نیچه

بمجردیکه دشمن احضارات هوائی و طوپچی خود را آغاز می نماید تمامی قوماندانان از محل های ترصد خود ها حرکت دشمن و آغاز تعرض آنها مشاهده خواهد کرد. پرسونل قطعات کوچک به استثنای سترحدین و مرتبات موظف اسلحه مختلفه در بین خندقیها و دیگر محلهای محفوظ تام سیر می نمایند.

بمجردیکه دشمن به تعرض آغاز می نماید تمام اسلحه آتشین به انداخت آغاز خواهند نمود در مقابل تانکها از طرف طوپچی، اسلحه ضد تانک و مرسی های رهبری شده دافع تانک تانکها و راکت انداز های دافع تانک انداخت می نمایند و تمامی اسلحه دیگر بمقابل پیاده ها کشاد آتش نموده و می کوشند تا پیاده را از تانک جدا ساخته و آنها را امحاء نماید.

به اساس امر قوماندان جز و تام مادون طوپچی حمایه، هاوانها و قسمتی از اسلحه که در منطقه های آرام، یعنی مناطقی که در آن محاربه آغاز نشده است، آتش های خود را در ساحه های کریتیکال (Critical) یعنی ساحه های مهم و بحرانی تسکین می دهند؛ و باید دشمن قبل از رسیدن به خط اصلی مقاومت متوقف ساخته شود. بهر حال؛ اگر دشمن توانست و مقتدر گردید که بقوه خویش در جنبه ما و خطوط دفاعی نفوذ نماید در آنوقت بایست تمامی تدابیر لازمه برای جلوگیری از نفوذ و پیشرفت آن در عمق ساحه موضعهای مدافعه اتخاذ گردد. و هم تانکهای که در کنار بیشترین ساحه مدافعه شق را اجراء نموده اند، برای متوقف گردانیدن آنها از نفوذ بیشتر، لازم است توسط پیاده ها و دیگر وسائل ضد تانک و آتش دافع تانک از عمق ساحه مدافعه امحاء ساخته شوند. همچنان پیاده های دشمن که مانند فانه در خط او این مقاومت نفوذ کرده باشند

انگ پشته های و لتر

* لفظ «کارا کتر» يك لفظ يونانی است و « نشان گذاری» و «کنده کاری» معنی میدهد کارا کتر و با اخلاق چینی است که طبیعت در ماحک کرده است. آیا می توانیم اخلاقمان را تغییر دهیم؟ جواب آری است بشرطی که بتوانیم بدنامان را هم عوض کنیم!

* اختیار افکار مانیز در دست خودمان نیست زیرا تقریباً همیشه بی اختیار فکرمی کنیم.

* در دنیا يك اخلاق بیشتر نیست، چنان که يك علم هندسه هم بیشتر وجود ندارد. اخلاق در موهورم پرستی و رعایت آداب و تکالیف مذهبی نیست و با عقاید دینی هم وجه اشتراکی ندارد. همه میدانند که در عقاید دینی مردم جهان اختلاف فراوان هست، در صورتی که اخلاق همه کسانی که از حق و انصاف پیروی میکنند، همیشه یکسان است.

* در اراده خود آزا نیستید ولی در اعمال خویش آزادی دارید یعنی وقتی می توانید عملي را انجام بدهید که قدرت انجام دادن آنرا را داشته باشید.

بلوک - تولى و تولى مستقل) که به حال احاطه شده مکمل مجاریه میکنند قطعات پیشرفت کننده تعرض مقابل را بواسطه توجیه نمودن آتش های تمامی سلاحهای خود معاونت قابل قدر می نمایند. بمجردیکه قطعات کوچک مادون قوتهای تعرض مقابل به موضعی احاطه رسیدند، قطعات احاطه شده برای امحا ساختن دشمن بقوتهای تعرض مقابل الحاق میکنند. تعرض مقابل تا وقتی دوام داده میشود که دشمن از خطوط پیشترین موضعی دفع گردیده و خط اصلی مقاومت اولیه خود را می گیرد. بعد از آن قطعات مادون و یونتها آشیانهها و موضعی سلاح را تنویه و تحکیم نموده. موضعی تخریب شده را مجرداً انشأ و برای دفع و طرد مجدد تعرضات دشمن خود را حاضر و آماده می سازند. (ختم)

قسمت اعظم قوتهای دشمن را بخود مشغول گردانند.

در مدافعه، تعرض مقابل معمولاً به امر قوماندانان مافوق تنظیم و اجرا می گردد. وهم درین تعرض مقابل یک مقدار قابل ملاحظه قوت و اسلحه از قدمه دومی یا احتیاط قوتها سهم داده میشود. این تعرض مقابل با احضارات قوی آتش طوپی و تعرضات هوایی که به مقصد آوردن فشار در بالای نظام مجاریه بوی دشمن اجرا و قوتهای آنرا به نیت و پاشان ساختن مجبور می سازد، آغاز میگردد. گویا ذریعه همین تکائف آتش دشمن را که در خطوط دفاعی قطعات دوست دخول را اجرا نموده تحت تأثیر قرار داد، وهمچنان پیشرفت احتیاط های آنرا منوف می گردانند.

قطعات کوچک مادون (دلگی) -

بایا ذریعه ماشیندارها، ماشیندارهای خفیف و کوچک، بمبهای دستی و مجادله تن به تن معامله کرده شوند. برای اینکه دشمن از خند قهاری ارتباط و موضعی اسلحه آتشدار استفاده کرده نتواند مدافعین مانع های کربی یعنی خار پشته تک - و دیگر موانع پورتاتیف احضار شده قبلی را در هر حصه تأسیس و استعمال بید نمود.

طوپی حمایت و هاوان ها در بالای دشمنیکه دخول را اجراء نموده است کشار آتش می نماید. در نقطه شق و دخول، تمرکز دادن یک قسمت قوای انسانی و وسائط و اسلحه که از ساحه های آرام و از مناطقیکه تعرض دشمن به عقب زده شده باشد، بعقب کشیده شده است خیلیها موافق می باشد.

در آثنای مجاریه علیه یک دشمن ایکه در داخل خطوط دفاعی قطعات دوست شق و دخول را اجراء نموده باشد. رولیکه از طرف قطعات کوچک مادون مانند دلگی، بلوک و تولى خاصتاً تولى که از قوای اصلی جدا گانه مجاریه می نماید و با خود از اشتراك مساعی نزدیک قطعات همجوار دور می باشد اهمیت خاصی را پیدا میکنند. مقابله دلیرانه این قطعات کوچک مادون، حتی در احاطه مکملی که از طرف دشمن اجراء شده می باشد باز هم او را مجبور به نیت و پاشان ساختن قوتهایش خواهد ساخت تا بدین ذریعه بتواند در مقابل پاکت های منفرد مقاومت غلبه حاصل نماید که در اجرای این امر طبیعتاً سرعت پیشرفتش بطی خواهد شد.

قاعدتاً در مجاریات تدافعی امروزه قطعات کوچک مادون، تعرض مقابل را خود سرانه اجرا نخواهد کرد. بلکه آنها می کوشند تا مساعی خود را در اشغال مجدد و استرداد موضعی، ساحه ها و نقاط مقاومت اشغال شده شان صرف و بدین ذریعه

قوماندانیت و مسئولیت‌های آن

زمانیکه وظیفه قوماندانیت بشخصی سپرده میشود و قوماندانیت جز و تامه‌های خورد باشد و خواه کلان شخص مذکور بیک مرحله بسیار دلچسپ و حیات عسکری داخل میگردد زیرا همین وظیفه است که شخصیت و اهلیت نامبرده را به همقطاراننش ثابت میسازد .

وظیفه قوماندانیت استقلالیت تامه صلاحیت ، زحمت کشی - صداقت و پشتکار از انسان میخواهد بسیاری از اشخاص دیده شده اند که همیشه آرزو دارند تا وظیفه قوماندانیت و سوق و اداره جز و تام مربوط خود را بدست بگیرند ولی اکثر آنها دیده ایم که میگویند قوماندان تولد شده اند و ساخته نمیشوند ولی این مسئله بکلی حقیقت ندارد . هر گاه بعضی اساسات در نظر گرفته شود و آنرا مورد تطبیق قرار دهیم قسمت اعظم ضابطان وظیفه قوماندانیت را به حسن صورت اجرا نموده میتوانند . برای اینکه بدانیم ضابطان وظیفه قوماندانیت را بحسن صورت اجرا کرده توانسته و مسئولیتی را بدوش گرفته میتوانند بطور پراتیکی بسوالات ذیل جواب داده شود هر گاه جوابات متذکره مثبت باشد شخص مذکور از هر نقطه نظر خاصه قوماندانیت را دارا میباشد . برای این چنین اشخاص باید وظیفه قوماندانیت داده شود . همچو اشخاص بخوبی از وظایفیکه با ایشان سپرده میشود برآمده و قطعه مربوطه خود را بحسن صورت سوق و اداره نموده توانسته و اوامر خویش را بالای آنها تطبیق نموده میتواند . سوالات متذکره قرار ذیل است :

- ۱- آیا شخص مورد نظر در وظیفه که با او سپرده میشود ۲ ساعت خویش را با آن بمصرف میرساند و هم چنین در روزهای تعطیل نیز از وظیفه محوله خویش و ارسی مینماید
- ۲- آیا خانم شخص مورد نظر در فعالیت‌های قطعه مربوطه حصه کافی میگیرد و یا خیر .
- ۳- آیا فامیل نامبرده در قطعه منسوبه اش علاقه خاصی دارند .
- ۴- آیا شخص مورد نظر آرزوی آموختن درس دادن را دارد . و تمام مساعی خویش را در بلند بردن معلومات قطعه منسوبه خویش بمصرف میرساند .
- ۵- آیا شخص مورد نظر یکجا شدن را با مادونان خوش دارد و به نظریات آنان گوش فرا میدهد و برای رفع مشکلات آنها کوشش مینماید .
- ۶- شخص مورد نظر مسئولیت را قبول دار شده میتواند . خطای مادونان را در وقت وزمانش اصلاح مینماید .
- ۷- آیا در امور مربوطه جز و تام منسوبه اش از قبیل تعلیم و تربیه - تفتیش ها امور داخلی معاینات اعاشه سپورت - انداخت - دسپلین علاقه از خود نشان میدهد .
- ۸- آیا شخص مورد نظر قادر باین است که چند وظیفه را که با او سپرده میشود در عین زمان اجرا نماید .
- ۹- شخص مورد نظر او امر را با پیشانی باز استقبال نموده میتواند در عین زمان به ما دو نان خود امر سریع داده میتواند .
- ۱۰- شخص مورد نظر جز و تام خود را به طرز مسابقه حاضر و آماده کرده میتواند و بادیگر جز و تامها در تشریک مساعی اشتراک مینماید .
- ۱۱- شخص مورد نظر قدرت فزینگی برای حمل وظیفه سنگین قوماندانیت دارد و احساسات که از یک قوماندان تقاضا میگردد حائز است .
- ۱۲- آیا شخص مورد نظر جرئت قرار دادن در مراحل خطر ناک و بحرانی دارد .
- ۱۳- آیا شخص مورد نظر با فامیل خود مشکلات اقتصادی را متحمل شده میتواند .
- ۱۴- شخص مورد نظر در حالیکه وظیفه سنگین با او سپرده میشود بشاش بنظر میرسد .
- ۱۵- آیا شخص مورد نظر دفتر آرام و گرم را گذاشته بغرض معاینه و فعالیت قطعات مربوطه اش در اراضی میرود .
- ۱۶- آیا شخص مورد نظر مسئولیت

را در هر وقت بدوش خود میگیرد و آنرا بالای هیئت ارکان قرارگاه های بلند و یامادونان خود نمی اندازد (در حالیکه کدام مسئله خلاف مرام به مرحله اجرا گذاشته شود).

۱۷- از وسایط دست داشته خود حداظمی استفاده کرده میتواند .
۱۸- آیا شخص مورد نظر افراد مربوطه خود را بصورت مساویانه از هر نقطه نظر در قطعات مادون خود تقسیم مینماید .

۱۹- در حالیکه تمام فعالیتها بصورت نورمال در جزو تمام منسوبه اش جریان داشته باشد تعیین کدام نفر دیگر را بعوض خویش باپیشانی باز استقبال میکند .

۲۰- آیا شخص مورد نظر آرزوی قوماندانیت را دارنده اینکته صرف نام قوماندانی در سجل او درج گردد .

افراد از قوماندان چه میخواهند.
در اثر تجاری که از طرف شخصیت های برجسته جهان در حین قوماندانیت ایشان بدست آمده است به چنین نتیجه رسیده اند که افراد تحت امر از قوماندان شان از هر مسلکی که باشد چیزهای ذیل را توقع داشته میباشند :

۱- قوماندان باید با افراد خود بصورت عادلانه و خوب معامله نماید .
افراد قوماندانی را که عادل بوده و در حین زمان با انضباط باشد بسیار دوست داشته میباشند .

صاحب منصبیکه صرف شخص خوب باشد و انضباط نداشته باشد نفوذ شخصی خود را بالای افراد استعمال کرده نمیتواند از صاحب منصبان نه باید توقع داشت که همه چیز را میدانند . هیچ وقت صاحب منصب نباید با افراد تحت امر خود چیزهای را که نمیداند با ایشان تفهیم نماید زیرا که این مسئله عدم اعتماد را بین صاحب منصبان و افراد به میدان می آورد اگر یک نفر

« تنها تعداد افراد قدرت
عسکری محسوب نمیگردد .
بلکه برای بدست آوردن
قدرت ، قیادت خوب و تعلیم
و تربیه افراد لازمی میباشد .
(جنرال ماسکول تیلر)
« بهتر است یک شیر یک
کته گوسفندان را اداره کند
نه اینکه یک گوسفند اداره
شیران را بدست گیرد .
(دیفو)

صاحب منصب چیزی را نمیداند باید به آن اعتراف نماید و در صدد یافتن آن باشد .
چنینکه جواب مذکور را با اثر تشبیهات شخصی بدست آورد آنرا با افراد مربوطه خویش بدانند که با این صورت صاحب منصب متذکره مورد اعتماد افراد مربوطه اش قرار خواهد گرفت .
یک قوماندان در حینیکه نظریه کدام قیادت افراد منسوبه خود را جزا میدهد باید از شخصیات کار نگرفته و جداها متناسب جرم باید بالای افراد تطبیق گردد .
وقتا که جزا بالای افراد تطبیق گردید قوماندان باید مسئله را فراموش نموده و به نسبت قیادت سابقه کریر آینه افراد را لکه دار نسازد .

جسارت

قوماندان باید بالای احساسات خود حاکم باشد افراد از قوماندان خود جسارت فوق العاده میخواهند .
هر انسان در اثنای وضعیت های بحرانی ترس حس مینماید لیکن قوماندانها باید در هر چه احوال ترس را از خود دور نگهداشته و بصورت آشکار و واضح آنرا ظاهر نسازد .
هر گاه در هر چه مواقع بکمال جسارت و بردباری موضوع را سرسری

گذشتانده و افراد منسوبه خود را تشجیع نمائیم محبوبیت قوماندانان در قلوب افراد زیادتر شده میرود .

همه افراد آرزو دارند که با ایشان به مانند افراد رسیده قوماندانان شان معامله نمایند .
بدون در نظر گرفتن عمر درجه لیاقت باید قوماندانان با افراد بمانند شخصیت های برجسته و رسیده معامله نمایند در زمره افراد اشخاصی موجود هستند که صاحب شخصیت برجسته بوده و با ایشان باید بطوری پیش آمد نمود که لایق شان باشد .
احترام به شخصیت و حیثیت و عزت نفس افراد منسوبه باعث بلندی مورال - غرور و شخصیت افراد منسوبه تان میگردد .

قوماندان باید از صلاحیت و مقام خود بمقصد خدمت جزو تا مهی تحت امر خود کار بگیرد و در باره رفاهیت آنها از صلاحیت اعظمی خویش استفاده نماید ، رتبه و مقام صرف یک مرام دارد و آن اینست که صاحب منصبان منسوبه مسئولیت های خود را در وقت وزمانش بمرحله اجرا بگذارند مادونان از آمرین خود توقع اینرا دارند که قوماندان باید صلاحیت مقام خود را که در باره رفاه آنها دارد استفاده نهائی کند .

در امورات شخصی افراد منسوبه خود دلچسپی خاصی از خود نشان دهیاء .

صاحب منصب خوب کسی است که همه افراد تحت امر خویش را بنام شناخته در باره شخصیت مسلک و اوضاع فامیلی افراد منسوبه خود معلومات کافی داشته باشد .
هر گاه قوماندان در موضوعات متذکره دلچسپی از خود نشان دهد در آن صورت افراد منسوبه اش بقوماندان خود در عالم اعتماد خاصی داشته میباشند .
در عالم عسکری هر کدام از افراد از خود

مشکلات شخصی دارند که باید حل شود بایست بمشکلات آنها گوش داد و حتی الامکان برفع مشکلات ایشان بپردازیم. و سیله آسان ترین جلب رضایت و اعتماد ما دونان و افراد صرف باین کمائی شده میتواند که مشکلات شخصی افراد راحتی الامکان حل و فصل نموده و اگر حل و فصل آن از صلاحیت شما نباشد همدردی خویش را بایشان اظهار کرده و بمراجع ذی علاقه موضوع را حالی ساخته و از دادن سفارشهای لازمه دریغ نفرمائید ولی با وجود آنهم بک صاحب منصب نباید با افراد معیت خویش بسیار صمیمی باشد با وجود آنکه در اثنای مجاریه مواقعی اتفاق می افتد که صاحب منصبان در محل های محفوظ با افراد (سنگرها) یکجا بمحاربه مشغول بوده و از طرف شب استراحت مینمایند ولی نباید فراموش کرد که صاحب منصب در هر وضعی که باشد صاحب منصب است همیشه باید صاحب منصبی خود را در نظر داشته و رویه را در پیش گیرد که لائق شان و شرف صاحب منصبی باشد. بسیار مخلوط شدن با افراد نتیجه مثبتی را بار آورده نمیتواند.

صداقت. (وفاداری)

وفاداری و اطاعت درین آمرین و مادونان تهادب اساسی معاملات عسکری را تشکیل میدهد صاحب منصبیکه به آمرین خویش تنقید مینماید فراموش نکنند که روزی فراخواهد رسید که خود شان مورد تنقید واقع خواهند شد. يك قوماندان اگر آرزوی این را دارد که افراد منسوبه اش از وی حمایت و پشتیبانی نماید می باید همیشه از افراد معیت خوش حمایه و پشتیبانی نماید.

در زمانیکه وضعیت بحرانی بوده و عوامل برخلاف مطلوب میباشد و افراد منسوبه تان بمشکل و مشقات زیاد مواجه میباشند هر گاه قوماندان در

این مشکلات شخصاً حصه میگيرد موجب اعتماد مادونان گردیده و ایشان را وادار باین میسازد که در مراحل بحرانی فوق مشکلات را متحمل شوند و راه نجاتی برای خود پیدانمایند تا وظیفه محوله خویش را بحسن صورت و بکمال صداقت و با جرئت و جسار تام اجراء نمایند.

يك قوماندان خوب بحيث يك واسطه در بین مادنان و مافوقان میباشد يك قوماندان خوب کسی است که مادونان خود را از عتاب آمرین خویش نگهداشته و در عین حال وظیفه سپرده شده را توسط ایشان بحسن صورت اجراء مینماید.

« يك گله آهوانیکه توسط شیر رهنمائی میشوند نظربه گله شیرانیکه توسط آهوان رهنمائی شود خطرناکتر است (. . .)

« از يك سنگ بیدار نسبت به يك شیر خوبیده بهتر استفاده شده میتواند »
« واشنگتن اروینگ »

افراد آرزو دارند که قوماندانان شان تماماً ضروریات و مشکلات شان را حل نمایند

همه افراد از خود مشکلاتی دارند مشکلات خواه خانگی باشد و خواه جسمانی بر قوماندان است که به ذرائع ممکنه کوشش نماید که این مشکلات ایشان را از بین بردارد و در عین زمان اقدامات لازمه راجع به تمام حقوق افراد بعمل آورده و کوشش های لازمه را در تأمین استراحت ایشان دریغ نفرماید. منظور از موضوع فوق این نیست که با افراد مانند اطفال معانه شود ولی میباید استحقاق ایشان بصورت درست

بدون کم و کاست بایشان حواله گردیده و بر علاوه وسایل مختلفه ساعت تیری افراد تهیه گردیده و در عین زمان در زمانهای لازمه برای تفریح و سپورت ایشان تسهیلات لازمه عملی گردد.

تمام افراد باید از موضوع روز و موضوعات دیگر مطلع گردانیده شود

قوماندان خوب کسی است که افراد مربوطه خود را همیشه از موضوعات مورد نظر آگاه ساخته و سبب قرار مورد اجراء را بآنها می داناند بسیاری از وظایفیکه با افراد داده میشود و سبب اجراء آن هر گاه با افراد دانانده نشود ایشان گمان میکنند که اجراء آن کدام فایده باز نخواهد آورد ولی هر گاه مقصد اصلی قرار مورد نظر با افراد فهمانده شود ایشان با تمام قدرت خویش در اجراء آن کوشیده و آنرا بمرحله اجرا میگذارند و با تمام میرسانند.

برای اینکه افواها ن غلط اذهان افراد قطعه منسوبه را مغشوش نگرداند نباید حقیقت را از افراد مربوطه خویش پنهان کرد. که باین صورت مانع شیوع افواها ن میگردد.

همه افراد آرزو دارند تا قوماندانان شان به آنها تسهیلات لازمه تفریح و غیره را طرح نمایند

قوماندان خوب کسی است که يك پروگرام مرتب بیست و چهار ساعته برای افراد خویش ترتیب داده که در آن زمان تعلیم و تربیه و زمان تفریح و سپورت گنجانیده شده باشد. پروگرام متذکره باید طوری ترتیب شود که هیچ يك از موضوعات متذکره بصورت مداوم نبوده بلکه به عنوانیه اجرا گردد.

همه افراد آرزو دارند که قوماندان برای شان او امری بدهد که قادر به اجرای آن باشند

اجرای کارهای که فوق طاقت افراد باشد نباید بالای افراد تحمیل گردد. قوماندان خوب کسی است که قدرت افراد خود را در نظر داشته و نظربان بایشان او امر بدهد نباید بقطعات و یا افراد کارهایی که اجرای آن ناممکن است تفویض نمود.

او امریکه بمادونان داده میشود باید طوری داده شود که قابل تطبیق و اجرا باشد او امری را که آنرا بمرحله اجرا گذاشته نمیتوانید هیچگاه نباید داد.

او امر باید صریح - مکمل و صحیح باشد وقتاً فوقتاً تعقیب گردد.

او امریکه صریح نباشد با عموم از طرف مادونان بخوبی بمرحله اجرا گرفته نمیشود.

او امر باید طوری باشد که کار مورد نظر را از جز و تام مطلوب بخواهد.

او امریکه شفاهی داده میشود باید از طرف مقابل تکرار شود هرگاه تکرار نگردد موجب مغالطه میگردد.

قوماندانیکه امر از بالا نگرفته باشد نظر به ایجاب و وظیفه از صلاحیت خود مسئول میباشد برای اینکه او امر لازمه و صحیح داده شده بتواند باید از موضوع مورد نظر واضح و قطعی معلومات داده شود بیک صاحب منصب خوب کسی است که از تنقیدات بیجای نفرت داشته بلکه فیصله های منطقی و پیشنهادات درست مینماید.

صاحب منصب خوب کسی است که وعده هائیرا که بانجام آن قدرت نداشته باشد نمیدهد و فیصله هائی را که تا آخر تقویه کرده نمیتواند هیچوقت نمیدهد.

قوماندانیت در اثنای محاربه .

محاربه پرابلم های مشکلی را در قوماندانیت ایجاد مینماید پس بر قوماندان است که این همه پرابلم ها را طوری که باید و شاید حل نموده و بدون اینکه دست و پاچه شود در اهلی برای پروبلم های متذکره بیدانماید. اگر بصورت عمیق فکر کرده شود وضعیت هائیکه در اثنای محاربه بظهور میرسد و اجرا آتی که بغرض دفع آن از طرف قوماندانان و قطعاً منسوبه اش بعمل آورده می شود عیناً تطبیق تعلیم و تربیه ایست که در احوال عادی صورت میگردد. یگانه فرقی که در آن بظهور میرسد این است که در اثنای محاربه نظر به تعلیم و تربیه عادی - خطر و اختلال خواص موجود میباشد. برای اینکه این دو مانع را از بین برداشته بتوانیم تنها قدرت قوماندان است که از قیادت خویش استفاده نموده بر بالای افراد معیت خویش او امر خود را بدون اینکه از ایشان عکس العملی بظهور برسد می قبولاند و این عملیه در صورتی ممکن شده میتواند که افراد معیت قوماندان این مسئله را در اثنای تعلیم و تربیه یاد گرفته باشند. تعلیم و تربیه

در زمان حضر - احضارات محاربه شروع محاربه در اثنای محاربه صورت گرفته میتواند. و این جریان تعلیم و تربیه صرف مربوط به از خود گذری قوماندان و احساس فداکاری در افراد - محبت وطن و وظیفه داده شده و اعتماد افراد بقوماندان میباشد.

یک قطعه که دارای خواص فوق باشد نه تنها محاربه مینماید بلکه محاربه را بصورت جسورانه و فداکارانه اجرا مینماید.

محاربه را توسط اجراءات کتلوی کمائی کرده میتوانیم نه ذریعه عملیات انفرادی.

عملیاتی که عاری از هرگونه اختلال در اثنای محاربه خطر نیز موجود باشد و خسته گی جسمی نیز موجود باشد تنها توسط عملیات کتلوی صورت پذیر میباشد.

کاسیانی و ظفر در اثنای محاربه صرف در صورتی تأمین شده میتواند که باید بمقابل هرگونه مشقات و موانع صبور و بردبار باشیم. شکل بی خوابی - فاقه - زندگی در هوای آزاد و از همه مشکل تر خطر مرگ انسان را طوری تحت تأثیر خویش میاورد که اگر متحمل و بردبار نباشد مجبور برقرار از میدان محاربه میسازد. تحمل و بردباری در حیات عسکری اهمیت بسزائی داشته و همیشه ظفر را اشخاصی کمائی کرده اند که زیاد تر متحمل و بردبار بوده اند. جنرال (گران) یکی از جنرالان با تجربه اردوی امریکا در باره موضوع متذکره چنین مینویسد: «در اثنای دوام محاربه زمانی فرا میرسد که هر دو طرف از اجرای محاربه بسیر آمده میباشد ولی صرف ظفر را کسائی کمائی میکنند که نظر به طرف مقابل زیاد تر متحمل و بردبار بوده اند و در همه مواقع ظفر نصیب کسی نمی شود که جسور بوده - بخود جرئت داده بتعرض آغاز و نتیجه قطعی را بدست می آورند.»

« یک قائد خوب میدانده که اگر بهتر با مادونان و همقطاران آمیزش کند قویتر میشود »
(جیمز لینگتن)
« تنها چیزیکه از هیچ بدست می آید نا کامی است »
(گلاس گو)
« آموختن فراست نیست و هم اطلاعات قضاوت درست را اگر نتوانی کرده نمیتواند »
(جان گیووی)

« در دنیا دو نوع اشخاص

احمق را میتوان سراغ کرد

یکی اینکه میگوید این چیز

معمول است باین نسبت خوب

است و دیگری اینکه میگوید

این چیز جدید است بنابراین

بهتر است»

(دین انج)

« هر گاه يك اردو در يك

جبهه به ناکامی مواجه میشود

سبب آن ناکامی قائد آن میباشد

و هر گاه کامیاب میگردد افتخار

به افراد آن عاید است»

(جنرال رجوی)

در اثنای دوام محاربه قوماندان

قادر باین نمیشد که افراد معیت خود

را در تحت آتش شدید طویچی به

تعرض سوق نماید و همچنین زمانهایی

فرا میرسد که قوماندان نمی تواند

پلانیهای مرتبه خود را بمعرض اجرا

بگذارد. در همچو مواقع افراد تشريك

مساعی را فراموش کرده و صرف

برای نجات خویش بصورت منفردانه

داخل اقدام میگردد. در چنین اوضاع

باید در نظر داشت که قوماندان خوب

کسی است که افراد معیت او باو

اعتماد داشته و در سختترین زمان محاربه

تمام او امر خویش را بالای افراد

معیت خویش مرعی الاجرا قرار میدهد.

اجرای محاربه بالای اعصاب

افراد تاثیر بارزی دارد در حالیکه

خطر موجود و هر ان امکان تلف شدن

شان موجود باشد قوماندان خوب

کسی است که مقابل افراد خویش

رویه را پیش گیرد که ایشان

این فشار روحی را که بالای اعصاب

شان تاثیر میکند فراموش کرده

و مطلوبه خویش را بالای شان اجراء
میدارد.

در اثنای محاربه مورال افراد را

باید از نظر دور نداشت. مورال

در اجرای محاربه تاثیر بسیار بارزی

دارد افراد باید دارای مورال عالی بوده

تا با اجرای محاربه بصورت مؤفقا نه

اقدام نموده بتوانند. و هر نفر از افراد

قطعه منسوبه باید بداند که اجرای

محاربه که صورت میگردد بهترین

وسيله انجام مسئولیت ملی میباشد و همه

افراد باید متیقن باشند که از اجرای

وظیفه محوله بخوبی بدر شده میتوانند

و باید بایشان تریق کرد که ایشان

نظر به دشمن اشخاص دلاور و جسور تر

بوده و نتیجه قطعی را به آسانی بدست

آورده میتوانند. هر نفر از افراد باید

بداند و چنین قیاس نماید که قطعه شان

بهترین تشکیل و اسلحه را دارا بوده

و برای اجرای هر گونه قربانی حاضر

و آماد میباشد.

در تاریخ مثالهای برجسته

موجود است که قطعاتیکه دارای

مورال عالی بودند بالای قطعاتی که

نظر به تعداد از ایشان بسیار زیاد بودند

فائق آمدند.

قوماندان باید برای افراد خود

نمونه مثال باشد تمام تکنیک های

محاربه را باید یاد داشته باشند و رویه

را در پیش گیرد که افراد معیت او بالای

نامبرده اعما د کامل داشته و ایشان را

باین وادار سازد که بگویند هر چیزیکه

از طرف قوماندان اجراء میشود طرز

حل بهترین میباشد قوماندان باید

جسور بوده و نمونه مثال در هر موقع

بماد و نون خود باشد.

از هر قوماندان اگر پرسیده شود

که مورال قطعه منسوبه ات چطور است

در جواب اظهار مینمایند که قطعه

منسوبه ام دارای بهترین مورال

میباشد. ولی اگر بدقت دیده شود

و بیطرفانه قضاوت گردد قطعات را

میتوان سراغ کرد که دارای مورال

بسیار عالی را نظر به دیگران دارا
میباشند.

مورال عبارت از احساسات و طرز

تکبری انفرادی و مجموعی قطعات

میباشد مورال خوب از اجراءات خوب

و معامله درست با افراد بدست آمده

میتواند.

برای اینکه مورال قطعه منسوبه

خود را بسویه عالی بلند ببریم باید به

چیزهای ذیل دقت نمائیم:

۱) تشکیل درست

اداره و تشکیل درست در بلندی

مورال افراد تاثیر بسزانی دارد

زیرا اموری که تحت یک پلان پیش

میرود بخوبی و آسانی مورد تطبیق

قرار داده شده و هیچ وقت بالای افراد

فشار وارد نگردیده و اسور چون تحت

یک پروگرام پیش میرود حاصله درست

بدست می آید.

۲) معلومات مناسب.

باید با افراد معلومات لازم

در امور جریانات روزمره و وظیفه

محو له داده شود. قومادان باید

همیشه معلومات لازم بمعیت خود

داده و باین وسیله مانع انتشار

افواها ت غلط که باعث خرابی مورال

افراد میگردد.

۳) تعلیم و تربیه عالی.

در تعلیم و تربیه باید قوماندان

کوشش اعظمی خویش را بخرج

برساند زیرا این یگانه وسیله ایست

که باعث کمائی کردن ظفر در محاربه

میشود. هر گاه یک قطعه در تعلیم

و تربیه ضعیف باشد افراد آن قطعه

مسئله را دانسته نمیتوانند در وضعیتهای

بحرانی نتیجه مطلوبه را بدست بیاورند

و این مسئله باعث خرابی مورال

افراد میگردد.

۴) چانس پیشرفت.

با افراد معیت خویش باید تفهیم

نمائید که چانس پیشرفت برای شان

باز است اگر افراد بدانند که

هر کار خوب ایشان مورد تقدیر واقع میگردد از هیچگونه فداکاری برای اجرای وظیفه داده شده دریغ نمنمایند. پس بر قوماندان است که این مسئله را با نژاد معیت خویش تفهیم بخشد.

(۵) وضعیت صحی - خوب و حالت روحی خوب.

وضعیت صحی و حالت روحی خوب دوش بدوش همدیگر بالای مورال افراد تأثیر بارزی دارد. میباید قوماندان این دو مسئله را از نظر دور نگه نداشته و همیشه آنها بدقت در نظر گرفته و با افراد نظر بان معامله نماید.

(۶) ترتیب خوب . با افراد باید دانانده شود که تمام امور ایشان بحسن صورت از طرف قوماندان توسط هیئت قرارگاه خویش بمعرض اجرا گرفته میشود . معاش ایشان در وقت و زمانش تأدیه میگردد .

(۷) اعتماد با اسلحه دست داشته . قوماندان باید با افراد معیت خویش بداناند که قطعه مربوطه اش مجهزترین قطعات دنیا بوده و اسلحه که در دست دارند بهترین اسلحه دنیا می باشد و وظیفه مطلوبه را بحسن صورت ایفا کرده میتواند . و با افراد موقع این داد نشود که ایشان اینرا اظهار نمایند که اسلحه دست داشته ایشان نظریه دشمن برتری ندارد .

(۸) اعتماد به قوماندانان . افراد باید بقوماندانان خویش اعتماد کامل داشته باشند و بر قوماندانان است که رویه را پیش گیرند که

این اعتماد افراد را کمائی کرده بتوانند . قوماندانان باید که در کلمه سخنی ها با افراد یکجا حصه گرفته وهم در امور شخصی افراد ناچسبی . خاصی از خود نشان بدهند . که باین وسیله اعتماد افراد به نسبت قوماندان خویش کمائی شد میتواند قوماندان باید بهمه مشکلات افراد معیت خویش گوش داده و اگر ممکن باشد راجع به رفع مشکلات آنها داخل اقدام شود . که باین ترتیب اعتماد افراد معیت خویش را بدست آورده میتواند .

(۹) محل شب باش مستریح برای افراد . نظر به ایجابات باید در نظر داشت که با افراد مربوطه خویش محل استراحت و شب باش خوب تهیه نمایند زیرا این مسئله بالای مورال افراد تأثیر بسزائی دارد .

(۱۰) اعاشه . برای افراد باید دانانده شود که استحقاق یومی که برای شان داده میشود بدون کم و کاست بر ایشان طبخ و توزیع میگردد . و بایشان باید تفهیم نمود که غذائیکه از طرف قطعه برای شان داده میشود از هر نقطه نظر برای تقویه جسمی ایشان کافی بوده و باعث تقویه ایشان میگردد .

(۱۱) ترتیب ارسال مکاتیب شخصی . قوماندان باید ترتیبی بگیرد که در وقت و زمانش مکاتیب افراد بخانه و دوستان شان و از دوستان شان برای افراد بکمترین زمان مکتوب برسد . که در این صورت مورال

« يك صاحب منصب خوب کسی است (که خواه قومانندان بلوك باشد یا يك اردو) به عقب و پیش روی خود میبیند ولی صرف به پیشرو فکر میکنند » (جنرال مکارتر)

« در محاربه هیچ چیز نسبت باطاعت مطلقه مهم نمیباشد » (کلاوزویچ)

« نظریه تعداد هر فرقه با همدیگر مساوی میباشد و این قدرت قیادت است که باعث کامیابی و نام نیکی و برتری فرقه میگردد »

(عمر برادلی)

افراد تقویه میگردد .

(۱۲) امور صحی .

بر قوماندان است که ترتیب لازمه گرفته تا افراد که مریض میگرددند تحت معاینه صحی قرار گرفته و ادویه لازمه برای شان اعطا گردد . بالخاصه در اثنای محاربه باین مسئله باید دقت لازمه بخرچ داد .

(۱۳) ترتیب يك کانتین .

بمقصد تسهیلات در امور خرید اجناس مورد ضرورت افراد باید ترتیبی گرفته شود تا افراد بتوانند اشیای مورد ضرورت خودهار ادر قشله بقیمت نازل در بدل پول نقد خریداری نمایند

که این مسئله هم بالای مورال افراد
تأثیر بسزائی دارد .

۱۴) اجرای رخصتی رونی و
رخصتی های مابین هفته .

قوماندان باید ترتیبی اتخاذ نماید
که نظر به پروگرام مرتبه استحقاق
رونی افراد را اجرا نموده و همچنین
برای اشخاصیکه فامیل دارند
درین هفته بکر وز از طرف شب
رخصت داده شود تا فامیل های خود
را دیده بترانند . اجرای این امر در
مورال افراد تأثیر خوبی دارد .

۱۵) اجرای امور مذهبی .
بر قوماندان است که ترتیب
لازمه اتخاذ نماید تا افراد رعیت او

بصورت آزادانه مراسم مذهبی خود
هارا در وقت و زمان آن اجرا نموده
بتوانند و برای این مقصد محل مناسبی
تخصیص داده شود که این مسئله هم
دربلندی مورال افراد تأثیر بارزی
دارد .

۱۶) مکافات و مجازات .
قوماندان باید هر کار خوب را
بنظر تقدیر نگریسته و در وقت و زمانش
مکافات لازمه برای شخص مطلوب
بدهد و هر کار خراب را مورد سرزنش
و توبیخ قرار داده در وقت و زمانش
معادل جرم جزای مناسب بنظر
سرتکب بدهد .

۱۷) قوماندان باید پروگرام
ساعی بیست و چهار ساعته قطعه
خویش را طوری ترتیب نماید که
آنها احساس خسته گی نموده و با
شوق و ذوق تمام با جرای وظیفه
محو له خویش مصروف باشند و خیال
نمایند که حیات عسکری يك حیات
خسته کن میباشد . در اوقات فراغت
مصروفیت های ذیل برای افراد قطعه
منسوبه خویش تأمین نماید .

نمایش فلما .

ترتیب يك کتابخانه مختصر .

ترتیب يك اطاق سپورت .

سیرهای علمی .

۱۸) افراد آرزو دارند که همیشه
پاك و نظیف باشند بنابراین برای افراد
لباس ستره داده و ایشان تقمیم گردد
تا از لباس های خود بصورت درست
مواظبت نمایند که باین وسیله
لباس های شان بصورت درست
محافظه گردیده و باعث تقویه مورال
شان میگردد .

هر گاه اسات فوق بصورت
درست تطبیق گردد مورال افراد
قطعه منسوبه بصورت صحیح محافظه



« هیچ وقت قطعه خراب

وجود ندارد ولی بعضاً قائدین

بی کفایت سراغ شده

میتوانند »

(جنرال مار شال)

گردیده و قطعه مربوطه شما دارای
بهترین مورال خواهد بود .

بجای يك قوماندان قطعه ویا آمر
تفتیش برای اینکه درجه مورال
قطعه مطلوبه را معلوم کردن بخواهیم
به چیزهای ذیل در قطعه مطلوبه دقت
شود تا راجع به بلندی مورال قطعه
مطلوبه صاحب يك معلومات گردیم .
۱) اجرای رسم تعظیم .

آیا قطعه مطلوبه رسم تعظیم را
بصورت درست اجرا مینماید و در
حین سخن زدن آداب عسکری را
رعایت میکنند .

۲) صفائی و نظافت لباس .

قطعه منسوبه یونیفورم درست
پوشیده اند و به نظافت خویش توجه

خاصی از خویش مبدول داشته اند .

۳) نظافت قشله .

آیا قطعه مر بوطه پاك و صفا
میباشد و اشاراتی که محل های مختلفه
قشله را ارائه میدارد در محل های
شان وجود دارد .

۴) بیداری و غرور .

افراد قطعه منسوبه از هر نقطه
نظر بیدار و بشاش بنظر میرسد و
بتاریخچه قطعه منسوبه خویش افتخار
مینمایند .

۵) قطعه منسوبه در امور
اصلاحی بصورت داوطلبانه اشتراك
مینماید ؟

۶) در قطعه منسوبه يك پروگرام
منتظم سپورت و اتلیتیک وجود دارد ؟

۷) قطعه منسوبه اجرای مراسم
مذهبی را در وقت و زمانش با شوق
و علاقه تمام بجا مینمایند ؟

۸) افراد قطعه منسوبه بصورت
انفرادی حساب پس انداز دارند ؟

۹) دفتر معاملات و غیره امور
ذاتی افراد مربوطه بصورت درست
تنظیم شده است ؟

۱۰) نظریه دیگر قطعات تعداد
اشخاصیکه تحت محاکمه میباشند
کمتر است ؟

۱۱) تعداد مریضان قطعه چقدر
است ؟

۱۲) مقامات مافوق راجع به
قطعه موصوفه چه عقیده دارند ؟

هر گاه بهمه سوالات فوق قناعت

مشبت بدست بیاید در آنصورت گفته

میتوانیم که قطعه مورد نظر دارای

مورال بسیار عالی بوده و یکی از

قطعات ممتاز اردو بشمار می آید .

خداوند بهمه قوماندانان توفیق اعطا

نماید تا قطعات خویش را طوری بار

بیاورند که دارای مورال عالی

بوده و وظیفه که بایشان سپرده میشود

بجسمن صورت در وقت و زمان آن

بمعرض اجرا بگذارند .

جریان رود عظیم زندگی راهمواره از نظر دور مکن

نگاش: عبدالقیوم ترین

اگر به نظر تعمق به جهانیکه دائم در حرکت است بنگرید توام با حرکت آن رود عظیم زندگی نیز در حرکت است و در نتیجه تحولات گوناگونی را بوجود آورده مردان، زنان، کودکان بشکل ناگسستی میبخندند میگیرند و برخی به محبت قابل ملاحظه باهم عمری بسر میبرسانند و جمعی کینه میورزند و بایکدیگر درجنگند...! که جریان آن همچنان ادامه دارد و به پایان نمیرسد.

ولی این را باید خوب دقت نمود که دنیای ما با سرعت حیرت آور پیش میرود، روز بروز تغییراتی قابل ملاحظه در آن رونما میگردد همچنان بدون وقفه ادامه دارد. حتی گفته میتوانم به همین لحظه که به تحریر این سطور مصروف میباشم تغییراتی در هر ساحه رونما گردیده مفکورهها، ابتکارات تازه بیدان آمده. و گاهی اوقات طغیانی در آن پدید می آید بی رحمانه حیات ما را تهدید و مورد استهزا قرار میدهد، حتی ما را همچون خاشاکی بر روی همواج خروشانش بالا و پائین میبرد، و خود سریعانه به جریان خود بدون وقفه دوام میدهد. بدون آنکه کسی بداند که سر انجام آن بکجا خواهد رسید آیا بالاخره به هزاران قطره شده به پرت گاه نیستی میرود و یا خود دائم در خودتغییراتی بوجود خواهد آورد. خیر بهر حال این را باید تذکر داد که ما چون از جمله موجودات زنده و یک مدت محدود به زندگی ادامه داده و بالاخره زندگی برنگ می انجامد ولی بعضاً کارهای بزرگ با ارزش که در دوران زندگی ما بیدان آمده و می آید پاینده و باقی بوده و خواهد بود.

بلی! امروز هزاران نفر افراد با استعداد جامعه بشری بهمان منظور

از خود اثرات جاویدانه باقی گذاشته که ما از آن بهره مند شده ایم پسران و دخترانی که دارای استعداد قوی بوده در هر جامعه وجود دارد که شایسته ترین فرزندان کتله کنونی بشر است که همین حالا عمر گرانبهای خود را صرف فرا گرفتن علم و معرفت، صنعت... نموده قوی ترین نیروی جوانی شان را تحت قانون و نظامی که حکم فرماست حرف می نمایند تا در ساحه آن موفق به ابتکاراتی که حقیقتاً لائق شان عصر موجوده و آینده شود شده باشند.

چه جای سعادت است که ای جوان وطن تو نیز تمام نیرو و قدرت و ذکاء خود را متوجه بیک هدف که بمقصد نیک باشد صرف نمائی زیرا که زمینه را قانون اجتماعی بتو مساعد نموده است. حالا برتو است تا در ساحه و وظیفه شناسی ات وطن را از نعمت ابتکاراتی که سزوار همچون تو باشد جامعه خویش را برخوردار کند و وطن از هر نگاه دارای قدرت عظیم ساختمانهای عالی مادی و معنوی گردیده باشد. این را از نظر دور نباید کرد که در جهان بسا کارهای انجام میگیرد ممکن است اولاً بموانع و مشکلاتی برخورد نماید ولی مشکلات مذکور هرگز باید سد راه تو نگردد و این را فراموش نباید کنی که اراده هر قدر متین باشد همان قدر تاثیر مثبتش در جامعه نافذ و الهی روزی چند مقاومت و بالاخره واژگون و تاثیرش نیز از بین میرود. به دیده حقیقت نظر کن که دنیا تدریجاً راه تکامل خود را پیموده است. این را شاید تقدیر نمائی که امروز دنیای ما در ساحه رشد علم باهم پیوند و پیوسته تر میگردد. روزی رسیده است که بهر ملت تاریخ جداگانه نمیتوان قائل شد زیرا که امروز

تمام نیرو و قوی ترین قوه محرکه تمام ملت ها روی رسیدن بیک هدف بوده. کذا تاریخ مشترکی را بخود اتخاذ خواهند نمود. آن روز سپری شده است که عوامل طبیعی معالک را از هم جدا می نمود بلکه امروز کوشش نام در ساحه اجتماع زیست باهمی است و مساعی مشترک در ساحه بین المللی است. حالا باید این را قبول نمود که ساکنین کره زمین در هر جائیکه هستند بهر نوع نژادیکه میباشند جز یک فامیل این کره خاکی میباشند همه نیروی عظیم است که دست بکار بوده پیش میروند و به طرف اهداف عالی در حرکت اند و ما هر قدر بکوشیم نمیتوانیم مانع در راه اوشان گردیم و از قدرت ما خارج است که آنها را متوقف سازیم. بلکه راز موفقیت در آن است که سهم خود را به سرعت هر چه تمام تر بدست بگیریم تا بان نیروی عظیم و متحرک توده های ملیونی بشر مقام شایسته احراز نموده باشیم. امروز وضع چنین ایجاب مینماید او فرمای مادر دست نسل آینده است که در سرتاسر دنیا رشد مینماید و آماده میشوند تا اوشان نیز سهم خود را برای فردای خود بعهده بگیرند.

ای جوانان امروز! ای پسران و دختران فردا خوب دقیق شوید که رود عظیم زندگی انتظار شمار ندارد کماکان به جریان سریعانه خود دوام دارد تو باید برای دنیای امروز سهم خود را بگیر و در عالم بشریت در راه رسیدن به اهداف عالی مشترک انسانی مقامی را بخود اتخاذ نمائی تا بان وسیله از کاروان تمدن که به سرعت در حرکت خود ادامه داده و میدهد عقب نمائی. اینست وظیفه تو در برابر جریان رود عظیم زندگی در ساحه تمدن علم و معرفت صنعت...! (ختم)

عرب در طول تاریخ محاربات و روم باستان

۲

در جریان محاربات زیادتی عمق نظام فلنکس را مربوط به روحیه جنگجویی می دانستند چنانچه مصریانی که به نسبت نداشتن روحیه نظامی قرن های متمادی به اسارت بصری بردند ضرورت به تشکیل فلنکس احساس نمودند که دارای صد صف و صدلیک بود چنانچه بالمقابل یونانیان صرف با فلنکس که متشکل از هشت صف می بود اکتفا می نمودند و این خود نمونه از دلآوری

و شجاعت و نتیجه تعلیم و تربیت بود که به بالای افراد تطبیق میشد.

همچنین نظام فلنکس از طرف رومی هانیز طرف استفاده قرار گرفت مگر در اثر تجارب و گذشت چندین نسل به این نتیجه رسیدند که در اراضی عارضه دار گرفتن نظام فلنکس مشکلات تولید مینماید اگرچه مشکل مذکور را فیلیپ مقدونی نیز درک نموده بود و با استفاده از پیاده نظام خفیف و سواری (پرنسیپ سیالیست) نقص نظام مذکور را رفع مینمود مگر

رومی ها به تشکیل نظام محاربوی پرداختند که بنام لیژیون Legion یاد میشد و امکان جمع شدن و پس اتساع نمودن را بحسن صورت دارا بود. رومی ها شکست را از قوماندانانیکه بی جهت برای کسب قدرت سیاسی شخصی در میدان حرب به تشبث می بود ترجیح میدادند و از همین سبب بود که قوماندانان بصورت انتخابی از طرف سپاه که بنام قنسل یاد می شد تعیین میگردد و آنها به نزد مجلس سنا مسئولیت داشتند و به این صورت از

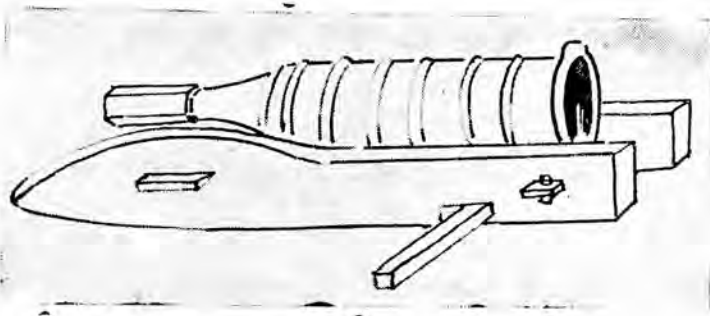


سرباز سواره نظام ثقیل اردوی مقدونیه خواهشات شخصی جلو گیری بعمل می آوردند.

اگرچه نظام فلنکس بصورت دسته جمعی در محاربات بکار میرفت لکن برخلاف نظام جدید رومی ها متشکل از چهل قطعه محاربوی پیاده بود که بصورت سه خط به مسافه ۲۵۰ فت از همدیگر و به جبهه ۱۲۰۰ فت قرار میگرفتند که در خط اول مشتمل از ۲۰ نظام مربع شکل که حاوی ۱۲۰ نفر بوده هر یک از نظام مذکور دارای ۱۲ لیک و ۱۰ صف که به جبهه ۶۰ فت و عمق ۴۵ فت که برای یک سرباز جهت جنگیدن تن به تن جای کافی را در اختیار می داشت تعبیه میشدند همچنین هر یک از نظام های



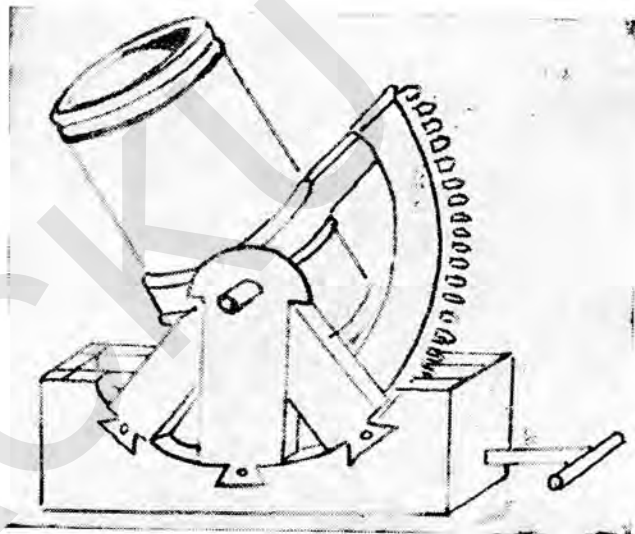
تفنگچه دستی که در اواخر قرن چهارم توسط جابجا نمودن به شان و در دادن فلیته انداخت می شد.



مربع شکل فوق دارای خالیگاه بودند که باعث ایسالت حرکتات شان در اراضی عارضه دار میشد خط سوم با عین نظام قسمیکه در خالیگاهها قوای احتیاط جابجا میشد به عقب خط دوم قرار داشت فرق بارزی که در میان خطوط اول، دوم و سوم نظام محاربه لژیون بمشاهده میرسید اینست که رومی ها در خط اول سربازان جوان که سن شان از ۲۵-۳۰ و در خط دوم از ۳۰-۴۰ تجاوز نمیکردند همچنین در خط سوم سربازان سابقه دار و معمر که آخرین محاربات خود را می پیمودند استخدام میکردند

دوران باروت: توپ که در قرن چهارم ده بعد از کشف باروت توسط انگلیسها مورد استعمال قرار گرفت که اوصاف حمل و نقل - تقویه میل و تخفیف پس لگد را دارا نبود و جهت انداخت غیر مستقیم و مقوس ساختن محرک به یک زاویه که انداخت می شد زمین را مایل حفر می کردند

طرف مقابل لژیون رومی ها پیش قدم میشد و خط سوم با پرتاب نمودن نیزه های خورد و کلان تعرض را باز مینمودند و بعداً به مرهم و تداوی زخمیان خط اول و دوم می پرداختند پس از آنکه توسط پرتاب نمودن نیزه ها دشمن را تحت تاثیر میگرفتند خط اول با یک هجوم و یورش فوق العاده سریع به جبهه دشمن داخل می شدند و خط دوم ضربه دومی را بدشمن وارد می آوردند و اگر بکدام مشکلات مواجه میشدند به خالیگاه خط دوم عقب نشینی مینمودند و تشکیل یک فلنکس موقتی را مینمودند و در حالات بحرانی قوای احتیاط با سربازان کار آزموده خط سوم بایشان مساعی مینمود .



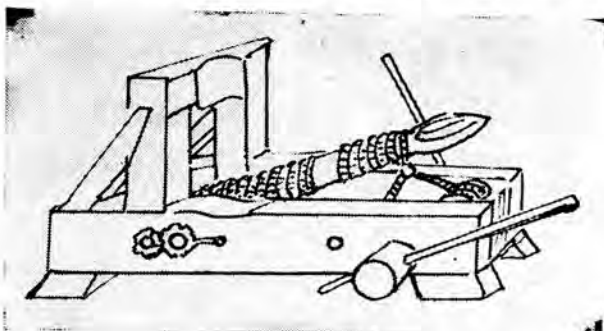
اولین هاوان قابلیت حمل و نقل را دارا نبود و بطور ثابت انداخت مینمود

قوای سواری رومی ها تا به دیر زمان انکشاف نیافت تا اینکه شکستهای متواتر اوشان را به اهمیت به چنین یک قوا متوجه ساخت .

جریان و آغاز محاربات لژیون رومی بسمی بود که بمجرد نزدیک شدن با دشمن با وجود تفوق عددی

جوانانیکه سن شان از ۱۷-۲۷ میرسید به خدمت پیاده نظام خفیف گماشته میشدند .

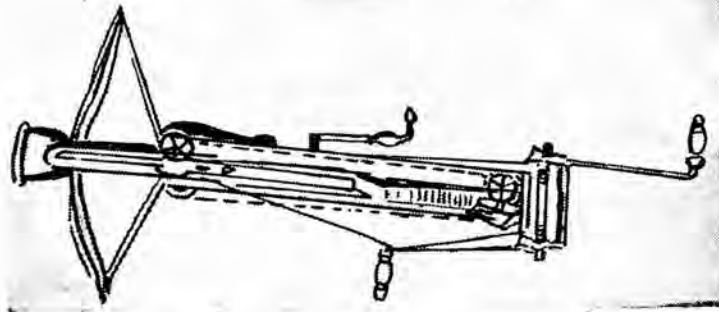
از جبهه الی عقب هر یک از نظام مربع شکل تشکیل یک کوهارت *Cohort* که بالغ به ۴۳۰ نفر میشد و معادل به یک کند کوده کوهارت فوق تشکیل قدرت مجموعی یک لژیون رومی را مینمود و بیست لژیون که عموماً با نه صد سوار و دیگر قطعات حمایت و تقویه مشد و به ده هزار میرسید اردوی رومی ها را تشکیل میداد .



سلاح محرك مقوس که بواسطه آن آتش - سنگ بطرف دشمن پرتاب میشد

می پرداختند. هر دو جانب علاوه به پرتاب نمودن نیزه، سنگ و دیگهای جوشان تیل و حتی غلهجات آلوده جهت انتشار مرض به انداختن و پرتاب آتش که در یونان و آسیای زمانه های خیلی قدیم رواج داشت می پرداختند. درین نوع محاربات فرستادن جاسوسان و اشخاص مخفی در بین شهرها و قلعهها وول مهمی را بازی مینمود و حتی بیشتر آنها دام و شکست مدافعین در محاربات قلعههای مستحکم از باعث فعالیت همین اشخاص صورت میگرفت. نا گفته نماند که حتی بعضی از جزایر توسط دیوارهای احاطه می شد که نمونه های شان تا به امروز از مدینت های جنوب اروپا و دیگر مناطق بمشاهده میرسد که با وجود گذشت قرن ها تا به الحال باقی مانده اند و این خود شاهد استحکام و بزرگی آنها و نمونه از کار و زحمات طاقت فرسای شان نمایندگی میکند.

از تفصیلاتی که راجع به تکنیک محاربات دوران باستانی داده شد چنین نتیجه می گیریم که کدام حد فاصل و یا مجزای در تاریخ تکنیک حربها یافته نمیتوانیم زیرا عین پرنسیپ های که در دوران باستان از آن کار گرفته شده در عصر بارود نیز مورد استفاده قرار گرفته زیرا بقرار گفته یکی از قوماندانان یونان « صنعت جنگ عبارت از محافظه آزادی عملیات و حرکات بمقصد بدست آوردن ظفر میباشد. (بقیه در ص ۲۶)

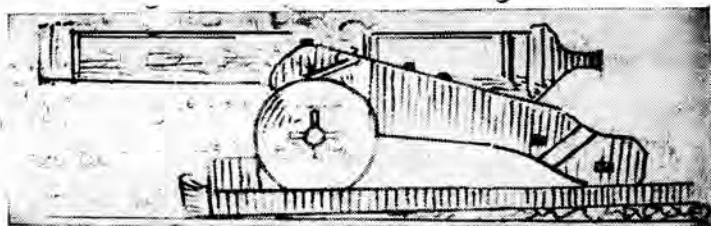


کراس بوز: زه کمان که توسط دستگیر کش به عقب آورده می شد و به واسطه ماشه تیر پرتاب می شد و مزیتی که نسبت به تیر و کمان های عادی داشت این بود که از وضعیت پروت و خمیده انداخت شده میتوانست و هم منزل انداخت و اصابت آن بیشتر بود و مفکوره ایجاد تفنگ بعد از کشف بارود از همین نوع سلاحها گرفته شد و عموماً در محاربات شرقی مورد استعمال داشت.

و کمان و یکسوی سلاح که از تنه مجوف درختان جهت ریختن آتش به بالای دشمن کار میگرفتند عبارت بود سپرهای سیار عرابه دار که عموماً توسط چوب و بعضی چیزهای دیگر سترواخمی شد جهت محافظه گروپ های متحرک بکار میگرفت اگر مدافعین از خود مقاومت نشان میدادند مهاجمین جهت بلند رفتن به دیوارها برج های بسیار بزرگ که به ارتفاع ۴۱ فوت و از چوب و ریسمان با مساعی تقریباً شش هزار نفر اعمال میشد از آن کار می گرفتند. همچنین جهت رخنه کردن به دیوارها تونلها و تونلهای زیر زمینی حفر می نمودند و اگر به دیوارهای لمعه ها رخنه می وارد می آمد مدافعین با کار نمودن شب و روز به اعمال مجدد دیوار

چون در دوران باستان جهت انتقالات وسایل کم در دسترس داشتند به این سبب رفتارهای بسیار متطول را اجراء میکردند که بطور معمول پانزده الی هژده میل مسافه را در شش ساعت طی مینمودند و اگر در جریان رفتارها به کدام مقاومت روبرو می شدند آیمی از قواء به رفع و تردد آن و متباقی به حفر خندقها می پرداختند و عموماً ارتفاعات و عیاجها را برای اشغال و حفر موضع ترجیح میدادند همچنین در محاربات دوامدار به ساختمانهای از گل و چوب مانند دیوارهای قلعه جنگی می پرداختند.

یکی از روشهای جنگی باستان هم محاربات قلعه های مستحکم میباشد که عموماً قوای ضعیف جهت مدافعه در عقب دیوارهای مذکور با دشمن مقابله مینمودند. قوای متفوق جهت انهدام و بدست آوردن قلب شهرها به محاصره های می پرداختند که تقریباً ماهها و سالها را در بر میگرفت. چنانچه آستریا یکی از شهرهای یونان به این قسم محاربات تدافعی چنان عادت کرده بودند که از جریان محاصره نسلها از طفلی به دوران شباب میرسید بدون آنکه از وضع اقتصادی و ذخایر شان کدام سکتگی وارد آید. سلاحهای مدافعین عبارت از تیر



تویی که از ۱۵۱۹ از طرف فرانسوی ها مورد استعمال قرار گرفت دارای چاپ خوردتر و اوصاف سیالیست تخفیف پس لگد و تقویه میل را دارا بود.

معلومات عمومی راجع به مواد مسموم کننده

و انکشاف آئنده آنها

اسلحه کیمیاوی عبارت از مواد مسموم کننده بوده اولین بار از طرف جرمنها در اثنای حرب اول جهانی استعمال گردید جرمنها در ۲۲ اپریل ۱۹۱۵ء ۱۸۰ تن کلورادر یک جبهه نیکه طول آن ۶ کیلومتر بودرها کرد این مقدار کلور در ۵ دقیقه رهاشد در نتیجه شکل ابر را بخود گرفته و استقامت حرکت گاز مذکور بسمت جبهه برای مذاقعه از دشمن بود و بسیاری از افراد دشمن را محو و نابود ساخت از جمله ۱۵۰۰ نفر دشمن ۵۰۰ نفر آن به قتل رسیدند . انگلیسها و فرانسویها نیز به مقابل جرمنها گازات زهر دار را استعمال کردند و در حرب مقادیر مختلفه کلور را توسط بالونهای فلزی تحت فشار حمل و نقل می نمود اما حمل و نقل گاز مذکور کار مشکل علاوه تا استقامت حرکت آن مربوط بسمت و زش بود از این روراه های، دیگری را جستجو کردند در اثر تجسس و کینچکاوی زیاد بالاخره موفق به کشف مواد مسموم کننده مؤثر دیگر گردیدند مثلاً فوسجین، کلور پکرین، هاید روجن سیاناید، دی فینل کلورار سین وغیره . در حرب عمومی اول در اثر استعمال مواد مسموم کننده تعداد آسب دیده گان ۱۲۹۷۰۰۰ نفر

بالغ گردیده دولت های مختلف دیدند که مواد مسموم کننده از جمله اسلحه تاثیر دسته جمعی می باشد و در حرب عمومی اول ممالکیکه مواد مسموم کننده نداشته زیاد تر تلفات دادند بعد از ختم حرب عمومی اول سه مراتبه بین دولت های معظم معاهده عدم استعمال مواد مسموم کننده به امضاء رسید و آنرا ممنوع قرار دادند معاهده آخرین در سال ۱۹۲۵ در ژنیو صورت گرفت و آنرا ۳۰ دولت تصویب نمود و بعد آن دولت دیگر نیز درین معاهده شامل گردیدند اما دولت امریکا و جاپان تا امروز آنرا امضا نکرده معاهده مذکور تا کنون مدار اعتبار بوده مگر بعضی ممالک در همین وقت استعمال اسلحه کیمیاوی و با کتر لوژی خود را انکشاف دادند و نیز بعضی ممالک اسلحه کیمیاوی خود را در صحنه حرب استعمال و امتحان نمودند مثلاً ایتالیا در سال ۱۹۳۵ اسلحه کیمیاوی را به مقابل جیشه، جاپان در مقابل چین و امریکا در سال ۱۹۵۱ اتی ۱۹۵۲ در جنگ کوریا اسلحه کیمیاوی را استعمال کردند .

در اثنای حرب عمومی دوم جهان سال ۱۹۳۹ مواد مسموم کننده استعمال نشد زیرا طرفین از یکدیگر خوف داشتند اما بعد از ختم حرب عمومی دوم جهانی مواد مسموم کننده

جرمنها آشکار و مقدار زیاد آن بدست آمد چنانچه منطقه نیکه از طرف امریکائی ها و انگلیس ها اشغال گردیده بود ۵۰۰۰ تن اپریت ۲۰۰۰ تن اپریت آزوت ۱۵۰۰۰ تن فوسجین ۲۰۰۰ تن ارسنک و ۵۰۰۰ تن مواد اشک آور وغیره مواد مسموم کننده که بدست اتحاد شوروی آمده بود همه آنرا در ظرف یکسال از بین بردند و از آن بمقصد تنویر استفاده نمودند بر علاوه در جرمنی یکنوع مواد مسموم کننده جدید که نام بتون یاد میشد پیدا گردید این ماده دارای خواص فوق العاده زهری بوده اعصاب انسان را خراب و فلج مینماید و بعد از حرب دوم جهان مواد مسموم کننده مؤثر دیگر نیز کشف گردید مانند زرین، زمان، وغیره و بعضی علماً ادعا میکنند که مواد مسموم کننده را به علامه و یاحرف «Y» نشان میدهند این مواد زهری مانند زرین و زمان بوده اما تاثیر زهری آن نسبتاً بیشتر است مواد مسموم کننده که باعث فلج و خرابی سیستم عصبی میشود تاثیر آن موقتی بوده بعد از ۵ الی ۶ ساعت از بین میرود . تاریخچه مختصر انکشاف اسلحه

کیمیاوی :- مواد مسموم کننده (اسلحه کیمیاوی) اولین بار با اندازه زیاد بحدت یک سلاح محار بوی در اثنای حرب جهانی اول بکار برده شده بود

حرب در طول تاریخ

(بقیه صفحه ۲۴)

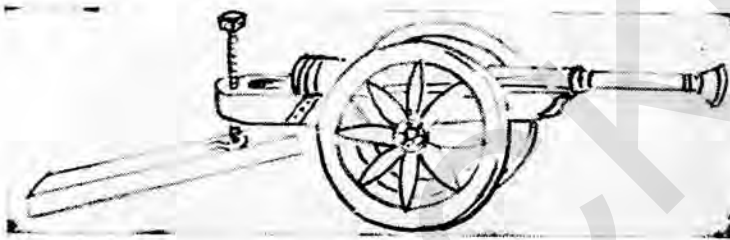
مقوس الی قرون وسطی و پیدایش باروت بقسم ثابت و بدون حرکت مورد استعمال قرار می گرفت که قدرت انداخت آنها الی مسافه ۵۰۰ یارد تخمین می شد .

یکنوع سلاح دیگر که بنام سکار پیون یاد میشد و در محاربات تعرض مورد استفاده قرار میگرفت و از طرف دونفر بکار انداخته میشد و صورت ساختمان سلاح فوق را به تصاویر بخوبی مشاهده کرده می توانیم .

ویگانه تغییرات تکنیکی قابل ملاحظه در قسمت اهمیت سواری و آستانه باروت بمشاهده میرسد .

سلاح دوران باستان :

معروف ترین اسلحه لژیون رومیها را یکنوع نیزه که دارای طول هفت فذ و شمشیر باتیغ بست انچ طول تشکیل میداد . همچنین جهت تحت تأثیر گرفتن دشمن از مسافات دور به ساختمان های مجبور شداند که از آنها بقسم متحرك هموار و متحرك



توپ که توسط فرانسوی هادر اواسط قرن پانزدهم اعمال شد و اوصاف حمل و نقل - تقویه میل را دارا بود .

استعمال کلور استوفنول پیشنهاد شده بود اما از آن استفاده نکردند کلور استوفنول در سال ۱۸۷۶ از طرف گرایه کیمیا دان آلمانی اختراع شده بود .

— در اواخر سال ۱۹۱۸ آدمس کیمیادان امریکائی ماده دود دار زهر دار جدید را پیشنهاد کرد این ماده به افتخار کیمیادان مذکور آدمسیت نامدارد . در موقع جنگ جهانی اول از آدمسیت استفاده نکردند .

— در سال ۱۹۱۹ لیوس کیمیادان امریکائی ماده سموم کننده جدید را پیشنهاد کرد و بافتخار کیمیا دان مذکور نام این ماده را لیویزیت نام

به شکل خالص فقط در سال ۱۸۸۶ از طرف مییر کیمیا دان آلمانی وزیلنسکی کیمیا دان روسی بدست آورده شده بود .

— در سپتمبر ۱۹۱۷ م آلمانیها بمقابل اردوهای کشورهای متحدین دی فینل کلور ارسین را بحیث دود زهر دار بکار بردند در ماه می ۱۹۱۸ م آلمانی ها اولین بار دی فینل سیان ارسین را استعمال کردند آنها ماده سموم کننده مذکور را به شکل خالص و در مخلوط بادی فینل کلور ارسین بحیث دود زهر دار استعمال کردند .

— در اواخر سال ۱۹۱۸ م برای

در ۲۲ اپریل ۱۹۱۵ آلمانیها در جبهه غربی در فاصله ۶ کیلومتر گاز کلور را از بالون هارها کرده و در نتیجه ۵۰۰۰ نفر مقتول و قریب ۱۰۰۰۰ نفر شدیداً مسموم شده بودند .

در ماه اکتوبر سال ۱۹۱۵ آلمانیها گاز فوسگین را بمقابل اردو های کشورهای متحدین استعمال کردند فوسگین اولین بار در سال ۱۸۱۱ م از طرف جورج دوی کیمیا دان انگلیسی اختراع شده بود جورج دوی گاز فوسگین را در اثنای مخلوط دو گاز یعنی کلورو کاربن اکساید تحت شعاع شدید آفتاب بدست آورد .

در ماه می سال ۱۹۱۶ م آلمانیها کلور پکرین را بمقابل اردوی متحدین بکار بردند کلور پکرین اولین بار در سال ۱۸۴۸ م از طرف ستن گاوز کیمیادان انگلیسی اختراع شده بود . — در ماه جون ۱۹۱۶ م آلمانیها بمقابل اردوها کشورهای متحدین نیزاب هایدروسیان را استعمال کرد در همین سال کشورهای متحدین بمقابل آلمانیها مواد سموم کننده مذکور را استعمال کردند .

— در سال ۱۹۱۶ م آلمانیها و کشورهای متحدین به مقابل یکدیگر دی فوسگین را بکار برده بودند .

— در شب ۱۳ جولای ۱۹۱۷ م آلمانیها در نزدیکی دریای ایپر (در کشور بلژیک) اولین بار مواضع انگلیسی هارا توسط مرمیاتیکه بذریعه ماده مایع جدید پر شده بود و آبله را در جلد بوجود می آورد استعمال کردند این ماده بنام اپریت با ساس دریای ایپر نام اپریت را بخود گرفت اردو های متحدین هم از اپریت استفاده میکردند اپریت اولین بار در سال ۱۸۲۲ از طرف دپری کیمیادان فرانسوی ایجاد شده بود و در سال ۱۸۶۰ ماده مذکور همچنان از طرف گوتتری و تیمن کیمیادان آلمانی دوباره اختراع شده بود اما این ماده

گذاشتند این ماده هم در جنگ استعمال نشده بود.

— در سال ۱۹۲۹ در آلمان ماده مسموم کتنده فوسگین اوکسین اختراع شده بود اما فوسگین اوکسین برای مقاصد حرب هیچ وقت استعمال نشده بود در حال حاضر فوسگین اوکسین بچیت مواد مسموم کتنده در تشکیل اردوها نمیباشد.

— در سال ۱۹۳۵ در مطبوعات خبری پیدا شد که او رد کیمیا دان امریکائی اپریت آزوت را ایجاد کرد اما اپریت آزوت هیچ جا استعمال نشده بود.

— در سال ۱۹۳۵ ایتالیا در جنگ با حبشه بمقابل اردو اهالی این کشور اپریت را استعمال کرده بود.

— در سالهای جنگ عمومی دوم جهانی (۱۹۳۵-۱۹۴۵) مواد مسموم کتنده عضوی فاسفور دار ایجاد شده بود آلمان ها تبون، زرین، زمان را اختراع کردند در حال زرین زمان و تبون در تشکیل اردو میباشد.

— در سال ۱۹۶۵ - ۱۹۶۶ م امریکائی ها مواد کیمیاوی زهر دار را استعمال میکردند که برگ های درختان، کشتزارها و نباتات مختلف را از بین می بردند.

تاریخچه مختصر انکشاف اسلحه باکترلوژی : - عوامل امراض ساری به مقصد جنگ در زمان قدیم استعمال شده بود.

— در سال ۱۳۴۶ م تاتار ها در موقع هجوم قله کافا (در حال حاضر شهر فیودوس کریم شوروی) یاد می شود.

در میان قشون شهر چینوا ایتالیا توسط انداختن جسدهای مرده انسانها به عقب دیوار قلعه مرض طاعون را انتشار داده بودند این جسدها دارای مرض طاعون بودند.

— انگلیس هادر موقع جنگ در هند برای سرایت دادن چیچک مصنوعی

سعادت

دنباله سعادت برو ، سعادت از تو خواهد گریخت ، با دل و جان بکار خودت پرداز ، وقت را برای مقصود بکار بر ، از جاده خود بینی و شهوت یعنی نفس بیرون بیا و دنبال چیزی برو که از نفس بالاترست ، آنگاه هنگامی که بگذشته ات فکر می کنی ، خواهی دید که تو خوشبخت بوده ای . (پروفیسور جود)

میان اردوی هنداشیائیکه به امراض چیچک مسموم شده بودند شمار میدادند و عساکر اردوی هند مبتلا به مرض چیچک می شدند .

— میکروبها بچیت عوامل امراض ساری اولین دفعه در دوره جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸) م از طرف آلمانی ها استعمال شده بود قوماندانی اردوی آلمان برای مسمومیت حیوانات دشمن از طریق تجاوز با کتریهای مانند سیاه زخم و تب کلان (بحرقه) استعمال میکردند

— در دوره جنگ دومی جهان در سال ۱۹۳۹ - ۱۹۴۵ م طوریکه محاکمه بین المللی در شهر نیورنبرگ آلمان تعیین کرد آلمانی ها بشدت برای استعمال اسلحه باکترلوژی حاضر می شدند بعضی اوقات آنها بطور مخفی از این اسلحه استفاده میکردند آلمان ها توسط اسلحه باکترلوژی بر اسیرانیکه در شکنجه های وحشت ناک می مردند تجربه های متعددی را اجراء میکردند .

— اما وسیع ترین آماده گی برای استعمال اسلحه باکترلوژی در جنگ دوم جهانی در جاپان صورت گرفت در شروع سال ۱۹۳۵ م بدون توقف تولید و سایط باکترلوژی و میتود های استعمال آن در ترقی بود در سال ۱۹۳۵ م جاپانی ها بمقابل اردوی چین از اسلحه باکترلوژی

استفاده میکردند انواع جدید اسلحه باکتر لوژی را آنها بر اسیران آزمایش میکردند .

— بعد از شکست خوردن آلمانیها و جاپانی هادر جنگ جهانی دوم و از بین بردن لابراتوارها تولید اسلحه باکترلوژی ایالت متحده امریکا در این رشته از راه آلمان و جاپان قدم برمی دارد ایالت متحده امریکا با کمک دانشمندان باکترلوژی آلمان و جاپان تولید اسلحه باکترلوژی را شروع کردند از سال ۱۹۴۹ م آنرا آزمایش میکردند در سال ۱۹۵۲ م در جنگ با کوریا شمالی در مقابل اردوی کوریا شمالی و داوطلبان ملی چین از اسلحه باکترلوژی استفاده کرده بودند بعد از سال ۱۹۵۲ م امریکائی ها انواع جدید اسلحه باکترلوژی را با شدت ایجاد می نمایند در حال حاضر آنها کوشش میکنند تا از این اسلحه در ویتنام جنوبی استفاده نمایند.

— طبق موافقت نامه بین المللی اسلحه باکترلوژی متعلق به انواع ممنوع اسلحه می باشد ۱۷ جون سال ۱۹۲۵ م در شهر ژینو سویس قرارداد به امضا رسید که طبق آن استعمال اسلحه کیمیاوی و باکترلوژی به مقاصد حرب ممنوع شده است اما ایالت متحده امریکا، جاپان، برازیل، نیگاراگوا ، سلوادور، یوروگوای و بعضی ممالک دیگر قرار داد ژنیو

را امضاء نکردند و برخلاف تصمیم اکثریت ممالک دنیا حق استعمال این تسووع اسلحه را به اختیار خود باقی ماندند. اتحاد شوروی قرارداد ژنیورا امضا کرد و هیچ وقت اسلحه کیمیاوی و یا کنترلوزی را استعمال نکرد.

تاریخچه مختصر انکشاف

اسلحه هستوی: - اولین دو بم اتومی که بر اساس تقسیم هسته ها ساخته شده بود در ختم جنگ دوم جهانی یکی از آن در بالای شهر هیروشیما با تاریخ ۶ آگست سال ۱۹۴۵ م و دیگری آن در بالای شهر ناگاساکی با تاریخ ۹ آگست سال ۱۹۴۵ م انفلاق یافت بم اتومی که در بالای شهر هیروشیما انفلاق داده شد ۲ تن وزن داشت بم مذکور از طیاره بمبارمان مارک ۲۹-B که عمله اش از یازده نفر عبارت بود ساعت ۸ صبح ۶ آگست ۱۹۴۵ م از ارتفاع ۶۰۰۰ متر پرتاب شده بود در ظرف ۶۰ ثانیه این بم پائین شد و در ارتفاع ۶۰۰ متر از زمین انفلاق یافت بم مذکور بذریعه پراشوت مجهز شده بود قدرت انفلاق هستوی آن ۲۰ کیلو تن بود این بم در جزیره تینی آن واقع در سلسله جزایر مریان اوقیانوس آرام از پارچه های توجید شده بود این بم چهار پارچه بود که يك پارچه آن از راه بحس و سه پارچه دیگر از راه هوا به جزیره مذکور انتقال داده شده بود چارچ بم از یورانیوم ^{235}U ۹۲ عبارت بود و $20 Kg$ وزن داشت در نتیجه انفلاق بم در شهر هیروشیما از ۲۴۰ هزار اهالی شهر ۷۰ هزار نفر مقتول و ۷۰ هزار نفر مجروح شده بودند - تعداد عمومی آسیب دیدگان ۶۰٪ اهالی را در بر میگرفت در موقع انفلاق از ۹۰ هزار تعمیر شهر ۶۰ هزار تعمیر تخریب و ویران شده بود - مساحت منطقه تخریب شده ۱۲ کیلومتر مربع بوده ولی مساحت شهر ۲۵ کیلومتر مربع بود.

بم اتومی دوم که در بالای شهر ناگاساکی ساعت ۱۱ صبح بتاریخ ۹ آگست سال ۱۹۴۵ با قدرت ۲۰ کیلو تن داشت انفلاق یافت تلفات این بم نسبت به بم اول کم بود چونکه شهر ناگاساکی روی اراضی موجود واقع است و سبب دیگر اینکه این بم ساعت ۱۱ انفلاق یافت در شهر هیروشیما بم اتومی ساعت ۸ صبح وقتیکه اکثر اهالی شهر در کوچه ها و خیابان ها بوده و به محل کار حرکت میکردند انفلاق یافت و بم اتومی در شهر ناگاساکی ساعت ۱۱ صبح وقتیکه عده زیادی از اهالی شهر توسط اشاره خطر قبلاً ایقاض شده بودند و در محلات مستور پنهان شدند منفجر شد در شهر ناگاساکی از ۲۶۵ هزار نفر اهالی شهر ۳۵ هزار مقتول و ۴۵ هزار نفر مجروح شدند یعنی ۲۰٪ اهالی شهر آسیب دیدند در این شهر از ۵۷ هزار تعمیر ۲۰ هزار آن یعنی ثلث شهر تخریب و ویران شده بود.

تاریخ های انفلاق های اسلحه هستوی:

- ۱۹۴۹-۱۹۴۵ م تمام بم هاییکه درین دوره در ایالات امریکا آزمایش شده بود قدرت KT ۲۰ را دارا بودند در سپتمبر سال ۱۹۴۹ در انجاد شوروی اولین بم اتومی مورد آزمایش قرار داده شده بود.

- ۱۹۵۲-۱۹۵۳ م ایندوره مشخص با ازدیاد قدرت بم های هستوی بوده در اکتوبر سال ۱۹۵۲ در برطانیه اولین بم اتومی آزمایش شده بود در ماه نومبر سال ۱۹۵۲ ایالت متحده امریکا اولین ترتیبات هایدروجنی را انفلاق داد این ترتیبات شکل مکعب را داشته و خط راس آن M ۸-۱ بوده و وزن این ترتیبات $65T$ بود قدرت این بم ۵ میگاتن بود.

- ۱۹۵۳-۱۹۵۵ در ماه آگست سال ۱۹۵۳ اولین بم هایدروجنی در اتحاد شوروی آزمایش شده بود.

کتاب و مطالعه

فقراء نیز میتوانند بدون هیچ دغدغه بمصاحبت بابزرگان نائل گردند زیرا برای ورود بگاستان معنوی آنها جواز ورود فقط سواد است .

باید زیاد مطالعه کنید تا بفهمید که هیچ نمیدانید (مونتسکیو)

مطالعه وسیله ایمنی از بدی خلاق است و انسان را در قرون گذشته سیر داده با افکار بزرگان آشنا میسازد. (دکارت)
مطالعه کتاب یعنی تبدیل ساعات ملالت بار به ساعات لذت بخش .

کتابی را اخلاقی یا غیر اخلاقی نامیدن بیجاست کتاب یا خوب نوشته شده یا بد. و انسلام (اسکار وایلد)

آنچه مردم را دانشمند میکند مطالبی که میخوانند نیست بلکه چیزهایی است که یاد میگیرند. (بیکن)

سعادت

افرادی هستند که نورچشمی شانس و اقبالند و هر وقت سقوط میکنند مانند گربه روی دو پا بر زمین مینشینند. کولتون

سعادت نیز مانند سیمرغ و کیمیا واقعاً گوهری است، نایاب و اگر هم پیدا شود مثل قوطیهای خاتم مرکب است از هزار تکه های خرد و رنگارنگ که سوار کردن آنها کار حضرت فیل است. محمد علی جمالزاده

در روی زمین سعادت با لاتر از یک عشق پاک و با دوام متصور نیست. مترلینک

عملیات جزو تانک های خورد استعمال شده بود اما در سال ۱۹۴۲ در بعضی از جبهه ها دودها در عملیات محاربه ای اردو (پوشانیدن عبور محاربه ای اردو) استعمال شده بود در نصف دوم سال ۱۹۴۳ دودها نه تنها در چوکات اردو بلکه در چوکات اروپ اردو استعمال شده بود در عقب اردوی شوروی مراکز بزرگ صنعتی پلها و محلات عبور عقبی توسط دودها پوشانیده شده بود در جریان جنگ میهنی بم دستی 2 - PDI قالب های DM-11 مرمی های توپ و مین ها و وسایط تولید دود قوت های هوایی بطور وسیع استعمال شده بود.

تاریخچه مختصر ماسکه گاز:

فردای آنروز بعد از اینکه آلمانیها گاز کلور را بمقابل فرانسوی ها استعمال کرده بودند (۲۲ اپریل ۱۹۱۵) در اردوی فرانسه بنداژ منعلی و پنبه که با $NaHCO_3$ حلول و بوتاسیم مرطوب شده بود پیدا شد چندی بعد باین بنداژ سودیم هیپو کلوراید نیز علاوه شد این بنداژ بحیث اولین ماسکه ضد گاز عسکری

در محاربه اخپوری های سائیریا بمقابل آلمانی ها در ناحیه شهر ایوانگراد به موفقیت استعمال شده بود در ماه مارچ سال ۱۹۱۵ انگلیس ها در عملیات محاربه ای در دانیل برای سترو اخفا کشتی های مین کش از پرده دود استفاده کردند در ماه جولای همین سال در اردوی انگلیس بم های تفنگ که مجهز با مخلوط مخصوص تولید دود بوده استعمال شد.

— در سال ۱۹۱۰ - ۱۹۱۴ م باصطلاح پرده های دود ساخته گی بکار برده شده بود علاوه بر این دودهای مستور کننده برای وسیع کردن جبهه استعمال مواد مسموم کننده بعمل آورده شده بود.

— در ابتداء جنگ اول جهانی برای تولید دود مرمی های توپ، مین ها، بم های دستی و تفنگ قالب ها و آلات مخصوص تولید دود استعمال شده بود.

— در اردوی شوروی در محمل اول جنگ میهنی از دودها استفاده کرده بودند در سال اول جنگ یعنی سال ۱۹۴۱ دودها برای سترو اخفا

اول مارچ سال ۱۹۵۴ ایالت متحده امریکا اولین بم ها یدروجنی را به قدرت ۱۲ میگاتن و ۲۷ مارچ همین سال بم های یدروجنی ۲۰ میگاتنی را انفلاق داد و در ماه اپریل سال ۱۹۵۴ ایالت متحده امریکا انفلاق های یدروجنی را با قدرت ۴۰ میگاتن اجرا نمود در ختم ماه نومبر سال ۱۹۵۵ اتحاد شوروی بم های یدروجنی را به قدرت ۵۰ میگاتن انفلاق داد.

— در سالهای ۶۰ قرن بیستم بین روسیه، ایالت متحده امریکا و برتانیه قراردادی انعقاد شده بود که طبق آن آزمایشات سطح زمین، هوایی تحت البحری و بالای سطح آب ممنوع باشد.

— در سال ۱۹۶۵ فرانسه و جمهوریت توده چین بم های هستوی خود را آزمایش دادند.

تاریخچه مختصر استعمال وسایط تولید دود:

— اولین مثال استعمال دودها به نفع حرب پوشانیدن عبور محاربه ای از دریای زایدونیا که سال ۱۷۰۱ م از طرف سویدنی ها ترتیب شده بود سویدنی ها که مرطوب را در دادند و دود ازین گاه تمرکز قوت ها و آمادگی عبور محاربه ای را مستور ساخت این جنگ با روسیه بود.

— در موقع جنگ داخلی امریکا در سال ۱۸۶۲ م پرده وسیع دود بطور وسیع استعمال شده بود برای ایجاد این پرده ها در بخاری کشتی ها چوب را همراه قیر سوختانده بودند.

— پرده های دود با استفاده از وسایط مخصوص تولید دود اولین دفعه از طرف قوت های پیاده روس در موقع مانورها در ناحیه شهر OPA 7 $ЧСТb-II$ در سال ۱۹۱۳ م ایجاد شده بود در نومبر سال ۱۹۱۴ م قلب های تولید دود بدم سننیکوف

بود در ماه می ۱۹۱۵م و قتیکه آلمانها بنزیل بروسی را استعمال کردند فرانسوی ها به بنداز مملی عینک ها را نصب کردند و طبقه جدید مملی که با کستر ایل و سو دیم حامض ریسنی (سو دیم تیزاب دار ریسنی) مرطوب شده اضافه کردند *ebo*.
 کیمیا دان فرانسوی در خنم ماه جولای ۱۹۱۵ این پیشنهاد کرد

— در ماه اکتوبر ۱۹۱۵ آلمانها بمقابل فرانسوی ها فوسجین را استعمال کردند برای تحفظ بمقابل فوسجین کیمیا دانان فرانسوی به بنداز مذکور طبقات مملی را که با سو دیم حامض سلفانولی مرطوب شده بودند علاوه کردند طبق پیشنهاد *l'OPdeH KO* کیمیا دان روسی به این بنداز ار و اروپین اضافه شده بود به اساس این بنداز فرانسویها از ماه جنوری سال ۱۹۱۶ ماسکه گاز مرطوب *PH* را ساختند.

— در ماه جون ۱۹۱۶ آلمانها بمقابل فرانسویها اسید هایدر و سیان هدریک *HCN* را استعمال کردند. تحفظ بمقابل *HCN* به ماسکه گاز مرطوب *PH* نمک های نکلی علاوه شده بود و بعضی تغییرات در ساختمان ماسکه گاز مذکور پیدا شده بود بدین ترتیب در اردوی فرانسوی ماسکه جدید مارک *M-2* پیدا شد این ماسکه گاز عینک های دوام دار نداشت زیرا بجای شیشه از پلاستیک اسفاده شده بود بدین سبب ماسکه گاز مذکور گرمتیکی نبود در عین زمان در اردوی روس ماسکه گاز مرطوب بنام *Ilpokbφeb* پیدا شده بود این ماسکه گاز عینک های شیشه ئی نداشت و این عینک ها به آسانی تبدیل می شد

— در ماه می سال ۱۹۱۶ آلمانها بمقابل فرانسویها کلور پکرین را استعمال کرده بودند ماسکه گاز *M-2* بمقابل کلور پکرین محافظت نمیتوانست و در سال ۱۹۱۸ در فرانسه ماسکه گاز ذغال خشک مارک *APS* پیدا شد.

کتاب و مطالعه

برخی کتب را باید چشید
 بعضی دیگر را باید بلعید و
 قلیلی را هم باید جوید و هضم
 کرد.

«بیکن»

بسیاری از کتاب ها از
 افرادی که آنها را میخوانند
 تفکر و تأمل نمی طلبند ملتش
 خیلی ساده است، کسانی که
 این کتابها را نوشته اند خود
 در موقع نوشتن آنها فکرو
 تأمل نکرده اند.

«کولتون»

ناشر از مولف پرسید.
 این کتاب شما از نظر جناحی
 و پلیسی بودن چه ارزشی دارد؟
 گفت: از این بهتر دیگر
 نمیتوانید پیدا کنید چون در
 پایان کتاب معلوم میشود که
 مقتول «خوآننده کتاب
 است»!

در ختم سال ۱۹۱۵ *ЗелУНСКуи*
 کیمیا دان روسی ماسکه گاز ذغالی
 خشک اختراع کرد و قسمت پیشرونی
 این ماسکه گاز را *КумМАНТ*
 انجنیر کیمیاوی روسی پیشنهاد کرد
 قسمت روی پوش این ماسکه گاز
 طوری اطمینان بخش بود که ضرورت
 به ترتیبات که عسکری در دهن خود
 میگرفت و بذریعه آن تنفس میکردند
 نداشت و سوراخ های بینی را مسدود
 میکرد بزودی بعد ازین ماسکه های
 گاز ذغالی خشک در آلمان ایالت
 متحده امریکاء و انگلستان ساخته
 شده بود.

— وقتیکه آلمانها در سپتمبر سال
 ۱۹۱۷ اولین بار دود های زهر دار
 را استعمال کردند تنها ذغال برای
 تحفظ در ماسکه گاز کفایت نمیکرد
 بدین سبب برای تحفظ بمقابل دودهای
 زهر دار ضرورت به علاوه کردن
 فلتزهای ضد دود پیدا شد.

تمام محالکیکه ماسکه های گاز
 ذغالی خشک داشتند فلتز های ضد
 دود را به آنها علاوه کردند بدین
 ترتیب در ختم اول جنگ جهان در
 ایالت متحده امریکاء، انگلستان و
 فرانسه ماسکه های ذغالی خشک که
 بمقابل مواد مسموم کننده موجوده
 تحفظ میکرد ایجاد شد.

— در دوره جنگ اول جهان
 قسمت روپوش و قطی ماسکه گاز
 انکشاف یافت.

— باپیدایش مواد مسموم کننده
 فوسفور دار (تبون، زرین، زمان)
 به قذلی های ماسکه گاز مواد کیمیاوی
 جدید که مواد مسموم کننده مذکور
 را خنثی میکرد علاوه شده بود بدین
 ترتیب در کشورهای مختلف ماسکه
 گاز مؤثر به وجود آمد.

میشل ری نامه نگار معروف فرانسوی محبوس در ویتنام

در ۱۷ جنوری میشل ری ژورنالیست و مشاهد عملی در ویتنام جنوبی از طرف ویتکانگ ها اسیر گردید. این خانم در غرب بحیث فرد جبهه آزادی بخش ملی شهرت دارد. میشل ری یک ژورنالیست جوان فرانسوی است که زندگی اش را در راه نامه نگاری بحیث، خلق یک اثر شاهکار آغاز نموده است، قبل از ماموریت خود در ویتنام به سایر



میشل ری نامه نگار فرانسوی

کشورهای جهان هم مسافرت داشته برای چیزی سرگردان موترش را به همه نواحی امریکا از السکا تا ارجنتاین راند همه آن مناطق را از نزدیک دیدد فعلاً پلان سفر خود را تغییر داد تا توسط موتر از سراسر ویتنام دیدن نماید.

۱۶ جنوری وی سا یگون را بقصد دیدن پایگاه های هوائی دانانگ ترک کرد. ضمناً حوزه های غیر عسکری را هم ملاحظه کند.

در جریان مسافرت وی یک قسمت شاهراه وسیع و زیبا، موتر او با اثر بمباردمان تخریب شد لذا از سفر زمینی منصرف گردید، میشل ری بامو ترش توسط هیلکو پتریکی از فرقه های موبلایتی هوایی امریکا انتقال داده شد، صبح ۱۷ جنوری میخواست در میدان هوایی فرارگاه فرقه فرود آید مگر هرگز بچنین مقصد نرسید همه تلاش و نگرانی او بی ثمر ماند این ماجرا بهمه جهان رسید و مطبوعات سر نوشت تراژیدی این خانم ژورنالیست را چنین شرح میکنند.

۷ جنوری بطور غیر مترقب اکثر مطبوعات دنیا در باره میشل ری چنین نوشتند: این خانم یک روز

قبل در یک قصبه شمالی کاوانگ نگای ذریعه یک گز مه کشف گردید مگر جسماً سالم بوده و وضع روحی اش هم خوب است متعاقباً اطلاع و اثنی دیگر رسید که ظاهراً وضع او بدنیست مگر تا کنون مطلقاً خاموش و در سکوت است.

هیچ داستان انگیزنده بوجود

صادقانه بوجود آورد. البته نشرات این خانم یک کار قهرمانی نیست، محبت اش هیچ نوع یاوه گوئی و افراط کاری ندارد فقط راپور ساده او در قسمت گذارشات و چیزهای آزموده شده سه هفته (گم شدن) اوست.

نیاورده و هیچ اثر در باره میهن پرستان ویتنامی ننوشته باز هم سکوت را ترجیح داده مگر این خاموشی، طول نکشید، بعد از یک مکث این خانم دلیریک سلسله ماجرای جنگل و مردم را افشا ساخت که برای میهن خود می جنگیدند. وی مجموع از سرگذشت واقعی را با خوش قلبی

فکر میکنم آن قصبه که من بودم قصبه مرده‌ای بود ، من ده ساعت در یک حفره زیر زمینی که دو متر طول و ۸۰ سانتی متر ارتفاع داشت دراز افتیده بودم این ساعات بر من خیلی بد گذشت ، به سختی نفس میکشیدم ، هوای کافی نبود آتشیاری شدید آغاز گرفت ، اطراف حفره‌ها را بمب ریزی و گلوله باری ، وسایل متنوع حربی از هم ریخته و منفجر ساخت . شعور و مغزم کار میکرد مگر جرئت ام سلب نشد ، ویتکانگی با خود داشتم در این حفره یکجا باین بود مرا تشجیع میکرد بایست از آن سپاسگذاری کنم .

هنگامیکه ، احساس خفقان ، لرزه ترس ، جنون حتی مرگ بر من غلبه میکرد و بیخود می شدم و ویتکانگی مرا محکم در آغوش میگرفت و نوازش میکرد و بهوشم می آورد و فوراً احساس عوض می شد و خود را شجیع می یافتم من ذریعه ویتکانگها در ۱۷ جنوری ۱۹۶۷ در ۶۰ کیلومتری شمال سایگون اسیر گرفته شدم ، در آینده بسیار قریب به تهاجم سنگین هوایی گیر آمدم .

همه جا واژگون شد ، دهنه های زیاد بهر طرف باز گردید از تاریکی گرد و غبار خاک . مسافت ۵ متری هم دیده نمیشد .

خزیده از حفره زمینی بیرون شدیم مدت کوتاهی چشمانم بینایی نداشت چیزی را نمیدیدم ، قوایم به تحلیل رسیده وجودم خیلی لاغر و ضعیف بود ویتکانگی بزور مرا بیک مدخل طولانی و باریک محل تحفظ زیر زمینی مرا کشانید ؛ چشمانم را با دستان خود بستم .

احساس میکردم که اکنون سکنه خواهم کرد ، درد عشه آوری بر وجودم مسلط شده با خود گفتم « فقط ضعف اعصاب است میشل » خود را پیش بران مقاومت کن دختر »



آشوب زده گان ویتنامی که از خانه های شان آواره شده اند .

وماهی و نمک آمد . خیلی گرسنه بودم ، خیلی دلم غذایی خواست مگر من آرای قرت کردن را نداشتم . ویتکانگی ام مقدار کافور یمن داد رویم مرسته وضع من بهتر شد .

منظره هول انگیزده ساعته حفره زمینی شدیداً امر ام تا اثر ساخت اشک هایم جاری شد ، نیم ساعت پس از شلیک آتش های طو پچی بار دیگر بغرش در آمد . تماشای جدیدی مجدداً توجه ما را جلب کرد پناه گاه بزرگتری به گنجایش یک فامیل گرفتیم این جا چندان محل مستحکمی نبود فقط یک خندق ساده بود که خانم ها ، اطفال ، عساکر همه از ترس خود را بدیوار خندق چسبانیدند من غزل مار سلی (مار سلی اسم شهر) را سرودم ویتکانگی این آهنگ دلنوازا پسندید من کلمات آنرا بکمک ترجمان ، ترجمه کردم همه آنها را بر افروخت این شعر مربوط بفرانسه است « هیچ

شروع به نوشتن نمودم تا همه آفت ها و مصایب را یاد داشت کنم در نزدیکم دو خانه در شعله آتش و دود می سوخت ، چنین معلوم می شد که زمین به آتشدانی تبدیل شده . هواری ها به تپه های فرور یخه و بلندی ها به شکل حفره ها و چقور یها در آمد بالای یک دهنه پیهم دهنه آتشفشان دیگر باز می شد ، فکر کردم فقط اطفال و خانم های که در دهلین محل تحفظ من پناه بردند ، نجات یافتگانند و از مرگ رهانیده شدند دیدم که آنها می خندند اثری ندیدم که آنها را بر مرگ سردمان شان اندوه گین نشان بدهد ... در این اثنا ویتکانگی من گفت « به بین ما تا ما زنده ماندیم .. » از همه گان احدی نمره البته محلات تحفظ زیر زمینی ها بهترین ناجی ماست .

خانمی شتاب زده با کاسه غذای معموله پیداوار ویتنام یک مقدار برنج



عده از سربازان ویتنامی در یکی از محلات ویران شده .

آبی امریکایی خود را بیک جوره
تنبان و پیراهن «یکجایی» سیاه تبدیل
کنم فوراً برابم آماده گردیدم
شب حرکت را بسوی کوه شروع
نمودیم یکی از رفقای جدیدم مرد
جوانی که چشمان کشیده غیرعادی
داشت و پیرا با سم دومی (تخلص)
«چشم سیاه گویی» می نامیدم، آواز
را دیو ترانزستور خود را بلند ساخت
آهنگ در سراسر جنگل پیچید، خاطره
های حربی از نظرم ر شد، بهمیچان
آدمم مثل پرندگان، با آواز خوانی
شروع کردم .

اینجا کمستانات بود از شهر
و بمباربزی دورماندیم، ویتکانگی ما
هم اکنون از امریکایی ها نمیترسید
شب را دیو سایگون شنیدم، و نغمه
مارسلی را نسراندم، ... فقط آهنگ
ومو زیک، بیتل های ویتکانگی را
شنیدم، این نغمه آهنگ نیاز در
«دروازه معشوق» نام داشت اکنون
نمیتوانم آرمودگی های خود را قصه

من مرد کوتاه قد شد تنبان سبز
و اسکت در بر داشت همیشه عیبک
بچشم می نمود این شخص در یک
ولایت ویتنام کوای نمون لسان
فرانسوی را در یک مکتب فرانسوی
آموخت، مگر وقتی جوان با کفایت
شد مبارزه را علیه فرانسویان آغاز
نمود در اردو هوچی مینه بیوست بعد
از ختم حرب اول هند و چین از سال
۱۹۵۵-۱۹۶۲ در یونیورسیتی هانوی
بحیث یک پروفیسور تدریس مینمود
در آغاز حرب دوم هندوچین باردیگر
پروفیسوری را ترک کرد بحیث یک سرد
مبارز علیه امریکایی هادر جبهه شتافت.

سینماهای اروپا این شخص را
بحیث عسکر متعصب سر سخت نشان
داده که در قلب وی قلب دیگری
دارد از همین لحاظ وی بحیث یک
انتلکتول (منور) صادق باقی ماند.
این مهماندار جدید اجازه داد تا مکتوبی
بخانواده رفقاً دوستان خود بنویسم
مرا و ادشت که پطلون تنگ و پیراهن

چیز نبود که جنبش ملی سال ۱۷۹۲
فرانسه را تکذیب کند عارفه ویتکانگی
را بر افروخت این شعر چنین آغاز
می شد .

«شتابید فرزندان میهن روز افتخار
و پیروزی رسیده است ...»
ویتکانگی کمی بلسان فرانسوی
بلد بود یکجایی مثل دسته اپرا به
آواز بلند همه این شعر را سرودند :
«بالله محلی تان کندک های خود
را تشکیل کنید ...»

چه احساسی داشتم هنگامیکه من
آهنگ مرسلی را در جنگل ویتنام
می سرودم فکر میکنم بیشتر احساس
من مثل حیات قبلی ام بود .

هر شامگاه و صبح که از حوزه
بمباردمان می گریختم درخاموشی کوه
فقط غزل می خوانیدم. باز هم فردا
صبحش می خواندم .

۲۰ جنوری من از رفیق ویتنامی
خود جدا میشدم و از جدایی من متأثر
شد. جانشین این مرد رهنما و ترجمان

کنم، همه وقت میکوشیدم که خاطرات روز مره را نگه دارم تاریخ وار همه وقایع را بنویسم حینیکه بسایگون عودت نمودم، همه یادداشتها بشمول خاطرات ایام غیبت من یکجا شدند.

هیچ گاه فراموش نمیتوانم روزی بمبارد مانی شد یاد بود خیلی بمب افگنی صورت گرفت مبارزه من و پروفیسورم با قطع آغاز گرفت البته باهم ساعت تیری و شوخی میکردیم، مگر پروفیسور از باختن هراس داشت و متاثر میشد، همچنان برای من هم باختن بحیث یک بازی همریف «بیچر متی ملی» قرار میگرفت. ویتنامی هامردم عجیب و شگفت

آوری اند، کلمه شکست و مغلوبیت را نمی شناسند، اکثرآ شبهای تنهایی باهم خلوت میکردیم در جریان بازی جسورانه می پرسیدم که: «جبهه ملی آزاد دیکخواهان درین او اخر قسمت وسیع اراضی را از دست دادند یا نه؟»

باخر و پف جواب میداد «ما انسیا تیف اسرا تژی یکی و تکتیکی را در اختیار داریم.»

به تندی عکس العمل نشان میداد ندهنده از هر لحاظ آماد، ایم و مصمیم تاخیر باید بچنگیم، نمیتوانیم که توقف کنیم، ما در گذشته و دنبال خود از بیست سال باینطرف کشتگان داریم.»

من نوروز اسیر و یتکنگها بودم، یک محبوس؟ نخیر بلکه

مهمان بودم، خود را آزاد حس میکردم، البته آزادی من طبق گردش ساعت بود، هیچگاه تنها نبودم و تنها نماندم، دستوانستم علیجده هر دسته گریلابی را از نزد یک به بیم.

۲۶ جنوری تر جهان من پروفیسور، بوظیفه جدید گماشته شد، برایم از خود یک مقدار مارفین و ادویه بجا گذاشت.

اکنون تنها بودم کسی نبود همراهش صحبت کنم، فقط بایک رفیق بی دندان خانم پیرزن کوتاه قدماندم آهسته خندید و گفت:

«من فکر میکنم که همه خانم های فرانسوی چاق و چهره اندوگین دارند.»



حین عکس برداری میشلری از صحنه های جنگ قوای متخاصم



سرباز زخمی بادو ستش در انتظار یک آینه موهوم . . .

چشمانم را باز کردم - ملاحظه کردم یک چهره از سرتاپا مرا بررسی می کند، البته چهره که من او را می شناختم و آن صورت، رفیق من بود خندید گفت « شما از جمله نیکوهایید » مگر در قسمت شما متحیرم، امشب شما را به تام کوام خواهیم برد فردا صبح آزاد خواهی شد. شما شاید امید وارید که از اینجا به هانوی بروید مگر غیرممکن است . « من خیلی مسرور بودم که بجز از دور وز دیگر آوار غرض ماشیندار هارا نخواهم شنید . سوختن و واژگونی خانه های پابرجارا نخواهم دید ، ویتکانگ هاما را از خود پنداشته بآبشان مانوس شدم ، کمی مشکل بود که با همه ملحوظات از آنها جدا می شوم ، آخرین نان شب را با ۲۰۰ کاسه غذای متنوع و شیر با اهالی قصبه که گردهم جمع بودیم صرف کردم .

برای فرانسه معلم من تحفه یادگاری از طرف اهالی خود بمن دادند یک رساله مانیفست ، بایک کاسه برنج که در بالایش پارچه بمب ناپلم بحیت تزئین گذاشته شده بود که بمب اصلی آن در ۱۹۶۰ بالای بیرق ویتکانگ ها افکنده بود ، البته

یکجا مصروف حفیر کاری های وسیع چتوری ها ، محل تحفظ و تونل ها ، شدند ، محلات جدیدز بر زمینی می ساختند یک دسته طیارات گزیده مارا احاطه کرد من به تکتیک امریکایی بلد بودم میدانستم که طیارات بردیگر هم می تازند ، همه داخل زیر زمینی ها شدند من خود را در یک موضع ماشیندار انداختم .

بمبی درسه کیلومتری مامن فخر شد ، ماشیندار ها ی فعالیت برداختند همه قضاتیره و تار شده یورش متقابل ویتکانگی هارا هم دیدم موج دوم طیارات امریکا رسید ، انفجارات نزدیکتر می شد ، انفلاق های هوای مارا از توهم به زمین می فشرده ، بعد از ختم بمبارد مان راه دیگر کمستانی را پیش گرفتم .

بعد از قطع نصف مسافت در یک چپردهقانی توقف کردم - بالای یک بسته دراز کشیدم ، رفیق « چشم سیاه گوشی » چیز خوردنی بمن آورد پیشانی ام را می مالید . چند طفل و خانم در این طاق خواب بودند من هم مثل یک مرده خوابیدم . هرگز در زندگی ام حادثه که فردایش بوقوع پیوست فراموش نمی توانم . . .

مگر تواندم ؟ باریک و چهره بانشاط داری فرانسویان سه فرزند مرا در سال ۱۹۴۳ کشتند . . . شب خوبی با این پیرزن داشتم چارنفر بالای یک چارپایی نشستیم در نور چراغ تیل خاکی ، قطعه بازی می کردیم ، غذای شبانه مارا مرغ ، سیر و کیله می ساخت شبها تا ۴ بجه صبح بیدار می ماندیم ، بیخوابی چندان خسته کن نبود ، تکرار چند پر و گراف ، رابرت مرلی بنام « جزیره ای » می خواندم ، یگانه کنایی بود که با خود داشتم این کلمات را پیدا کردم : « من زنده ماندم این کافی است برای من . یک روز در مزرعه برنج کاری رفتم ، تاساق پای در گل گور شدم . پهلوی هم بادیکر ویتکانگ ها مثل حلقه زنجیر قرار داشتم ، دهقانان ویتکانگی بر یک زن ژورنالیست ار و پایی می خندیدند - من هم می خندیدم گرچه بکلی آنها را نمی شناختم - از حیات ساده آنها خیلی خوشم آمد ، ندرتاً در زندگی خود من مثل آنروز کشتزار برنج مسرور بوده ام ، یک باردیکر من ضربه نیزه روح شکست ناپذیر دهقانان را خوردم . خوش بودم که آنروز رفقای امریکایی ام مرا ملاقات نکردند ، سلام و احترام خود را از طریق هوا بجانیاور دند . البته بحر من آمدند مگر یک روز پسانتر . . . از آسمان آتش و آهن فرود آمد ما زده جنگل فرار کردیم وقت نبود که بوت پوشم ، دو کیلومتر پای لیج از بین بته ولی گذشتیم پاهایم خون آلود شد رفیق ویتکانگی من « چشم سیاه گوشی » چپلک طیر موتری خود را بمن داد و خودش پای برهنه بحرکت پرداخت در ۳ فبروی اطلاع رسید که هرچه بلند تر بکوه برویم ، جنگل های دور دراز کشتزار های برنج ، گل و لوش را با سنگزارها پشت سر گذاشتیم ، همه مردم با من

هنرمند روزی پیاپی

بهترین آثار و جاهت آن چیزی است که نمیشود شرح داد. (بریکن)
بسیاری از جوانانیکه کمتر از بیست سال دارند گرفتاریک
حالت هیجان شدید میباشند و موسیقی جاز از این هیجان
زنجیر بر میدارد و آن را بصورت جست و خیز و از خود بیخودی
متجلی میسازد.

یکی از بزرگترین خطرات جاز اینست که از ریتم بری
میباشد. همین موضوع یک حالت آشفتگی و هرج و مرج
درافکار شه و نندگان این موسیقی ایجاد میکند فرانس سوار
هنر قدرت است. ضرب المثل انگلیسی

بجریان آب سر گذاشت با آواز بلند
باعم وداع کردیم ، زود از همدیگر
ناپدید شدیم بعد از چند دقیقه یک
دسته مشایعت کنندگان سایگونی هویدا
شدند ، نزدیک آمدند خود را معرفی
نمودم « من میشلری » مرا شناختند
بعد از نیم ساعت هلیکوپتر عسکری آماده
به سایگون نقل گردیدم . « ختم »

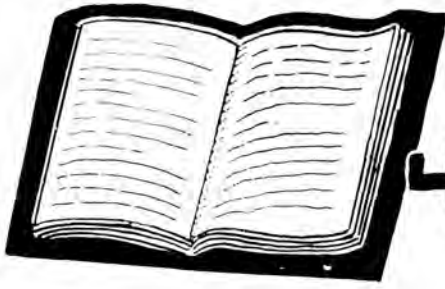
احترام قلبی مرا ارائه میکرد با نوشتن
در کنار محل ارتباط راه پیماده رو
وراه اساسی دوسرود افسرده را ایستاده
دیدم یکی آن مرا در پشت گرفت
بکنار دریا رسانید از آنجا ویتکانگی
دیگر بدوش مرا از دریا عبور داد
بعد از قطع یک کیلومتر مسافه در بالای
تخته مربع شکل هموار سوارم نمود

برای یک اروپایی چنان هدیه ها
میسر بود که بوطن خود تحفه از ویتنام
می آورد . چشم سیاه گوشی بلند شد ،
با من زیاد حرف زد و یک قسمت
حرف های او را میگویم : « ما همراه
شما خیلی خوش بودیم و اکنون آرزو
داریم که هر چه زود تر فرزندان
خود را به بینید . پاتریک بسیار
مسرور خواهد بود که مادر خود را
به بیند . البته امیدوارمستم که یکبار
دیگر ملاقات می کنیم آ وقت باز
همکاری کنیم . »

شب تاریک و کمی مهتابی بود
دوسرود مرا از راه پیماده رو ناراداساسی
موتور و مشایعت نمودند ، حینیکه
اولین اشعه آفتاب روی کمسنانات
لغزید ، امید رسیدن بمتحد خود را
پیدا کردم . سه هفته مسافری من
با ویتکانگ ها به خوشحالی سپری شد
از حق شناسی آنها راضییم . ساعت ۷
صبح براه اساسی رسیدیم ، یکی
از رفق مشایعت کننده کاغذی را
به من داد و یادگار افخار آمیزی که



ویتکانگ زخمی که بخاطر دفاع از سر زمین خود با چنین سرنوشتی گرفتار شده است



عصاره ای از یک کتاب

میر جمال الدین فخری
دوهم بریدمن راکت

تلخیص و نگارش

وینستون چرچیل

هردیگه منبیر تاریخ را تنیر داد



W.L.S. Churchill

چرچیل یکی از بزرگمردان تاریخ کشور انگلستان بود که در ۱۸۷۳ پایه عرصه وجود گذاشت در طول عمرش با هزاران تشیب و فراز سر نوشت رو برو شد و مقاومت های عجیبی که از شخصیت های عادی ساخته نیست از خود بروز داد گرچه در زمان طفولیت کودک کی کودن و بی شعور می نمود مگر در اواخر عمر بزرگترین مرد انگلستان در طول تاریخ بشمار آمد این مرد که در امور نقشی زراعت ، ادب و سیاست دسترس کاملی داشت از شخصیت های زبده جهان عسکری نیز بشمار میرود. آثار نقاشی او در اکثر نقاط جهان خریداری زیادی داشت ، در زراعت و کشاورزی اکثر اوقات عمرش را مصروف بوده در ادب جایزه نوبل گردید در سیاست امور صدارت کشورش را دوسرته عهده دار بود و در عسکری عامل اصلی شکست آلمانهای نازی بشمار میرفت . سرگذشت این شخصیت جهانی را الید مالکومی به رشته تحریر در آورده که طی متن آن با خصوصی ترین مراحل زندگی اش تماس گرفته است . اینجانب لازم دانست تا هم مسلمانان ارجمند ، آنانیکه تا هنوز آشنائی کاملی با این مرد تاریخ نداشته اند چکیده ای از آن کتاب را در حالیکه روح نبشینه صلی پا برجا مانده باشد تقدیم خوانندگان مجرم مجله اردو بنمایم امیدوارم استفاده لازم ازین مختصر شده بتواند .

۱- زبان دشوار لاتین :

روزی که باید و نیستون شامل مکتب شود فرا رسیده بود پدر و مادر و نیستون برایش گفته بودند که او را مدرسه مرد بزرگی باز خواهد آورد و این موضوع و نیستون را سخت به هیجان آورده بود .

در انگلستان رسم بر آن است که اطفال باید با ا کمال سن هفت شامل مکتب شوند .

و نیستون از زمانیکه به این مطلب پی برده بود همواره از خود میپرسید «چرا اصلاً هنگامیکه پسر هفت ساله میشود باید به مدرسه برود؟»

مادر و نیستون لباسهای پسرش را پوشاند و در کادی نیکه دم دروازه حویلی آنها ایستاد، بود سوار شدند گادی به راه افتاد پس از طی مسافتی گادی توقف کرد و مادر و پسر از آن بیرون آمدند و بمدیریت مکتب بملاقات مدیر شتافتند . و نیستون باید درین مدرسه بصورت لیایه درس میخواند از بنرو هنگامیکه چرچیل از مادرش وداع میکرد به شدت ناراحت و دلتنگ شده بود .

اتاق بود و باش و اتاق درسش را مدیر مدرسه به و نیستون نشان داد و سپس او را به اتاقیکه درس جریان داشت برد و به معلم صنف معرفی نمود درس فوراً شروع گردید . محیط مدرسه که به طبع طفلانه و نیستون سازگار نبود او را سخت بر آشفته کرد از همه مهمتر آنکه در ابتدای درس زبان لاتین نیز ضمیمه درس او شد و یاد گرفتن این نسان علاوه بر لسان انگلیسی و نیستون را متأثر و غمگین تر نشان میداد

و نیستون آرزو داشت که این محیط با انضباط و سختگیرانتر ترك گوید و بخانه نزد دایه اش که مهربانترین زنی بود برگردد و به زندگی ایده آلی خود بپردازد . مگر احترام بی حد از مادر و ترس کود کانه ایکه از پدر



چرچیل در جنگ جهانی اول ، در جبهه فرانسه در رأس قوماندانی فرقه ششم انگلستان با قوای متحدین می جنگید در سال ۱۹۱۶ در فرانسه گرفته شده

افزود که دلتنگی روز را از خاطرش زدود .

بنأ شب هنگام که از بی تا بی گرسنگی بخود میپیچید آهنگ آشپزخانه کرد تا خوراکی بیابد و خود را از گرسنگی برهاند .

اتفاقاً کوزه ای پر از شکر سرخ یافت درست همانچیزی که و نیستون به آن علاقمند بود هنوز جیبهایش را پر نکرده بو- که آشپز سر رسید و از

داشت او را ازین عزم واداشت .

درس به پایان رسید و شد گردان هم صنفش آهنگ غذا کردند و نیستون سر میز غذا به آنقدر غذا نیکه اشتهايش ايجاب میکرد دستمرسی نیافت تا شکمش را از کشمکش گرسنگی برهاند فقط همانقدر خورد که استحقاقش تعیین شده بود نیم شکم میز شام را وداع گفت و موضوع گرسنگی آنقدر بر احساساتش تاثیر بدی وارد کرد و بر عصبانیتش

مچ دستش گرفت و اولین کار یکه فردای همان روز انجام داد معرفی و اینستون به صفت دزد به مدیر مدرسه بود.

مدیر مدرسه او را به اطاق «چوب و فلک» برد و حسابی شلاق زد.

و اینستون هنگامی که از اطاق خارج شد به مفهوم واقعی اطاق (چوب و فلک) پی برد یعنی شلاق نگاه کودکان

شیرینی دزد .

دران روز و اینستون را شدیداً شلاق زدند با هر ضربه ای که بر بدن او وارد میآمد با خود میاندیشید که برای برداشتن کمی شکرچنین تنبیهی نهایت درجه ظالمانه است .

و اینستون برای آنکه ازین عمل مدرسه انتقام بکشد فردای همان روز کلاه شپوی معلمی را که در اطاق (چوب و فلک) او را شلاق زده بود

از کوبندپائین آورد و در محضر سایر شاگردان آنرا لگدمال کرد که این عمل او ، و اینستون را در مدرسه ،

قهرمان مدرسه معرفی کرد . یکی از شاگردان که با تعجب به او مینگریست با دیگری گفت « این بار به آسانی او را رها نخواهند کرد » همینطور هم شد . مختصر آنکه هیچ هفته ای نبود که و اینستون دو یا سه بار جانب شلاقخانه نرود و تنبیه نشود . تنبیه

در مورد و اینستون هیچ تاثیری در برداشت هر چه بیشتر در مورد او اعمال زور و فشار میشد به همان پیمانانه بر میزان طغیان و عصیان او میافزود .

و اینستون از محیط مدرسه و مدیر آن به شدت متنفر بود و با خود عهد کرد که هر گاه بزرگ شود به آن مدرسه مراجعت کند و حسابی سبق مدیر مدرسه را برایش بدهد و همان رفتاری را که او با شاگردان بیچاره میکند با او بنماید مگر هنوز و اینستون طفلی خورده سال و کوچکی بیش نبود .

« یکی از معلمین در مقام شکایت و اینستون را چنین تعریف میکرد : و اینستون شاگردیست بی قرار و بی تاب ولی در عین حال فعال »

مدیر مدرسه برای همین معلم وظیفه داد تا تمامی فعالیتهای و اینستون را تحت نظر بگیرد حتی در مواقع تفریح نیز از او مواظبت نماید .

بهر حال و اینستون در مدت دو سال بخوبی خواندن و نوشتن را آموخت و در این هنگام پدرش کتاب « جزیره گنج » و « گنجهای سلیمان » و داستانهای جالب دیگری را به او فرستاد که همه را مطالعه کرد .

البته این عمل نیز هیأت تدریسی مدرسه را ناراضی ساخته بود زیرا و اینستون نسبت بدروس اصلی مکتب که تکالیف روزمره او بود توجهش بر عکس به کتابهای بود که خصوصاً مطالعه میکرد و مافوق



چرچیل در دوره صدارت خود

هنر زیبائی

هنرمین چیزی جز خودش نیست . اسکار وایلد
تمام هنرها بر ادریکدیگرند . هر یک از هنرها بر هنرهای
دیگر روشنائی میافکنند .
ولتر
طبیعت . هنر خداست .
دانته
کمال هنر در نهان داشتن هنر است .
کیمینلین
هر کجا زیبایی هست در آنجا عشق هست .
ضرب المثل انگلیسی
زیبائی در چشم بیننده است .
ضرب المثل انگلیسی
زیبائی وارث ندارد .
ضرب المثل انگلیسی
زیبائی حذف زوائد است .
میکلا نژ
کسانی که در آثار هنری مطالب زشت مییابند اشخاصی
فاسدهستند .

آنها بی هم که در آثار هنری مطالب سودمندی می یابند
باسوادان بی مایه اند اما کسانی که برای آنها آثار هنری جز
زیبائی معنی دیگری ندارد . تنها آنها بر گزیدگانند . اسکار وایلد

حویه ، سن و تحصیلات او بود . و به
همین علت بود که شاگرد آخر
کلاس خود باقی ماند .

۲- شاگرد آخر کلاس :

وینستون بنا بر علتی که موجب
پیشانی خاطرش گشته بود و به اثر
توصیه پدرش از مدرسه سن جیمز
به یکی از مدارس دیگر که مخصوص
اشراف انگلستان بود شامل شد .
با آنکه در امتحان ورودی این مدرسه
وینستون نمره صفر گرفت مگر مدیر
مدرسه به ضمیر ذاتی این شاگرد
کودن پی برد و نبوغ فطری او را
از روحیه عالی و بشاشت چهره او
که معلو از احساسات عمیق و
ملکوتیش بود قیمت داد و وینستون
را شامل مدرسه ساخت .

وینستون ازین مدرسه و از هیأت
تدریسی و اداری آن که شایسته ترین
رویه ای را نسبت به او ابراز
میداشتند رضایت کامل داشت
چنانچه هنگامیکه به رخصتی میرفت
از دوری مدرسه دلگیر شده بود .
با وجود آنهم وینستون که در بی
اطاعتی از او امر مکتب بد طولی
داشت دو عدد سگ را در قصبه ای که
زندگی میکرد نگه داشته بود و از
آنها مواظبت میکرد . نگهداری
سگ درین مدرسه بهر نحوی قدغن
شده بود .

« گزارش تحصیلی وینستون
تصریح میکرد که او شاگرد نیست
متکبر ، پرخوت و خودرای معلم
انگلیسی او را شاگرد مکی به نفس
میدانست و میگفت که وینستون
علاقه زیادی به مطالعه دارد و
مبهرتر از همه آنکه حافظه قوی دارد »

وینستون که مجذوب کتابهای
مؤلف معروف انگلیسی «رایدر هگارد»
شده بود درس شانزده سالگی وارد
دنیای نویسندگی شد و نمایشنامه ای
بنام «قاچاقچی» نوشت که مایه اصلی
شهرتش گشت .

وینستون ایام تعطیل را نزد
پدرش میگذرانید خانه آنها در
«بلن هایم» موقعیت داشت که این
قصر توسط ملکه انگلستان به یکی از
اجداد وینستون بخشیده شده بود
وینستون همگامیکه وارد این قصر
میشد به نشانی ها نگاه کرد و از معنی
آن بود و نقش را میخوانید و معنای
از تماشای اسلحه و آلبیس جنگی ،
میدانهای جنگ ، شنایم جنگی و سایر
نقاشی ها بلکه در روی دیوار ها حک
شده بود لذت میبرد .

پدر وینستون وزیر خزان
انگلستان بود و نطقی را که پدرش
در محضر عوام ایراد می کرد
همه آنها را وینستون در کتابچه
یادداشت خود مینگاشت و بعضی از
آنها را حفظ میکرد و بخاطر میسپرد .
و بسیار آرزو داشت که او خودش
هم روزی فرارسد که مانند پدر
در محضر جمعیتی بجا بایستد و بیانیهای
ایراد کند .

« بدین ترتیب وینستون که
علاقه اش به بل به مسایل عسکری
بود سراسر نبرد در آن ره یافت هر
مطالعی که در مورد سیاست بد شنش
میرسد مورد مطالعه و مداقه اش
قرار میداد و به همین جهت بود که
بسی از رجال سیاسی کشور خود



وممالک همچو ارش را با آروافکار
شان میشناخت ازینرو تصمیم گرفت
تاخودش نیز وارد جهان سیاست
گردد. بدین معنی که وینستون در
نظر داشت اولاً وارد نظام عسکری
شود وپس از آنکه به مقامات عالی
مثلاً جنرال ایتقا یافت از راه
نماینده گی مجلس عوام در جهان
سیاست راهی برای خود باز کند»

وینستون به دروس مدرسه بنا
شوق وافر ادامه میداد و در ضمن از
مطالعه بسی کتب سیاسی ، اجتماعی
وعسکری برخوردار میشد . در
مدرسه رواج چنان بود که متعلمین
صنوف پایینتر باید از متعلمین صنوف
بالا تر اطاعت کاملی داشته باشند
وحتی مثل نفر خدمت شان از آنها
نگهداری کنند زیرا وینستون همه
روزه مجبور بود که بوتهای یکی از
شاگردان بک صاف بالاتر خود را رنگ
کند وپس از آن که بوتش را پوشید
جلا بدهد وصیقلش نماید .

«بهر حال وینستون حاضر نمیشد
که همشاگردیهایش او را تحقیر
کنند. او اعتقاد داشت که در
بزرگی منشأ خدمات بزرگی خواهد شد
واحود میگفت که یامانند جدم فاتح
«بلن هایم» خواهم شد و یامثل پدرم
در مجلس عوام اکثریت آراء را
بدست خواهم آورد.»

وینستون تا هنوز هم شاگرد آخر
کلاس باقی ماند بود مگر هنگامیکه
بزرگترین جایزه مدرسه را ر بود
هیأت معلمین به استعداد فطری او
پی بردند و در سالهای بعدی موفق
خوبتری نصیب او شد .

جایزه قیمتمدار مدرسه را وینستون
به ترتیبی حا بز شد که ۱۲۰۰ بیت
شعر از قصیده روم باستان اثر مکیولی
شاعر انگلیسی را از بر خواند و به
این اسرتنها وینستون زد که موفق
شد و همه را بدون هیچگونه اشتباهی
خواند .

چرچیل در هنگامیکه سرانوشست ملت
خود را در حرب دوم بدست گرفته بود ←

فرانسه اردوهای آن

مترجم: توریالی عثمانی از ح. پ



(قسمت دوم)



يك كوه پيما در حال صعود به يك قله كوه

هوائی : قوای هوائی عناصر

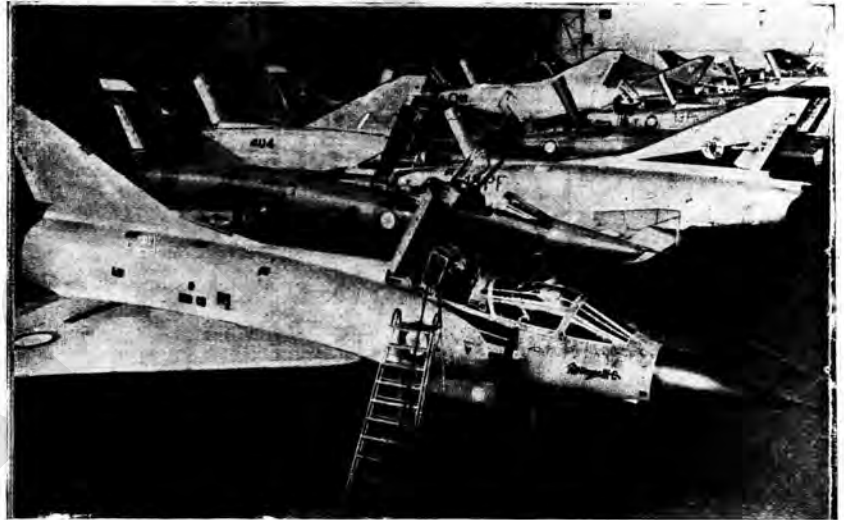
ذیل را دارا می باشد :

قوای هوائی تاکتیکی که مجهز به هواپیماهای قوی از قبیل میراژ III و III R و همچنین هواپیمائی که قادر به پرواز عمودی بوده میباشد. کوماندمان ترانسپورت هوائی نظامی که دارای طیارات ترانسپورت نوردر ۱۵۰۲۵۰۰ کدرون هیلو کوپتر های نوع (سیکورسکی Sikorsky والویت Alouette) بوده که قادر به حمل ۵۰۰ - ۴۰۰ تن محموله بوده و انونومی آن تا به ۵۰۰۰ کیلو متر میرسد .

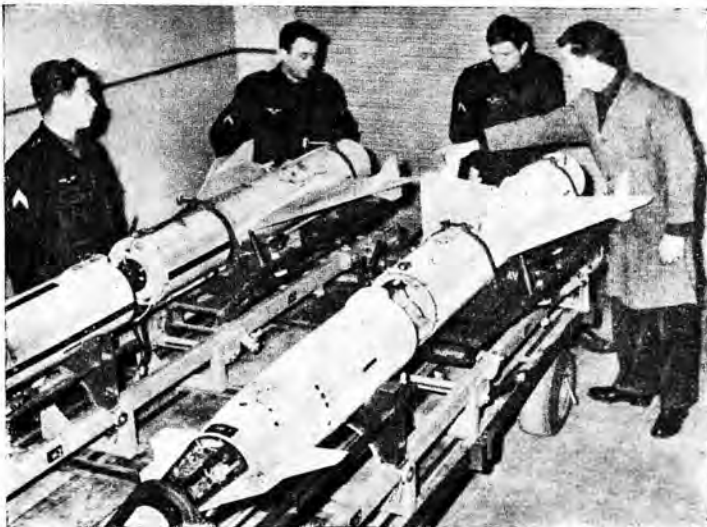
قوای دفاعی عملیاتی محلی

موقعیت جغرافیائی فرانسه که در چهارراه دفاعی اروپای غربی قرار گرفته است یک هدف عالی را برای حمله مهاجمین احتمالی تشکیل میدهد .

این سیستم سومی قواطوریکه از نام آن نیز هویدا است برای این تشکیل گردیده که بایست هر آن برای دفع و طرد مهاجمین آماده بوده و مملکت را از دستبرد بیگانگان محافظه دارد . قوای مذکور مرکب میباشد از :



مونتاز قسمت های مختلف طیارات نوع میراژ III



مکتب دفع هوای نیمز که استاد مشغول تدریس عملی در بالای راکت های نوع ماترا MATRA میباشد

کوماندمان اول تاکتیکی هوائی که در آلمان و در شرق فرانسه موقعیت داشته و دارای ۲۳۰۰۰ نفراد می باشد . و همچنین دارای یک اسکادر کشف، هفت اسکادر طیارات جت محاربوی ساخت فرانسه و امریکا و دو لوا طیارات دفاع هوائی میباشد. کوماندمان دوم تاکتیکی هوائی که تحت امر کوماندمان ملی بوده و دارای طیارات کشف ، بمباردمان و هیلو کوپتر ها می باشد .

بر علاوه برای تأمین نمودن امنیت و حفظ و مراقبت سواحل و میادین هوایی اساسی قوای دفاعی عملیاتی محلی نیز دارای جزو تام‌های علیحده می‌باشد. باید متذکر شد که قوای ژاندارم نیز از همان هنگام حضور و صلح بتحت امر این قوا می‌باشد.

خدمت زیر پرچم در فرانسه :

بعد از سال ۱۹۵۹ خدمت زیر پرچم در فرانسه اجباری اعلان گردید و سن اصغری احضار برای خدمت ۱۸ و سن اعظمی ۶۰ تعیین شد. اما بعداً کمی تعدیلاتی در آن رونما گردید یعنی سن اصغری احضار برای خدمت از ۱۸ به ۱۷ و سن اعظمی از ۶۰ به ۵۰ تقلیل یافت.

خدمت عسکری در فرانسه برای مجلوبین ۱۶ ماه بصورت اکتیف بوده



اکمال نمودن روغیات مبرائز در چین پرواز

جزو تام‌هایی که دارای طیارات خفیف مخصوص قوای زمینی می‌باشند همچنین قوای مذکور دارای ۱۲ بریگاد بوده که در مناطق مختلف نظامی قرار دارند.

لواهای منطوقی که دارای یک موبیلته و مانور عالی بوده و هر آن آماده بدین می‌باشند که عناصر دشمن را چه از نوع پراشوتی آن و چه از نوع حصول کنندگان آن باشد از بین ببرند.

غندهای مخصوص که موظف بدفاع نقاط حساس می‌باشند

۱ بریگاد ۲۷ کوهی، که دارای ۴ کتدک کوهی، یک غنذرهدار و یک غنذ توپچی کوهی می‌باشد.

۲۰ غنذ پیاده ای که تعلیمات کوماندورادار بوده و تمام گروپمان آنها به اساس کوماند و می‌باشد.

۵ غنذرهدار که همچنین مجهز به اتو-ماشیندارهای خفیف می‌باشند. جزو تام‌های خط آهن و استحکام.



مکتب کوهی فرانسه در حال ادای احترام

و بعد از اخذ ترخیص ۱۲ سال در سرویس احتیاط باقی می‌مانند. تدریس و تعلیم و تربیه عالی نظامی مخارج تعلیم و تربیه نظامی فرانسه بالغ به ۲ میلیارد فرانک در سال ۱۵٪ بودجه نظامی می‌باشد. تعلیم و تربیه نظامی مراحل آتی را احتوا می‌دارد:

احضارات نظامی :

مکاتب احضاراتی دوتوع می‌باشد. الف: مکاتب احضاراتی تخیلی





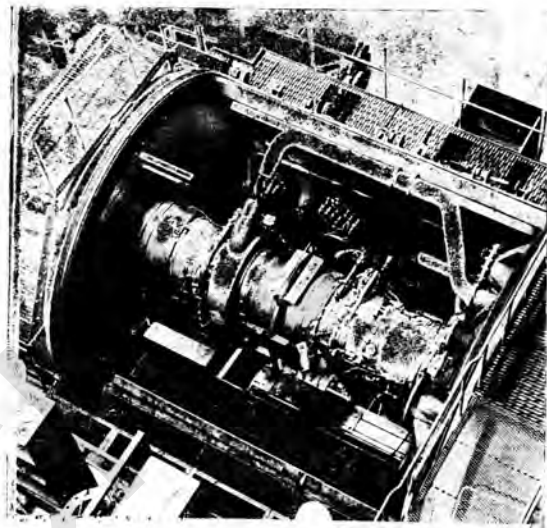
تحت البحری نوع ژیموت

نظامی که جوانان ۱۷ ساله در آنجا شامل شده و در شقوق مختلفه تعلیم و تربیه شده و احضارات لازم را برای دخول در مکاتب عالی اخذ میدارند.
 ب: مکاتب احضاراتی نظامی عالی که جوانان جهت دخول در مکاتب ضابطان احتیاط در آنجا احضارات اخذ میدارند.

طلبه و در مکاتب سرویس های صحی آن ۳۵۰ طلبه شامل می باشد.
 * مکاتب تطبیقاتی (مسلك) که برای صاحبمنصبان جوانی که از مکاتب صاحبمنصبی فارغ شده می باشند اجازه می دهد که در رشته های انتخابی خویش تخصص را بدست آرند.

تعلیمات نظامی عالی :

صاحبمنصبانی که دارای سوئیة عالی و سوانح خوب بوده و هم، ستارهای مختلفه را با فراست عالی گذشتانده باشند قابلیت اینرا پیدا می کنند که



ریاکتور اتار ATAR

مکاتب صاحب منصبی و تطبیقاتی :

برای جوانانیکه خواهان شمول در مسلك نظامی بوده و میخواهند به حیث صاحب منصب در اردوی فرانسه خدمت کنند سه سوئیة آتی الذکر تعلیم و تربیه موجود می باشد .

* تعلیمات احضاراتی ابتدائی و ثانوی (که اکنون در فرانسه ۶۰۰۰ طلبه مشغول فراء گرفتن تعلیمات فوق الذکر می باشند) .

* مکاتب صاحب منصبی : که سشتمل به مکاتب بزرگ نظامی و مکاتب سرویس های صحی بوده که در مکاتب نظامی مذکور ۱۵۰۰



طیارات اتاندر M IV در بالای عرشه کشتی



مکتب عالی جنگ

تعلیمات عالی نظامی را در رشته های مختلفه فرا گیرند .

بصورت عمومی سه مرحله تعلیمات عالی نظامی برای صاحب منصبان هر سه قوا در فرانسه موجود می باشد:

الف : مکاتب ارکان حربی که دروازه آن بروی صاحب منصبان مادون باز می باشد .

ب : مکاتب جنگ (مکتب جنگ در فرانسه برای سه قوای بحری ، تری هوای موجود می باشد یعنی مکتب عالی جنگ ، مکتب عالی جنگ بحری و مکتب عالی جنگ هوایی) در این مکاتب کورس های عالی اتخاذ شده و مخصوص به صاحب منصبان آمر بوده که در ساحه ستراتیژیکی رسانیده می شوند .

ج : مرکز تعلیمات امتد نظامی مرکز مذکور در ساحه مدافعه ملی صاحب منصبان بزرگتر اتریه مینماید قوای زمین فرانسه بر علاوه مکاتب فوق الذکر دارای مکاتب برای تعلیمات نظامی عالی سیانس و تخنیک بوده که معادل بر مکتب ارکان حربی می باشد در این نیز صاحب منصبان مادون حق دخول را داشته و بعد از اختتام تعلیمات موفق بدریافت

(دیپلوم تخنیک) میگردند . قوای هوایی همچنین دارای مکاتب تعلیمات نظامی عالی سیانس و تخنیک می باشد .

بودجه نظامی فرانسه

بودجه نظامی ۱۹۶۵ فرانسه معادل به ۲۰۸۰۰ میلیون فرانک بوده که چیزی کمتر ۲۳٪ بودجه عمومی دولت را احتوا می دارد جدول آتی مخارج نظامی را بصورت مفصل نشان می دهد .

مخارج نظامی ، مخارج مردم و تولید خالص ملی از ۱۹۶۵ - ۱۹۶۰ (به میلیون فرانک)

۱۹۶۵	۱۹۶۴	۱۹۶۳	۱۹۶۲	۱۹۶۱	۱۹۶۰	
۲۰۸۰۵	۲۰۱۰۰	۱۹۴۷۳	۱۷۹۸۹	۱۷۴۱۶	۱۶۹۱۳	مخارج نظامی
۹۲۱۲۵	۸۶۳۰۸	۸۲۱۰۴	۷۳۵۶۳	۶۶۱۴۳	۵۹۴۸۷	مخارج مردم
۲۲/۶	۲۳/۳	۲۳/۷	۲۴/۴	۲۶/۳	۲۸/۴	فیصدی مخارج نظامی مخارج مردم
۴۳۲۰۰۰	۴۱۱۳۹۰	۳۹۱۸۰۰	۳۵۶۳۰۰	۳۱۹۷۰۰	۲۹۶۲۰۰	تولید ملی خالص (به قیمت بازار)
۴۸۱	۴/۸۸	۴/۹۷	۵/۰۵	۵/۴۵	۵/۷۱	فیصدی مخارج نظامی و تولید ملی خالص

پلان پنجساله نظامی امریکا در ویتنام

پلان‌های طرح‌شده نظامی برای ادامه مساعی امریکا در ویتنام جهت تقویه قوای زمینی و هوائی تا پنج سال آینده که در نظر است جنگ‌های ویتنام بیش از پیش کسب شدت اختیار نماید .

جنوبی نیز موقع داده نشود که خود را بیشتر از معیار فعلی تقویه نمایند. مامورین رسمی ایالات متحده امریکا را عقیده بر آنست که تا سال ۱۹۷۲ امریکا و متحدین آن دارای مقاومت و قدرت کافی خواهند گردید تا بتوانند قوای کمونست را در این سر زمین از بین ببرند. بعضی عقیده دارند که قوای نظامی بیشتر از آنچه پیش بینی شده تکمیل و تدارک دیده خواهد شد. بعضاً اظهار می‌دارند که سال ۱۹۶۷ برای ما یک سال فیروزی بوده و ویتکانگ‌ها را بکلی از صفحه گیتی نا بود خواهیم ساخت. اضلاع متحده امریکا با یک سرعت ممکنه در این راه با هم‌رئی متحدینش در بر و بحر با وصف تمام دشواری‌هاییکه از طرف ویتکانگ‌ها که در راه پیشرفت‌شان مانع واقع شده شروع بکار نماید ولی ملتفت باید بود که حمایت مردم ویتنام جنوبی از حملات و ویتکانگ‌ها و جنگ‌های سرحدی و بدست آوردن قطعه خاکی از کمونست‌ها باز هم یک مشکل بزرگست که قوای امریکا بدان مواجه است.

البته عملیات نظامی به تنهایی نمیتواندها نوی را متوجه سازد که

تعداد وسایل حربی به یک پیمانده خیلی وسیع افزایش یافته بدین معنی که تعداد هلیکوپترها از ۴۰۰ در سال ۱۹۶۵ به ۲۰۰۰ در حال حاضر بیشتر گردیده است اما نظر به پلان مجوزه این تعداد الی اخیر سال ۱۹۶۷ به ۲۵۰۰ طیاره هلیکوپتر بالا خواهد رفت.

قسمت طیارات جنگی :

وقتا که پایگاه‌های جدید هوائی در ویتنام جنوبی و تایلند تکمیل گردید طیارات جنگی با تکنیک جدید در سال ۱۹۶۷ در محاذ جنگ مورد استفاده قرار داده خواهد شد.

ابتکار بوجود آوردن یک قوای ثانوی متحرک هوائی که اخیراً توسط مقامات دفاعی امریکا پذیرفته شده است منج بر این شد تا از قوای پیاده که قبلاً در ویتنام جای‌گزین گردیده بود با عدم کاستن از تعداد هلیکوپترهای نوع بل *BELL UH-1* و هلیکوپترهای ثقیل تر از نوع بوینگ *BOEING VERTOLCH-47* چایتوک که در سابق در ویتنام تعبیه گردیده تهیه خواهد شد. ایجاد چنین یک قوای نظامی امریکا ئی تجدید نظری در هم‌آهنگی پروگرام‌های اجاب خواهد نمود و علاوه در قبال این کارها بایست به ویتکانگ‌های ویتنام

حکومت ایالات متحده امریکا می‌خواهد برای تقویه نمودن قوای هوائی و زمینی پلانهای مجوزه را در مرحله اجرا گذارد و روی همین منظور رجال بر سر اقتدار گذاشته شده است تا بالای این موضوع هنوز هم دقیق گردیده و متوجه آن شوند که حداقل جنگ‌های مذکور در حوزه جنوب شرق آسیا الی سال ۱۹۷۲ دامنه داشته باشد.

طوریکه مکرراً تذکار داده شده تقویه قوادر ویتنام برای توسعه جنگ‌ها در آن سر زمین در آیند به پیمانده دو سال قبل نخواهد بود ولی با آنهم قوای جدید و ورزیده را اجاب خواهد کرد.

علاوه بر قوای فعلی الی اخیر سال ۱۹۶۷ یکصد هزار عسکر دیگر به ویتنام فرستاده خواهد شد که به این اساس تعداد عساکر امریکا در ویتنام به ۴۹۵ هزار عسکر بالغ خواهد گردید. قسمتی از پلان طرح شده توسعه قوا عبارت از بوجود آمدن دو غنند مستقل قوای هوائی میباشد که با افزودن این دو دسته تعداد مجموعی یونت‌های قوای هوائی به ده غنند خواهد رسید در حالیکه دو سال قبل نصف این تعداد در ویتنام موجود بود.



طیارات بمبارد نوع مکدونال فائتم *F-4* جت مربوط قوای هوایی اضلاع متحده آمریکا در حال فرو ریختن بمبها بالای ویتنام شمالی تحت رهتائی طیاره جت رهنا دو گلس *RB-66* مشاهده میشود این تکنیک حربی در ساحاتیکه در آن امکان موجودیت مرمی های دافع هوا دیده میشود ندرتاً بکار برده شده است .

در ویتنام که در برخی از موارد به حملات آنی بر بعضی از اهداف ضرورت احساس میشود و وی نباید حق داشته باشد چنین اوامر را صادر نماید که این پیشنهاد وی از طرف مقامات ذیصلاح کاخ سفید نیز منظور گردیده چنانچه فعلاً بعضی از حملات مستقیماً نظر به اوامر ویست مورلیند برویتنام شمالی و لاؤس اجرا میگردد .

پاسخ‌های کاخ سفید :

پاسخ‌های مثبت چندی به تقاضاهای اردوی آمریکا از طرف کاخ سفید در مورد حمله بر بعضی اهداف مستحکم ویتنام شمالی داده شده است که این اهداف شامل میخاذن نفت و بعضی تأسیسات مرمی‌های رهبری شده نوع *SAM / SA-2* شوروی در مناطق هائوی و هافینگ که در تابستان گذشته از طرف قوای امریکائی مورد حمله قرار گرفته میباشند .

در مورد حمله بر میخاذن نفت یک‌عده از افسران امریکائی اظهار عقیده دارند که آمریکا نظر به این رویه خود توانسته است ضربه ایرا

همه‌وقته متوجه این امر بوده و هرگونه حرکات نظامی امریکائی را تحت بررسی قرار داده و یقیناً پلانه‌های نیز در مورد طرح میدارند .

شخص اولیکه در ترتیب دادن پروگرام‌های توسعه یابی قوای نظامی آمریکا مربوط قوای هوایی و قوای بحری آن کشور - نقش بارزی دارد همانا جنرال هنتر هاریس قوماندان متقاعد قوای

هوائی اتازونی در بحر آرام میباشند که فعلاً نیز امور کنترل حملات قوای هوایی را بر ویتنام بعهده دارد . به استثنای حملات قوای هوایی بمقابل قشون و تدارکاتیکه بطرف شمال خط‌فاصل بین دو ویتنام و لاؤس وجود دارد کلیه حملات دیگر برویتنام شمالی از واشنگتن کنترل میشود . قریبکه پالیسی جدید از سابق دارد تنها همیتقدر است که در سابق تمام حملات بر اساس موافقه قصر سفید بعمل می‌آمد ولی در حال حاضر نظر به تقاضای جنرال ولیم ویست مورلیند قوماندان عمومی نظامی آمریکا

مغلوب گردیده و میدان را از دست داده چه هائوی نیز در تلاش آنست تا ضایعات وارده را بر امریکائی‌ها افزایش دهد تا از این ناحیه یک عکس العمل معکوسی را در سیاست آمریکا وارد آورد و علاوتاً حکومت هائوی معتقد است که بدینوسیله خواهد توانست امریکائی‌ها را از ویتنام خارج ساخته و به این ترتیب فتح و ظفر را نصیب خود گرداند .

نظریات هائوی :

موضوع بیانات ممتد مامورین عالیرتبه قوای هوایی اتازونی در برابر اینکه قوای آمریکا در ویتنام بایست تقویه گردد یکی از عمده‌ترین مسائلی است که حکومت هائوی در حال حاضر بالای آن اندیشه بخرچ میدهد . وایشان مدعی اند که بایست قوای امریکائی اهداف قوی و مستحکم‌تری را در نظر داشته باشند لهذا شاید به این مفکوره هم امریکائی‌ها نباشند که هرگاه قوای ویتنام شمالی چینیکه داخل خاک ویتنام جنوبی شوند امحاء خواهند شد . در حالیکه ویتکنگ‌ها

برپیکر پیش آهنگانیکه میخوانند ویتنام شمالی را تقویه کنند وارد آورده و به اوشان فهماند که کمکهای شان به ویتنام شمالی بی نتیجه است چه آنها خیلی دیر به این مسئله پی بردند و ناوقت برای تقویه ویتنام دست بکار شدند و علاوه بر آن اجازه از بین بردن اینگونه استحكامات را در ویتنام شمالی حاصل نمودیم تا بالاخره کمونستها مجبور شدند روغنیا و سایر مواد سوخت را درمخازن خیلی خورد و کوچک در نقاط مخفی نگه دارند که یافتن اینگونه مکانها برای قوای امریکا دشوار مینمود و علاوه بر اهداف مستحکمی که سال بیشتر درهائوی و هافینگک موجود بود دیگر وجود ندارد.

ضمناً بعضی قیوداتی از طرف حکومت لاؤس بر عساکر امریکائی وضع گردید که بر اساس آن پیلوتهای امریکائی از بمبارد مسیر ذخایر کمونستها در خاک لاؤس خودداری نمایند و خطری را که از این ناحیه متوجه پیلوتهای امریکائی میگردد نیز به اوشان خاطر نشان ساخت علاوه بر پیلوتان امریکائی حق نداشتند هیچ هدفی را که شکل خیمه را داشته باشد ولو که از چنین خیمهها برای پنهان نمودن سربهای دافع هوا استفاده شده باشد بمبارد نمایند و نیز اهدافیکه بمسافت تقریباً ۲۰۶ فوت از مسیر ذخایر کمونستها بعید می بود از حمله قوای هوائی امریکا در امان بود. قیودات فوق بالتدریج سبب تکلیف و آزار پیلوتان امریکائی گردید زیرا هائوی در ارسال ماشیندارهای دافع هوا بمنظور حمایه قطارهای ذخایر نفتی و غیره که از لاؤس به ویتنام جنوبی در حال حرکت بودند به یک پیمانۀ خیلی زیاد مبادرت ورزید و گروهی از امدادی های کوچکتر و طیارات ترانسپورتی که توسط قوای هوائی

امریکا و دیگر پیلوتهای مسلکی در لاؤس تحت مرادۀ امریکا پرواز داده میشد نیز در سال گذشته خیلی خطرناک بمشاهده میرسید زیرا مناطق سرحدی تحت اداره حکومت لاؤس به اندازه ۱/۳ مساحت مملکت مذکور از دست مردم لاؤس بر آورده شد. یکی از همین پیلوتها اظهار داشت که در طول یک روزه پرواز بر فراز خاکهای جیرز اندکترین اخطری متوجه نمیشد لیکن امروز بمحض شروع پرواز دسته های طیاره از هر نقطه این سرزمین بالعقابیل پرواز داده خواهد شد یک موضوع مورال در مورد پیلوتهای امریکائی اینست که هیچ موقیتی را در جنگهای هوائی در خاک لاؤس کماهی نکرده اند و بر اساس یک مفاکوره نادرست چنین پنداشته شده است که همچو پروازها طور رسمی در آنجا شناخته نشده و هیچ تعرفه به هیچ شکلی برای شان داده شده نمیتواند اما تاجائیکه موضوع لیاقت پیلوتها بدان مربوط است حق بجانب پیلوتهای مزبور میباشد لیکن این امر قابل ذکر است که توفیق در تعرض شان بر استحكامات ویتنام شمالی که بتمام معنی درست مدافعه شده اند غیر ممکن است.

روحیات و مورال پیلوتها :

با وجود آن بصورت عمومی پیلوتها تائیکه بر فراز سرزمین ویتنام



شمالی و جنوبی پرواز میکنند دارای روحیه عالی میباشد ولی با آنها شکیات متعددی دارند و نتایج نامتناسب بدست می آرند مثلاً پیلوتها تائیکه بر فراز ویتنام جنوبی برای عملیات نظامی پرواز میکنند نتایج مطلوبی از تخریبات خویش احساس و مشاهده نمیکنند و علت آن همانا عدم دقت کافی در بعضی اهداف می باشد که در اثر این تخریبیاری ناچیز مهمات حربی هنگفتی بمصرف میرسد.

بعضی پیلوتها بر پروگرامهای شدید امنیتی پرواز که از طرف جنرال موسر وضع شده غضبناک میگرددند. طبق این مقررات در ارتفاع ۵۰۰ فوت باید بمها فروریخته شوند زیرا این ارتفاع در خارج ساحة تأثیر آتش های سلاح خفیفه زمینی قرار دارد طوریکه هفت نفر از اعضای رسمی قوای هوائی امریکا می گفت آن عده از پیلوتها تائیکه از مقررات شدید مصونیت پرواز شاک می اند به نسبت آنست که شدت عملیات پروگرام را درک کرده نمیتوانند یک شخصیت مسئول رسمی به نمایندۀ مجله هوا نوردی و کیهانی گفت (در ویتنام جنوبی هدفی وجود ندارد که حتی پرواز يك طیاره و یا يك پیلوت را ایجاب نماید بلکه هدف ما اینست که هر گاه يك هدف طرح شده را بصورت منظم مورد حمله قرار دهیم باید قدری از آن هنگام حمله فاصله داشته باشیم ما تائیکه يك پیلوت بكمك قوای دوست میشتابد و یا احتیاط لازمه را در مورد جریان یاد اتخاذ مینماید بعضاً ایجاب میکند تا به دكمه حمله نیز فشار وارد آید. جنرال موسر میگوید (ما باید در ویتنام شمالی از دست دادن طیارات و خسارات را توقع داشته باشیم ولی هر گاه این خساره در ویتنام جنوبی عاید گردد باید پرسیم چرا ؟)

اشاره در مورد تأثیرات تخریبی بمباردمان روزانه طیارات موصوف در هردو ویتنام که آیا تا چه اندازه است نه شده .

علت اساسی در اینجا کنترل مؤثر طیارات جنگی نسبت حصول تجارب در این گونه حرب توأم با وسایلی جدیدیکه فعلاً مورد استعمال است میباشد . چنانچه مثال برجسته علت دومی همانا سیستم مرکزیت اداره و کنترل میداین جنگی درفضا میباشد که نظر به خصوصیات قوای هوائی اضلاع متحده امریکا توسط کمپنی لنگ تمکوات ساخته شده است . سیستم مذکور عبارت از يك گاراج بزرگ اداره و کنترل است که توسط طیاره نوع لاک هید C-130 جت پروانه دارحمل گردیده وبه اداره چی که در فضا میباشد موقع میدهد تا با کلیه طیارات جنگی که بر ویتنام شمالی و جنوبی پرواز میکنند تماس رادیوئی داشته باشد و همچنان میتواند باستیشن های دوست زمینی نیز همچو تماس ها را بگیرند .

علاوتاً در وقت ضرورت حمله بصورت فوری به يك هدف دیگر متوجه ساخته شده میتواند برای مثال در گذشته چنینکه هدفی در ویتنام شمالی تثبیت میگردد توسط طیاره که آنرا کشف نموده بود مورد حمله قرار میگرفت که بعد از حمله ابتدائی هدف مذکور تعقیب شده نمیتوانست ولی فعلاً کنترلرلرها میتواند هدف را تعقیب نموده و در صورت لزوم طیاره جنگی دیگری را برای از بین بردن هدف مزبور پرواز دهد تا هدف را تحت حملات دوام دار قرار داده و آنرا کاملاً محو نماید .

مرکز اداره و کنترل در هوا:

بکار انداختن سیستم مرکز اداره و کنترل طیارات از هوا ابتداءر سال ۱۹۶۰ بشکل امتحانی پیشنهاد



قلت مهمات حربی در ویتنام در چند ماه اخیر تخفیف یافته اینک تصویر فوق انتقال ذخایر حربی را توسط کشتی نشان میدهد .

مشکلات پیلوتها:

موضوع تهیه پرسنل برای پیلوتی و تجاربشان در سرویس های سه گانه (بر - بحر - هوا) نیز در ذات خود يك پرابلم عمده ئیست که ما بدان مواجه هستیم زیرا طیارات نوع F4-C به دو پیلوت ضرورت داشته و همواره طوریکه دیده شده در قوای هوائی تناسب پیلوت با طیاره تقریباً ۱ بتناسب است که این تناسب در یونتهای مختلف تغیر میخورد یعنی در قوای بحری تناسب پیلوت و طیاره يك بتناسب ۲ است در یونتهای عسکری قدرت بشری در امور هوا نوردی بتناسب ۹۰ فیصد است . معیار تجربه پیلوتهای تکتیکی که بطور منظم دوره مسافرت

خود را در ویتنام تکمیل مینماید قوس صعودی خود را می پیماید . یکی از قوماندانان قوای هوائی اظهار داشت که اکثر اشخاصیکه ما فعلاً بدانها سرو کار داریم پیلوتهای جوان و نوکاری هستند که تازه از طیارات تعلیمی منفصل گردیده اند و یا اینکه برای وقت خیلی طولانی بر چوکی ها نشسته اند . علاوتاً پیلوتهائیکه در هلیکوپر ها پرواز مینمایند پیلوتهای جوانی هستند که تازه از مکتب پیلوتی فارغ گردیده اند با وصف این تعداد سرباز انیکه در هر طیاره اعزام میگرددند تقریباً زیاد است که این تعداد برای قوای هوائی ۲ نفر فی طیاره است و علاوتاً کدام

گردید و ضمناً قوای هوایی اضلاع
متحدۀ امریکا فیصله نمود که طیارات
جنگی تکتیکی را به کانگو و یانگ
دیگر انکشاف نیافته اعزام بدارند
تاسیستم کنترول و اداره هوایی در
در آنجا تطبیق گردد چنانچه روی
همین ملحوظ مرام متذکره فعلاً در
ویتنام عملاً اجرا میشود. در ساحاتیکه
این عمل اجرا میگردد پروگرام ها
به ترتیبی اجرا و اداره میشوند تا با
پیشرفت تدریجی سریع قوای امریکائی
طی ۱۸ ماه گذشته توأم با جریان شدید
طیارات تکتیکی هموائی کامل داشته
باشد قبل از این قوای هوایی امریکا
در سال ۱۹۶۵ چنین پیشرفتی
را آرزو داشت که روی این اصل
همه پیلوتهای تکتیکی مکلف بودند
تا برای فرآ گرفتن اینگونه دستورها
حد اقل ۹۰ روز به این سرزمین
بیایند. و همه گونه مسایل ترمیمات
الی زمان باز گشت به خانه های شان
معطل قرار داده شده بود که این
عدم رسیده گی به امور ترمیم ادر
ویتنام مسئله را پیچیده تر ساخت زیرا
طیارات و تکتیکه شروع به رسیدن بالای
وظایف دائمی خود مینمودند عوض
آغاز بغالیت تقاضای ترمیم را در
قطعه مربوطه خود داشتند.

افزایش تولیدات:

یکی از علل پیشرفت هزار افزایش
تولیدی و جریان سریع اعمال در
امریکامیتوان و نمود ساخت علاوتاً
نظر به اظهارات یکی از مامورین
رسمی نظامی در اینجا راپور های
منتشره در مورد قلت مهمات حربی
رجال مقتدر وزارت دفاع امریکا
را به هیجان در آورده بود چنانچه
این امر سبب شد که موضوع قلت
مهمات حربی وضع را بهبودی بخشد
چه مامورین رسمی وزارت دفاع امریکا
در ارسال مهمات به ویتنام سعی بلیغ
بخرج دادند.

حتی در برخی موارد مهمات و
پر سونل به پیمانۀ ارسال میگردد
که قلت جای برای نگهداری آن
برای ما یک پرابلم مشکلی گردیده
بود. انتقال مهمات حربی و سائر
تجهیزات از مراکز اولی هوایی و
بحری سیگون- کامرون و دانانگ
در حال پیشرفت بوده کثیراً انتقاداتی
در برابر اینکه قوای هوایی در جنوب
شرق آسیا دارای سیستم هوایی درستی
نبوده و اساسات ساحه و سائر مراکز
هوایی را تعقیب نمیکردند. گذشته
از آن با وصف کشودن راه های
کوچکی در سال گذشته قوای دوست
هنوز بعضی جزائر کوچک را که
با قوای متخاصم محاط گردیده کنترول
میکند. اما هنوز طوریکه باید و شاید
در زمینه توفیقی حاصل نشده است
روی این اصل وسایل نقلیه هوایی
یگانه طریقی برای انتقال پرسنل و
تجهیزات از یک نقطه به نقطه دیگر
در ویتنام جنوبی میباشد. بر اساس
گفته یکی از قوماندانهای نظامی
بدون داشتن وسایل نقلیات فضائی
موفقیت در چنین حربی ناممکن است.

مسئولیت های ترانسپورت فضائی

در جواب انتقادات قوای هوایی
اضلاع متحدۀ امریکا در اکتوبر ۱۹۶۶
هشتصد و سی و چهارمین قسمت
اداری هوایی را در (تانسنت) که
مستقیماً برای قوای هفتم هوایی
فعالیت مینماید تأسیس نمود.

قبل از این مسئولیت های ترانسپورت
فضائی به سویه یک گروپ در ویتنام
جنوبی اداره میشد که این گروپ
از طریق یونت (۳۱۵) هوایی در
تاچیکوای جاپان به قوای نمبر ۷
مربوط شده است که با در نظر گرفتن
سلسله مراتب چینل های اوامر به
مشکلات مواجه گردیده و وقت جواب
به اوامر بعضاً بی کفایت است؛ در این
اواخر قرار سنجش یونت (۸۳۴) در

حدود هفتاد هزار تن اموال راماهانه
از طریق فضا نقل میدهد در حالیکه
طی دو سال قبل ۱۲ هزار تن انتقال
داده میشد.

قدرت قوای هوایی اضلاع متحدۀ
امریکا و یونت هوایی اردو طبقاً تقویه
گردیده که روی این اساس قوای
هفتم یکی از مجهزترین قوای هوایی
تکتیکی بشمار میرود. دو سال قبل
قوای هوایی به تعداد (۲۳۰) طیاره
در صحنه جنگ موجود داشت که
در حال حاضر این عدد به ۱۲۰۰
میرسد که منجمده ۸۰۰ طیاره در ویتنام
و ۴۰۰ دیگر در تایلند متمرکز گردیده
است. در حال حاضر قوای بزرگ
هوایی اضلاع متحدۀ امریکا در
تانسنت- جوار بین هوا- کامرون -
ناترا نک- قیونان- پلیکو- تای هوا
دانانگ و چولای (با قوای بحری) با
پایگاه های فان رنگ و فوکت که تحت
ساختمان است متمرکز گردیده اند.
همچنین پایگاه های عمده نظامی قوای
هوایی اضلاع متحدۀ امریکا در تایلند
که از آنها بمنظور حمله بر ویتنام
شمالی استفاده میشود مشتمل اند بر
پایگاه های کورات- اودان- او بان-
تکلی- ستاهیب- و تاخن پاتوم. قسمت
هوایی اردوی زمینی امریکا در تهیه

هلیکوپترهای نوع *UH-1D* و *UH-1B*

سعی بلیغ مینمایند که از نوع *UH-1B*
بعیث یک هلیکوپتر مجهز با سلاح
حربی برای تقویه عساکر زمینی و
مرکز اداره و کنترول حرب استفاده

میشود در حالیکه از هلیکوپتر نوع
UH-1D بعیث و سیله حمل و نقل
قشون استفاده بعمل می آید همچنان

هلیکوپتر نوع *CH-47 BOEING*
VERTOL

چاپنوک که توسط انجن جت نیز عملیات
میشود در عملیات عساکر زمینی و
تقویه نمودن قوای مذکور در وقت
حمله نقش بارزی دارد.

(بنیه در صفحه ۵۳)

مدافعه هوائی پاسیف

وقوع

پس از ختم حرب عمومی دوم وسایط محاربات مسلح بسرعت غیر مترقبه وشکل غیر قابل قیاس انکشاف نموده اسلحه آتومی با قدرت تخریبی وامحای کتلوی ایجاد گردیده راکتهای ستراتیژیکی طویل المنزل بصفت وسایط اساسی پرتاب و انتقال مهمات اتومی به استقامت اعداف مطاوبه بحیث اسلحه جدید ومدرن بظهور آمده در اردوها قطعات راکت های ستراتیژی ایکه وظیفه اساسی اجرای حرب مدرن ومعاصر را بعهده دارد تشکیل گردید .

پرتاب راکت ها، مراکز تجمع طیارات دور منزل احتیاط های سوق الجیشی و گروپمال های بزرگ قطعات داخل ساحه حرب استعمال خواهد نمود . تخریبات این سلاح مخوف ومدحش نه تنها متوجه اعداف وساحه های حساس عسکری است بلکه نقاط، مناطق، شهرها ومحلات مسکون وپرنفوس غیر نظامی را نیز تحت ساحه تأثیر خود قرار داده امحای آنرا مقدر میسازد . خاطرات ناگوار و رقت بار ناگاساکی وهیروشیما تا هنوز فراموش هیچ يك انسان باعاطفه نگردیده است تاریخ حرب با تفرضایعات وارده شهر های بدبخت و ماتم زده هیروشیما و ناگاساکی را چنین قید میدارد .

۱- حینیکه بم اتومی انداخته میشد نفوس شهر هیروشیما بی جاپان (۲۵۵۰۰۰) نفر بوده از اثر انفلاق بم (۶۶۰۰۰) نفر فوت و (۶۹۰۰۰) نفر مجروح گردیدند .

۲- نفوس ناگاساکی (۱۹۵۰۰۰) نفر بوده از جمله (۳۹۰۰۰) نفر وفات و (۲۵۰۰۰) نفر زخمی تثبیت شده است. در این دو شهر مردمیکه

عسکری ساحه حرب وسایط مقتدر ستراتیژیکی اعنی قطعات راکتی ستراتیژیکی و طیارات دور منزل استعمال واستخدام خواهد گردید . وظایف فوق الذکر وتصفیه وامحای قوت های باقیمانده محافظ مملکت دشمن ذریعه قوای زمینی ستراتیژیکی باتشریک مساعی قوای راکتی بعمل آورده میشود . اما بخاطر باید داشت که حرب امروزه نظر بحرب های گذشته درجمله فرق های خود يك اختلاف مهم وقابل تذکری دارد که با پرنسیب گذشته تضاد کاملی را تشکیل می نماید . و آنهم اگر در حربهای گذشته قطعات راکتی دور منزل آله دست قوای زمینی بوده مطابق مرام و مقصد آنها استخدام میگردد امروز بر عکس قوای زمینی ستراتیژیکی بمنظور مواصلت سریع بههدف از نتایج فعالیت قوای راکتی ستفاده میدارند .

در نظر باید گرفت که دشمن احتمالی نیز وسایط اتومی - ستراتیژیکی خود را در مرحله اول بمقابل شهرهای اساسی، مناطق مهمترین اقتصادی، مراکز

هر گاه خدای نخواسته یکی از بلوک های شرق ویا غرب بهرنحویکه باشد بشروع حرب سوم جهانی جسارت واقدام میکند بدون شبه چوکات حرکات قوای مسلح آنقدر توسعه وانکشاف خواهد نمود که تنها در اراضی يك مملکت جریان نکرده بلکه ساحه خالک چندین مملکت رقیب را احتوا ودر بر خواهد گرفت .

اهداف فعالیت طرفین را در حرب مدرن امروزه مراکز پرتاب وسایط ستراتیژیکی اتومی، مراکز اقتصادی سیستم سوق و اداره دولتی ونظامی وگروپمان های قطعات بری وبجری ساحه حرب تشکیل میکند . از اینجا استنباط میگردد که اعداف اساسی معروض بحمله بصورت عمومی در جوار جنبه موقعیت نداشته بلکه بداخل عمق مملکت خصم موجود خواهد بود .

برای از بین بردن وسایط ستراتیژیکی - مختل ساختن امور و فعالیت های سوق و اداره خدمات عقبی دشمن وامحای تخریب نمودن قوای مسلح وگروپمان های قطعات

پلان پنجمساله ۵۰۰

(بقیه صفحه ۵۱)

با بمیان آمدن طیارات کمپنی دی هوی لیند کانادا قوای هوایی اخلاص متحده امریکا گام قراخی را در تقویة قواء درین سرزمین فرا خواهد نهاد. نوع دیگری از طیارات خدمتی در این سرزمین همانا طیاره گرومن *OV-1* مهاک است. که از این طیاره بمنظور تعقیب و مراقبت اهداف استفاده میشود.

و همچنین از طیارات هلیکوپتر نوع هیلر *H-23* و بل *BELL-H-13* نیز برای این مقصد استفاده بعمل می آید اولین دسته بزرگ طیارات که طور امتحانی (۱۸) ماه قبل به این سرزمین فرستاده شده بود دارای یک غنند طیاره نوع *CH-47A* یک تسولی طیارات سریع حرکت و سریع العمل نوع *UH-1* یک کندک طیارات مخصوص پرتاب مرمی های راکت از نوع *UH-1B* که قابلیت حمل ۴۸ راکت ۲۰۷۵ انچه با وزن مرمی ۱۰ پونده را دارد بایک عده کثیر طیارات هلیکوپتر اکتشافی نوع *H-۱۳* بود.

علاوتاً قوای نظامی امریکا در وینتام هشت غنند هوایی دیگر را طور مرتب تحت مواءقه نظامی هوایی کشور مذکور برای تقویة قواء در آن سرزمین بدست آورده است. (پایان)

۲ میگاتون بین فواصل زمان بسیار کم بالای ممالک انکشاف یافته صنعتی دارای ساحه ۳۰۰ - ۵۰۰ - ۱۰۰۰ کیلومتر مربع انفلاق داده شود تمام مناطق و مراکز سیاسی و اداری آنرا بحال مخروبه در آورده و اراضی این ساحه را بخاکستر مرگ تبدیل خواهد نمود. نظر بر این پوریه که متخصصین

به اندازه نیم میل از مرکز انفلاق بم دور بوده اند ۹۰ فیصد تلف و آنهایکه بین نیم الی یک میل دور بوده اند ۵۰ فیصد و کسانیکه بین یک الی یکنیم میل دور بوده اند ۲۰ فیصد بخطر مرگ معروض مانده اند. بم های اتمی و هائیدروژنی ایکه در نتیجه مسابقات تسلیحاتی روز افزون بلاک های شرق و غرب اعمال و احضار کرده میشوند بمراتب مخوف تر و متندر تر از بم های سابقه میباشد.

چنانچه یک بم هائیدروژنی امروزه بدفعات قویتر از تمام مواد انفلاقیه ایکه در خلال حرب دوم جهان استعمال گردیده است میباشد. باینصورت که اگر در بین سالهای (۱۹۴۰) الی (۱۹۴۵) از طرف امریکائی ها و انگلیسی ها در اثر پروازها و حملات بی شمار طیارات به اندازه دو میلیون تون بم بر فراز خاک آلمان و دول طرفدار آن پرتاب گردیده باشند امروز تنها یک عدد راکت ستراتیژیکی میتواند قدرت انفجاریه اتمی دهها چند بزرگتر از مواد انفلاقیه محتوی دو میلیون تون بم متذکره را به هدف مطلوبه انتقال دهد. باساس محاسبات علمای عسکری معلوم گردیده است که از اثر انفلاق یک بم هائیدروژنی در منطقه صنعتی بمرحله اول تقریباً یکنیم میلیون نفر مجروح گردیده و تأثیرات بعدی رادیواکتیف آن در حدود (۴۰۰ هزار) نفر را بمرگ محکوم خواهد نمود.

متخصصین عسکری انگلیس بعد از تحقیقات لازمه به این نتیجه رسیدند که انفلاق یک بم هائیدروژنی بظاقت چهار میگاتون بر شهر های لندن برمنگهم، لانکاستر - مانچستر سبب امحای ۲۰ میلیون نفر میگردد. علمای اتحاد جماهیر شوروی و دیگر ممالک حساب کرده اند که اگر یکصد عدد بم اتمی به طاقت

امریکائی در مورد ضایعات احتمالی امریکا به کانگرس خود تقدیم نموده اند و فیات و ضایعات تخمینی ایالات متحده امریکا را که پس از حرب اتمی ۲۴ ساعته بوقوع خواهد پیوست ۵۰ الی ۷۵ میلیون نفر وانمود داشته اند. هکذا در راهپوریکه به کانگرس تقدیم گردیده تذکر داده شده که اگر در مرحله نخستین حرب بالای اهداف مهمه ایالات متحده امریکا به اندازه (۲۶۳) عدد بم ذره وی که هر کدام آن دارای ۵ میگاتون قدرت باشد پرتاب گردد از اثر آن ۱۳۲ اهداف بزرگ عسکری تخریب و تعداد زیاد موسسات و فابریکات با ۷۱ شهر بزرگ از بین رفته و تقریباً نیمه مساحت تمام مملکت تحت تأثیر رادیواکتیف قرار گرفته و در نتیجه این همه تخریبات به اندازه (۵۰) فیصد نفوس آن بخطر معرض می ماند.

نظر بحساباتیکه از طرف مؤظفین خدمات صحی ایالات متحده امریکا بعمل آمده است معلوم گردیده که در نتیجه بمباران های اتمی بالای شهرهای امریکا از جمله ۱۸۸ میلیون نفوس آن تنها ۱۳۵ - میلیون نفر حیات مانده ۵۳ میلیون نفر فوت خواهد نمود، یک تعداد زیاد شهرها منهدم گردیده اکمال آب ۹۰ فیصد تخریب و قسمت اعظم ادویه جات بحال غیر قابل استعمال تبدیل خواهد گردید. از ایضاحات و تفصیل مثالها و ارائه ارقام منظورم اینست که هموطنان گرامی ایکه بنا بر عوامل و علل مختلف بخدمت مقدس عسکری شامل نگردیده و در خارج چوکات اردو مشغول و مصروف خدمات مختلف مساکت میباشد یاد ده نی و تذکر گردد که حرب آینده به نسبت انکشاف و توسعه محیرا عقول تخنیک مدرن حربی با اصولات متغایر از حربهای گذشته

اجرا گردیده و شکل يك حرب جهان شمول را اتخاذ کرده از ساحه تاثیر آن هیچ منطقه وساحه‌ر هائی نخواهد یافت زیرا حرب آینده حرب اتوم حرب هیدروجن و حرب کوبالت بوده توسط راکت های مختلف النوع و مختلف‌المنزل و طیارات متنوعه اجرا گردیده با آلات و جهاز های رادیو الکترونیکی و ماشین‌های حساب حساس سوق و اداره و ادامه خواهد یافت .

مسابقات تسلیحاتی دنیای امروزه را بحال يك گدام مواد انفلا قیه و انفجاریه تبدیل نموده است . با فشار يك دکمه‌ایکه خوا عمداً وخواه سهواً از طرف عاقبت نا اندیشان و بی عاطفه گان بعمل می‌آید کرهٔ خاکی را با سه مایار د نفوس آن به آتش جهنم و کره ناریه مبدل خواهد ساخت علی‌رغم این همه شواهد و احضارات حربی که جریان آن دنیای پراضطراب کنونی راهر آن تهدید مینماید متأسفانه يك عده مردمی هنوز هم یافت میشوند که به فکر عدم شروع حرب بوده موجودیت اردورا در ممالک بیطرف انکشاف نیافته و غیر مترقی يك عمل شاقه، يك بارگران اقتصادی و يك منبع استهلاک تلقی نموده الغای آنرا توصیه میدارند . حالانکه جنگهای موضعی- کوریا- ویتنام- تصادم های پی‌درپی در سراسر ممالک عربی اختلاف ترکیه و قبرس تصادمات هندو پاکستان مسایل ممالک افریقایی مناقشات چین و هند، برخلافی اتحاد جماهیر شوروی و چین کمونسیت، عدم اطاعت بعضی ممالک بزرگ دنیا به اساسات و مجاهدت های صلح جو یانه ملل متحد و ادامه آزمایش‌های ذره وی تحت الارضی و هوائی مساعی تسخیر فضای خارجی ، حرکات لاقیدانه و بی احتیاطانهٔ بعضی ممالک در مورد مقتودی بمهای ذروی و سر برداشتن مرمیات رهبری شده هر کدام امارات و علائم انفلاق حرب

سوم جهانی میباشند .

تازمانیکه احساسات منفعت‌جویانه و استعماری و اختلافات سیاسی و مذهبی و اقتصادی در بین جوامع بشری موجود است جلوه‌گیری از حرب آینده غیر ممکن بنظر میرسد در حالیکه حرب حتمی الوقوع است موجودیت اردو در هر مملکت طرفدار و بیطرف، خورد و یابزرگ غنی و یاقیر از جمله احتیاجات و ایجابات ادامه حیات آزاد و حر و حفظ نوامیس ملی است . بدون موجودیت ارد و صلح و صلح وطن غیر ممکن بوده و صلح وطن صلح جهان را تامین و تضمین میکند ضرب‌المثل مشهوره «اگر صلح خواهی بچنگ آماده باش» بيمورد گفته نشده است . صلح توام با آزادی از نعمت های گرانهای خداوندی است افغانستان عزیز که از سالیان متمادی باینطرف تحت قیادت و رهنمائی قیمتدار اعلیحضرت معظم هابونی با تعقیب سیاست بیطرفی و صلح جویانه به آبادی مملکت ، پیشبرد پلانهای انکشافی و اقتصادی خود مصروف است با پیروی از اساسات موضوعه ملل متحده جداً مخالف تصادمات مسلح و محاربات موضعی‌ایکه احتمال توسعه آن همیشه انتظار برده میشود بوده و پیمان‌های نظامی تعرضی که صلح را بخطر مواجه میسازد در هر جا و هر حال تقبیح نموده حل معضله‌ها و اختلافات فی‌مابین ممالک را هموار ، از طریق صلح و سیاست مسالمت آمیز يك چاره اساسی و اقدام بشر دوستی تهی و توصیه نموده است .

مردم صلح‌جو و آزادتمش افغانستان غاصبین متعرضین و استعمار چیان را تسکیر و تلقین نموده طوریکه نمی‌خواهند بمال- متاع و خاکی آزادی مردم بنظر احتراض بنگرند با عزم راسخ و ایمان کامل به هیچ قوت و قدرتی نیز موقع نمیدهد به امور داخلی

آن مداخله نموده نعمت گران مایه آزادی ایشان را مختل و متزلزل سازد .

مردم وطن پرست افغانستان در طول تاریخ به اردوی قهرمان خود هم‌آهنگ و پشتیبان گردیده مملکت عزیز را تا این مرحله از عناصر مضره و تاثیر اجنبی پاک و منزه نگه کرده است . امروز نیز و جیبه وطنی هر فرد افغان است که با اردوی فدا کار خود بمنظور صیانت نوامیس ملی و خاک مقدس دست تعاون داده و وظایف تشریک مساعی مربوط به خود را در هر لحظه و هر وضعیت بمنظور توصل به هدف اصلی اعنی مدافعه مملکت .

تعمیل و ایفاء بدارند . البته این وظایف مشترک که مردم غیور افغان منحنیت ایجابات تحفظ و صیانت استقلال به ایفای آن مکلف میشوند بشمار بوده و به منظور تشویر اذهان عامه از طرف ارباب مسلک و صاحبان قلم و اهل تخصص عسکری وقتاً فوقتاً تصریح و در جراید و مطبوعات عسکری انتشار داده شده است .

چون در شرایط امروزه مدافعه اکتیف فضائی افغانستان توسط قواء و سایط و اسلحه مدرن اردوی شاهی افغان بعمل آورده میشود و جای شك نیست که ایفای این وظیفه مهم و مشکل در صورتی ثمره مثبت و نتیجه مطلوب خواهد داد که بالعموم موسسات شعبات و تمام عناصر و اورگان های دولتی و ملی و حتی تمام اهالی و فرد فرد مملکت در حصه خود وظایف و وجایب ایرا که در حین هر کدام تعرض احتمالی و یاقبل و بعد از اجرای حمله بان‌ها محول میگردد دانسته و تدابیر لازمه تنقیص کننده تاثیر را به بهترین شکل اتخاذ نموده باینصورت مدافعه اکتیف هوایی را اکمال نمایند . «باقیدارد»

اتحادیه های نظامی

بقیه صفحه ۸

حکومت آنجا را از پا در انداخت و کشور چین با منابع پایان ناپذیر نفوس، استعداد بشری و قدرت های مادی و اقتصادی خود به بلاک کمونیستی پیوست. این الحاق چین به بلاک شرق اسباب پریشانی و تشویش امریکا، برطانیه، فرانسه و متحدین نژادی کلتوری و اقتصادی شان استرالیا، زیلاندها، تایلند، ملایا و فیلیپین را بار آورد. در ابتدا سقوط رژیم جیانگ کایشک در چین که متحداً با امریکا و برطانیه بر علیه جاپان جنگیده بود بنا بر عدم کفایت و اقتدار آن برای برقراری ثبات و امنیت در داخل خاک وسیع چین و تحمیل بار روز افزون امداد و قرضه بی نتیجه به دوش امریکا چندان به عکس العمل آنی و شدید از طرف دول غربی مواجه نشد. امریکا خود را از تحمل بارگران فارغ حس نموده و برطانیه به امید تأمین مناسبات سود مند تری با یک رژیم ثابت و مستقر در چین، رژیم نوین آنجا را برسمیت شناخت.

بعد از استقرار رژیم توده در چین تأمین اتحاد و پیشرفت های سریع آن مملکت در ساحه های مختلف حیات، ممالک بلاک غرب

ملتفت گردیدند که زودتر از آنچه پیش بینی کرده میتوانستند رقیب خطرناک آنها خلای بزرگ شرق اقصی را پر نموده است.

به میدان آمدن جمهوریت مردم چین، کشورهای مجاور خود را طبعاً بی تأثیر نگذاشت. بزودی جنبش های ملی آزادی خواهی و ضد استعمار از آن معنأ و ماداً تقویه شدند و این دو حرکت کاملاً جدا گانه یعنی کمونیزم و مجادله با استعمار بنای توحید را گذاشت. بالاخره این حرکت انقلابی به طرد کشورهای استعماری هالند و فرانسه و عقب نشینی قسمی برطانیه از شرق اقصی انجامید.

ممالک متحده امریکا با منابع پایان ناپذیر اقتصادی و اجتماعی، در بدایت از شورش های آزادی خواهی ممالک تحت استعمار شرق دور با اساس احساسات ضد استعماری که از زمان حصول استقلال آن کشور در ۱۷۷۶ نیز د ملت امریکا موجود بود حمایت کرد اما متعاقباً متوجه گردید که جمهوریت مردم چین بنا بر نفوذ طبیعی و تاریخی که بالای همه ممالک این ساحه وسیع جهان دارد بزودی از نگاه سیاسی در ممالک همجوار اجرای تأثیر

خواهد کرد و چون ذاتاً در آن ممالک جنبش های انقلابی و هم فقرو مشکلات اقتصادی موجود است، بلاشک رژیم های کمونیستی در ممالک شرق دور تأسیس خواهد شد. باین لحاظ امریکا در صدد برآمد جلو این پیشرفت را بگیرد. برای تأمین این منظور در پهلوی حمایه از کشورهای دوست خود درین منطقه و عقد معاهدات دوجانبه با آنها، تهداب پیمان سیاتوی یعنی اتحادیه جنوب شرق آسیا را گذاشت.

این اتحادیه نظامی با اینسیاتیف و قیادت امریکا و شمول استرالیا، زیلاندها، تایلند و فیلیپین در ۱۹۵۳ بوجود آمد برطانیه و فرانسه هم که نظر بداشتن مستعمرات و مفاد سیاسی و اقتصادی در جنوب شرق آسیا در این منطقه علاقمندی داشتند باین پیمان پیوستند. پاکستان نیز با پیروی از متحدین برطانوی و امریکائی خود عضویت پیمان را پذیرفت در اتحادیه پیمان جنوب شرق آسیا مانند پیمان اتحادیه اتلانتیک شمالی و پیمان مرکزی رول عمده بدست امریکا بوده است. جنگ کوریا اگرچه در شرق اقصی واقع شد اما به نسبت مداخله هوسه ملل متحد در حرب مذکور، ممالک عضو

اتحادیه را بحیث اعضا کمتر علاقه مند ساخت.

اردوهای ممالک داخل پیمان سیاتو قبلاً نیز اساساً از طرف ممالک متحده امریکاء باسناد قرار دادهای دوجانبه تقویه و امداد میشدند. با وجود آمدن اتحادیه این کمک ها فقط ادامه یافت برعکس پیمان اتلس ممالک عضو نظر به بعد مساف و عدم اتحاد کلتور و ارتباط سریع کمتر در راه تجانس و هم آهنگی نظامی و اقتصادی پیشرفت نمودند بلکه فقط ترس از توسعه کمونیزم در بین توده های شرق آسیا و کمک های نظامی ممالک متحده امریکا و برطانیه تا هنوز اسباب مهم دوام این سازمان میباشد.

با شروع حمایه امریکا از حکومت ویتنام جنوبی در ۱۹۶۱ و عدم استقرار رژیم ویتنام جنوبی، امریکا در صدد برآمد تا از اتحادیه پیمان جنوب شرق آسیاء برای حمایه عمایات خود در ویتنام کمک بگیرد استرالیا، زیلانده جدید، فلپین و بالاخره تایلند با واگذاری بعضی مراکز نظامی شان که اساساً هم با وسائط پرسونل امریکائی بوجود آمده و از طرف آنها اداره میشد جهت استفاده نظامی امریکاء موافقه کردند بعد تر که اوضاع در ویتنام بدتر شده شکل قضیه بین المللی را بخود گرفت بعضی ممالک مذکور، یک تعداد معدود عساکر و وسائط انجنیری و صحنی به ویتنام فرستادند که به

تناسب قوای امریکائی در آنجا ناچیز بوده و لذا بیشتر جنبه امداد معنوی دارد فرانسه که از ابتدا با طرز حرکت امریکا در ویتنام موافق نبود از کمک مادی و حتی پشتیبانی معنوی امریکا در ویتنام ابا و رزید. انگلستان که وضع اقتصادی و موقف سیاسی آن مداخله مستقیم را در حرب ویتنام اجازه نمیداد از معاونت بالفعل خود را کنار گرفته است.

بحث در اطراف موقف قانونی پیمان سیاتو که آیا حقیقتاً حق مداخله در حرب ویتنام را دارد یا خیر خارج موضوع این مقاله است اما چون موضوع بحث ماموثر بودن پیمان بحیث یک اتحادیه نظامی میباشد، متذکر میشویم که در حرب ویتنام، بعضی از اعضاء اتحادیه بحیث دول منفرد بجواب و سپاس کمکهای امریکا بخودشان و هم نسبت با حساس خطر از توسعه کمونیزم چین در جنوب شرق آسیا که رژیمهای موجوده شانرا تهدید مینماید بکمک نظامی اقدام کرده اند نه بنام مجبوریت پابندی بمقررات پیمان سیاتو بحیث اعضاء آن. چنانچه اعضاء دیگر سیاتو مانند فرانسه، پاکستان و حتی برطانیه که در موضوع مفاد مستقیم و آنی ندارند از کمک به امریکاء و حتی حمایه ماموثر موقف آن کشور در ویتنام خود داری نموده اند.

تأثیر مجموعی این عوامل بر ور زمان اتحادیه نظامی سیاتو را ناتوان

و غیر ماموثر گردانید تا اینکه بالاخره فرانسه و پاکستان با اتخاذ موقعهای سیاسی جداگانه، در جلسات سالانه پیمان در ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ نمایندگان صلاحیتدار خود را نفرستاده فقط با عزام مشاهده این اکتفا نمودند و به این ترتیب عدم پابندی خود را به مکلفیت های پیمان سیاتو آشکار ساختند

۱- جامعه عرب :

نسبت به تمام اتحادیه های نظامی، ممالک عربی بیشتر دستخوش تحول و هرج و مرج بوده است چنانچه با اینکه از نظر سابقه تاریخی از همه اتحادیه های مورد بحث امروزی قدیمی تر میباشد بحیث یک اتحادیه ماموثر تا کنون جامعه عمل نپوشیده است علت بوجود آمدن جامعه عرب تأمین اتحاد ملل عربی و تأمین همکاریهای اقتصادی، فرهنگی و نظامی در بین ممالک عربی بوده و در این راه مجاهدات بیشمار و دوامداری صورت گرفته است. بوجود آمدن رسمی دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ برای این جامعه، هدف خطرناک سیاسی و دینی که بمقابل آن میبایست زودتر اتحاد خود را تقویه بخشیده جهت امحاء آن مجاهدت بخروج دهند بوجود آورد. شکست های قوای مسلح مصر واردن در بدایت تشکیل اسرائیل بمقابل قوت یهود باید اسباب تشویش و تشویق بیشتر اعراب برای استحکام بنیان متحدین نظامی عرب میگردد. اما

مخالفت‌های ذات‌البینی بین خود اعراب و پیروی هدف‌های ملی و انفرادی از طرف آنها و از جانب دیگر فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی حمایت‌کنندگان اسرائیل که نفت یعنی بزرگترین ثروت ملل عرب را بدست دارند دست‌به‌هم داده باعث آن شد که اتحادیه نظامی عرب نه‌تنها به اقدامات عملی موفق نگردد بلکه شکل و چوکات آنهم ناقص بماند.

هر واقعه نظامی که یکی از ممالک عربی را متأثر گردانیده از طرف خود آن کشور یا مملکت متحد آن که در موضوع علاقه داشته است مورد مداخله قرار گرفته اقدام مشترک نظامی جامعه عرب ناهنوز بشکل يك آرزوی دینی و ملی اعراب مترقی یا عقیده‌مانده است حمله مشترک برطانیه - فرانسه و اسرائیل بالای جمهوریت متحد عربی در ۱۹۵۶ اغتشاشات و کودتاها در سوریه و عراق محاربات استقلال‌الجزایر و محاربات یمن، بیقراری حاضره در اتحادیه عربستان جنوبی هیچکدام موءفق نشد عکس‌العمل مشترک و متحد ممالک عربی را تحریک و اتحادیه نظامی جامعه عرب را جامعه عمل بپوشاند بلکه طوریکه تذکر داده شد فقط ممالک منفرد ذیعلاقه بکمک‌های اقتصادی و معنوی و مداخله‌های نظامی پرداختند.

۷. آیا اتحادیه‌های نظامی

روزوال است؟

از تحلیل فوق شاید چنین نتیجه گرفته شود که اتحادیه‌های نظامی بتدریج ضعیف‌شده از بین می‌رود و این مفکوره را ضعیف شدن

رشته‌های که دول عضو را بهم مربوط می‌سازد و ناشی از علل آتی می‌باشد تقویه مینماید:

بمیدان آمدن موقوف‌های مستقل ممالک عضو بنا بران تأمین اعتماد به نفس و تحکیم بنیان اقتصادی و اجتماعی، کم شدن خطر طرف مقابل که پکت‌ها بمقابل آن بوجود آمده ترجیح مفاد ملی بر مفاد اتحادیه بر حسب ایجاب طبیعت بشری و پیشرفت افکار موقع پرستی و استفاده جوئی آتی در جهان اما باید ملتفت بود که اعضاء مؤسس پیمان، الاستیکیت و وسعت نذر بی‌مانندی در مورد اعضا غیر موافق و بمقابل ناکامی‌ها در برابر حوادث واقعه از خود نشان داده و کوشیده‌اند بهر شکل ممکنه چوکات تیوریک پیمان را با وجود نواقص و محدودیت‌های واضح آن از شکستن نجات دهند. چنانچه این حقیقت در مورد اتحادیه اتلس بدون عضویت فرانسه و علی‌الرغم اختلافات ترکیه و یونان در موضوع قبرس، در مورد پیمان سنتو بعد از حرب هند و پاکستان و در خصوص اتحادیه سیاتو با وجود دوام حرب در ویتنام و بی‌علاقه‌گی فرانسه و پاکستان به پیمان مذکور صدق میکند پس نا زمانیکه این الاستیکیت در ساختمان و موقت اتحادیه‌های نظامی ادامه یابد - و دلیلی هم نیست که ادامه نیابد - پیمان‌های نظامی امر وزی جهان مانند اتحادیه‌های نظامی سلف آن در قرون اخیر اغلباً تا زمان وارد شدن کدام تحول بزرگ

جهانی چون حرب عمومی سوم و امثال آن ادامه خواهد یافت و اینسکه اکثر اعضا پیمان‌های نظامی کمک‌های عسکری و اقتصادی نیز از این مدرک حاصل میدارند و از عضویت آن فعلاً ضرر مادی را بخود متوجه نمی‌بینند بدوام آن بی‌میل نخواهند بود. فقط ممالکی که ار نظر سازمان اجتماعی و قدرت اقتصادی بحدی برسد که ضررهای معنوی عضویت اتحادیه را نسبت بمفاد مادی آن بیشتر قیمت بدهد ممکن است رسماً و علناً عضویت خود را منحل نماید مانند فرانسه که با وارد آوردن ضرر به برپیکر اتحادیه اتلانتیک مفاد معنوی بیشتر برای خود در انظار مردم جهان و ملل بیطرف کمائی نمود.

اما جریان تحول اتحادیه‌های نظامی و عدم کفایت و قدرت آن بحیث یک حربه نظامی موثر در مقابل جریانات که اقدام عملی را ایجاب مینماید یک موضوع را بجهانیان روشن ساخت و آن اینست که قیمت حقیقی چنین اتحادیه‌ها نسبت به ارزش نظری مندرجهء مرامنامه آن بسیار کمتر است و اگر بنا باشد کدام دولت مقتدر نظر بضرورت سیاست خود به تشکیل چنین پیمان چند جانبه اقدام نماید دولت دعوت شده باشک و تردد زیاد موضوع را مطالعه خواهد کرد و باسانی موقت آزاد و اعتبار جهانی خود را بمعرض چنین تجربه و امتحان غیر موفق نخواهد گذاشت.

شرق وسطی

بحران بیست ساله اعراب بایهودی‌ها

حوادث اخیریکه در شرق وسطی از ناحیه حملات یهودیها بر ملل عرب صورت گرفت یکبار دیگر دنیا را نکان داده و همه جهانیان را قرین تأثر و اندوه ساخت با این تجاوز علنی افکار عمومی مردم دنیا بشدت علیه اسرائیل برافروخته گردید و در موسسه ملل متحد بکرات از حملات و تجاوزات یهود بر عرب نکویش بعمل آمد و آن را تقبیح نمودند مردم مسلمان افغانستان با توجه به علایق مذهبی و روابط صمیمانه که با کشورهای عربی دارند و بالاتر از همه با توجه بروحیه حقیقت طلبی تنفر از هر نوع تجاوز با مظاهرات و اجتماعات مختلف از موقف برادران عربی خویش حمایت کامل و رسمی بعمل آورند درین مقاتل کوشش بعمل آمده تا بصورت بیطرفانه موضوع بحران بیست ساله اعراب بایهود مورد تدقیق قرار گیرد شما خوانندگان عزیز مجله اردو مطالب تازه و موضوعات جدیدی را از خلال مطالعه آن درک خواهید فرمود در مضمون موجوده احوالات جایگزین گردیدن یهودیها در فلسطین و تجاوزات گوناگونی که بمردم عرب از ناحیه آنها صورت گرفته و موجب آواره گردیدن هزاران فامیل عرب شده بوضاحت شرح داده شده است یقین داریم از مطالعه آن استفاده خواهید فرمود .

این جنگ مانند یک تفنگچه پر - مانند بمب حاوی یک درجن مواد محترقه - هفته قبل سیده دم بر شرق میانه قتل عام قریب الوقوع صورت گرفت . در کوچه های شهر دمشق دکانداران تحت تمرینات تهاجم هوایی قرار داده شدند در مساجد قاهره مردم از طرف مبلغین دینی با جرای جهاد ترغیب شدند . در شهر مقدس جروسولم که

قبلا بین عرب و اسرائیل تقسیم شده است با طفال یهود ابلاغ شد تا هر کدام دوعدد بوجی ریگ را برای تحکیم مکاتب شان تهیه نمایند . در عین حال بهر دو طرف سرحدات خاک یهود و مصر و با متداد سرحدات یهود و سوریه و یهود واردن صدها تانک و هزاران نفر بمقابل یکدیگر داخل مواضع صف آرانی نموده و منتظر فرارسیدن امر

تعرض بالای یکدیگر شدند . در جمله تمام این چیز های بسیار مهیم همانا نقب گذاری آبنا ی تنگ « تیران » واقع خلیج عقبه در امواج خروشان سیاه آبی رنگ و چابجا شدن طوپچی قوی در بالای ساحل آن از طرف جمهوریت عربی متحد که بدین صورت معبر بحری یهود با آسیا و شرق افریقا مسدود گردید بشمار میرود .



جمال عبدالناصر با واتانت سرمنشی ملل متحد .

بحرانهای کنونی شرق میانه از قرن بیست ریشه میگیرد ز مانیکه ورود مهاجرین «ز یو نیست ها» بفلسطین آغاز گردید قسمی از آنها امپراتوری عثمانی را تشکیل و رویای بوجود آمدن دولت مدرن یهود را در مغز خویش میپرورانیدند، در دوران حرب عمومی اول جهانی برای اینکه انگلیس ها حمایه یهود را بمقابل جرمن ها در حرب حاصل نماید اعلامیه « بالفور » را نشر و در ضمن از مساعی یهود حمایت گردید چینیکه حرب اختتام یافت موعسه ملل متحد فلسطین را تحت قیمومیت برطانیه در آورد . اما عربها در آن زمان بمسکون ساختن یهود در فلسطین مخالفت ورزیده و برطانیه اجباراً از تصمیم اولی اعلامیه بالفور منحرف شده و در اواخر ۱۹۳۰ مهاجرت یهود بفلسطین تمام ، لیکن به سکتگی صورت گرفت . بعد از حرب عمومی دوم جهانی مهاجرت دوباره باین خطه با موجودیت مخالفت « نمایندگی مهاجرت فلسطین » آغاز و کشتیهای معلو از یهودیان که از کمپ های محبوسین شاقه

ماشیندار ، توپ و تانک و طیاره قوای استعمار و مستمکاران یهود یافته قسم اعظم ایشان جام شهادت را نوشیده افتخار ابدی را در بهای حمایه از حق کمایی و متباقی فلسطینیهای محبوسین جنگ با فاسلیهای شان با هزاران ظلم و شکنجه های گوناگون فبسیع ننگین و شرم آور از وطن اصلی شان کشیده تقریباً هشتاد هزار نفر را محتاج چادر نشینی صحراهای سوزان شرق میانه ساخته و استعمار یون آنها را بنام « اوارگان فلسطین » مسمی ساختند اما نگفتند از کجا و بچه نسبت و توسط کدام گروه آواره شدند . لیکن مطبوعات استعمار برای اینکه افکار عامه را تحریف نمایند آنرا بنام تعرض اعراب بالای یهود یاد و بشکل شمه محار بوی آنرا در آوردند : در اواسط ۱۹۴۹ : موعسه ملل متحد کمیته را تشکیل و محاربه را ذریعه متار که ختم کرده اردن بعضی قسمت های فلسطین و مصر قطعه باریک غازه را بتمبرف در آورد . در ماه می ۱۹۵۰ : ایالات متحده امریکا ، برطانیه و فرانسه خود سرانه سر نوشت اعراب را تعیین کرده بنام اعلامیه ممالکک ثلاثه نشر و در آن

نومبر ۱۹۴۷ : در آن تاریخ اسامبله عمومی موعسه ملل متحد با پشتیبانی قوی استعمار یون که در آن زمان اکثر قسمت مردم مظلوم گیتی در زیر شکنجه استعمار حیات بسر میبرد خود سرانه بلاحق استحصالی رای گردید که « عرب و یهود » مشترکاً در فلسطین دولت تشکیل نمایند . عربها به عصب حقوق خویش بقبول این فاجعه المناک که در اثر جبر و مظالم استعمار یون بوجود آمده بود تن در نداده و با حیای حق مشروعه خود ثابت مانده مرگ را بر حیات ننگین ترجیح داد : و با اسلحه دست انداختند .

می ۱۹۴۸ : داوید بنگورین صدراعظم سابقه یهود در آن زمان استقلال اسرائیل را اعلان نمود و اردوهای ضعیف اردن ، مصر ، لبنان ، عراق ، سوریه و دسته از عساکر عربستان سعودی که با سلاحهای خیلی ابتدائی مجهز و حتی بعضاً بدون سلاح با داشتن چوب و تبر صرف بنام « وجاهدونی سبیل الله » زن و مرد پیر و جوان بدون حمایه لوزستیکی در بیابانهای سوزان بدون آب با پای پیاده و برهنه داخل میدان معرکه شده جانهای بی دفاع خود را در برابر

نازی رها شده بودند داخل آن گردید در عین حال دسته های مسلح یهود که از طرف آنها بمقصد تجاوز با عراب داخل فلسطین بوجود آورده شده بودند باذیت ساختن قطعات برطانیه که بفلسطین آورده شده بود مبادرت ورزیده در مقابل عربها نیز بالای این مسکونین یهودی از هر طرف تعرضات شروع نمودند در ظرف یکماه این خاک در اثر دسایس گوناگون انگلیس ها بحرب داخلی سه جانبه مواجه شده و در سال ۱۹۴۷ حکومت برطانیه از مقابله باین وضعیت عمداً خودداری نموده و موعسه ملل متحد ارجاع ساخت .

ازورای معلومات فوق و آینده برمی آید که چگونه دولت های استعماری خاک اعراب بی دفاع را بچنگال گرگان خونخوار یهود قصداً در آورده و باروی کار آوردن این دسیسه ملکیت شخصی آواره گان فلسطین را بگروه مهاجرین یهود سپرده و حامیان این واقعه دلخراش حق را باطل بدنی تحت پرده ملل متحد معرفی و با اعلامیه های آتی عدالت بین المللی را مختل و عامل اصلی رویکار شدن دولت یهود میشوند .

تمامیت و حاکمیت سرحدات یهود و عرب تضمین شده بود. اما قدرت موجود نبود که بموافقه کی و از تضمین سرحدات مذکور ممالک سه گانه چه مجبوریّت دارد. بانهم اعراب دلیر و جسور بصدای ایشان کدام اعتنای نکرده تصادمات مسلحانه را بامتداد سرحدات خویش شجیعانه ادامه دادند.

در ماه اپریل ۱۹۵۴: دگرمن جمال عبدالناصر ز عیم محبوب عرب قاید ملی مضر و قهرمان کانال سویز زمام حکومت را بدست گرفته بر طانیه را متوجه این امر ساخت که «کانال سویز مال حق مردم مصر است باید بمصریها تعلق گیرد» و تقاضا نمود که پایگاههای عسکری بر طانیه در منطقه کانال سویز تخلیه گردد.

این اعلان تهداب مستحکم کاخ استعمار انگلیس و دیگر ممالک استعماری را در شرق میانه متزلزل ساخته اعصاب استعمار گران صدمه

بزرگ برداشته دیوانه وار بهر طرف بلا اراده دست و پاچه شدند. در ماه ستمبر ۱۹۵۵: جمال ناصر برای استحصال معاونت بغرب مراجعه نموده اما غرب بدادن کمک قطعاً موافقه نکرده مملکت اتحاد شوروی و چکوسلواکیا دست کهمک را بمصر دراز و بالتیجه بمعاهده خرید پنبه در مقابل سلاح طور موفقانه خاتمه یافت و جمال عبدالناصر «کانال سویز» را ملی ساخت.

در ماه های اکتوبر و نوامبر ۱۹۵۶: خطر اسلحه از ممالک کمونستی متوجه استعمار گردیده ایالات متحده امریکا پیشنهاد مصر را در تعمیر بند اسوان قبول نکرده بر طانیه. یهود و فرانسه پلان محرمانه تجاوزی را بالای مصر که حق مشروع خود را بدست آورده بود ترتیب و حرکات عسکری خود را در مقابل مصر که «غصب حق مشروع مردم بی دفاع از طرف زورپیشه گان استعمار میباشند»

کورد ناسیون نمود. در اثر ان اولاً یهود میجاوز تعرضی را بالای مصر آغاز و با امتقامت کانال سویز در بین شبه جزیره سینا تقرب نموده سپس قطعات انگلیس و فرانسه در قسمت شمال کانال سویز پیاده شدند.

تعرض ناحق مثلث یرخاک مصر بر رهبری یهود فتنه انگیز توجه مردم دنیارام بذول و حمایت اکثر ممالک صلح دوست را منجمله افغانستان بخود جلب نمود.

درین اثنا اتحاد شوروی اقدام مسلحانه را در زمینه ابلاغ نمود. در ماه نومبر و دسمبر ۱۹۵۶ در اثر فشار اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا برای برقراری متار که موافقه و بتعداد ۶۰۰۰ نفر قوای صلح موسسه ملل متحد در مصر جابجا گردیده بر طانیه و فرانسه قوای خود را عقب کشیده اما عدالت بین المللی باین تعدی و تخطی ممالک



سه گانه توجه نکرده و یهود و حامیان آن یکدوم جزای بین المللی محکوم نشده و تا اکنون بتشویق و ترغیب یهود از طرف بعضی دول پرداخته میشود. هر گاه ممالک متعرض مثلث از نگاه ایجابات عدالت اجتماعی بین المللی محکوم بارتکاب جرم شان میگردد هیچگاه اسرائیل جرت تجاوز را نداشته و صلح در آن سامان دایماً قائم میبود

در ماه جنوری ۱۹۵۷: رئیس جمهور سابقه امریکا ایزنهاور دوباره مکافاتاً با اسرائیل تضمین سرحدات ممالک شرق میانه را اعلان نمود.

در ماه مارچ ۱۹۵۷: ایالات متحده امریکا حق عبور یهود را در آبنای تیران که از ملکیت جمهوری متحده عرب میباشد اعلان نمود.

در صورتیکه با اساس عدالت بین المللی هیچ ملت قوی وضعیف حق مالکیت دولت دیگر را مختل ساخته نمیتواند.

در ماه مارچ ۱۹۵۸: عقب نشینی یهود از غازه و ابنای تیران اكمال و قوای ملل متحد آن را اشغال نمود

در ماه جولائی ۱۹۵۸: جنگ داخلی در لبنان شعله ور و حکومت شاهی عراق از بین رفت باین تقاضای حکومت آن وقت لبنان بحریه ایالات متحده امریکا در لبنان پیاده شده و قطعات پراشوتی انگلیس در خاک اردون فرود آمده و قسمی از آن را نعمان اعزام نمود.

در ماه مارچ ۱۹۶۰: صدر اعظم سابقه یهود بنگورین اعلام نمود که مسیر رودخانه اردن را برای آبیاری صحرائی نجف برگرداند اما عربها بان مخالفت ورزیدند.

در ماه سپتمبر ۱۹۶۲: انقلاب داخل یمن باعث شد تا حکومت سابقه یمن سقوط و در عوض حکومت جمهوری یمنیان آمده برای حمایت آن از طرف

حکومت جمهوری متحده عربی بتعداد ۴۰۰۰ نفر ارسال و تا اکنون مناقشه فی مابین عربستان سعودی و جمهوری متحده عربی از نگاه حمایه رژیم وجود دارد.

در ماه می ۱۹۶۳: رئیس جمهوری فقید امریکا جان اف - کندی دوباره تعامیت سرحدات شرق میانه را با اعلام یک بلاغیه تأیید نمود.

در ماه می ۱۹۶۷: اسرانیل به برگشتاندن مسیر آب دریای اردن به بحیره گالیه آغاز و عرب در مقابل یهو یان پلان برگردانیدن دریای اردن را به مفاد خودشان احضار ساخت.

در ماه فبروری ۱۹۶۶: دسته از حزب بعث حوریه زمام امور را بکف خویش گرفته و اجازه فعالیت اردوی آزادی فلسطین را برای احیای حقوق خویش در خاک اسرانیل صادر نمود، در ماه اگست ۱۹۶۶: جان سن، رئیس جمهور امریکا دوباره حق تعامیت سرحدات ممالک هم جوار اسرانیل را تأیید کرد.

در ماه نومبر ۱۹۶۶: جمهوری متحده عرب و سوریه پکت نظامی را در بین خویش امضاء و قرار گاه مشترک عسکری را تشکیل نمود درین وقت اسرانیل بالای یک قریه اردن حمله و چندین نفر از ساکنین آنرا به قتل رسانیده و قریه را مگلا آتش زدند مجلس شورای امنیت اسرانیل را درین مورد مسئول حادثه اعلان نمود. در ماه می ۱۹۶۷: تصادمات سرحدی سوریه و اسرانیل در زمستان و بهار ادامه داشته تا بالاخره یهود در بحر به هوائی چند طیاره سوریه را سقوط داد صدر اعظم اسرانیل لیوی اشکول سوریه را تهدید و اخطار داد.

خوانندگان گرامی مجله اردو با مطالعه رویدادهای فوق میتوان نتیجه حاصل نمود که تاکنون یهودیان متجاوز

چه رول را در اعراب بازی و به چه صورت سیاست مداران دنیا را بچوله های گوناگون طرفدار خود ساخت و سیر امواج جبر و ستم گیتی را یکدوم ترتیب به نفع خویش رهنمائی میدارد. سوابق تاریخی را خاتمه و ازین جا واپس به اصل موضوع برگردیم با نأسف مطلعیم که حرب در شرق میانه میتوان جرقه حرب نهائی را در سرتاسر جهان تسو لید و جها نیان آنرا به نظر هو الناک مشا هیده خواهد نمود در طول مدت تمام هفته دیپلومات ها بالای ابحار پس و پیش رفت و آمد نمودند. سکرتر جنرال مؤسسه ملل متحد بناغلی اوژانت به قاهره و ابائمان وزیر خارجه یهود به بانیاں خویش و وزیر دفاع مصر جهت مذاکره به ماسکو پرواز نمود از بسی پتخت های ممالک دنیا اعلامیه های تهدید صلح اعلام گردید بملاحظه سوابق تاریخی که در فوق از آن تذکره عمل آمد غصب اراضی عرب از طرف اسرانیل در فلسطین سابقه طولانی بیست ساله را دارا بوده در ظرف همین مدت هیچ یک طرف ازین گروپ به حل آن مؤفق نگردیده اند:



در وهله اولی خطر متوجه فعالیت زار عین یهود در اوائل ماه اپریل می باشد . زیرا درین فصل زار عین یهود تراکتور های مجهز خویش را در منطقه بی طرف کشیده به قلبه و حاضر ساختن زمین برای گندم فعالیت میکنند . سوریه متماً دپا این حرکت یهود را تخطی سرحدات خود دانسته لیکن درین سال ادعای خود را باطیارات میگیت جیت شکاری تقویه نمود . درین محاربه اسرائیل شش نفر و سوریه چهار نفر خود را از دست دادند بعد از مرور یک ماه قوای گوریلائی سوریه یک سرك را نقب گذاری نموده چندین نفر ملکی را به قتل رسانیده و اسرائیل مدعی شد که این عمل ذریعه عسکر منظم سوریه صورت گرفته باید شدیداً مجازات شوند. بدین صورت اسرائیل فیصله نمودند که حتماً باید به این وضع خاتمه داده شود ، چنانچه از آخرین لوی درستیز اسرائیل بصورت واضح در محضر عامه اظهار داشت که روزی دمشق را تصرف و حکومت سوریه از پاپر انداخته خواهد شد صدر اعظم اسرائیل (لیوی اشکول) اظهار داشت که (اسرائیل زمان ، محل و وسائل تعرض مقل را انتخاب خواهد نمود) بدون شك و تردید یهود پلان تعرضی را بالای دمشق احضار و این مطلب برای سوریه یک اشاره 'یقاظ' شده شد و حکومت سوریه از جمهوری متحده عرب تقاضای کمک نموده معاهده دفاع را بین خویش امضاً نمودند موجودیت قوای ملل متحد باعث شده بود که قوای عسکری جمهوری متحده عرب و اسرائیل از هم دورنگاه داشته شده و مالک دیکر عربی در آزادی فلسطین سهم مستقیم داشته باشند ازین جهت جمهوری متحده عربی امر اخراج قوای صلح ملل متحد را صادر و جنرال

ربکی تقاضای محمود ، فوزی وزیر خارجه جمهوریت متحده عرب راحین نان چاشت در نیویارک نقلاً ابلاغ نمود و او تانانت امر اخراج قوای مؤسسه ملل متحد را صادر و در ممالک غربی فرد عادی را متوجه این امر ساخت که چرا قوای اسرائیل و جمهوریت متحده عرب رو بروی شده اند و (اوتانت) تحت باران انتقاد واقع شد .

اردوی مصر به جنرال قوای صاحب مؤسسه ملل متحد توضیح ساخت که یکم ترین فرصت محلات خود را ترك کنند زیرا امنیت آنها در هرچو حالات امنیت قوای صلح ملل متحد را تأمین نمود .

در لندن اکثر مردم میگفتند هرگاه حرب بین یهود و عرب شروع گردد مؤرخین باید این حرب را بنام حرب اوتانت یاد نمایند بدین صورت تحت انتقاد حامیان یهود واقع گردید .

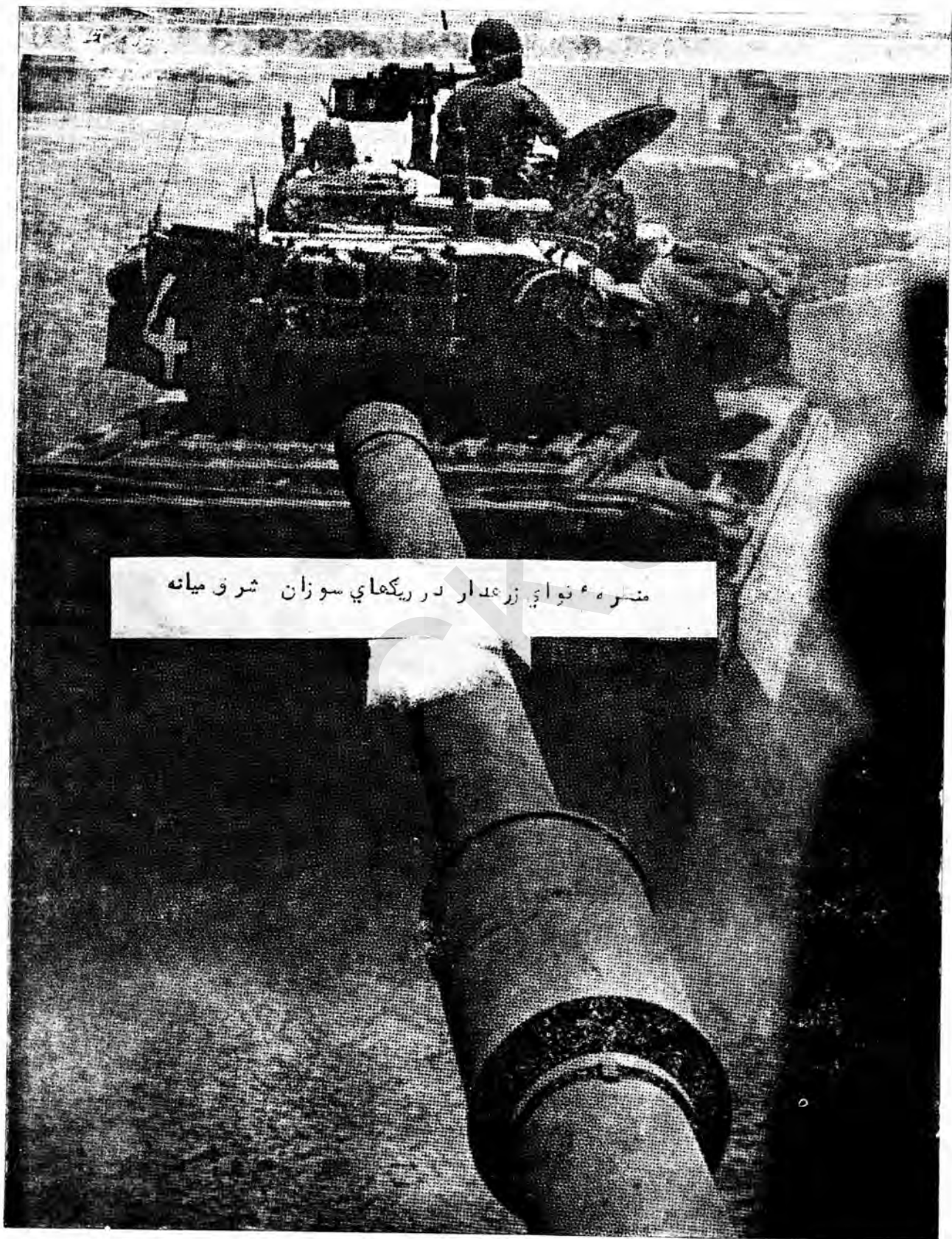
در برابر این انتقادات سرمنشی مؤسسه ملل متحد شاغلی (اوتانت) بر دو دلیل اتکا داشت نخست قوای صلح ملل متحد در خاک جمهوریت متحده عرب جا بجاشده و حفظ آن در خاک خویش با خود حکومت مذکور تعلق داشت ازین حیث موضوع مذاکره مورد نظر به مرجع دیگر به میان نمی آید .

ثانی اینکه از روی جمهوریت متحده عرب زمان محدود را برای جنرال (رکی) قوماندان قوای صلح مؤسسه ملل متحد داده و امنیت را تضمین نمی نمود .

به هر صورت این کار به حالت اوضاع افزوده تاثیر آن صرف به امتداد ۱۷ میلی سرحد شبهه جزیره سینا منحصر نمانده بلکه تاثیر آن بسیار بعید بالای نزدیکترین عسکر اسرائیل وارد آمد در بالای نقطه مرتفع ترین موضع مستحکم در شرم الشیخ که آبنای (تیران) را پاسپانی می نماید

تاثیر رند اخته این محل از ساحل چندان بعید نبوده یک تعداد جزائر و سنگهای بزرگ به حیث مانع بزرگ وجود داشته تمام جهازات بحری ازین مدخل باریک به خلیج عقبه داخل میشوند فراخی این محل نیم میل بوده توسط توپ ها از ساحل غربی و ساحل مصر بصورت خیلی آسان اداره میشود .

قبل از سال ۱۹۵۷ مصر ازین وضع سوق الجیشی تنگنای تیران بصورت اعظمی استفاده نموده هر یکی از کشتی های که به اسرائیل عبور مینمود آنرا مانع شده بدین صورت مسافت ۱۱۵ میل خلیج عقبه را تحت کنترول و (درواز عقبی) اسرائیل به بحر مسدود شده بند ایلات اسرائیل که در انتهای خلیج عقبه موقعیت دارد از فعالیت باز ماند. بعد از اشغال شبهه جزیره سینا که از طرف یهود چهار ماه (شرم الشیخ) تحت اشغال بوده در مدت اقامت قوای صلح مؤسسه ملل متحد درین منطقه عبور و مرور کشتی ها آزاد بود در مدت این ده سال عبور کشتی های اسرائیل آزاد و بندر ایلات در فعالیت بود . نود فیصد تیل مورد ضرورت مواد سوخت حیاتی اسرائیل از خلیج فارس بندر ایرانی به بندر ایلات مواصلت ورزیده و قسم اعظم تجارت یهود به ممالک شرق افریقا ، هندوستان و جاپان ازین مدخل به شرق صورت میگیرد (در حالیکه دائماً کانال سویز برای کشتی های اسرائیل مسدود میباشد) . فی الواقع جرو سولومنی القور این الارم را در هفته گذشته اخذ نمود طرریکه قوای مصری به ارتفاع شرم الشیخ عودت نموده و قائق های نقب گذاری مصر در تمام آن منطقه نقب گذاشته راه باریک عبور کشتی ها را در تنگنای تیران باز گذاشته و شاغلی جمال عبدالناصر در اجتماع عسکری ابلاغ نمود که : (در تحت



منظره نوای زردار در ریگهای سوزان شرق میانه

هیچ حالت مایه عبور پرچم یهود در خلیج عقبه اجازه نخواهیم داد) درین وقت یهود این وضع را به حرب تهدید نموده ناصر در مورد چنین گفت :

« ما از شما بجز ب استقبال می کنیم این آب از ما است » صدراعظم یهود در پارلمان اظهار داشت که مداخله در عبور آزاد کشتی های بحیث (عمل تجاوز علیه یهود) تلتی خواهد گردید و اضافه نمود که برای این مقصد حمایه دیگر قدرت ها کشتی رانی موجود بوده این کار (تخلف صریح از قانون بین المللی) بشمار می رود .

وضعیت تنگنای تیران پیچیده تر بوده عربستان سعودی، اردن، اسرائیل جمهوریت متحد عرب به آن سرحد مشترک دارا بوده کنترل دائمی عبور کشتی ها مشکل دیگر را بعیان آورد در حالیکه خلیج عقبه را جمهوریت متحد عرب ملکیت خود میداند .

از مطالب فوق بر می آید که محاصره تنگنای تیران و دوام این حالت به مفاد اعراب و به نقص یهود تمام میشود بناً یهود طرفدار ختم محاصره به هر وسیله که باشد بوده و از راپور های مطبوعاتی و بیانیه وزیر دفاع یهود بر می آید که یهود خیلی قوی و بالای خود اعتماد تام داشته و میتواند با پشتیبانی طرفدارانش با قوای عربی مقابله نماید .

از طرف دیگر منطقه شرق میانه از نگاه سوق الجیشی حصه حساس و نقطه ارتباط گیتی بشمار رفته به نسبی که ۷۵ فیصد تیل ممالک غربی از این نقطه ا کمال میشود ممالک غربی حتی ممکن از مداخله عسکری مستقیم خودداری خواهند نمود هر گاه وضعیت یهود متزلزل گردد امکان مداخله عسکری از طرف حامیان و بنیان گذاران

یهود موجود بوده مداخله آن توسط قوه بحری از طریق مدخل عقبی مدخل پیشروی و یا عباره دیگر (دروازه عقبی خانه یهود از راه تنگنای تیران و دروازه پیشروی خانه یهود از طریق بحیره مدیتر اند) خواهد بود .

به موجب خبر های مطبوعاتی شعله جنگ شرق میانه روز دوشنبه ۱۴ / ۳ / ۴۶ : اثر تعرض یهود بالای اعراب آ آغاز گردید هر گاه یهود درین حرب به موفقیت نائل میگردد عربها دائماً ولو که صلح هم قائم گردد زیر تاثیر یهود خواهند ماند .

هر گاه کامیابی تصیب اعراب میگردد یهود بصورت دو مدار تحت احاطه عرب خواهد بود و این زمان است که مقاصد مشروع اعراب فلسطین بر آورده خواهد شد .

قوای عرب

مصر

عسکر - ۳۰۰۰۰۰

تانک - ۱۰۰۰

طیاره - ۶۰۰

سوریه

عسکر - ۱۱۵۰۰۰

تانک - ۶۰۰

طیاره - ۱۳۰

عراق

عسکر - ۸۲۰۰۰

تانک - ۳۵۰

طیاره - ۲۰۰

اردن

عسکر - ۷۰۰۰۰

تانک - ۲۰۰

طیاره - ۵۰

عربستان سعودی

عسکر - ۲۵۰۰۰۰

ممالک طرف دار یهود مقایسه

قوتها را به ترتیب فوق نشان داده اند

قوای یهود

عسکر - ۲۱۰۰۰۰۰

تانک - ۸۰۰

طیاره - ۴۵۰

قرار راپور های مطبوعاتی در طول تمام مدت جنگ يك روزه وضع بدین قرار بود :

قوای هوایی یهود بخط مدافعه هوایی عرب ها نفوذ نموده میدانهای جوار قاهره و کانال سویز شبه جزیره سینا و موضع سوق الجیشی، مصر دمشق و عمان را بمبارد مان نموده گروپ هوایی اعراب نیز به خط مدافعه هوایی یهود نفوذ نموده است اما در هوا چانس موفقیت به یهود همراه گردیده بود در محاربه زمینی بر اساس ادعای لوی در ستیز اردوی یهود قوای یهود سرحد شبه جزیره سینا را عبور نموده منطقه غره را سقوط و العریش را اشغال نموده غنائم و اسرای حربی را بدست آورده است از طرف دیگر مصر ادعا مینماید که قوای زره دار عرب سرحدات یهود را نفوذ نموده است .

نتیجه مناقشه وضعیت این خواهد بود که موفقیت بطرف قوای بری یهود در روز اول حرب همراه بوده و به موفقیت های خوبی نائل گردیده اند .

برای اثبات این دلائل ذیل اقامه می گردد :

۱- ایالات متحده امریکا و انگلیس در حرب یهود و عرب ها بی طرفی خود را اعلان نمود و تقاضای فوری اور بند را از شورای امنیت نموده با تعمیل این يك قسمت از خاک اشغال شده اعراب از دست خواهد رفت . زیرا یهود مقاومت حرب طویل را نداشته و حرب مذکور را به صورت ناگهانی آغاز نموده و موفقیت های حربی، سیاسی و اقتصادی در حرب کوتاه یهود را همراهی مینماید .

۲- اتحاد شوروی اعلان نمود که مواد اوربند در صورتی عملی شده میتواند که تمام قوای داخل محاربه به محلات اصلی خویش که قبیل از شروع محاربه قرار داشتند بدون قید و شرط عودت نمایند . از نشر دوتوع ابلاغیه فوق برمی آید که یک قسمت از خاک اعراب در تحت اشغال در آمده و در صورت عملی شدن اوربند یهود یان در بدل تخلیه رقع محاصره خلیج عقبه و یا امتیازات دیگری را طالب خواهند گردید ازین حیث اهداف یهود بر آورده خواهد شد .

در مقابل ممالک عربی برای احیای حقوق مشروع عرب های فلسطین بالای حامیان یهود بنادر بحری خویش را بروی ورود کشتی های بحری بستند و منابع طلای سیاه (تیل) را بالای آنها قطع و مناسبات سیاسی خود را نیز قطع و گروپهای قوای محارب ممالک عربی در جمهوریت متحد عرب به تحشد آغاز نمود .

در اصل حقیقت ممالک عربی با قدرت خیلی ضعیف خویش در وهله اولی حرب داخل شدند هر گاه حرب ادامه مینماید قدرت های حربی ، اقتصادی و سیاسی ممالک عربی طور مطلوب کوردیده گردیده و در نتیجه بضع اسرائیل منجر و حمایه کنندگان آن در زمینه اقتصادی متضرر میشوند .

نتیجه :

اگر اسیون حرب چهار روزه یهود متجزوز بالای عرب ، طوری ترتیب و تنظیم شده بود که گویا تمام حرکات قوای عرب بروی یک آینه و یایک پرده تلویزیون بصورت مکمل بداخل قرار گاه وزارت دفاع یهود در هوا ، بروی جراثکارا دیده شده موقعیت طیارات بروی میدان هامرکز

ثقل قوت ها ، نقاط ضعیف قطعات عرب باخصوص جمهوریت متحد عرب طور دوامدار تعقیب و در مقابل قوای یهود به استقامت های قوای عربی در بالعموم ساحه حرکات رهنمائی می شدند .

چنانچه در مرحله ابتدائی آغاز حرب طیارات قوای عربی تماماً بروی میدانها موقعت داشته و قوای عربی آن در صفحه احضارات و قسم لیل آن به تحشد و استعمال موضع اول مدافعه گذشته بودند که تعرض شوم هوائی وزمینی خیلیها شدید یهود بصورت ناگهانی آغاز و قوای عرب یهود به نقاط ضعیف قوای عرب با مرکز ثقل قوی به استقامت شبه جزیره سینا تعرض خود را توجیه نموده و به اطلاع یافتن قبل الوقت بشکل نظام محاربوی قوای جمهوریت متحد عربی بردند پیش از پیش طبق مشاهده صحنه محاربه حرکات خود را « عیار » و در همه نقاط الی اعلان متار که حسب دلخواه - خون ریختن هزاران بی گناه ادامه دادند .

مشاهده مداوم صحنه حرکات بروی پرده اطاق عملیات قرار گاه دفاعی اسرائیل توسط سازمان های متعدد و بسیار قوی شبکه های کشف و اخذ خبر مودرن مراجع و منابع کثیر صورت گرفته است .

البته منابع و مراجع آن زیاد بوده در عصر حاضر یکی آن هم استحصال معلومات کشف لاینقطع « از طریق خلا بالوسیه اقمار ، مصنوعی » میباشد دست یافتن یهود بران به هر رسم و رواج و از هر مرجع که بود باعث آن شد تا موازنه قوا را در شرق میانه متزلزل و وضع حرب را تغییر نماید . زیرا طیارات - قوط داده شده یهود توسط قوای دافع هوای عرب از

تخمین تعداد اصلی آن زیاد بوده و در زمینی از محلات نامعلومی به اهداف داخل خاک عرب توجیه شده اند که طیارات قوای عرب در حال انداختن مواد سوخت و یایک مرحله نازک دیگر بوده اند .

هکذا قوای زره دار و مرکز ثقل قوای یهود به محلات خطر ناک جبهه قوای عرب در روی اراضی هموار توجیه گردیده اند که این کار صرف نوسط « هدایت قوای محارب ذریعه اقمار مصنوعی از طریق خلا » تأمین شده می تواند و بس .

از نگاه - نسیس این کار ذریعه کشف دوامدار توسط اقمار مصنوعی در اراضی « غیر مستور » مانند صحرای شبه جزیره سینا و حوزه ممالک شرق وسطی بصورت عمومی ممکن شده می تواند .

به ترتیبی که هر گاه یک قمر مصنوعی با داشتن حموله لازم و وسایط محاربه از قبیل رادار ، کمره های متنوع تلویزیونی و عکاسی ، ماشینهای مغز الکترونیک ، وسایط اخذ و ارسال و غیره بالای شبه جزیره سینا به ارتفاع معین بحال سنگرونوس (سرعت حرکت آن مطابق سرعت حرکت زمین باشد) و یا بالای نقطه دیگر شرق میانه که مناطق مذکور را دوامدار ترصد کرده بتواند قرار داده شود و دستگاه های ارتباط محاربه وی قمر مصنوعی مذکور به فره کانس معین نتایج ترصدات رابه استیشن های قرار گاه عمومی یهود واقع خاک اسرائیل و یایک محل دیگر طور اتومات ارسال نماید و در مرکز مذکور (قرار گاه یهود) عن تبیب وسایط ارتباط محاربه قمر مصنوعی بعین فره کانس اخذ نماید نتیجه محصله آن باستجش ماشین های مغز الکترونیک فرمانندان قوای یهود برویت آن

میتوان تدابیر مؤثر اتخاذ و تصمیم
لازمه خویش را با وسایل عادی
ارتباط مخایره به تمام قطعات غرض
تعمیل قرار ابلاغ نمود و قطعات داخل
مجاز طبعاً اجراات بعمل آرند .
مفاد استفاده ازین سیستم خیلی اه
و مقابله به آن عین سیستم الکترونک را
ایجاب نموده و در غیر آن نمیتوان

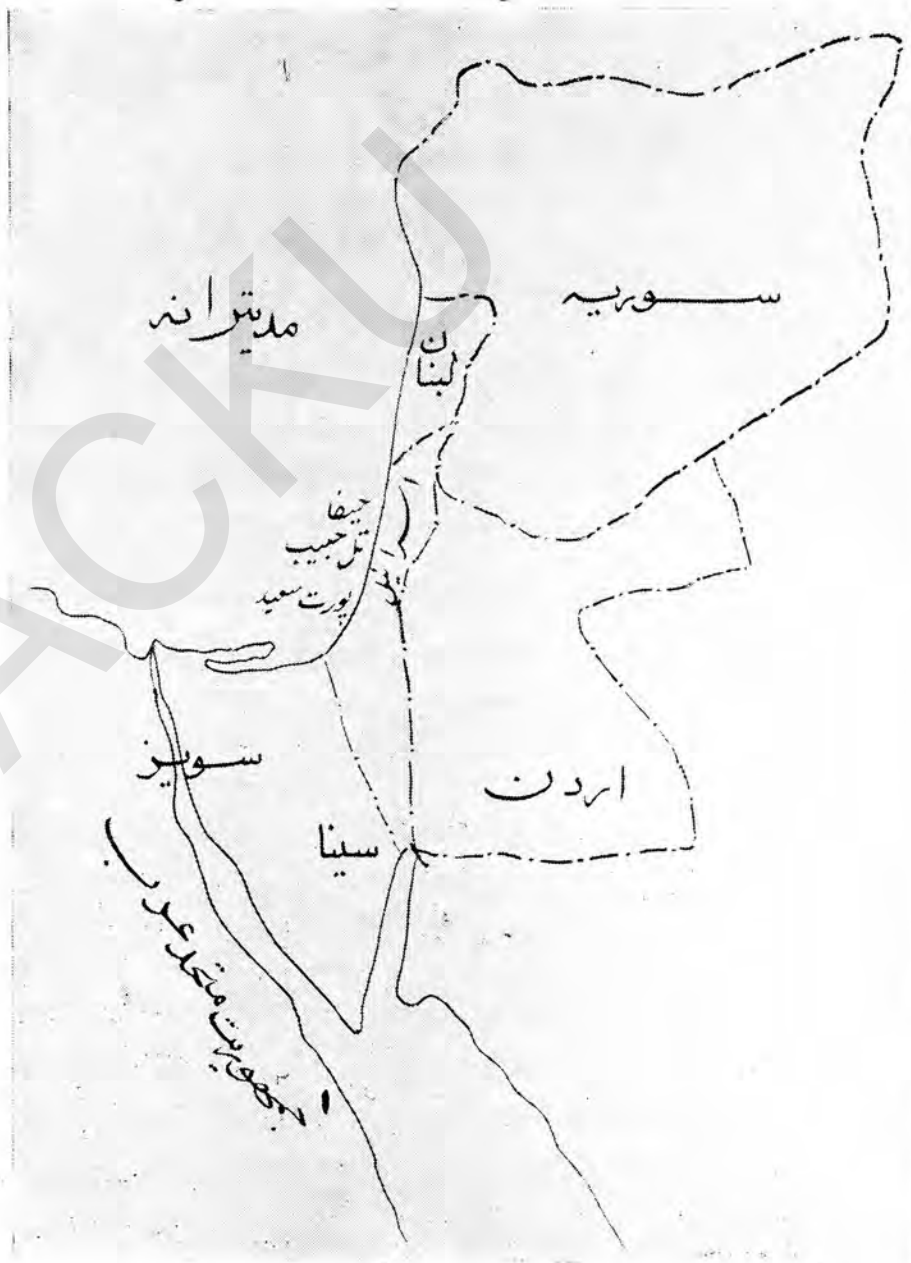
بسیستم های عادی دیگر ارتباط
مخایره با آن مقابله نمود .
قوای یهودی از ین سیستم بهره
وسیله و از هر مرجع که بوده استفاده
مشترک نموده زیر فعالیت های محاربه
یهود در ساحه حرکات قبل از اجرا
به عین تون و عین کیفیت از استیشنهای
مختلف طرف دار یهود بخش
میگردید .

بالعکس قوای عرب از ان محروم
بوده دولت های جدا گانه دارای
تکنیک علیحده بوده بیک جنبه سوق
و کور دیناسیون فعالیت های آنها
خیلی مشکل و تشریک مساعی آنها
باموجودیت سیستم عادی ارتباط
مخایره در حالیکه تعجیز و مداخله
عمدی دشمن هم موجود بوده است
بسیستم الکترونک پیچیده که یهود
استفاده نموده قابلیت مقایسه را
ندارد .

بر علاوه آن سیستم ارتباط مخایره
عادی عربها که سوق و اداره
قوتها را تأمین نموده است صد فی صد
توسط یهود و حامیان آن مورد اختلال
واقع شده که در اثر موجودیت آن
تأمین سوق و اداره به مشکل ممکن
میگردد .

بناءاً نایست «وای حق پرست
و شجیع عرب را در برابر این دسیسه
خیلی قوی مشترک استعمار مودرن
به ضعف و نارسائی حکم کرد . زیرا
اگر هر یک از شمالک استعمار درین
نوع گیر و دار تعرض و مدافعه
الکترونیک قرار دادند میشد نمیتوانست
برای یک روز هم مقاومت نماید .

ازین حیث قوای عرب با استفاده
از قوای قلیل خویش صرف میدان
محاربه را باخته اگر قوای عرب
متحداً تحت یک اداره واحد با قدرت
اعظمی خویش داخل حرب میگردیدند
و بصورت کور دئه متوجه اهداف حیاتی
یهود و حامیان آن میگردید در طول
زمان حرب را «کمائی» خواهد نمود .



باصقین ویتکانگ ها در «پلی مه»

عمدالحکیم ازق، م

در شرق دور خاطرات تلخی از صحنه های خونین جنگ وجود دارد ، اما در بین آن بعضی آن آنقدر تراژدی و وحشتناک است که در تاریخ محاربات قرون منمادی کمتر دیده شده است. از آن جمله جنگ در پلی مه که توسط حملات ناگهانی ویتکانگ ها بالای سربازان امریکائی اجرا شده دایم چون يك پدیده وحشت انگیز در ذهن ها باقی خواهد ماند و برای همیشه در صحنات تاریخ جنگ های خونین درج خواهد شد .



صاحب منصبانیکه در این جنگ اشتراك داشتند نا حال ندانستند که چرا و چگونه چنین يك جنگ خونین و مداوم و بی نظیر در این دره مخوف آغاز شد ، يك قطعه از سربازان امریکائی ، ضمن اجرای قسمتی از عملیات وسیع « سر نیزه درخشان » وارد دره پلی مه شدند و ناگهان خود را در محاصره عجیب صد ها ویتکانگ مسلح دید و آنگاه قتل عام از دو طرف آغاز شده و دشمن که معلوم نبود چگونه از زمین سبزی می شود یا اینکه مثل برگ خزان بزمین میریخت ، قتل عام گروهی از نیروی آمریکا را که بدام افتاده بودند ، متوقف نمیساخت . پلی مه ؛ قتلگاهی بمراتب خونین تر و موحش تر از پلیکو ، دانانگ ، دوکو و درانگ و سایر مراکز استراتژیک ویتنام جنوبی بود ، در حالیکه قوای آمریکا چنین حدسی را درباره آن نمیزد ، این سربازان ندانسته

عده ای که زخمی شده بودند با چنین سرنوشت گرفتاری شدند .

و بایک غرور عجیب وارد جای شده بود که در آن جای دشمن انتقام جو کمین کرده بودند ، و باین جهت تا سکوت و سکون دوباره در آن حکمفرمانشد ، دست از جنگ نکشید و اعتنا به تلفات بیشمار خود نکرد . ویتکانگ ها در این دره طی سه هفته جنگ وحشتناک و خوبین هر چه توانست از محاصره شدگان پلی مه کشت و هر قدریکه خواستند انتقام گرفت و هر چه افراد و تجهیزات

احتیاطی را نیز که برای باقیمانندگان رسید نابود کرد بطوریکه سرانجام بی سیم های باقیمانده آمریکا در پلی مه این راپور نومیدانه را بقوماندانی خود و طیارانیکه بالای سرشان پرواز میکردند مخابره نمودند که بمب های خود را روی سر ما بیندازید ، چون ویتکانگ ها در اطراف هستند و ما را بکشید تا که نجات پیدا کنیم . یکی از صاحب منصبان امریکائی

که در این پیکار اشتراک نموده بود ، از سکوت و عقب نشینی موء وقت ویتکانگک ها که بعد از يك باصقین خونین اجرا کرده بودند خوشحالی نموده گفته بود که ما نجات پیدا کرده ایم اما دیگرش که تجارب زندگی اش با چنین جنگ ها زیاد بود بحال تعجب جواب داد کدام پیروزی رفیق ، شاید شما حق داشته باشید ولی دوستان ما بهای گزافی برای بدست آوردن آن پرداخته است من از چنین پیروزی ها تنفر دارم من یکایک افرادی را که در آغوش من جان سپردند میشناختم ر با آنها دوست بودم . من به چنین پیروزی ها احتیاج نداشتم .

در زیر پای او یک چقموری و لاریکنفری بود که چهارتن از رفقاییش

کشته شده بودند و سه تن دیگر چنان جراحی بر داشتند که با و التماس میکردند تا بایک تیر آنها را خلاص کند :

بمناسبت جنگک پلادی به مجله معروف نیویورکک تایمز نیز یک آگهی باین مضمون در صفحات خود چاپ نمود در این آگهی که توسط سر بازان سابق اردوی امریکا به مجله داده شده بود در زیر عکس پسرکی گریان چنین نوشته شده بود .

«پسرجان ، قدرت در دره درانگک کشته شد و برادرت در پلی مه .. چرا؟ برای اینکه ایتروزها در ویتنام کشته شدن بصورت عادی در آمده ، هم ویتکانگک ه-ا می میرند هم امریکائی ها »

برای حمله به دره و وحشتناک

پلیمه از مدتی قبل میان قوماندانان عسکری در ویتنام اختلاف نظر داشت پلیمه که در قلعه بلند کوهی بنام « شوپونگک » واقع است از دیر باز مورد توجه سر بازان امریکا بود ؛ ویتکانگک در این محل پیش از پیش احضارات گرفته بود . قرارگاه اردوی امریکا در ویتنام برای حمله به پلیمه بهترین سر بازان خود را توام با مودرن ترین سلاح که قطعه نمونه بشمار رفته و قدرت آتش آن بنا باعتراف مسئولان « پنتاگون » معادل قدرت آتش پنج غنند ناتو بود استفاده کرد « قدرت آتش این قطعه عجیب و بر جسته ده تن مواد منفجره در دقیقه بود » ولی در پلیمه برخلاف نقاط دیگر سرو کار این سر بازان امریکائی بادستجات کوچک و متفرق



جنگ پلیمه یکی از خونینی ترین جنگ تاریخ محسوب می شود .



این هم صحنه دیگری از جنگ پلیمه ...

ویتکانگک های سیاه پوش طوری افتاد که بگفته میگل سر مس که بمب و مرمی مانند باران از هر سو میبارید سر بازان و ویتکانگک در بعضی از قسمت ها و مواضع مداخله کرده بهیچ وجه کسی انتظار آنها را نداشت بسا نجل معلق ظاهر شدند و با سرعت و چابکی شگفت انگیزی سر نیزه ها را در سینه و پهلو و شکم جوانان امریکائی فرو بردند و در همان حین طیارات امریکائی برای دور کردن ویتکانگک ها و حمایه سر بازان خود را کت و انواع مختلف بمب ها را بر سر مافرو می ریختند . بطوریکه ناگهان از شدت عجز و ناتوانی راه خود را کم کردیم .

« طیارات ب ۵۲ مرتباً بر فراز مواضع دشمن پرواز می کردند . در مدت چهار روز این طیارات رو بهمرفته ۱۵۰۰ بمب و پنجصد هزار بمب کوچک ۲۰ میلی متری روی مواضع دشمن فرو ریختند و بروی ما سر نیزه و گلوله های آتشین بود ، بالای سرمان بمب و طیارات خودی و روی زمین انواع مختلف تانک های بوبسی و آتش در گیر و دار این جهنم واقعی که فریاد و فغان صد ها نفر با آسمان رفته بود محشری را برپا ساخته بود .

صحنه جنگ و زخمی ها خیلی تراژدی بود من شاهد منظره ای بودم که تازه ام آنرا از یاد نخواهم برد و گمان نمیکنم اگر کسی دیگر بجای من آن را از نزدیک میدید میتوانست آن را فراموش کند . »
بر چه ای تادسته در شکم یک صاحب منصب امریکائی فرورفته بود و یک سر باز ویتکانگک نیز در حالیکه جای چند گلوله در بدنش نمایان بود روی او افتاده بود و دست های خود را

ماشیندار بستند :
هورست فوست خبر نگار
عسکری معروف المانی که اخیراً از

جبهه پلی مه و ویتنام بازگشته است
مینویسد :

در جنگ پلیمه کسی با سارت گرفته نشد زیرا ظاهراً بوجود اسیر نیازی نبود . سر بازان دو طرف حتی به مجروحین تیره روز و دست پاشکسته و تیر خورده نیز ترحم

خارج شدیم تازه دانستیم که این
منظره از جنگ های آینده سربازان
امریکائی و ویتنام شمالی و ویتکنگها
است و اولین نمونه از نوع خود
بشمار میرود و آنگاه بی اختیار بیاد
آن صاحب منصب عالی مقام اردوی
امریکا افتادیم که گفت :



اکثری از سربازان در این جنگ از سرو صورت زخمی شده بودند .

- درویت نام برای روبرو شدن

باهریک از ویتکنگها ده سرباز
از ما لازم است و قوای امریکا
برای رسیدن به پیروزی در اینجا
باید به هشتصد هزار نفر برسد .

ولی در صورت قبول این نظر
و با مشاهده قتل گاهی نظیر پلی مه
و پلیکو ، باید دید که امریکا قرار
است چه چیز را درویت نام بدست
بیاورد و به چه عاملی پیروز شود ؟
(ختم)

بیست و هفت ساله امریکائی بنام
(داینل) بزمین گذاشت ویتکنگها
چنان تلفات موحشی بر این قطعه
وارد آورده بودند که همه جا از
اجساد پر بود جسد صد ها سرباز
امریکائی طوری افتاده بود همه را
بگریه میانداخت همه جا جنازه و
جسد سوخته و پراز خون پراکنده بود
و همه جا تفنگ و ماشیندار دستی و
سلاحهای ثقیله بی صاحب ریخته
بود تون داینل از ۳۴ نفر افراد
باقیمانده خود به ۲ نفر دسترسی داشت
زیرا ۳۲ نفر دیگر با همان جراحات
و خیم و هولناک در مواضع
مدافعه خود افتاده بودند و ناله
میکردند و صداهای مرمی قطع
نمی شدند .
وقتی از آن محل وحشت انگیز

هدف هنریک هدف التذادی است نه انتفاعی . هنرمند شرح حال خود را مینویسد . ایس
اثر زیبایی هنری صورت مجلس نیست . نباید واقعه ای را ثبت کند بلکه باید آن را دارای
مفهوم نماید ، تشریح کند و از باطن روشن و تصریح نماید .
سردر نمی آورم که چگونه یک انسان واقعاً شاد میتواند بنماید هنرمندی بیفتد . اگر از زندگی
بهره مند باشیم بهتر احتیاجی نیست .
هنر شمایل واقع است - جهانی است که گوئی از نو ایجاد شده یا اینکه جهان واقعیت تکرار گشته .
یکینسکی

پنجرفيا

جان

آشنائىك



(۴)

تايلند

موقعيت :

تايلند که نام سابق آن سيام ميباشد در قسمت وسطى شبه جزيره جنوب شرق آسيا وقوع دارد ، اين مملکت از طرف شمال و غرب با برما و در جنوب با ملايا و شرق کمبوديا هم سرحد است و در حصه شمال شرق بالائوس نيز پیوست ميباشد ، نفوس آن ۲۵،۵ ميليون و مساحت آن ۱۹۷،۷ هزار ميل مربع ميباشد .

ساختمان طبعى :

قسمت بزرگ تايلند در دلتاى درياى چا و پرايا (*Chao praya*) که غالباً منام ياد ميشود واقع گرديده ، طغيانهاى سالانه اين دريا مزارع وسيع برنج را که برای تجارت کشت ميشود، و بنيه اقتصاد کشور

را تشكيل مى دهد آبيارى ميکند . تايلند در شمال غرب داراى مناطق کوهستانى و جنگلات بزرگ و انبوه استوائى است ، اقليم تايلند از نوع استوائى بوده حرارت و رطوبت خيلى زياد است .

اوضاع اقتصادى :

تقریباً ۹ بر ۱۰ تمام اراضى مزروعى تايلند زير کشت برنج است . که محصول آن از حيث قيمت تقريباً نيمى از کليه صادرات کشور را شامل ميشود . عده زياد تايلندى بگرفتن ماهى امرار حيات ميکنند ، از ميوجات مشهور آن کيله ، منگو بوده و در جنگلات آن چوب هاى قيمتى پيدا شده ميتواند ، قسمت جنوب مملکت از نگاه توليد رابر ، قلعى و دگر فلزات شهرت دارد . سامان چرمى ، جواهرسازى ، بافتن تکه هاى

ايريشمى از جمله صنايع مهم دستى بشمار ميرود .

پايتخت :

بانکاک پايتخت اين مملکت بوده و داراى جمعيت تقريباً يک ميليون ۸ صد هزار مى باشد اين شهر باشکوه از جمله شهر هاى پيشرفته جنوب شرق آسيا محسوب مى گردد ، قصر هاى باشکوه و معابد عظيم و تماشائى بودائى اين شهر را بسيار با عظمت نشان مى دهد ، ميدان هوايى بين-المللى هتل هاى بزرگ و مجلل تسهيلات را درين شهر بار آورده است ، از همين جاست که يك تعداد نمايندگى هاى يونو در همين شهر جاى گرفته است .

مردم ، لسان ، مذهب !

نژاد تايلند از نژاد سيامى بود و عده از ملايى ها ، چينايى ها و ويتنامى ها که اقليت نژاد را تشكيل

میدهد متشکل میباشد، ۹۰ فی صد باشندگان تایلند بودایی بوده و پنج فی صد آن پیرو دین مبین اسلام و غیره مذاهب می باشند.

طرز حکومت:

طرز حکومت تایلند شاهي مشروطه می باشد، کشور پادشاهی تایلند تنها مملکت آسیای جنوب شرقی است که در تمام دوران استعمار غرب توانسته است استقلال خود را حفظ کند و این وجه امتیاز بزرگ برای آن مملکت محسوب می شود.

معارف:

تعلیمات ابتدایی اجباری و مجانی می باشد و در این اواخر شعبات اختصاصی ملل متحد در بلند بردن سویه معارف و تأسیس مکاتب مسلکی و پوهنخی ها کمک قابل ملاحظه درین مملکت نموده است.

تایوان (فارموسا)

موقعیت:

این جزیره که بابعاد ۲۴۰ میل طول و از (۶۰ تا ۹۰) میل عرض می باشد و مساحت آن ۱۳۸۰۰ میل مربع است در جنوب شرق چین در بحیره چین موقعیت دارد.

ساختمان:

تایوان (فارموسا) بشکل یک برگه تنباکو بوده و قسمت از سواحل شرقی آن دارای کوه های مرتفع میباشد قسمت های غربی آن هموار بوده و خیابانی ها زرخیز است. حتی

از زمین آن میتوانندسه فصل شالی بدست بیارند. چون فارموسا در خط زلزله و طوفان واقع گردیده ازین سبب همیشه طوفان های شدید، زلزله ها و بادهای مدهش رخ میدهد.

سوابق تاریخی:

در نتیجه جنگ های چین و جاپان در سالهای (۱۸۹۴) و (۱۸۹۵) چین مجبور گردید تا فارموسا را به جاپان تسلیم کند، از آن تاریخ نام مدت پنجاه سال فارموسا تحت اداره جاپان بود بعد از جنگ اخیر بین المللی یعنی در ۱۹۴۵ فارموسا دوبار بدست چینی ها افتاد و یکی از ولایات چین قرار گرفت و حکومت چین ملی تحت قیادت جنرال چیانگ کائی شیک

هنر تلخی های زندگی را افزون میسازد و باوجود این تلخیهای زندگی را شیرین میکند. شوپن هنر نان زندگی نیست شراب زندگی است. ریشتر هنر عصاره زندگی است. پل والرئ هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده: اگر هنرمند از دولت بیفتد غم نباشد که هنر در نفس خود دولت است هر جا که رود قدر بیند و در صدر نشیند و بی هنر لقمه چیند و سخنی بیند سعدی

در ۱۹۴۹ درین جزیره مستقر گردید
شهرها:

تای پای از سال ۱۹۴۹ باینظر ف پایتخت جمهوریت ملی چین قرار گرفته و از بزرگترین شهر های آن کشور است. نفوس تای پای (۸۰۰) هزار نفر بالغ می شود. از بندرگاه معروف آن کیلنگ و کاوسنگ را نام برده می توانیم.

مردم، لسان و مذهب:

نفوس تایوان به ۱۱ میلیون میرسد مذهب اکثریت مردم بودائی است يك عده قلیل عیسوی نیز دارد. زبان ماندارین که یکی از زبان های چین است بحیث لسان رسمی فارموسا قبول گردیده.

مردم این جزیره اکثر زراعت پیشه بوده، چای، برنج، هلبه، گیاه، چوب عمارتی از پیداوار و صادرات عمده این مملکت است. درین اواخر تحت پروگرام های حکومت سرکهای عصری متعدد، فارم های تعاونی، صنایع خفیف، نساجی و صنایع کودکمیای انکشاف خوب نموده مکاتب ابتدائی برای اطفال (۶-۱۲) ساله اجباری و مجانی می باشد. عده زیاد مکاتب متوسطه ثانوی و دارالمعلمین ها تأسیس گردیده پوهنتون ملی تایوان از جمله پوهنتون های معروف فارموسا میباشد.

موقعیت:

ترکیه بین بحیره سیاه ، بحیره ایچین روسیه شوروی ، یونان بلغاریه ، ایران ، عراق ، سوریه و بحیره مدیترانه موقعیت دارد . و نفوس آن در حدود ۲۷ میلیون میباشد .

وضع توپوگرافی :

مساحت خاک ترکیه در حدود (۳۰۰) هزار میل مربع بوده و قسمت زیاد آن را سطوح مرتفع اناطولیة در آسیای صغیر در برگرفته است . در قسمت شرقی مملکت کوه های مرتفع وجود دارد بلندترین قله این سلسله کوه ها قله ارادات که بلندی آن ۱۷ هزار فوت بالغ میشود تابستان این سطح مرتفع خیلی گرم و خشک و زمستان آن شدیداً سرد است . مناطق ساحل مدیترانه و ایچین را زمینهای پست و زرخیز تشکیل داده اقلیم آن از نوع اقلیم مدیترانه می باشد .

در فلات مرتفع اناتولی محصول عمده ، گندم مقاوم زمستانی است که در مقابل درجه زیاد حرارت و برودت و خشکی هوا مقاومت دارد .

نگاهی به تاریخ ترک :

ترکها که از قرن یازدهم تا پانزدهم آسیای صغیر ، ایران و شمال غربستان و مصر را مورد تاخت و تاز قرار دادند اصلاً از مهاجرین آسیای مرکزی بودند . وقتی که عثمانی ها

هنرمند باین هنر را آشکار و خود را پنهان ندارد . این است هدف هنر . اسکار و ایلد کسانیکه در آثار هنری مطالب زشت می یابند اشخاص فاسدی هستند . اسکار و ایلد

هنر و موسیقی از نظر مذهب و نیاز مذهبیهای کشور لازم است موسیقی باید مانند يك دژ دولتی باشد . افلاطون هنر عبارت است از کوشش برای ایجاد يك عالم ایده آلی در برابر عالم واقعی - افلاطون

شبه جزیره بالقان در قرن پانزدهم تسخیر کردند ، اسلاوها و مردم از نژاد های دیگر در اجزاء کوچک جمعیت نفوذ کردند . بنا برین ساکنین ترکیه امروز مخلوطی از نژاد های مختلف اند امپراطوری عثمانی در زمان اوج قدرت خود اکثر قسمت های جزیره نمای بالقان ، خاور میانه و يك حصه بزرگ افریقای شمالی را به تصرف و کنترل خود داشتند . چون در اخیر جنگ عمومی اول امپراطوری عثمانی تجزیه شد ، ملیون ترکیه کوشیدند تا ترکیه را از تجزیه حمایه کنند از این رو در ۱۹۲۳ پیشوای ملیون کمال اتاترک جمهوریت ترکیه را اعلان کرد در بین سالهای ۱۹۲۰ - ۱۹۳۰

اتاترک و همکارانش برای عصری ساختن ترکیه دست با صلاحات مهم زدند - برای آنکه مشکلات خواندن و نوشتن آسان تر شود الفبای لاتین را بعوض الفبای عربی بکار بردند به طبقه نسوان حق مساوات داده شد سیستم لباس بشکل عصری درآمد . پروگرامهای اصلاحی معارف ، زراعت ، بهداشت روی روی دست گرفته شد تعدد از دواج ممنوع قرار داده شد .

وضع اقتصادی :

زراعت در ترکیه تقریباً پیشه اکثر مردم می باشد و نود فیصد صادرات ترکیه بالای آن استناد میکند زراعت گندم در قسمت داخلی خاک بیشتر دیده می شود . در مناطق حاصل خیز ساحل ، انجیر ، زیتون ، انگور پنبه تولید و صادرات میگردد تمباکو از جمله مهمترین صادرات ترکیه می باشد . ترکیه از حیث معادن نیز غنی است ذغال سنگ ، آهن خام به پیمانها وسیع استخراج می گردد در تولید فلز ، کروم ترکیه از جمله مسالک درجه اول محسوب می گردد .

صنایع نیز در ترکیه انکشاف خوب نموده . مخصوصاً در تولید بوره منسوجات مقام خوب ارد فابریکه فولاد نیز درین او اخر بکار انداخته شده .

شهرها:

انقره

این شهر بعد از جنگ عمومی اول از طرف کمال اتاترک بحیث پابنخت تعیین گردیده و در حدود (۲۸۵۰۰۰) نفر دزین شهرز بیاز زندگی می کند .

استانبول : از شهرهای بزرگ ترکیه محسوب شده و در کنار باسفورس وقوع دارد نفوس این شهر که سابق بناام قسطنطنیه یاد می شد ۷ و ۱ میلیون بالغ می شود از میرآدنه ، برسا از جمله شهرهای معروف دیگر ترکیه میباشد . تقریباً ۲۰ فیصداهالی ترکیه در شهرها زندگی میکنند .

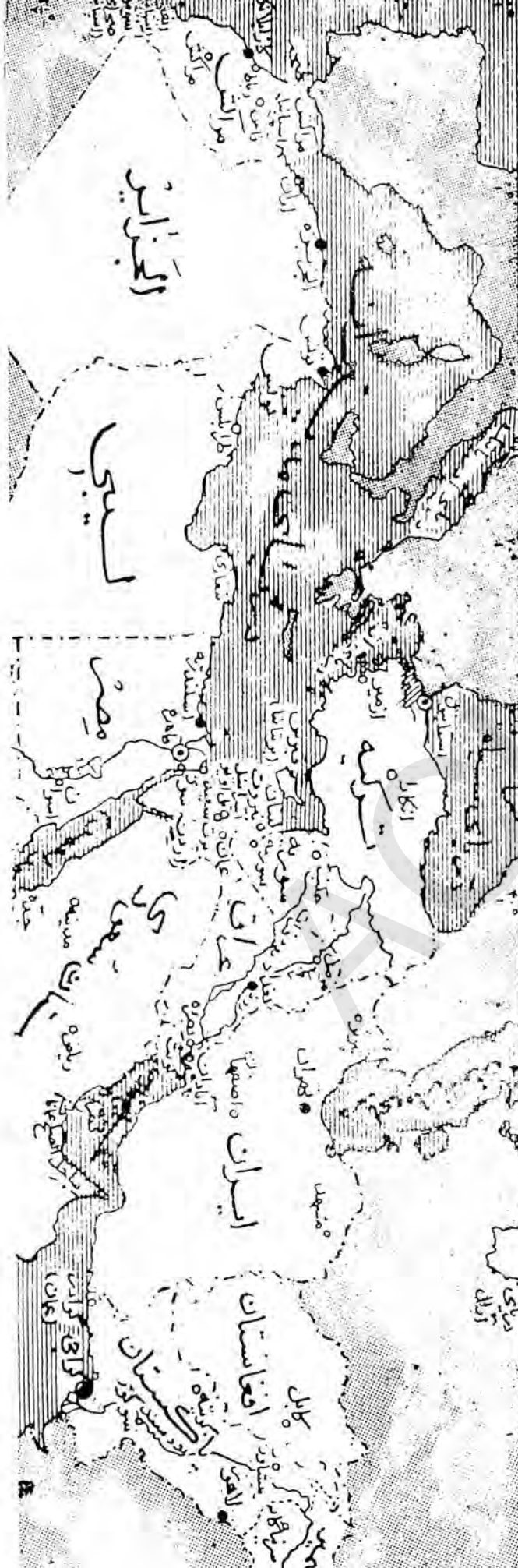
لسان ، مذهب :

قسمت اعظم باشندگان ترکیه پیرو دین مبین اسلام اند . قسمت محدود عیسوی ، یهودی نیز در آن زندگی میکند ، لسان رسمی آنها ترکی بوده ، زبانهای انگلیسی ، فرانسوی المانی نیز در مکاتب تدریس میشود .

معارف :

تعلیم و تربیه در صنوف ابتدائی اجباری میباشد . و تا پوهنتون بصورت مجانی تدریس میگردد . در ترکیه فعلاً شش پوهنتون وجود دارد . که در استانبول ، انقره از میر ، ارض روم واقع میباشند .

حکومت : ترکیه از سال ۱۹۲۳ تاکنون جمهوری می باشد تا اوائل ۱۹۶۰ حکومت بالای اسامبله بزرگ ملی متکی بود ، رئیس جمهور از طرف این اسامبله تعیین میگردد . و حکومت توسط صدر اعظم و کابینه اش که نزد اسامبله مسئول بودند اداره می شد در ۲۷ می ۱۹۶۱ یک کودتای نظامی تحت قیادت جنرال گورسل صورت گرفت که در نتیجه آن پارلمان منحل گردید و قانون اساسی جدیدی بوجود آمد قانون جدید حکومت پارلمانی و انتخابات آزاد را تامین میکند ، با این تحول در سیستم حکومت ، ترکیه از پیمانهای ناتو ، وستو خارج نگردیده بحیث یک عضو فعال هر دو پیمان باقی ماند .



قرانیان اتومی در هیروشیما

(۴)

وقتی وارد اتاقش شدم، باحالی پریشان روی یک چوکی نشسته، دست هایش را به نشانه اندوه زیر نخش گذارده بادیگان غم آلود به سقف نظر دوخته بود در لحظات اول تصور میکردم او دچار ناراحتی عصبی شده است

اما وقتی مرادید سرش را پایین انداخته لبخندی زد و گفت:

— سفری را که ده سال پیش به شبه جزیره بالکان کردیم بخاطر داری؟

فراموش نمیکنی که در جاده‌های شهر «سوفیا» جنرال‌های معروف دوران تزاری چه وضع اسفناکی داشتند؟ به عجله گفتم: میخواهید بگوئید که دیگر جنگ پایان یافته و سرنوشتی نظیر آنچه برای جنرال‌های تزاری پیش آمد، برایمان مقدر گشته است؟

جواب داد بله همین طور است من دربار آینده جنگ این چنین فکر میکنم. رفتیم و جلو روی او نشستم سکوت کاملی حکمفرما بود من نیز حرفی نمی‌زدیم او با لحنی لرزان و مر تعش ادامه داد:

— سران سیاسی و عسکری، روز نهم آگست جلسه‌ای تشکیل داده‌اند این جلسه بدنبال انفجار بمب اتم در شهر ناکازاکی تشکیل گردیده است در این جلسه که ۹ ساعت تمام بطول انجامید بسیاری از قوماندانان ژاپن موافقت خود را با صلح اعلام کرده‌اند.

روز دهم آگست نیز جلسه‌ای

کنیم من بمجرد آنکه وظایف خود را بپایان رسانیدم اقدام بخود کشی خواهم کرد من اینک وظیفه سنگینی بر عهده دارم و آن محافظت از جان امپراتور است این آخرین باری بود که اورا میدیدم چند ساعت بعد یک کنفرانس عالی با شرکت سران و زمامداران جاپانی در قصر امپراتوری تشکیل گردید «آناسی» وزیر جدید وزارت دفاع ملی و رئیس اردو می‌گفتند

که باین زودی حاضر به تسلیم نخواهند شد سلاح بر زمین نخواهند نهاد. این کار مشروط بر آنستکه متفقین تضمینی کامل بدهند که به هیچ وجه بجان امپراتور اضرائی تولید نکنند و امپراتور که از شنیدن این اظهار نظر غرق در ناراحتی شده بود گفت:

هر حادثه‌ای برای من روی دهد هیچگونه اهمیتی نخواهد داشت من فقط برای آینده ملت خود ناراحت هستم من نمی‌توانم در این جاراحت بنشینم و رنج‌های ملت را مشاهده کنم من آماده‌ام تا بهر کاری تن در دهم اگر لازم باشد حاضرم از طریق رادیو با سران و ملت صحبت کنم. من حاضرم هر کاری بکنم.

در این هنگام سه نفر از جنرال‌های

با شرکت امپراتور تشکیل و ایشان دستور آتش بس و تسلیم داده‌اند.

«گوب» در حال صحبت بود که جنرال «میاکازی» یکی از قوماندانان بزرگ جاپان همراه عده‌ای از دوستانش وارد اتاق گردید. آنان خشمگین، پریشان خاطر و عصیان زده بودند در حالیکه مشت‌های خود را گره کرده بودند و خشم فراوان چهره آنان را دگرگون ساخته بود می‌گفتند.

— اردو نباید به هیچ وجه تسلیم شود این ننگ است این خیانت است مردان جاپان باید قبل از تسلیم شدن آخرین امتحان مبارزه و مقاومت را در مقابل ملت و تاریخ آینده جاپان بدهند.

ما جوابی به آنان ندادیم روز بعد من و جنرال «گوب» بدین برادران و خاندان امپراتور رفتیم آنان جملگی با صلح موافق بودند. صبح روز بعد در دفتر کارم نشسته بودم که در بهم خورد و جنرال «تاکشی موری» قوماندان گارد امپراتوری خشمگین در آستانه آن ظاهر گردید او در حالیکه دست به شمشیر داشت، فریاد زد: آریز ویه خود را بکش ما مایدهمگی خود کشی



افراد حمله به هیروشیما ... که توسط اینها هیروشیما بمباران گردید .

که تصمیم پایداری و استقامت گرفته بودند خود را پهای امپراتور انداخته چون کودکان شروع به گریه کردند ولی گوئی همه چیز تمام شده بود. همه چیز به آخر رسیده بود جاپان میخواست بدون قید و شرط تسلیم گردد وقتی کنفرانس پایان رسید «آنامی» وزیر دفاع ملی به دفتر کار خود برگشت کارهایش را مرتب کرد و آنگاه به خانه خود رفته دور از نظر دیگران دست بهها کیرای زد و خود را به پیچ قبض زهر آلود کشت .

در همین زمان انقلاب عظیمی میان سربازان گارد امپراتوری بوجود آمد سربازان تحت قوماندان دگر من «جبروشیکازی» نزد رئیس ارکان گارد امپراتوری شتافته از او درخواست کردند که دست به یک کودتا بزنند ولی جنرال از قبول این پیشنهاد سرباز زد از اینرو انقلاب پیون بر سرش ریخته او و یاور او در همانجا بوش فنجیعی بقتل رسانیدند .

سپس سربازان به عجله بدرون کاخ امپراتوری ریختند و به پالیدن پرداختند. آنان بدنبال صفحه ای میگشتند که صدای امپراتور در آن ضبط شده بود قرار بود این صفحه از رادیوی جاپان پخش گردد و حاوی متن پیام امپراتور در باره صلح و تسلیم بدون قید و شروط بود ساعت ها در داخل قصر به جستجو پرداختند بهر اطاعتی وارد شدند درها و پنجره ها را را شکستند ولی از این صفحه و این پیام اثری نیافتند پس از دو ساعت جنرال «میشی تانا کا» قوماندان عمومی گرد وارد شده به آنان امر نمود تا از این دیوانگی دست برداشته به منازل خود باز گردند. امر قاطع و عسکری جنرال مقتدر جاپانی در روحیه سربازان اثر فوری بخشید و آنان در حالیکه از کار خود نتیجه ای نگرفته بودند با همان خشم و با همان ناراحتی راه خانه های خویش را در

و سراسر عالم پدید آمده است . زمامداران جاپانی احساس میکنند که باید درین گیر و دار از تلاش بیموده دست بردارند و تسلیم شوند بامداد دهم اوت ۱۹۴۵ جلسه فوق العاده کابینه جاپان در پناهگاه زیر زمینی قصر امپراتوری جاپان در در حضور امپراتور «میکرو هیتو» تشکیل شده است صدراعظم جاپان و کابینه وزیران و قوماندانان بزرگ قوای بحری بری و هوایی در این جلسه عالی که تعیین کننده سرنوشت جاپان است شرکت دارند. بعد از اینکه چرئیات حادثه به اران اتمی شهرهای «هیروشیما» و ناگازاکی» توسط نیروی هوایی امریکا بمباران شد صدر اعظم گزارش داده می شود و روسای قوماندانان سه گانه وضع نیروهای اردوی جاپان را در مناطق مختلف تشریح مینمایند ، صدراعظم

پیش گرفتند وقتی بخانه رسیدند هر کدام پیچ قبض تیز و بران برداشته خود کشتی کردند جنرال «تانا کا» نیز که مردان او دست به چنین انقلابی زده بودند دست بخود کشتی زد و خویشتن را باخنجر زهر آگین کشت اما این خود کشتی ها باین جا خاتمه نمی یافت زیر بدنبال او مردان بزرگ دیگر این چنین کردند مارشال «سوجی یاما» یکی از قوماندانان بزرگ جاپان نیز دست بخود کشتی زد و همان شب همسر او که زنی بغایت زیبا و افسونگر بود در فراق شوهر خود را کشت .

این آغاز ماجرا بود . آغاز تراز دی های دیگری که در طول آن صدها مرد بزرگ و نامدار جاپانی ارلذت زندگی کرد چشم پوشیدند . بدینصورت پس از انفجار دو بمب اتمی در شهرهای هیر و شیما و ناکاراکی انقلابی عظیم در جاپان

گزارش داده میشود و رؤسای قوای سه گانه وضع نیروهای اردوی جاپان را در مناطق مختلف تشریح مینمایند، صدراعظم جاپان از جای خود برخاسته پیشنهادی مبنی بر تسلیم بلاشرط اردوی جاپان مطرح میکند.

وزیر خارجه بدنیاال صدراعظم از جای برخاسته شرح میدهد که چگونه فعالیت های او برای متار که جنگ بی نتیجه مانده و گرچه مامورین او توسط سفرای کشورهای بی طرف مقیم در دربار جاپان با امریکا وارد بحث شده اند، معهدا امریکا با متفقین خود خواستار تسلیم بدون قید و شرط جاپان هستند.

پس از وزیر خارجه مارشال «آنامی» وزیر دفاع ملی جاپان در مقابل امپراتور رسم احترام نموده اظهار میدارد: بعنوان نماینده اردو

عقیده دارم که ما باید کوشش خود را برای ادامه مذاکره در اطراف پیشنهاد صلح با کشور امریکا ادامه دهیم زیرا این نوع تسلیم سیستم حکومت جاپان را بکلی عوض خواهد کرد و چنانچه این طرز حکومت به مخاطره افتد، چاره ای جز ادامه جنگ نخواهیم داشت.

وسپس سخنان خود را با این شعار معروف اردوی جاپان خاتمه میدهد: «ملیون ها فدای امپراتور» تفسیر این شعار تبلیغاتی که سرbazان و افسران جاپانی در طول جنگ های سخت و مداوم خود بی دربی از آن الهام گرفته اند، اینست که باید بخاطر حفظ تاج و تخت امپراتوری ملیون ها جاپانی جان خود را فدا سازند. ولی اکثریت وزیران عقیده دیگری دارند و امپراتور نیز صلاح مملکت خویش را در تسلیم



جنگ پایان یافته است اما این مرد در راه وطن خود هر دو پای خود را از دست داده و فعلا گیار نوازی میکند.

بدون قید و شرط می پندارند. از اینرو صدراعظم و وزیر دربار بلافاصله مشغول تنظیم پیام امپراتور می شوند. و این پیام می بایستی تا عصر همان روز بوسیله دستگامهای فرستنده رادیوها به ملت جاپان و قطعات عسکری آن کشور ابلاغ گردد این پیام بوسیله شخص امپراتور قرائت و در روی صفحه ضبط و صوت، ثبت میگردد. بعد از ظهر روز دهم اوت گرمابه نهایت شدت خود رسیده است، هوای توکیو گرم و خفقان آور است و از اینرو اهالی شهر پرده های جلوپنجره را پائین کشیده اند تا از شدت حرارت کاسته شود. مقارن ظهر این خبر در شهر شایع میشود.

«جاپان بلاشرط تسلیم شده است.» این خبر دهان بدهان میگردد. مردم با وجود گرمای سوزان، از خانه های خود خارج شده، به جاده ها هجوم می آورند. طولی نمیکشد که در میدان بزرگ توکیو که محل تقاطع جاده های اصلی شهر است، جمعیت انبوهی گرد آمده به لودسپیکر هاییکه اخبار رادیو را پخش میکند، با دقت و علاقه فراوان گوش میدهند. ساعت ۲ ظهر رادیو اعلام میدارد: صبح امروز در توکیو جلسه فوق العاده کابینه جاپان در حضور امپراتور تشکیل شد بعد از پایان جلسه، تصمیم دولت جاپان برای متار که جنگ و تسلیم بلاشرط اتخاذ گردیده است. بهمین مناسبت امپراتور «هیرو هیتو» ساعت چهار بعد از ظهر از رادیو توکیو پیامی برای ملت جاپان و هم چنین سرbazان و صاحب منصاتی که در مناطق مختلف شرق دور در دریا و خشکها با انجام وظیفه مشغولند خواهد فرستاد. پس از پخش این خبر، توکیو و سایر جاپان غرق در اندوه و حیرتی ناگفتنی میشود برای اولین بار در تاریخ جاپان امپراتور، یعنی فرد مقدس که بنا به اعتقاد مردم این کشور،

د چکي منابعو څخه
مترجم سردار محمد «ولې» دوهم بریدمن

آیا پوهیږئ؟

- ۱- اوبه کوم وخت په طبیعت کې پیدا شویږي: نظریه هغه محاسبوسره چه علماؤ د اوبودپیدایښت په هکله کړې دي، ویل کېږي چه اوبه تقریباً ۱۵ سوه میلیونه کاله تر مخه په وجود راغلي دي. اوبه %۷۰،۷ سطح دځمکې اشغال کړې او اندازه ئې ۱۳۶۰ میلیونه کیلو متره مکعب ته رسیږي. د H_2O تشکیل %۸۸،۸۹ او کسجن اود %۱۱،۱۱ هایدروجن څخه عبارت دی. اوبه په طبیعت کې د ژوند اساس گڼل کېږي نباتات د %۸۰ - %۹۰ پوري اوبه احتوا کوي اود انسان بدن د %۶۰ - %۶۸ پوري له اوبو څخه تشکیل شوی دی. په کال کې د سمندرونو څخه ۳۸۴،۰۰۰ کیلو متر مکعبه اوبه تېخیر کېږي اودوچې څخه ۸۱۰۰۰ کیلو متر مکعب اوبه بخار کېږي. دغه بخارات په کال کې بیرته په شکل د باران په ځمکه او سمندرونو را توپيږي. د باران د اوبه څخه %۷۰ بیرته تېخیر کېږي او %۳۰ د ځمکې پر مخ بهاندې کېږي او سمندرونو ته توپيږي.
- ۲- انگور چه خورا خوړه او فایده مننه میوه ده څه وخت پیدا شوی ده؟ د انگور و تانگ په طبیعت کې د خورا پخوانیو نباتاتو څخه شمیرل کېږي خلق وائی چه تقریباً د پرو نزد دورې څخه د انگورو تانگان په نړۍ ایښودل شوی دی. په زړه آسیا کې تقریباً (۳۰۰۰ کاله ق. م) د ځمکه انسانانو د انگورو له تانگانو څخه میوه خوړې ده.
- د یونان څخه د انگورو د تانگانو روزنه د ایتالیې، سیسیلی جزیرې او توری بحیرې ته نقل شوی ده.
- نن ورځ په نړۍ کې ۲۰۰۰ ډوله انگور پیژندل شوی دی.
- ۳- ژوندي مصنوعي لاسونه:
- مصنوعي فکري اعضا لاتر نن ورځې پوري دومره حساسیت نه لري، څومره چه طبیعي نور مال اعضا حساس دي.
- له همدغه کبله څخه انسانان په نړۍ کې ودی ته متوجه شول چه د بیوالکتریکي (ژوندي رقی) لاسونو په عوض د کبرنتیک په مخصوصو حرارتي ترتیباتو مجهز لاسونه جوړ کړي.
- د کبرنتیک لاسونه په خپلو مخصوصو حرارتي ترتیباتو سره کولای شي چه د یو شي شکل، تودوالي او سوړوالي حس کړي.



مستقیماً از جانب خداوند آمده است
قرار است با ملت خود صحبت کند
اینک جاپان، مهد دلیری ها
وسرزمین افسانه های باستانی بزانو
در آمده است. ازان همه افتخار
پیروزی و بی باکی چه برجای مانده
است... جز توده هایکه بیماری و نقص
عضو زندگی آنانرا تباہ کرده است.
وانفلاق دوی بمب جهنمی چنین سرنوشتی
یک ملت قهرمان آورده است بالاخره
صدای امپراتور از رادیوی توکیو
پخش میگردد.
سخنان آمرانه او پدینسان آغاز
می شود:

مردان وزنان جاپان، صاحب
منصبان و سربازان اردوی جاپانی،
پس از مطالعه دقیق موقعیت کشور
مان و اوضاع و احوالیکه در روزهای
اخیر پیش آمده است، تصمیم گرفتیم
که باین جنگ خاتمه دهیم.

بنابراین بدولت خود امر داده ایم
تا به دول متخاصم اطلاع دهد که
امپراتور پیشنهاد تسلیم بلاشرط
آنان را قبول می کند این تصمیم بر ای
آن گرفته شد که موجودیت وطن
مقدس ما حفظ شود. اکنون چهار
سال است که ملت ما در حال جنگ است
و شجاعت ستایش آمیز نیروهای
زمینی، هوایی و بحری ما درین دوران
موجب شد که سرزمین های اندونیزی
سنگاپور، فارموسا، کوریا، سیام،
مالزی و کلمبه بنا: رچن شرقی و جنوبی
و صدها میل از خاک این کشور پهناور
در تصرف ما قرار گیرد و تا کتون
حتی پای یک سرباز دشمن بخاک ما
نرسیده است. ولی باوجود همه این
دلاوری ها و افتخارات و قهرمانی،
خود را ناگزیر به ترک جنگ میدانیم
زیرا دشمن از طریق هوایی شروع
به استعمال یک بمب جهنمی در شهرهای
مانموده که تا حال هزاران نفر از مردم
بی گناه، از سالخوردهگان تا کودگانرا
به کام مرگ کشانیده است و نتایج
وحشتناک و غیر قابل تصور این
بمباران در آینده در انتظار ماست
و مطمئناً اگر به ادامه جنگ بپردازیم
کشور ما نابود گردیده و از صفحه
جهانی حذف خواهد شد. ختم

طفل و ارتباطات فامیلی آن

از آثار علمی پروفیسور (پرو) رئیس شعبه سایکولوژی
اطفال فاکولتہ طب پاریس

Professeur - pret. lechief dr Service Neuro Psychiatrie Faculte'
Medecioe- Paris.

ترتیب و تہیہ کنندہ: کمال الدین طاہری محصل عسکری
صنف پنجم پہ ہنخی طب پوهنتون کابل

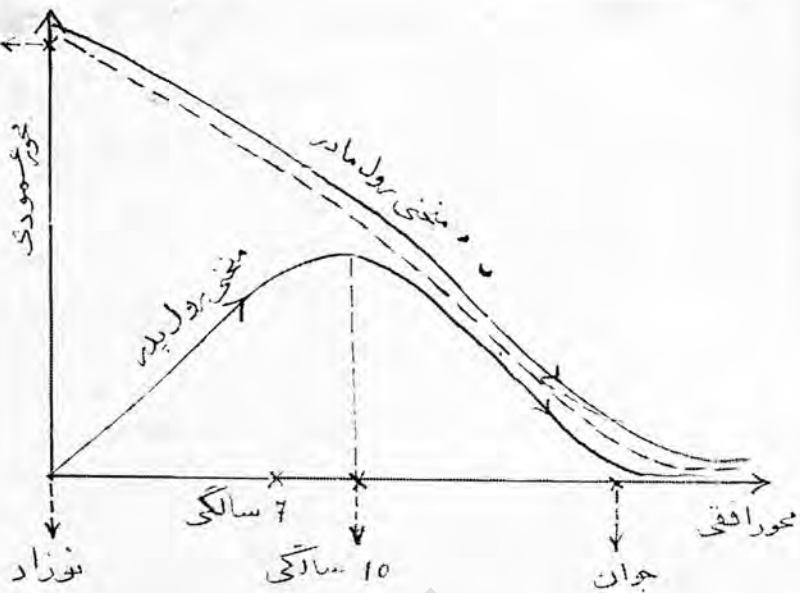


در مطالعہ يك فامیل چهار شخصیت
عمده مورد بررسی قرار میگیرد .
— مادر
— پدر
— اطفال (خواهران و برادران)
— محراق اخلاقی
این چهار شخصیت در فامیل
رول های عمده دارند :
مادر محبت و دوستی را در فامیل
خلق مینماید .
پدر باید قدرت بدست گرفتن فامیل
را دارا باشد .
برادران و خواهران باید نشان بدهند
که در اجتماع رقابت موجود است .

طفل را بصورت جداگانه تعریف
نمائیم .
فامیل اجتماع کوچک است که
نظر به ممالک مختلفه و کلتور آنها
بعضاً مفهوم وسیع را در بر میگیرد .
ولی بطور عموم اشخاصیکه
در زیر سقف مشترک يك خانه زنده گی
میکنند اعضای فامیل را تشکیل میدهد
به يك مرد و زنیکه تنها رابطه
زنانشوئی دارند تا زناییکه طفل به
وجود نه آمده فامیل گفته نمیشود .
طفل شخصیتی است که در محیط
فامیلی به وجود آمده و اولین پایه
ارتباطات فامیلی را تشکیل میدهد .

قبل از اینکه به موضوع اصلی
وارد شویم لازم است تا از ارزش های
روحي در شخصیت آینده يك طفل
صحبت نمائیم .
اگر يك طفل تحت شرایط مساعد
فامیلی و اجتماعی رشد نماید شخصیت
و حس اخلاق وی نیز بدرستی نمو
میکند . برخلاف اگر رشد نور مال
طفل به واسطه تجارب روحی تلخ مختل
و منقلب گردد ظرفیت تطابق اجتماعی
طفل تنقیص یافته و چانس پیدا شدن
سلوک ناپسندیده در طفل تزیاید مینماید .
برای ابضاح درست ارتباطات
فامیلی طفل لازم می افتد تا فامیل و

رول مادر و پدر بصورت اعطای



شخصیت چهارم که عبارت از محراق اخلاقی است و ساختمان جسمانی ندارد باید نشان بدهد که در اجتماع يك استحکام موجود است .

مادر با وجود ایجاد دوستی و محبت در فامیل باید بر اطفال خود انضباط نیز داشته باشد .
پدر با وجود انضباط پدری باید به اطفال خود از ابراز محبت دریغ نفرماید .

در اینجا رول هر يك از اعضای فامیل قدری مفصل تر شرح داده میشود :

مادر :

رول مادر عرضه محبت به طفل است هر گاه طفل از محبت مادری محروم گردد بر علاوه تشوشات روحی (Psycho logie) تشوشات جسمی (Somatique) نیز در طفل بروز مینماید مادر بوسیله دادن شیرنه تنها طفل خود را تغذیه مینماید بلکه محبت و دوستی نیز بین مادر و طفل تحکیم میگردد .

مادر به مقابل شیریکه به طفل میدهد تقاضا دارد طفلش با او محبت داشته باشد .

رابطه تبادل شیراز طرف مادر

برای اطفال و محبت طفل برای مادر- در آینده يك رابطه مهم مبادله طفل را در اجتماع تأمین مینماید .

یعنی در آینده وقتیکه طفل جوان میشود در اجتماع بدرستی میتواند به مردم محبت ابراز نماید و محبت مردم را به خود جلب کند .
هر گاه يك طفل از محبت مادری محروم گردد از نگاه علمی بنام (Carence - affective) فقدان محبت یاد میگردد .

ده سال قبل دو مؤلف امریکائی راجع به فقدان محبت در دو گروه اطفال تجارب علمی اجرا و نتایج گران بهائی بدست آوردند .
ذیلا یکی از این تجارب در اینجا شرح داده میشود :

این دو مؤلف دو گروه اطفال را که کمتر از دو سال عمر داشتند از يك موسسه که شرایط تغذی مراقبت صحی و حفظ الصحه هر دو گروه يك چیز بود بدست آوردند .

هر گروه حاوی شصت طفل بود در گروه اول اطفالی شامل بودند که مادر شان فوت و بنام گروه یتیمها (Orphelins) یاد می شدند .

مادران اطفال گروه دوم حیات داشته اما نظریه ارتکاب جرم محکوم به حبس بودند - هر دو گروه تحت شرایط تغذی و حفظ الصحه واحد تربیه گردیدند . از هفت طفل يك همشیره شفاخانه مراقبت مینمود که درین صورت به هر طفل $\frac{1}{7}$ حصه محبت مادری عرضه میشد .

اطفال گروه اول چون مادر شان فوت نموده بکلی از محبت مادری محروم بوده اند چون مادر ان اطفال گروه دوم حیات داشته و در زندان بسر می بردند همه روزه ۱۰۰ ساعت از استیذان - برای يك ساعت از اطفال خود عیادت مینمودند که درین صورت برای اطفال گروه دوم بر علاوه محبت همشیره شفاخانه يك اندازه محبت مادری نیز عرضه میشد .

بعد از يك مدت معین خارج قسمت نشوونما (QD) و خارج قسمت ذائنی (QF) درین دو گروه اطفال با وجود شرایط تغذی و حفظ الصحوی واحد بکلی از عم فرق داشت .

در حالت نورمال (QD) مساوی به ۱۰۰ قبول شده است .

در شروع QD اطفال ۱۲۴ (چون این اطفال به فامیل مجرمین منسوب نبودند گمان میشود که این از دیاد خارج قسمت نشوونمائی در ابتدا به مسائل ارثی و فامیلی آنها رابطه داشته باشد) و از اطفال گروه دوم ۱۰۱ بود.

بعد از يك سال QD در گروه اول از ۱۲۴ به ۷۲ تنقیص نمود و در گروه دوم بحالت ثابت خود یعنی ۱۰۱ باقی ماند بعد از دو سال OD گروه اول به ۵۵ تنزیل نموده ولی در گروه دوم همان طور ثابت و ۱۰۱ باقی ماند. پس از تجربه فوق چنین نتیجه

بدست می آید که محبت مادری باعث تزئید نشوونمای اطفال میگردد.

همچنین سویه ذکائی اطفال گروه دوم نسبت به گروه اول بیشتر بدست آمد.

با وجود مراقبت های صحی و مشترک برای هر دو گروه اطفال ۲۵٪ اطفال گروه اول ذریعه اپیدمی های امراض مختلف از قبیل چیچک و سرخکان تلف شدند.

در سن جوانی يك تعداد از اطفال گروه اول (فاقد محبت مادری) به امراض عقلی و خیم از قبیل سکیز و فرینی یا تجزی روحی (Schizophrenie) و نوروزها (Neureses) مصاب گردیدند و همچنین تمام اطفال این گروه در سن جوانی دارای بعضی نقاط مشترک بودند.

مثلا در همه اطفال این گروه عدم موجودیت استعداد تبدلات روز مره اجتماعی وجود داشت.

پدر:

رول پدر نسبت به رول مادر مؤخرتر است. یعنی در ابتدای تولد طفل بعد از خود احتیاج کامل داشته و رول پدر اصغری میباشد زیرا پدر طفل خود را شیر نم دهد.

توأم با تزاید سن طفل - رول مادر اصغری میگردد.

رول پدر در تربیه طفل بصورت اعظمی بین سن ۷ و ۱۰ سالگی میباشد. بعد از سن ۱۰ سالگی رول پدر نیز اصغری میگردد. یعنی و قتیکه طفل کلان میشود و والدین خویش احتیاج نداشته و باید استقلال کسب نماید مفهوم این استقلال چنین نیست که يك جوان با والدین خود عدم شناختگی و قطع رابطه نماید.

بطور خلاصه می توانیم توسط گراف ذیل رول پدر و مادر را در تربیه طفل با ارتباط سن طفل نشان دهیم:

توضیح گراف:

در گراف فوق محور افقی سن طفل و محور عمودی رول مادر و پدر را در تربیه طفل نشان میدهد. تقاطع محور افقی و عمودی معادل است به يك طفل جدید الولاده.

به هر اندازه که سن طفل تزاید مینماید رول مادر اصغری میگردد یعنی تزاید سن طفل معکوس متناسب است به رول مادر.

منحنی رول پدر در اوآن ولادت اصغری بوده با تزاید سن طفل زیاد گردیده در سن هفت و ده سالگی قیمت اعظمی خود را اخذ و بعد از آن سیر نزولی را می بینیم.

رول مهم پدر در فامیل عبارت از بدست گرفتن قدرت و یا اتوریته میباشد.

يك اتوریته پدری باید دارای اوصاف عمده ذیل باشد.

— مداخله اتوریته پدری واضح بوده و بالای موضوع فعلی استند داشته باشد.

— مداخله اتوریته باید مختصر باشد.

— این مداخله باید مثبت داشته باشد.

— تصامیمی که راجع به مداخله اتوریته گرفته میشود مورد عمل قرار گیرد بدون اینکه تشدید گردد و یا چیزی از آن کاسته شود.

— مداخله اتوریته باید معتدل بوده و متناسب به سن و گناهی را که طفل مرتکب میشود باشد.

وقتی به يك طفل جزا داده میشود نباید طوری معلوم گردد که پدرش با او دشمنی دارد بلکه طفل باید خودش منتظر جزای جرمش باشد. برای اینکه اتوریته پدری تطبیق شده بتواند لازم است پدر طفل خویش را دوست داشته باشد.

يكی از روان شناسان اطفال چنین میگوید:

حقیقت اتوریته این نمی باشد که طفل را از خود منزجر نمایم بلکه طفل را باید جلب نمایم.

بعضی پدران در فامیل نفوذ نداشته و گاهی برای اینکه نشان دهند دارای نفوذ فامیلی می باشند بیجا چیغ می زنند. همچنین پدران یافت میشوند که به تمام امورات جزئی فامیل مداخله مینمایند که درین صورت انضباط پدری ناقص بوده و به تربیه طفل مفید ثابت شده نمیتواند.

پدر با وجودیکه در فامیل بنیان گذار عادات میباشد باید به طفل نشان بدهد که در اجتماع بعضی بی عدالتی

ها موجود است تا طفل آن به بی عدالتیهای آینده اجتماع آماده بوده و به زودی از بین نرود.

مثلا يك روز پدری تکرری انگوری را بین فرزندانش تقسیم مینماید. امکان دارد که به یکی از فرزندانش مقدار کمتر انگور برسد و در روز دیگر شاید این بی عدالتی متوجه فرزند دیگرش گردد. درین صورت طفل متوجه بی عدالتی فامیل گردیده و به منابلی بی عدالتی های آینده اجتماع آماده میباشد.

طفل موجود باشد:

طفل علاقه دارد چیز را که احساس مینماید بوالدین خود بگوید. فرضا طفلی برای نخستین مرتبه احساس مینماید که در اثر شعاع افتاب یخ و برف از یک شکل جامد بشکل مایع درمی آید طفل حدث می زند که این موضوع را اختراع کرده و باید به والدین خود از این اختراع بزرگ چیزی بگوید .

در اینصورت پدر باید به کمال صبر و حوصله گفتار فرزندش را گوش داده و او را از ابتکارش تقدیر نماید .

بعضی پدران بعوض اینکه به گفتار فرزندش گوش دهد موضوعی را که طفل میخواهد اظهار نماید قطع نموده و اظهار میدارند که آنها قبلاً از این موضوع آگاهی کامل داشتند که در صورت حسن کنجکاوی و ابتکار طفل معدوم میگردد .

پدر باید دائماً به خطرات طفلش متوجه بوده و آماده باشد که خطر او را در زمان مساعد رفع نماید اما هیچ وقت نباید یک حمایت مبالغوی از طفل صورت گیرد یعنی اطفال را باید تشویق کنیم تا خود را با خطرات متناسب به عمر آماده سازند .

بصورت مثال اگر طفل میخواهد در یک جوی مساعد آب بازی نماید - نباید پدرش او را از آب بازی منصرف نموده و خطرات غرق شدن را به او ابراز نماید زیرا طفل در آینده ترسو و سست عنصر باز می آید .

ولی اگر طفل میخواهد خود را به دریای طوفانی غرق نماید باید پدرش مانع این عمل گردد زیرا طفلش هلاک میگردد .

بعضی پدران با اطفال خود به قسم رفیق رفتار نموده و به تمام خواهشات طفل پاسخ میدهند که درین صورت

اتوریته پدری از بین رفته و طفل در آینده يك جوان بوالهوس بار می آید و در اجتماع آرزو دارد که همه مردم از او متابعت کنند .

چون متابعت دلخواه از او بعمل آمده نمیتواند در نتیجه در نزدش عقده (Complex) تشکیل میکند که این عقده اساس تشوشات عقلی و خیم میگردد .

رول خواهر و برادر :

برای اینکه طفل در آینده برای رقابت های اجتماعی آماده شود باید در فامیل رقابت را از خواهران و برادران خود بیاموزد .

خانم *Mm. Favez - Boutonie* که یکی از روان شناسان عصر حاضر است میگوید وقتی دو طفل در يك فامیل مشغول نبرد میشوند يك رابطه اجتماعی بین شان قایم میگردد .

اما این نبرد باید معتدل بوده و منجر به جنگ و جدل شدید خواهران و برادران نگردد .

والدین اطفال نباید از نبرد معتدل طفل شان در مقابل خواهر برادر و یا طفل همسایه جلوگیری نمایند زیرا این نبردها و رقابت های فامیلی طفل شان را برای مبارزات اجتماعی آماده می سازد .

رول محرقات اخلاقی :

محرقات اخلاقی ارتباطات قایم را در فامیل برقرار می سازد . طفل تربیه را که در فامیل یاد میگیرد در اجتماع تطبیق میکند .

برای انکشاف يك فامیل باید بین افراد آن استحکام روابط موجود باشد .

طفل در فامیل استحکام روابط را بین پدر و مادر خود احساس مینماید .

طفل چون يك موجود ضعیف است به مصونیت احتیاج دارد این مصونیت در مراحل ابتدائی ماهیت مادی دارد یعنی توسط رول این محرقات غذا، لباس

و دیگر احتیاجات طفل تأمین گردیده و طفل در يك امنیت فامیلی زیست مینماید .

نشو و نما دادن طفل در حقیقت جدا ساختن آن از خود ماست .

یعنی در زمانی جوانی طفلی که در ساق به يك امنیت و مصونیت فامیلی احتیاج داشت از محیط فامیلی خارج شده و در اجتماع احساس عدم مصونیت

مینماید پس وقتی که طفل کلان میشود باید بخود اتکا داشته باشد .

لذا بصورت نورمال باید جوانان در اجتماع احساس زجرت و رنج نمایند هر گاه این احساس زجرت جوانان مبالغوی گردد يك حالت مریضی را ارائه مینماید .

بعضاً پدر و مادر راجع به تربیه طفل خویش مفکوره واحد ندارند و اکثر موضوع شان در مقابل وضعیت هائیکه به مقابل طفل ارائه میدارند منجر به مجادله میشود. نباید مجادله و منا قشه پدر و مادر به قسم علنی در حضور طفل صورت گیرد زیرا طفل مضطرب بار می آید .

پس پدر و مادر باید در غیاب طفل خود مفکوره مشترك راجع به پرورش تربیه آن اتخاذ و بعداً در معرض اجرا بگذارند .

خلاصه رویه پدر مادر - خواهر و برادر و محرقات اخلاقی در شخصیت آینده طفل رول پر ارزشی را حایز میباشد .

پس لازم است تا پدران و مادران در تربیه اطفال شان که مردان آینده کشور است محتاط بوده و با پیروی از اصول های علمی و روان شناسی جوانان سالم و صادق را بجامه تقدیم کنند .

در پهلوی مسئولیت های پدر و مادر در تربیه طفل لازم می افتد (بقید در صفحه ۸۵)

مطالعات اجمالی در پیرامون

ژئوپولیتیک GEO POLITIC

- ۲ -

هاوس هوفر پس از بازگشت از جنگ در بنیان نهادن ژئوپولیتیک باعده ای از جغرافیدانان و دانشمندان علوم سیاسی همکاری نمود بسیاری از این اشخاص از حیث مقام و آموزش و پرورش استاد او بودند لیکن پس از ده سال بسیاری از آنان بی سروصدا از جریان خارج شدند و جای آنان را شاگردان و پیر و آن هاوس هوفر گرفتند که غالباً نظامیان جوانتری بودند و بنده وار استاد خود را تقلید میکردند ایشان نظریات هاوس هوفر را پذیرفتند و حتی سبک مبهم ادبی او را تقلید نمودند .

معدالک آنها کمتر موفق شدند در ردیف او قرار گیرند که از تعهد احترام میگردانید اینرو بیانات صریحتر آنها غالباً کمک میکند تا مقاصد ژئوپولیتیک روشن گردد بعلا آنکه تمام نوشته های المانی در باره این موضوع در همان قالبی است که هاوس هوفر ریخته است ضمن این بررسی هیچ کوششی نشده است که اهمیتی به نویسنده بخصوصی داده شود و تمام آثار آنان بمثابه یک منبع واحد بشمار آمده است .

این منبع سرشار از سیل لغت هاست لیکن هیچ نهر زلال فکری از آن جاری نمیشود اگر پیاپی در آن منبع

فرو رویم معجونی از تئوری ها و برنامه ها برای عمل و تبلیغات بیرون آورده میشود . و چون آنها را تجزیه کنیم معلوم میشود که در آن مطالبی از چند علم اجتماعی و طبیعی از زمین شناسی گرفته تا روانشناسی موجوده است موضوع اساسی این معجون مفهوم « فضا » است زیرا ادعا می شود که ژئوپولیتیک راهنمای کشور داری است و بر پایه جغرافیا استوار است .

یک بررسی عینی از فرضیه های فضائی که توسط علمای ژئوپولیتیک بکار رفته فقط پنج نکته را معلوم داشته و این پنج نکته یک مسئله اصلی در نوشته های کسلس کسلس و مکرر مزبور بشمار می آید و چون نکات مورد بحث را از ابهام هائی که معمولاً دارد رها سازیم بنظر می آید که هر یک تعبیر دیگری دارند و غالباً بایک دیگر متناقضند . تمام اینها آنتی تزی روح و روش علم است که علمای ژئوپولیتیک آنرا بمنزله ستاره راهنمائی خود میدانند زیرا علوم طبیعی تحقیق بی طرفانه و مشاهده دقیق و تعمیم واضح و روشن و فرمول بندی دقیق را هدف خود قرار داده است از این اصول پنج گانه دوتا راجع به تطبیق و بکار بردن اصول تئوری جغرافیا و دوتای دیگر پیشنهاد هائی

برای سازمان جهانی واصل پنجم یک عامل تسهیل کننده است . « اونا رکی » یابی نیازی از غیر که توسط علمای ژئوپولیتیک بکار برده شده عبارت از ایده آل استعفای ملی بمفهوم اقتصادی است و فرض آن اینست که هر واحد سیاسی باید هر چه لازم دارد خود تولید نماید بدین طریق دولت دارای توازن اقتصادی بوده از محصولات سایر نقاط جهان بی نیاز خواهد بود .

خود واضح است که هیچ ناحیه ای کوچکتر از تمام کره زمین نمیتواند شامل تمام محصولات مفید برای انسان باشد از اینرو (اونا رکی) در مفهوم لفظی نمیتواند هدف کوچکتر از وحدت جهان را در نظر داشته باشد و ممالک موجود از این ایده آل بسیار دورند حتی بزرگترین کشورها فقط قسمت معدودی از آب و هوای مطلوب را دارا میباشند که خاک وزه کشی مناسب قابلیت بدست آوردن محصولات زراعتی و جنگلی را بآنها میدهد توزیع مواد معدنی بقدری نامنظم است که حتی اگر یک کشور تمام انواع آب و هوای اصلی را نیز داشت نمیتوانست از داشتن انواع خاص مواد معدنی مورد نیاز مطمئن گردد چه رسد باینکه همه معدنیات لازم برای یک ملت

صنعتی جدید را داشته باشد .
اگر آلمان نیز مانند هر کشور
صنعتی دیگری به بی‌نیازی از غیر نزدیک
میشود برای آن است که کشور
مشغول وارد کردن اجناس بمقادیر
عظیم است تا تولیدات داخلی متنوعش
را تکمیل کند . با این تخزن مواد
هنوز آلمان ناچار است که با جیره بندی
زندگی کند و (اوتارکی) باین بهای
گزارف بدست آمده است و بعلاوه این
عمل ظاهر سازی است زیرا همینکه
ذخیره تمام شد اوتارکی نیز از بین
خواهد رفت .

حکومت نازی نمیتوانست اوتارکی
را مستقل از ذخایر دائم التزاید
بعنوان هدف قابل وصول در داخل
حدود موجود کشور به پذیرد هر چند
بسیاری از آلمان بواسطه تبلیغات ماهرانه
چنان باورشان شده بود تبلیغات مزبور
بیشتر برای رسیدن بهد فهای عملی
دیگری بوده است زیرا اگر مردم آلمان
رامی توانست برای وصول به اوتارکی
به کوشش وادارند فداکاریشان
سبب میشد که بی درنگ موجودی
کالاهای داخلی یاورده برای تأمین
بعضی مقاصد بخصوص دولت اختصاص
یابد و این تهیه مقد مات جنگ بود
چنانکه در سالهای آخر دهه ۱۹۳۰
آشکارا در شعار « توپ بجای مسکه »
اعلام گردید .

جنگ را تهیه مقدمات شتاب آمیز
میتوانستند هر چه زودتر شروع کنند
دولتی که لحظه شروع به جنگ
را انتخاب میکند مزایای فراوانی
بخود اختصاص میدهد خاصه اگر
دشمنان بالقوه اش بهمان اندازه شایق
بجنگ نبوده و یا آنکه از خطر واقف
نباشند همینکه کشوری وارد جنگ شد
مصرف کم دائمی غیر نظامیان کمکی
برای بدست آوردن نیروزی سریع
است .

کشوریکه چنین برنامه ای را
تعقیب کند امیدوار خواهد بود که
از حمله از طرف هر دشمنی ایمن

بوده و در عین حال منابع داخلی اش
را تجدید سازمان داده به گرد آوری
ذخایر خود به پردازد سپس وقتی
قدرت نظامی اش باعلی درجه رسید
میتواند دیگران را بجنگ تهدید نموده
و عنداللزوم وارد جنگ شود و اگر
بخت یاری کند کشور مزبور میتواند
به فتح امیدوار باشد اگر پس از آن
بتواند این فتوحات را به ممالک
متصرفه دائمی تبدیل نماید منابع
طبیعی و سرزمین هائی را ضمیمه خود
میکند که آنرا تقریباً بیشتر بی نیاز از
غیر میکنند و این همان کشور اوتارکی
قبل از جنگ بوده است .

هیچ دولتی بدون داشتن نقشه ای
برای جنگ و وعده فیروزی نمیتواند
حمایت مردم را برای قبول فداکاری
در راه تحصیل اوتارکی جلب نماید و
اجرای اوتارکی حقیقی درون مرزهای
هر یک از کشورهای موجود معنایش
فقط شیوه دردناکی برای پائین آوردن
سطح زندگی ملی است دلیل کافی
موجود است که جیره های اندک که
در آلمان نازی بمردم داده میشد فقط
برای تسریع تجدید سازمان نظامی آلمان
بوده است اگر قرار بود همه کشورها
از آلمان پیروی نمایند و یا « اوتارکی »
را بمنزله ایده ال عملی بشناسند هیچ
یک از آنها نمیتوانست جاه طلبی خود را
عملی سازد یا مست جاودانه بچنگند
و یا ناچار بودند در داخل کشور حدود
خود انزوا جویند و سطح زندگی مردم
را باندازه تولید داخلی پائین آورند
وابستگی بیک دیگر بصورت مسالمت
آمیز اقتصادی چنانکه در ادوار اخیر
در میان کشورهای رایج است با
« اوتارکی مغایر است .

« فضای حیاتی » را غلبه ای
ژئوپولیتیک (حقی) بک ملت برجای
مناسب برای ساکنان آن میدانند
تئوری فضای حیاتی علاوه بر وسعت
مجموع تمام منابع انسانی و طبیعی را
که از طرف یک کشور ادعا میشود
و داخل فضای حیاتی) آنست مورد
بررسی قرار میدهد .

ادعای چنین حقی مبتنی بر یک
حقیقت و یک (تئوری) است . حقیقت
عبارت است از ازدیاد تصاعدی
جمعیت ملل (تئوری) عبارت است
از اینکه کشور یک (ارگانیک) یا
موجود زنده است که طبق قوانین
زیست شناسی زندگی میکند نتیجه و
معنی (تئوری) مزبور آن است که
یک کشور جوان در حال رشد باید
توسعه یابد .

در ژئوپولیتیک آلمان پیش بینی
شده است فقط کشورهای بزرگ رشد
و نمو میکنند و کشورهای کوچک
محکوم بفنا هستند ، بعلاوه همانجا
گفته شده که سایر کشورهای بزرگ
نیز دیر یا زود ممکن است روبه قمر
روند لیکن احتمال اضمحلال و زوال
آلمان هرگز مورد توجه قرار نگرفته
است .

بکار بردن (تئوری) فضای حیاتی
بشیوه آلمانی سفسطه باطلی است اول
آنکه یک کشور موجود زنده زیست
شناسی نیست گویا اینکه ظاهر آلمانی است
آنرا به چنین موجود زنده ای تشبیه نمود
نه بر این هرگز یک (قانون طبیعی)
وجود ندارد که حکم نماید یک کشور
باید پیش برود یا مضمحل گردد
دوم آنکه سرزمین هائی که آلمان
معمولاً بعنوان فضای حیاتی خود
ادعا کرده قسمتی از (اروپا) است
که در مشرق آلمان قرار گرفته و اغلب
جمعیتی آنجا از نژاد اسلاو و ندر میان
این اسلاوها و دیگران نسبت موالید
بعراتب بیش از آلمان میباشد طبق
این (تئوری) احتیاج شان به توسعه
ارضی بیشتر از آلمان است مستقی
نبودن عقاید طرفداران ژئوپولیتیک
ببرهان خلف نیز ثابت شده است .
نازمانیکه سر نوشت جنگ فرانس را
بطور غیر منتظره ای در دامن آلمان
نینداخت آلمانها هرگز ادعای فضای حیاتی
در غرب حدود (زمانی) آلمان و فرانسه
نداشتند و وجود این فرانسه کشوری
است اروپائی و همسایه آلمان که

درانجا نسبت موالید دهه‌ها سال بسیار کمتر از آلمان بوده است و این نکته فقط ثابت می‌کند که تئوری فضای حیاتی برای این وجود آمده تا بیشتر مناسب سیاست قدیمی توسعه طلبی آلمان بطرف خاور باشد تا باختر.

کوشش برای بدست آوردن فضای حیاتی چنانکه وقایع سال ۱۹۳۸ بخوبی ثابت نموده و یا موجب جنگ یا خطر شدید جنگ است باید چنین نتیجه گرفت که (تئوری) فضای حیاتی گرچه اصولاً طبع جغرافیائی دارد ولی در عمل یک وسیله سیاسی و نظامی است و برای تأیید علمی حرص و آزی است که در بسیاری از حکومتها مکنون است.

«پان رژیون» (اتحادیه منطقه‌وی) با تشدید مطامع وطن پرستهای افراطی آلمان طبیعی است که جغرافیائی دانان و از جمله علمای ژئوپولیتیک ادعای خاصی را نسبت به قسمتهای از جهان که ملت آنها امید فتحش را دارد بمیان بکشد.

از قدیم رسم در آلمان بر این جاری بوده که قلمرو و سیاسی کشور چنان توسعه یابد تا تمام مردم آلمانی زبان را با هر تاریخی که داشته باشند در برگیرد این تعاریف متفاوتی دارد بعضی اوقات زبانهای هالندی و فلاسندی جزء زبانهای آلمانی محسوب

میشدند از دوران ظهور (پان ژرمنیسم) (۱۸۹۰ تا ۱۹۱۸) دعای بی‌شماری نسبت به نقاطی که ماوراً نقاط آلمانی زبان قرار گرفته اند شده است یک قلمرو (فرهنگ آلمانی) و یک قلمرو تجار آلمانی را نیز در نقشه قسمتی از قلمرو طبیعی آلمان مناور میکردند.

باید دانست مناطقی که برای این توسعه جوئی علامت گذاری شده بود همه در مشرق آلمان قرار داشتند و این ادعا بر دو اساس استوار بود یکی مهاجرت‌های آلمانی‌ها در قرون گذشته بنواحی اسلا و نشین و ایجاد کلمی‌های زبانی در نواحی مزبور

و سایر ممالک غیر آلمانی زبان و دیگر نکار رفتن زبان آلمانی بعنوان مشترک در تمام این نواحی برای مقاومت تجار تی.

طفل و ارتباطات فامیلی...

بقیه صفحه ۸۲

تا از جنبه‌های وقایعی بیماریهای روحی که وظیفه سازمان صحتی کشور است نیز چند کلمه تذکر دهیم.

برای این مقصد فکتورهای جسمی - روحی و اجتماعی مدنظر گرفته میشود.

- اصلاح فکتورهای جسمی :
- جلوگیری از ازدواج اقارب نزدیک.

- تاسیس نمودن کلینیک‌های تربیوی اطفال جهت تشخیص و تدایوی مقدم.

- اصلاح فکتورهای روحی :
- برای دور ساختن اطفال از نزد والدین بد اخلاق و ستیزه جو از والدین رضائی یا مؤسسات خصوصی استعانت بعمل آید.

- تدارک و تهیه نمودن درسهای فرزندان پروری برای مادران بیسواد - ترتیبات جهت اصلاح تشویشات روحی مادر گرفته شود تا مادر قادر به واری مناسب طفل خود گردد.

- مکاتب باید معلمین را که در رشته روحمیات و ارتقا کرکنر طفل دارای معلومات باشند استخدام نمایند تا با کمک این پرسونل فنی احساسات طفل بصورت منظم رشد نماید.

- کلینیک‌های خصوصی برای رهنمائی و واری جوانان معیوب تهیه گردد.

- اصلاح فکتورهای اجتماعی
- میدان‌های سپورت بازی برای اطفال ساخته شود تا که ارتباط شان با محیط اجتماعی بصورت مناسب مستحکم گردد.

- تدارک حفظ الصحوی برای اشخاصیکه غایبات کم دارند فراهم گردد.

«ختم»

مطامع ارضی علمای (ژئوپولیتیک) از این نیز بالاتر بود و هر چند بمنزله کمال مطلوب محسوب میشد ولی حال که (بی‌نیازی از غیر) در قلمرو جهانی قابل وصول نبوده علمای مذکور پیشنهاد میکردند جهان سه (اتحادیه منطقه) ای (و برخی اوقات چهار) تقسیم گردد هر یک از این نواحی وسیع بزرگ را از یک قاره است. هر یک از این واحدها شامل عرضهای کم و یا متوسط جغرافیائی میباشد و با بن ترتیب تنوعی را از نظر محصولات زراعی و جنگلی که فنط چنین اقلیمی بدست میدهند، فراهم میسازد. هر یک از سه واحد مزبور با وسعتی که دارند مطمئناً دارای منابع معدنی متنوع بشمار می‌آیند بود ولی از آنجا که معدنیات بدون ارتباط با اقلیم و جمعیت کنونی توزیع شده، تضمینی بدست نمیدهد که (اتحادیه‌های منطقه‌ای) پیشنهادی سهم متساوی از معدنیات داشته باشند و تردیدی نیست که هر یک از این (اتحادیه‌های منطقه‌ای) فاقد بعضی از معدنیات خواهد بود بهر حال هر یک از (اتحادیه‌های منطقه‌ای) رابطه کافی با اقیانوس دارند و بنابراین در وضعی خواهند بود که میتوانند اقلام معدودی را که در داخله تولید نمیشود وارد نمایند.

مفهوم اتحادیه منطقه‌ای ناشی از ادعای بدین نکته است که حمل و نقل و وسائل ارتباطی سریع کنونی استنلال عمل تقریباً تمام کشور های کوچک و نیمه بزرگ را از میان برده است و با خوش بینی تمام فرض شده که وقت آن رسیده است که با قلمرو وسیع تر از قلمرو بزرگترین مثل موجود بتوانند از لحاظ اقتصادی متعادل و آواز این فرض نتیجه بگیرند که کشور های مزبور باید از لحاظ سیاسی نیز متحد باشند اما در نظر به مورد بحث این نکته بحساب نیامده که حمل و نقل بحری غالباً بر زمینهای را

که در شش طرف اقیانوسها قرار دارند زودتر و مؤثرتر بهم مربوط میکند تا حمل و نقل بری که قسمت‌های مختلف یک قاره عظیم را که با صحراها و کوه‌ها و جنگلها از یک دیگر جدا افتاده اند پیوند میدهد .

فرضیات و اشتباهات نظری مزبور این حقیقت را تاکید میکند که نظریه (اتحادیه منطقه‌ای) اختراع مردمی است که مسائل مربوط به موقعیت زمین بر فکر آنها تسلط دارد خاصه ساکنین اروپا یعنی قاره‌ای که طبیعت موانع عظیمی مانند صحرا و فلات و یخ بن‌دان قطعی برایشان پدید نیآورده چنین اند .

در رأس هر یک از واحد های سیاسی پیش بینی شده یکی از دول بزرگ موجود قرار خواهد داشت .
۱- « پان امریکن » یعنی « اتحادیه امریکا » مشهورترین نمونه نظریه « اتحادیه منطقه‌ای » است زیرا بوسیله اقیانوسهای پهناور از سایر قاره‌ها جدا شده است . فرض اینستکه ممالک متحده امریکار هجری اتحادیه مزبور را بعهده داشته باشد علمای ژئوپولیتیک از دکترا (و نووئه) بسیار تمجید میکنند و آنرا اولین نمونه (نظریه منطقه‌ای) دانسته اند که امریکای مهابت کامل بیش از یک قرن عملی کرده است آنها تمام توجه خود را بر جنبه سیاسی و تهاجم آمیز نووئه سحر کز میکنند و عناصر فرهنگی آنرا که در لغت (پان امریکن) مکنون است ندیده می انگارند . علیرغم این حقیقت که نسل کنونی در امریکای شمالی مسلم فرض میکنند که جوهر فرضیه مزبور تشریک مساعی بخاطر انتفاع متقابل است .

۲- (پان آسیا) (اتحادیه آسیائی) شامل قسمت شرقی آسیا و استرالیا و جزایر فیما بین آنهاست . جاپان به عنوان ارباب این ناحیه فرض شده است نام جاپانی این اتحادیه منطقه‌ای عبارت از (منطقه بزرگ هم رفا آسیائی

شرقی) جاپان یگانه کشوری غیر از المان است که جغرافیا دانانش مشتاقانه به ژئوپولیتیک روی آورده اند ظاهر آنفوذ شخصی هاوس هوفر دیدگان آنها را برای بکار بردن جغرافیا باز کرد آنان جغرافیا را وسیله سودمندی برای طرحهای غلبه که قبلا از طرف فرمانروایان میلیتاریست تهیه شده بود محسوب داشتند .

ژئوپولیتیسین های المان بی سرو صدا فرض میکنند و گاهی بالصراحه اظهار میدارند که وجود (پان امریکن) و (پان آسیا) موقتاً مصلحت است و از طرف المان تاهنگامی مجاز است که این کشور (اتحادیه منطقه‌ای) خود را تأسیس کند در فرصت مناسب این نواحی ناید از طرف المان که توسعه یافته بلعیده شود .

۳- (پان آریا) (اتحادیه اروپا افریقا) که قرار بود تحت تسلط المان دراید مرکب است از اروپا و افریقا نه تنها منطقه (اروپا - افریقا) که شامل کشورهای کوچک اروپا میگردد ، بلکه کشورهای بزرگ مانند فرانسه و ایتالیا نیز جزء آن میشوند . طرفداران ژئوپولیتیک المان اعتراف میکنند که موفقیت جزیره‌ای انگلستان و سرزمین پهناور روسیه مشکلاتی رابه بار میآورد .

یکی از راه حل های مشکل اتحاد شوروی آن بود که بروسیه اجازه داده شود تا (اتحادیه منطقه‌ای) چهارمی برای خود در جهت هندوستان تشکیل دهد . این منطقه پیشنهادی کاملاً به خط استوا نمی رسد و از این رو فاقد بعضی از مشخصات اقلیمی است که دیگران دارند شق دیگری که پیشنهاد شد این بود که المان صاحب روسیه شود و ژاپن نیز هند را بگیرد .

سه یا چهار بودن واحد های سیاسی پیشنهاد شده يك مسئله فرعی و ثانویك است اما نکته مهمتر وجود عملی چند (اتحادیه منطقه‌ای) است ژئوپولیتیسین ها این واقعات را

با بغض می پذیرند ولی به درستی آنها گردن نمی نهند اتحادیه های منطقه‌ای مزبور عبارتند از امپراطوری های انگلستان و تاحدی امپراطوری های دیگری که در ماوراء بحار مستقر است این مجموعه از قلم روهای سیاسی (اتحادیه های منطقه‌ای) پیشنهادی رامیان برمی کند و از این جهت باید قبل از آنکه جانشینی برای آنها پدید آید محو گردند . علمای ژئوپولیتک ساز مانهای مستعمراتی کوچک را به عنوان طعمه آسانی کنار میگذارند ولی امپراطوری انگلستان رامانعی در راه خود تلقی میکند .

بخودی خود واضح است که هیچیک از (اتحادیه های منطقه‌ای) مورد نظر بدون توسل بچنگ قابل استقرار نیست کشور هئی که در عرض جغرافیائی متوسط قرار دارند و باید نابود شوند شامل کشورهای بزرگ نیز میباشند که چنانکه جنگ اخیر ثابت کرد بدون مبارزه نمیتوان بر آنها پیروز شد تسلط نظمی بر نواحی واقع در عرض جغرافیائی کم آسانتر است اما از لحاظ سیاسی چندان عملی نیست زیرا کشورهای مزبور مشتمل بر عده‌ای از مستعمرات کشورهای واقع در عرض جغرافیائی متوسط است و تصرف مستعمرات را کشورهای صاحب مستعمره بمنزله حمله مستقیم بخاک خود تلقی خواهند کرد موانع عملی دیگر در راه تشکیل (اتحادیه های منطقه‌ای) ناشی از مشخصات جغرافیائی اینهاست و هنگامیکه به عنوان واحد های ارضی مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرند آشکار گردد در هر مورد ناحیه مسلط دارای عرض جغرافیائی متوسط بر اثر موانع طبیعی عظیمی از لحاظ تماس زمینی از مناطق وابسته بخود واقع در عرض جغرافیائی کم جدا شده است در امریکا فقط از راه دریا وغوا باهم ارتباط مؤثر دارند . و هنوز خیلی

مانده تا او این جاده های آنها که دوقاره را بهم متصل میسازد. تمام شود زیرا کوهها و جنگلهای فراوان جاده هارادر چندین نقطه قطع میکنند بعلاوه بخش جنوبی امریکای جنوبی بوسیله جنگلها و باطلا قهای (امازن) که فلات خشک و بلند ولم بزرع (اند) نیز بدانها افزوده شده از باریکه شمالی قاره جدا مانده است ژاین (منطقه همرفاه) خودرا فقط با حفظ قدرت دریائی که برای ارتباط جزایر متعدد لازم است و نیز با نگهداری نیروی زمینی که برای تسلط بر قسمت شرقی قاره آسیا کفایت کند میتواند کنترل نماید روسیه و هندوستان نیز از یکدیگر بوسیله کوههای تقریباً غیر قابل عبور با فلات های سرد و بیابان های کم ارتفاع جدا شده است. فقط (اروپا-افریقا) در دو منطقه منقطع است و دریای مدیترانه المان حکمروا را مجبور میکند تا نیروی دریائی کافی نگاهداری کند تا نقطه های خروج دریای مدیترانه را ببندد و سرویس حمل و نقل در سراسر این دریا داشته باشد.

در قدیم نیروی زمینی چنین عملی را انجام داده بود و شاید بتوان آنرا باز تکرار نمود. اما زمینهای بایر صحرای نظر از مناطق قطبی، مانع غیر قابل عبوری است که در روی کره زمین باقی میماند کشوری که بر (اروپا-افریقا) کنترل دارد باید برای محیط بودن بران مانند اربابان (پان امریکا) و (پان آسیا) مسلط بر اقیانوسها باشد.

هر کوششیکه برای تشکیل اتحادیه منطقه ای بشود چنانکه تا بحال در دو مورد ثابت شده سبب اشتعال نائره جنگ میگردد. و اگر این اتحادیه از راه غلبه بوجود آید فقط ترکیب روسیه و هندوستان را میتوان بدون نیروی دریائی مسلط حفظ نمود. و وجود بیش از یک چنین نیروی باوحدت

اقیانوسها سازگار نیست از اینرو (اتحادیه های منطقه ای) پیشنهادی از لحاظ سیاسی از کشور های بزرگ کنونی ثبات بیشتری نخواهند داشت باوجود اشکالاتیکه وجود دارد فکر تشکیل اتحادیه ها امری کاملاً تخیلی نیست موفقیت قابل ملاحظه ژاین و المان در تصرف مناطقی که بچنگ آوردند اولین قدم بسوی جنب آنهاست. صرف نظر ازین که ثابت شود فتح های مزبور در جات مختلف زود گذر است.

قدرت زمینی در برابر قدرت دریائی علمای ژئو پولیتیک برای بهم پیوستن سر زمین های مختلف روشی را اتخاذ کرده اند که باشیوه ما کیندر اندکی تفاوت دارد این روش زمینهای (اروپا-آسیا-افریقا) را بزرگترین و پر جمعیت ترین و ثروتمند

خوابیدم و بخواب دیدم
 که زندگی زیبایی است.
 از خواب برخاستم و زندگی
 را وظیفه یافتم.
 آلن هوپر

مست باش و مخروش. گرم
 باش و معجوش. شکسته باش
 و خاموش که بسوی درست را
 دست بدست بر ندوشسته را بدوش
 نجات خواهی، مبتلی شو
 بقاطبسی از پی فنا شو.
 خواجه عبدالله انصاری.

درین دنیای سخت، دوستی
 عامل بسیار زرگی است زیرا
 دوستی خود فراموشی می آورد
 و انسان هم نمیتواند کار بزرگی
 انجام بدهد مگر اینکه خود را
 فراموش کند. جفیری فاربل

ترین تمام ترکیبات ممکنه زمین میداند و اگر از لحاظ وسعت نیز باشد اراضی مزبور مرکز ثقل حیات انسانی است و آنرا میتوان جزیره اصلی در اقیانوس جهان شمرد. سایر قاره ها در اطراف این (جزیره جهانی) مانند حلقه های از جزایر پیرامونی قرار گرفته اند.

قلب (جزیره جهانی) ناحیه بزرگی است که از اقیانوسها جداست و در سراسر قسمت اعظم این ناحیه رودخانه هایابدریای یخ بندان اقیانوس منجمد شمالی یا بدریایا و دریاچه های نمک داخلی می ریزند و در هیچ جارودخانه های قابل کشتیرانی با اقیانوسهای قابل کشتیرانی مرتبط نیست این (سرزمین) مرکز پایگاه بزرگی برای قدرت زمینی است و پایگاه مزبور بالقوه و نیرومندترین آنها در روی زمین است.

در حاشیه این سرزمین مرکز در مغرب و جنوب شرق هلالی از زمینهای قرار گرفته که با اقیانوسها راه دارند.

این سرزمینها همه تاحدی ممالک دریائی هستند و هر یک از دیگری با کوهها و صحراها و دریاها جدا شده است دو گروه بزرگ از کشور های جزیره ای، یعنی جزایر بریتانیا و مجمع الجزایر ژاین بزرگترین قدرتهای عمده دریائی محسوب میگردند و راه این هلال داخلی اقیانوس جهان را (هلال خارجی) جزایر قاره ای امریکا، افریقای سیاه و استرالیا قطع کرده است. غلاطی آنها بر دو نوع است و پیرامون مساحت قابل ملاحظه سرزمین های خود دسترسی با اقیانوسها دور میزند در حال حاضر آنها بر مدار قدرت دریائی میگردند. اما ممکن است توسط یک دولت مرکزی که بانسلط بر هلال داخلی، نیروی دریائی را نیز بر نیروی زمینی خود افزوده باشد پایمال گردند.

زمانه مطالبو خو ټگي ...

مختلف رسمونه او رواجونه او دنا جائزو رواجو په بنا د ژوندانه

تريخوالی اور بېر و نه

آقامحمد «بیغرض»

- ۸ -

پاڼه

څرنگه چه بیخایه رسمونه او رواجونه چه هیڅ شرعی او مذهبی ضرورت مینځ کښي نه وی د کورنیو او ټولنو د اقتصاد د بربادی سبب گرځي او چه د ژوند اقتصادي بڼه ضعیفه شوه د ژوندانه ټول اړخونه له وخیمو عواقبو سره مخامخ کیږي او ژوند د دلخواه په طور نه بلکه د زماني په ډیرو سختو کړاوونو سرته رسیری - د فکر تناقص، د علم او پوهی نشتوالی یوایخی او یوایخی دفتر او سرگردانی څخه سرچینه اخلی چه بنا پر دی سبب ژوند همه واړه په کړاوونو او سختیو تیریری، بنا آ گرانو لوستونکو ته هغه بیخایه رسمونه او رواجونه پدی لاندی کښي وړاندی شویدی کوم چه زمونږ او تاسی اقتصادی ژوند خرابوی او په ډیرو پریشانو موخته کوی. پس لازم دی چه په ترک کولو او باطل شمیرلوئی له ټینگی ارادی څخه کار واخلو چه له یوی خوا هم بخان دمنورو بخوانانو په حیث د داسی رواجو په ترک کولو کښي پیشقدم وبولو او هم له بلی خوا د خپل او نورو وطنوالو د بیخایه پریشانو مخه ونیسو او خپل وطنوال وپوهوو چه دا بیخایه رسمونه اورواجونه بالکل له مینځه یوسی او خپل ژوند پیش لدی چه په ډیرو غموخته کړی نورومفیده ؤ کاروته عملاً اقدام او هڅه وکړی ترغو په یو اراده او متفق ډول و کولای شو په یو جهان خوشحالی او آرامی او په ورین تندی اوروغ صورت د خپل گران وطن په ترقی کښي د صدقانه خدمتونو مصدر وگرځو .

چه په بعضو طبقو او خلکو کښي شته اوداد یو خاص مقصد دتر سره کولو په غرض هم کیږی - د مثال په توگه اکثر خلک په واده او کوژ دن کښي تماشه لکه کوی چه نیندره غونډه کړی او خپل پور د خلکو ته واخلی او چالهئی ور کړی اما بیخبر له دی چه دا مصلحتی رواجونه او رسمونه بیارو رو په خلکو کښي خواره شی چه لکه مذهبی رسمونوئی پوره کول فرض وی او همداسی د کلونو کلونو را روان رسمونه

کښي دومره آسان دی چه هیچاته تکلیف نه ور کوی او شته من او حتی هر انسانئی په آسانی پوره کولای شی ولی که دا ساده او آسان رسمونه اوس اوس گران شویدی نودا د خلکو خپل کاردی چه ساده ساده رسمونه دومره مشکل او گران کړیدی چه اوسئی خپله نشی پوره کولای اونه ئی سرته رسولای شی او که ئی سرته رسول غواړی نو بیا آخری عمرئی تول په غم او ژرات تیریری . بل قسم رسمی رواجونه هم دی

د رواجونو، د نور و رسمو علاوه دوه قسمونه دی - یو قسم رسمونه هغه دی کوم چه مذهبی شمیرل شوی مراعات ئی جائز او معقول بلل کیږی لکه د نکاح رسم - سنت او د سړی تجمیز تکفین او تدفین - داداسی مذهبی رسمونه دی چه په هر قام کښي شته البته سنت رسم په مسلمینو کښي شته او په نورو کی نشته - د نکاح او سړی سنت، سنت رسم په هر قام کښي شته اما طرزونه او طریقئی ئی مختلف او بیل بیل دی - مذهبی رسمونه د مراعات په ماحه

دخلكو په مغزو کې داخل شي چه بياني له مينځه وړل كفر مجسو بيري - په دې رسمونو كښې يوقام داسې انځبتي شي لكه چه ديو بد عادت په كسبولو او شروع كولو كښې انسان روروتري كوي مثلا كه يو نفر بل نفر د سگرتو په ځكلو وويني نو دهغه په زړه كښې هم داخيال او ووسه پيداشي چه هغه ددې خوندي اولدت وگوري چه كيف او ذائقه ئې څنگه ده او اثر ئې څه دي. يادخپلو رفيقانو په خبرو كښې راشي چه (ډير كيف لري بيمعمل سر كدودې لير شاتنه وځيښه او كنه) په شروع دهغه په ځله سگرت لكه دزهرو لگي خوييارو رو داسې عادت شي چه دشربت ډېلي په مثال دسگرتوقطې هيڅ كله له جيبه نه ايسته كوي او كه پوهيږي هم چه سگرت او نور مسكرات دمال او دوات اود صحت اوروغنيا دپنځمن دې ولي هغه دعادت برسيره كولو په هكڼه مجبوره وي او دغسې هر عملي سړي د ځان مل پيدا كوي او چه كوم عادت په خپنه كوي هغه نورو ته رهنمائي كوي هغه خبره ده چه بڼه سره كښې نو بڼه زده كړي او چه بدسره جخت شي نو بد زړه كړي، كوم شي چه ورته په اول كښې بد او ناوړه ښكاره شي هم هغه ئې بيا مرغوب طبع شي دغه حال درسم او رواج په جنجال كښې دانښنودې چه څوك يو وار په دې جنجالو كښې اخته شي پس هغه بيا دخپل ماحول نه مجبوره وي او وائي چه مونږ داسې ونسكرو او پدې رواجونو ځان مقيدونه بولو پوزه به سوږي كړه شي په تيره، تر بور او عزيز ولي كښې به وشرميږو او د سترگو لگولو به پاتي نه شو. پس دواده په موقع كې هم دا حتمې كيږي چه سترگي پټې كړي قرض، پور كړي او خپل نوم په خاطر يو پر دوه څرخ كړي خلق آفرين ووائي، واه

واه وكړي اولاسونه وسندي اولار شي. د اودونه او ښادې دهر انسان په ژوند كې ارومرو راځي اما د خوشحالي سره سم غمونه هم جخت وي او حتى داهم كيداي شي چه دډير غم او انديشني په اوبو كښې د خوشحالي زمان لاهوشي او په دې سبب نن صبا كه غم دي او كه خوشحالي دواړه انساني ژوند تباه كوي ځكه چه دواړه رسمونه گران شوي دي، گرچه شته مننه طبقه تريو اندازي خپل ځان حمايت كولاي شي ولي غريب خلك د داسې مزخرفاتو رسمونو ددرونه پټي لاندې داسې په تكليف شي چه بيا تر نه ځان نسي خلاصولاي او كومه لږه، ډيره خوشحالي ئې چه په نصيب وي هغه هم د ژوند په ژور كوهي كې غرقه شي. واده، كوژدن، سنت او د هلك پيدايښ او سرگلي دا دژوند هغه خوشحاله وختونه دي چه ډير كم راځي او په دې سبب مونږ ددې خوشحالي دښودلو له كبله په قرض پورپسي راواخلو او هغه ډېل خرڅونه وكړو چه هيڅ حاجت ئې نه وي. بيساره ډوډي او اقسام د خرڅو په دې پور آماده شي چه څوك دا ونه وائي چه موزي دي، غريب دي او يا خپله خوري اوبل ته ئې نه ور كوي وغيره وغيره او دې خبروته ځان مقيد كول داسې كزاف خرڅ كړي چه سټ ورته مات كړي او دا بيلخايه خرڅ كول آيا په آخر كې د خوشحالي په ځاي دغم باعث نه گرځي؟؟ په واده كښې بيلخايه رسمونه مثلاً دناوي دپاره قبعتي جوړي اخستل كالي جوړول زيورات او گانښي، لس دولس وخته ميلاستيا وركول دا ټول فضول خرڅي نه دي؟؟ او په تيره تيره هغو اشخاصو ته چه مالي طاقت ئې لري وي!!؟ ځكه چه په قرض روپي

را واخلې او هغه وخت چه پري ها هو وكړي شي خود دې رسم د انجام نه پس چه يو څو ورځي تيري شي قرض خواه راشي او سخرگي هغه اضافه كالي چه اخستي دي بياني به خرڅولو اقدام كوي ولي بيا هغه كالي هيچيري په هغه قيمت نه خرڅويږي په كوم ئې چه اخستي دي اما د مجبوري نه په كم قيمت هم خرڅ كړي او كه چيري د كالي په خرڅولو هم قرض خلاص نه شي نو بياني چه څه ډوله پټي وي هغه اول گرو كاندي او بيا خرڅ شي.

اودغسې دځانندان دژوند دتباهي او بربادي بنياد كښيږدي شي او اكثر د وطن نه بي وطنه شي خود دې قسم د زرگونو واقعاتو باوجود دمورځ په ورځ په دې رسمونو كښې زياتي كيږي او كمې نشته ددې قسم په واقعاتو كې له يو خوا يو كورني په معاشرتي بدحالي كښې گرفتاره شي نو بل خوا د ښځي او خاوند په ژوند كښې هم دزړه بد او بې بنياد كښيږدي شي، په واده ياسنت كښې ډوډي وركول يواځني مقصد دا دي چه خيرات وشي او هغه خوار غريب هم ښه خوراك وخوري څوك چه پخپله دداسې خوراك نه محرومه وي بل دا چه يو بل سره دميني او ښه پيرزوني اساسات قايم شي اودا رسم ځكه زمونږ رسول مقبول «ص» هم دخپل امتيانو د پاره غوره كړيدي، خو افسوس چه دا رسمونه په افراطي ډول زمونږ په وطن كښې يو معمائي شكل ځانته اختيار كړيدي په داسې فرصت خپل، پردې اودوسان ډير مېلمانان راجمع شي كه د كورخاوند په قرض اخلي او كه په سودولي دخپل نوم دخاطره به پسي لگوي اودسيلمندار ومدار په په ښه توگه كوي، دواده يا كوم بل ښادي په موقع كور به ډوډي په انتظام بوخت وي او ډوډي تيار كړي وي

ولی زموڼر په پښتنو کې دا هم دغه مودی نه رواج گرځیدلی دی چه یو کس ته بلنه ورشی نو هغه به د خان سره دوه یادری کسان فالتو د ساگری په حیث راوولی اوددی نتیجه داوی چه تیاری شوی ډوډی لږشی او بیانور دیگونه باندی شی چه په دی شان ئی یو خرڅ دوه چنده شی اود بهرنو میلمنونو علاوه په خپل لځای کښی هم ډیر په بی دزدی د کور به خرڅ کولی شی او هغه داسی چه د کلی او گاونډه خلک و خوری او هم کورو نو ته یوسی او دا خیال او فکر نه کوی چه نور خلک لاهم پاتی دی چه خپل چاره کوی اود بل غم ورسره نوی بله دا خبره هم ده که چیری کور په میلمه رخصتوی او ورسره ئی یوغوری وریشی ورنکړی نو بیا وائی چه لارو او یوه مری موو خوره که نه وی ئلی نو هیڅ به نه و - موږ ورله ډنک غوری ور کړی ؤ او دوی پوز پریکړو کړه یو ئالی هم نه ؤ چه د ماشومانو دپاره خوئی را کړی وای نو پښتون خو پښتون دی (هغه پښتو دا خبره کله زغملی شی هغه دخپل عزت ناموس د پاره دوسره خرڅ وکړی چه راغلی خلک ور ته حیران شی خو ولی آخر ته هغه بیا خپل ژوند ته حیران شی چه څنگه تیریری اودانه یوالخی د بنادی خرڅ په ډوډی ور کولو ختمیږی بلکه د واده په تیه به تماشه جوړیږی او بیه میلمونډ کیری کله بیا را بللی خلک وائی چه داسی چپ واده غه خوند کوی، مری په ژ را بنائسته ښکاری او واده په تماشه - خوچه په تماشو کښی کومی بر بادی کیږی نو هغه څنگه به اتلافی شی، ولی زیاهم د تماشی داند رسم په خلکو کښی نن هم ورځ په ورځ زیاتیری که چیری لږ پام وکړی شی اودا مصارف یوالخی او یوالخی د ناوی او هلک دآینده ژوند د بهبودی لپاره وسائل شی اود دوی مالی ژوند حمایت شی نو د هغوی مستقبل به پری روښانه شی ولی ځینو خلکو کښی په داسی رسمونو علاوه بده رسمونه هم شته لیکن دا رسمونه

ډیر لږدی او هغه داچه چاکره مری وشی نو په لمړیو ورځو کښی دوستان او گاونډیان او عزیز تر یور ورله ډوډی لیری چه پداسی وخت کښی دا رسم ډیر مفید دی لکه چه د کور خلک په غم وی اودا ډوډی د ناستو خلکو په کار راشی ولی د اینه رسم ډیر لږدی بلکه دمری په وخت هم دارسم عام دی چه یو خوا جنازه لارشی او بل خوا دیگونه باندی شی د کور به د زړه نه به وینی غاڅی ولی د میلمنو خاطر مدار به کوی گڼی وړ پسی سپوری ستغی اوڅه اوڅه وائی اودغسی هغه خاندان ته یو خوالحالی نقصان رسیدلی وی او بل خوا په مالی نقص او بدحالی کی راگیرشی - که وس ئی رسی او که نه خو جمعه په جمعه په دیگونه باندی کړی چرگ حلوا او یرائی پخوی اودولوی صاحب کړه به ئی لیری چه بیا وړ پسی غلویشی راشی او په دی سبب خو که قرض اخلی او که لځمکی گرو کاندی یا خرغوی ولی دیگونه به ضرور پخوی میلمانه به راغونډشی او هغسی لکه واده دیو کس په لښه دوه دری کسه ورسره لځی اوداسی به معلومیږی لکه چه د واده دعوت ور کولی شی په داسی وخت کی هم ډوډی په ډیره بی دزدی تقسیمیری او کور به غیب بیا په قرضو او مالی تاوانو گرفتارشی .

د واده په حلقه چه زموڼر په خلکو کی مروح او عام دی نو هغه هم ډیر نامناسب او خراب دی لکه د مثال په طور دیغلی د سر سودا په کله یوسره او کله بل سره کولی شی او څوک چه د سر روڼی ډیر ور کړی او وریشی او نور جنس او غوری زیات ور کړی نو هغوی ته به ئی ور کړی په دی وخت کی دجنی د مستقبل ژوند ته هیڅ پام نوی چه د خلک اخلاق څنگه دی ؟

آیا چرسی نه دی د ښک عمل نلری ؟
 اور اعمال ئی څنگه دی ؟!

همدارنگه ډیر خلک شته چه د سر پسی نه اخلی ولی هغوی کښی لځه ټول وطنوال کښی دارواج عام دی

چه څه وخت ډولی کورته راوورئ نور سره ورسره د ډولی محتویات ته نظرویی که چیری ددوی دخپال نه لیری ئی بوس دیغلی د ژوند ورځ په شپه بدله شی - سخړگنی ورسره ټوله په ترس چلیږی په خبره خبره پیغور ور کوی چه فلانی سره دوسره راغلی دی اوتاسره هیچ نه دی همدارنگه که یو شته من د غریب دپاره په لاره کی ازغی خواره کړی بلکه دارسم اوس ورځ په ورځ دخپل حدنه اوزی او اکثر ددی بد رسم په وجه دینخی او خاوند تر مینځ تعلقات خراب شی او بیا دده د طرفه د دینمی بنیاد کښودل شی .

که چیری موږ د اسلامی پانی واروئ نو دا خبره په شپه بیان گر گند شی چه موږ رسول مقبول (ص) چه خپله لور حضرت فاطمة الزهرا (رض) حضرت علی کرم الله وجهه ته ودوله نو څومره په آسان رسم ئی نکاح وکړه اود واده رسم ئی په لځای کړی ؤ نو پښتون اولس څرنگه چه دخپل مذهب اسلام خدمت ئی دخپل لځان قرض عین گڼی نو ولی نن په دی حلقه دخپل لوی رهبر (ص) په قدم ، قدم نه ږدی اودخپل نامدار رهبر د زرینو اصولو څخه تقلید او پیروی نه کوی !! کوم سور پلار ته چه خدای تعالی ډیر څه ور کړی دی او هغوی د اسلام د اصولو مطابق خپلی لور او خور ته برخه ور کړی ئو دی . دامطلب خونه دی چه بل دی پری خپله کورنی کښی جنگونه شروع کړی چه تاله ئی ولی نه دی در کړی هر سر پری په وس پړدی دچاپه ور کړه څوک ټول عمر نه پائی داداسی رواجونه اورسمونه دی چه که چیری هر یوه لځوان وغوازی چه خپل ماحول خلک دی له مشکلاتو څخه بیچ کړی نو دداسی قبیحو رسمودی مذمت وکړی او خپل لځان هم وساتی اودا دوس کاردی دهرچا په اختیار کښی دی په دی څوک د پښتو نولوی یاد اسلام نه شی ولی بلکه اسلام ته لږدی کیږی او پښتو نولوی به ئی قائمه شی .

دشادی یادغم درسمونونه علاوه
 دمیلمنو دمیلمستیا رسم هم ډیر عجیبه
 غوندی دی . وخت بی وخته به میلمه
 راشی او قدر به غواړی او که لیر
 کوتاهی اوبی قدری وشوه نو
 دکور به مجبور یو نو ته به نه گوری
 خو خبری به ورپسی چوری کړی .
 دناروغه پوښتنه هم زمونږ په خلکو
 کښی یو ضروری رسم دی گڼی بیانی
 مری ژواندی پاتی شی چه دکوم
 کورنی غړی ناجوړه شی نو دچم
 گاونډی خلک به ورځی یو دوه نه بلکه
 پوره جوپه ؟ بیا که کوروی او که
 روغتون خود میلمنو دخطر اومدار
 انتظام به شروع شی دناروغ په خوا کښی
 به داسی مجلس گرم وی چه داسی
 معلومیږی چه واده ښادی ده په داسی
 وخت چه کور به په کار کښی لگیا شی
 نو خپل مریض به تری نه هیرشی .
 نه ئی ددارو اودرمل غم فکرووی
 اونه ئی دخوراک ! او که ناروغ
 هرڅو جغی وهی چه شور مه کوی
 ولی دهغه ضعیفه آواز په گترو
 خبرو کی غیب شی .

او کور به به ورته دسترگو
 په اشارو کښی وائی چه چپښه میلمانه
 دی خفه به شی ولی میلمانه په داخیال
 نه کوی چه هغه دناروغ پوښتنی ته
 راغلی دی او خپلو پردو خبرو کولو
 دپاره نه دی راغلی او دارنگه
 دارسمونه اورواجونه هم په غای
 دقائدی دتکلیف باعث شی - که واده
 دی که دمړی سنابلینت او که
 دناروغ پوښتنه داداسی رسمونه دی
 چه دژوند سره تړلی دی اودارسمونه
 په ښه آسانه طریقه هم کیدی شی .
 او هغه داسی چه هر انسان داسوج
 وکړی چه دخپل توان اوطاقت ته به
 زیات خرڅ نه کوی دخپل غادر سره
 به پښی وغزوی . او چه غوک داسی
 کوی نوهیڅکله او هیچیری به ئی نه

خپل ژوند دغم ښکار کیری اونه به ئی
 دنورو وطنوالو - ځکه چه هر فرد
 دخپلو نورو وطنوالو ستن وی که
 چیری دگران وطن مشران داسی
 مشالونه وړاندی کړل نو خپله به
 ورو ورو دایلیایه رسمونه دخلکونه
 ولاړشی ځکه چه خدای پاک چاته
 دولت ورکړی وی نوهغه خود داسی
 رسمونو توان لرلی شی ولی غریب
 چه په دی رنگ کښی رنگ شوی وی
 اودماحول نه مجبوره وی نو دا
 فضول رسم دهغه ژوند تباہ کړی
 اودخلکو دخندائی کړی دلبروخت
 خوشحالی تری نه دتول عمر خوشحالی
 یوسی .

په واده ، کوژدن ، سنت او یا
 مړی کښی دجوړی ورکولو نه
 دمرادنه دی چه ارومرو دی دیگونه
 پاخه شی اودخپل طاقت نه دی زیاد
 خرڅ اومصرف وشی ځکه چه داخو
 په خپله غاړه چاره راکښل دی او په
 غان ظلم کول دی کوم چه الله تعالی
 هیچیری نه خوینوی - هرغه په مناسبی
 اندازی کول په کاردی او کوم شی
 چه دخپلی اندازی نه زیاد شی نوخوندی
 خراب شی او که دا وویو نویلیایه
 په نه وی چه په داسی مواقعو د غریب
 په مقابل کښی دشته من زیاد خاطر
 مدار کیری که چیری لږ سوچ
 وکړشی نو دا دواړه انسانان دی
 دواړه دالله تعالی پیداوینت دی -
 خو یو سره پیسی ډیری وی اوبل
 سره لږ - ! پیسی خودلاس خیری دی .
 په عارضی دولت دومره غرور نه دی
 پکار بلکه سیرت ته کتل په کاردی
 کاش ! چه نن هم زمونږ وطنوال
 بیدارشی او هرڅوک ددی خبری عهد
 وکړی خپل غان او اولاد به ددی بدو
 رسمونونه په امان وساتی .

دنن آرامی به ځمونږ مستقبل
 روښانه کړی او چه دقام هروگری

خوشحاله او آباد وی نویا هله
 دستقبل اوحال ودانیدی شی .

دپښتون خلکونه به داتول رسمونه
 لری شی که چیری تعلیم یافته طبقی
 ملاوتړی او په دی حقله ئی کلی په کلی
 او پرهرغای جلسی وکړی او بیاد کلی
 مشرانو ته په ساده رسمونو ئی دواده ،
 کوژدن ، سنت ښادی نمونی په
 عملی طور وړاندی کړی .

که چیری داسی شول نو که
 خدای ته منظوره وی نو داتول بیلیایه
 رسمونه اورواجونه به ورو ورو
 دخلکو نه ولاړشی کوم چه دژوند
 دتباہی او بربادی سبب گرځیدی دی
 اودخلکونه به مفلسی هم لیری شی
 کوم قوم چه ددی رسمونو په وجه
 پیدا کیری .

که چیری یوڅو کسان زړه کلک کړو
 او په ساده طریقی کوم چه دمنه ب
 په نزد غوره وی اود معاشرت د پاره
 فائده مند دی په غم او ښادی کښی
 خپل کړل نونور به ئی خپله شروع
 کړی اوداسی به ورو ورو په خلکو کی
 دساده او آسان رسمونه اورواجونه
 ښه والی خورشی اودا به دهر هغه
 کورنی اودبنی نوع ښیگری وی کوم
 چه به دارسم تول شروع کړی .

کابښ ! چه دهر وطنوال په زړه
 دخپل همنوعو دپاره رښینی مینه را
 پیدا شی اودگران وطن نه دمالی اوالغانی
 بدحالی او پریشانی لری کړی اوددی
 رسمونو دانسداد دپاره لکه دژوند
 دنورو ضروری کارونو ملاوتړی
 ځکه چه دژوند واړه خوشحالی په دی
 خرابو رسمونو کښی تباہ شوی دی
 اگر که دا کار به ډیر وخت واخلی
 ولی راتلونکی نسلونه به ددی غضب
 اومصیبت نه په امان وی او چه بیاد دی
 رسمونو دتباہی او بربادی قصی
 واورى نوخپلو مشرانو ته به دعاگانى
 کوی .

دَاوُدُ حُرُونِي



مهمان اعلیحضرت معظم

همایونی جلالتمآب پودگورنی صدر هیأت رئیسه

عالی اتحاد شوروی در افغانستان

طیاره را به صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی معرفی فرمودند. سپس ذات ملوکانه با مهمان محترم شان جانب گارد احترام رفته و در محل مخصوص تشریفاتی اخذ موقع فرمودند. درینوقت موزیک سرودهای ملی اتحاد شوروی و سلام شاهی افغانستان را نواخت و بیست و یک توپ برسم احترام فیر گردید. مهمان محترم در حالیکه ذات ملوکانه نیز تشریف داشتند گارد احترام را معاینه فرمودند، بعداً یک دسته اطفال خورد سال که بالبرس های ملی ملبس بودند دسته های گل به نمایندگی شهریان کابل به مهمان محترم ذات شهرپاری اهدا نمودند.

فاتح کابل، بناغلی محمد هاشم میوندوال صدر اعظم، دوکتور عبدالظاهر رئیس ولسی جرگه، سناتور عبدالهادی داوی رئیس مشرانو جرگه، ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی، بناغلی علی محمد وزیر دربار سلطنتی بناغلی نور احمد اعتمادی معاون صدارت و وزیر امور خارجه شرف معیت ذات شاهانه را داشتند در نزدیک طیاره از مهمان گرامی خود استقبال کردند.

پس از آنکه اعلیحضرت معظم همایونی مهمان محترم شان را خیر مقدم گفتند بناغلی پودگورنی همراهم معیتی شانرا بحضور شاهانه معرفی کردند. ذات ملوکانه مستقبلین نزدیک

اعلیحضرت معظم همایونی بتاريخ ۸ جوزا ۱۳۴۶ از مهمان محترم شان نیکولای پودگورنی صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی پذیرائی کردند.

هزاران نفر از شهریان کابل مهمان محترم اعلیحضرت معظم همایونی را استقبال کردند.

نیکولای پودگورنی صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی ساعت ۵ و ۹ دقیقه قبل از ظهر ۸ جوزا بدعوت اعلیحضرت معظم همایونی برای انجام یک سیافرت رسمی چهار روزه وارد کابل گردیدند. ذات ملوکانه در حالیکه والاحضرت مارشال شاه ولیخان غازی



اعلیحضرت معظم همایونی و بناغلی پود گورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی حینیکه احساسات گرم مردم را در میدان هوایی کابل قبول می فرمایند .

پس از آنکه نیکولای پود گورنی و اعلیحضرت معظم همایونی استقبال گرم مسقبلین را در میدان هوایی قبول نمودند به سواری موتر در حالیکه توسط یکدسته موتر سائیکل سواران بدرقه می شد جانب قصر چهلستون براه افتادند. جاده های خط سیر مهمان گرامی اعلیحضرت معظم همایونی با پرچم های اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان مزین شده و در هر قسمت دروازه هایی برپا شده و فوتو های اعلیحضرت معظم همایونی و بناغلی پود گورنی جلب نظر می کرد، شهریان کابل اعم از مردوزن، پیرو جوان در دو کنار جاده ها از میدان هوایی بین المللی کابل تا قصر چهلستون ورود موکب اعلیحضرت معظم همایونی و مهمان محترم شانرا با نثار گل و صداها و شعار های خوش آمدید استقبال می نمودند. ذات شاه نه مهمان مجرم شانرا تا قصر چهلستون همراهی نمودند. اعلیحضرت معظم همایونی ساعت

۸ شب مذکور در دعوتیکه با افتخار نیکولای پود گورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در قصر دلکشاء ترتیب یافته بود در ضمن بیانیۀ خسروانی فرمودند :

جلالتآب عزیز !

مسرت دارم بار دیگر از جانب خود، حکومت و مردم افغانستان جلالتمآب شما و همراهان محترم تانرا خیر مقدم میگویم. آمدن جلالتمآب شما با افغانستان به سلسله مسافرت های متقابل زعمای دو کشور که در تاریخ معاصر روابط ملتین، یک مظهر نیک و عالی دوستی و حسن هم جواری میباشد موجب مسرت عمیق ما گردیده است. همچنان این مسافرت از عوامل تشدید علائق، حسنه ایست که از وقت استقلال افغانستان مقارن بزمان تاسیس دولت شوروی تحت رهبری لین فقیه تا کنون بین کشور ما و اتحاد جمهوریت های اشتراکی شوروی استوار می باشد.

مبای پایدار این دوستی اعتماد

و احترام متقابل بوده و از چندین سال باین سو همکاری وسیع اقتصادی بدان تحکیم مزید بخشیده است. دیدن دوباره دوستان شوروی در محفل امشب خاطرات گوارای مسافرت های ما را به کشور زیبای شما تجدید میکند. پذیرائی با حرارت و صمیمانه ای که مردم مهمان نواز شما در خلال مسافرت ها - از مانوده اند همواره مایه شادمانی و مورد قدر دانی ما می باشد .

خوشبختانه ملت های افغانستان و شوروی در مرور این سالها یکدیگر را بهتر شناخته و علائق دوستی باهمی و اعتماد متقابل را بهم تقویت داده اند. در طول این مدت پیشرفت های بیترنگ مردمان کشور دوست ما که ایسال پنجاهمین سال تاسیس اتحاد شوروی را تحویل میکنند، در ساحات مختلف حیاتی و مخصوصاً مساعی و پیروزی شان در راه دست یافتن بشر بر فضای خارجی که در تاریخ دانش بشری مقام ارزنده دارد پیوسته



اعلیحضرت معظم همایونی با جلالتآب نیکولای پودگورنی در میدان هوایی بین المللی کابل

کشورهای دوست را که در جمله ایشان اتحاد شوروی مقام برجسته دارد صمیمانه قدر دانی میکنند. سهم مساعدت و همکاری وسیع دولت شما در موفقیت یلانهای پنجاهه اول

کردن اصلاحات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قدمهای اساسی گذاشته مساعی خود را پیهم در راه بهبود شرایط حیاتی خویش بکار میبرد. مردم ما مساعدتهای مالی و فنی

مورد تحسین مردم افغانستان بوده است. ملت افغانستان به تلاش خود در راه پیکار با عوامل نامساعد اقتصادی ادامه میدهد و توأم با آن برای عملی

و دوم افغانستان خیلی بارز بوده خاطرۀ آن بحث یك نمونۀ موثر دوستی در نزد مردم ما باقی خواهد ماند .
 افغانستان پیر و اصول بیطرفی مثبت، عدم الحاق به پیمان ها و دسته بندی های نژاد سازی بوده آرزومند توسعه مناسبات با همه ملل جهان بر اساس احترام متقابل میباشد .
 همچنین حمایت از اساس منشور ملل متحد و حل صلح جویانۀ مسازعات بین المللی با احترام به آرزو های ملل و سردمان و تأیید حق تعیین سرنوشت ملل و پستی پائی مجاهدات ایشان در مقابل استعمار بالشکال میخلف آن مبنای ثابت سیاست خارجی افغانستان را تشکیل میدهد .
 امید است اقامت متخصصر جلالتمآب شما درین کشور دوست تان بخوشی سپری گردد .
 آرزو مندم با فراهم شدن فرصت آشنائی با مردم ما در مواقع مختلف مظاهر علاقمندی صمیمی ایشان را به ملت دوست و همسایه ما اتحاد شوروی مشاهده نمائید .

متن بیانیه بنیاعلی نیکولای
پود گورنی صادر هیئت رئیسه
شورای عالی اتحاد شوروی
اعلیحضرتا :

آقایان محترم !
 پذیرائی محبت آمیز و تهریکاتی که نسبت به اتحاد شوروی و مردم ما اظهار فرمودید . به تاثیر عمیق بخشید از سخنان مؤدت آمیز و مهمان نوازانه اعلیحضرت تشکرات صمیمی خود را اظهار داشته و آنرا مظهر احساسات دوستانه میدانیم که مردم افغانستان و اتحاد شوروی بیکدیگر دارند و استقبال گرم و شور انگیز امروز که مردم کابل از مانمودند گواه درخشان دیگری بر این امر میباشد .
 خوشه قلم از جانب هیئت رئیسه شورای عالی و حکومت اتحاد شوروی سوسیالیستی و از طرف مردم شوروی تهریکات صمیمی و نیکوترین آرزومندی های صحت و سعادت را به اعلیحضرت همایونی ، جلالتمآب صدر اعظم و همچنین به افغانان علیقدر که اینجا حضور

دارند و به مردم افغانستان تقدیم داریم . ما بالین عقیده اعلیحضرت که روابط بین کشورها و ملل ما مبنی بر حسن همجواری دوستی و حسن نیت بوده بر پایه اعتماد و احترام متقابل قرار گرفته است کاملاً موافقیم .

اعلیحضرتا ما درین امر نیز هم عقیده میباشیم که تماس های شخصی بین زعمای کشور های ما عامل مهمی است که بمنظور برقراری و حفظ اینگونه مناسبات مساعدت میکند .

در ماه می سال ۱۹۱۹ مردم افغانستان به اثر مبارزه فداکارانه خود بر ضد استعمار گران خارجی استقلال ملی خود را بدست آورده و در راه ترقی مستقلانه ثابت قدم گردیدند . از آن زمان تا کنون روابط اتحاد شوروی و افغانستان همواره دارای خاصیت و جنبه دو ستانه حسن همجواری میباشد .

ما همه از اینکه کشورهای ما بنفع طرفین همکاری اقتصادی و تجارتنی خود را بسرعت توسعه داده باهم روابط فرهنگی و کلتوری دارند رضایت مندی



اعلیحضرت معظم همایونی و بنیاعلی پود گورنی حین افتتاح بند برق نغلو .

عمیق داریم در بین کشور های ما را جمع بمسائل مهم بین المللی به نفع تأمین صلح و امنیت ملل تبادل افکار دایمی صورت میپذیرد .

روابطی که بین اتحاد شوروی و افغانستان برقرار شده از نه فقط با منافع ملل ما بلکه منافع سایر کشور ها نیز مطابقت دارد. تاریخ مناسبات حسن همجواری ما سرمشق و نمونه بارز آنست که چگونه در عمل و نه با کلمات روابط دول برپایه اصول احترام متقابل به حاکمیت و استقلال ملی، مساوات حقوق و عدم مداخله در امور یکدیگر برقرار میگردد .

مردم شوروی از سیاست خارجی صلح

طلبانه افغانستان تقدیر شایانی مینماید این سیاست معرف و مبین منافع ملی افغانستان بوده در عین حال به امر حفظ و استحکام صلح جهانی و مبارزه برای از بین بردن کامل استعمار نیز خدمت میکند .

اعلیحضرتا : فعالیت شما برای تحکیم استقلال افغانستان و اقتصاد ملی آن و توسعه روابط نیک با کشورهای دیگر موجب احترام است .

در اتحاد شوروی از مسافرت های اعلیحضرت معظم همایونی و علائندی و توجه خاصی که نسبت به زندگی مردم و کشور ما مبذول فرموده اید گرم ترین خاطراتی باقی مانده است . ما در انتظار تشریف فرمایی اعلیحضرت همایونی میباشیم و شادمان خواهیم بود که از اعلیحضرت شهریاری صمیمانه استقبال نماییم . اجازه بفرمائید این جام خود را بسلامتی اعلیحضرت همایونی پادشاه افغانستان و برای رفاه و سعادت مردم



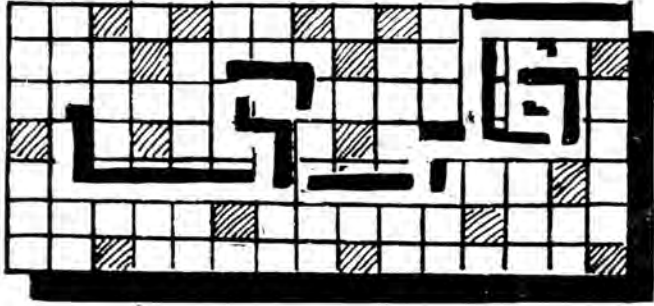
حینیکه اعلیحضرت معظم همایونی باغلی پود گورنی در میدان هوایی کابل وداع میفرمایند

و هشت گروه مختلفه ورزش های بدنی که در رأس هر یکی آن یک نفر جنرال مؤظف گردیده است جهت پیشرفت و تربیه سپورت ها و ورزش مختلفه بدنی سوئد امانت یزم مؤظف گردیده که در تقوید و نیروی جسمانی و معنوی متسویین اردو فعالیت نموده نظم و دسپاین و روحیه باهمی و همکاری را در بین تماماً قطعات و مؤسسات عسکری ایجاد و مخصوصاً سلامتی جسمانی و فکری آنها را درین راه تأمین نماید . این کمیته از صاحب منصبان صلاحیت دار و بصیر تشکیل گردیده است که اولین جلسه آن تحت ریاست ش.ع، ش.د.گر جنرال سردار عالی قوماندان قوم بروز چهارشنبه ۱۶ جوزا ساعت ۴ بعد از ظهر بانواع اولین جلسه آغاز و تا ساعت ۶ و ۳۰ در اطراف این اساس نامه بحث و مذاکره بعمل آوردند و در نتیجه تصاویر لازمه اتخاذ گردید .

افغانستان بلند نماییم و بگویم روز افزون و استوار تر باد دوستی ملل اتحاد شوروی و افغانستان . جلالنماب نیکولای پود گورنی در طول اقامت شان با اعلیحضرت معظم همایونی بند بقر نغفور ابتاریخ ۱۱/۳/۶۶ افتتاح فرمودند و نیز از شاهراه سالنگ و تونل های آن دیدن کردند . بالاخره جلالنماب پود گورنی و همراهان شان ساعت ۱۱ و ۱۵ دقیقه قبل از ظهر روز ۱۲ جوزا کابل را مقصد مسکو ترک گفتند . * * *

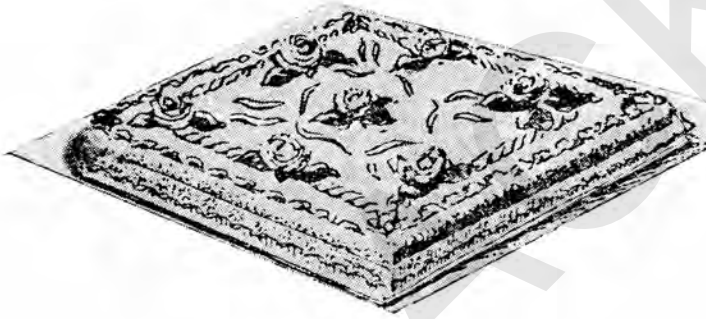
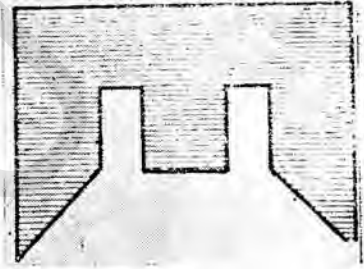
قرار اطلاع واحده در این اواخر نظر به صوابدید مقامات صلاحیتدار و تصویب مجلس عالی عسکری کمیته بنام تربیه بدنی و کلتوری اردو تحت ریاست ع،ع، ش.د.گر جنرال سردار عالی قوماندان قوایمركز جدیداً تشکیل گردیده است این کمیته بداخل يك جنرال سكرتريت

مشغولیتها می

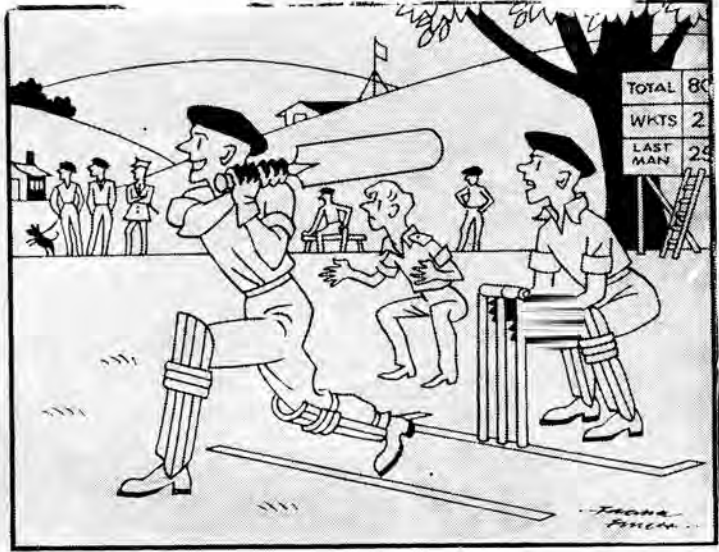


کیک جشن تولد

شخصی به ای جشن تولد کیکی تهیه نموده، و آنرا بوسیله سه خط مستقیم به ۷ قسمت تقسیم کرد، با این طرز تقسیم روی هر قسمت جدا شده یک گل گرفت، آیا میتوانید بگوئید که کیک را چطور بریدند.



این شکل را روی کاغذ جدا گانه ترسیم کنید. بعد با کشیدن چهار خط آنرا به ۷ قسمت طوری تقسیم کنید که بعد بتوانید از قسمتهای جدا شده یک مربع درست کرده بتوانید.



ده اختلاف

درین دو شکل که ظاهرآ باهم مشابه اند، ده اختلاف جزئی دیده شده میتواند، اگر پیدانمودید بنویسید تا بنام شما نشر گردد.

جواب دقت کنید

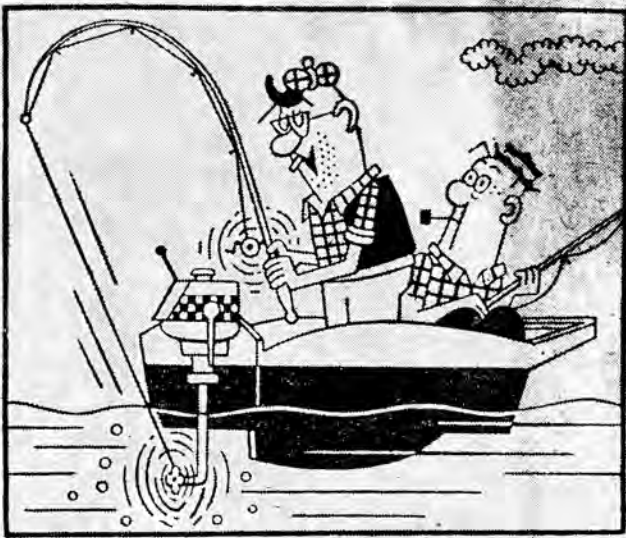
چهار سیب را به چهار نفر بدهید ، سیب پنجم که در سبد باقی مانده همراه سبد به نفر پنجم بدهید .



جواب دو مرمی بفاصله

پنج دقیقه

این قتل در وقتی طبیعی می بود که صدای گلوله پشت سر هم شنیده میشد اما فاصله گلوله ها نشان می دهد که یکی کشته شده و پنج دقیقه بعد دیگری بقتل رسیده ، اگر یکی آنها با فیر او کشته شود چگونه می تواند پنج دقیقه تیر اندازی کند و نفر بعدی را بکشد به همین دلیل نتیجه گرفته می شود که شخص ثالث اولاً رامون را کشته و بعد منتظر الفرد شده و الفرد را پنج دقیقه بعد با تفنگچه رامون بقتل رسانده است برای آنکه فکر پلیس را منحرف کند نامه ای نوشته و آنرا در میان اوراق را مون گذاشته پس از یک سلسله تحقیقات قاتل حقیقی گرفتار شد و بار تکاب دو قتل اعتراف کرد .



(جواب هفت اختلاف)

- ۱- دسته موتور روی قسمت سطرنجی
- ۲- پطلون مرد ایستاده
- ۳- آستین مرد ایستاده
- ۴- خط وسط فایق
- ۵- دست مرد نشسته
- ۶- دسته سیاه بالای مخزن بنزین
- ۷- رادماهی گیری

د عسکر دمور او پلار خواله

له منصبدار سره

گرانې منصبداره زوی موز تاوته سپارلی دی
زوی مو په خوار یواو زار یورا لوی کړی دی
ته ئی اوس هم پلاریسی هم ئی وروریسی هم دده غمخور
مونز نه در جلا شوده کور دی د عسکرو کور
دی پوه شه اوته پوه شه اوستا گور اوایمان پوه شه
گوره منصبداره مینه ئی ساته ستا وجدان پوه شه
دا زموږ بچی دیر نابله نازولی دی
ستا زوی او اولاد دی مونزه تاته دربخشلی دی
زموږ د نازولی زوی نه ئی عسکر تیار کړه ته
دیر په محبت دی هم روان په سمه لار کړه ته
وی روزه چه تینگ شې د غلیم وگزارونوته
وساتی وطن او تسلیم نه شی سیلابونوته
خلقه کړه په ده کی د بنداری او خدائی مینه
وروزه په ده کی د وطن او د تولواک مینه
ده کنبی د خائن او مرتجع نفرت پیدا کړه ژر
ده کی د وطن او د ملت مینه پیدا کړه ژر
ده نه یوسپیڅلی با ایمان زمري افغان جوړ کړه
ده نه با همته با غیرته یو انسان جوړ کړه
دی د ملت زوی ده په زور ولاړ ملت بوله
دی غښتلی ستنه ده په ده ولاړ دولت بوله
دی به وطن ساتی د وطن گټه به تل ساتی
ځان به جاره وی خود وطن گټه به تل ساتی
تول عسکر کړه یوموتی یوزره ملی وحدت کړه جوړ
گرانې منصبداره له دی لاری نه ملت کړه جوړ
دا د ځان ځانی مفکوره ورکه او رور واچوه
تو کړه منافق ته ارغدی په کورور واچوه
گوره چه عسکر د استعمال په ناروانه شی
دا ښکلی ځوانان زلمی د لاس آله د چانه شی
خدای، وطن تولواک ستاسو شعار دی داشعار دی پاک
دوی ته وفا داراوسه اوساته لوی نعمت د خپلواک



اعلیٰ حضرت معظمہ ہمایونی حین ابراد بیانیہ دردعو تیکہ بافتخار جلالتمآب نیکولای پودگورنی صدر ہیئت رئیسہ
شورای عالی اتحاد شوروی درقصر دلکشا

وزارت دفاع ملی - ستر درستیز

شماره چهارم - سرطان ۱۳۴۶

داسیس کال ۲۱ حمل ۱۳۹۹

AFGHAN ARMY REVIEW

Address: De urdu Mudjella Kabul - Afghanistan

Tel. 24574

Subscription rate For Foreign Countries: 5 dollars

Jun - Jul

1967

افغانستان - کابل

دملی دفاع مطبعه